

# سوره الرحمن الرحيم

صاحب امتیاز: محمدرضا زائری  
مدیر مسئول: مرتضی وافی

تحریریه: میثم غضنفری  
دبیر سرویس تاریخ و اندیشه: حسین سخنور  
دبیر سرویس ادبیات آیینی: امیر عیسی ملکی  
دبیر سرویس جامعه: علی حقیقت  
دبیر سرویس مردم‌شناسی: پیمان اسحاقی  
دبیر سرویس هیئت: مجید رزازی  
دبیر سرویس رسانه: مطهره آخوندی  
دبیر بخش هنرهای نمایشی: هانیه خاکپور  
سیدحجت سجادی‌زاده، داوود بهلولی  
برهان محمودی، علیرضا پورامید، محمود مکتبی

همکاران این شماره: مجید سلیمیان، الهام حسینی  
جواد جواهری، سعید رضا غضنفری، جلال بیطرفان  
محسن واحدی، جواد محمدی، فرامرز رحمانی  
محمد علی بیطرفان، محمدجواد اسماعیلی نژاد  
سلیمان جهان‌دیده، یادا... جباری، فاطمه ایدوست

ویراستاری و تصحیح: مریم گل‌باز  
طراح نامواره: حمید عجمی  
صفحه آرایی و طرح جلد: علی اکبر محمدخانی  
عکس: پیام اکبری

## مردم‌شناسی / ۵۹

پژوهشی در مراسم نخل‌گردانی روستای ده‌ملا ..... ۶۰  
حلقه حلقه حسین حسین گویان ..... ۶۳

## رسانه / ۶۹

امام حسین (ع) و عاشورا در ویکی پدیا ..... ۷۰  
انحصار رسانه‌ای در اختیار آموزه‌های دینی ..... ۷۲  
تصویر، قالبی ناقص برای بیان مفاهیم مذهبی ..... ۷۴  
ابتکار، عنصر فراموش شده شبکه قرآن ..... ۷۶  
رادیو و برنامه‌های مذهبی قبل از انقلاب اسلامی ایران ..... ۷۷  
خبر و گزارش ..... ۷۸

## هیئت / ۳

هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند ..... ۴  
هویت و کارکرد هیئت‌های مذهبی ..... ۵  
معرفت ره‌آورد هیئت ..... ۸  
عاشورا حدیث بیداری ..... ۱۲  
جمادی‌الاول در گذر تاریخ ..... ۱۴

## جامعه / ۱۵

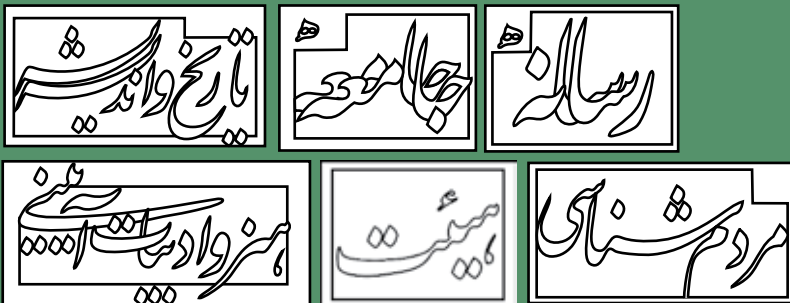
جامعه‌شناسی هیئت‌های مذهبی نیاز به نگاه نرم‌افزاری دارد ..... ۱۶  
جامعه‌شناسی هیئت‌های مذهبی؛ از روپا تا واقعیت ..... ۲۰  
کارکرد هیئت‌های مذهبی بیشتر از رسانه‌هاست ..... ۲۳  
باید حال و هوای موزه عاشورا منطبق با شرایط زمان باشد ..... ۲۶

## هنر و ادبیات آیینی / ۲۹

بحر طویل ..... ۳۰  
انقبای آگاهی ..... ۳۱  
خیرالامور اوسطها ..... ۳۲  
مضمون ناب ..... ۳۴  
پخش تعزیه از تلویزیون ممنوع است ..... ۳۶

## تاریخ و اندیشه / ۴۱

قربانی؛ تقرب یا خونریزی ..... ۴۲  
رسانه شیعه ..... ۴۶  
سنگ دل را سرمه کن در آسیای معرفت ..... ۵۶



مطالب خود را در یک طرف کاغذ A4 بنویسید.  
خیمه در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است.  
برگشت دادن مطالب ارسالی امکان‌پذیر نیست.  
بهتر است برای مکاتبه از پست الکترونیکی استفاده کنید.

چاپ: سه‌هنگ گرافیک / ۳۰۰۰۰۰ هزار نسخه

با همکاری مرکز مطالعات راهبردی خیمه  
با حمایت سازمان تبلیغات اسلامی





## فرهنگ مظلوم، مظلومیت‌های فرهنگی! (۲)

### مرتضی وافی

در سرمقاله پیشین این نکته یادآوری شد که پایگاه‌های مذهبی، به عنوان یک ظرفیت عظیم اجتماعی و موقعیت رسانه‌ای می‌تواند، زادگاه هنری و فرهنگی شیعه به حساب آید. از این رو هیچ‌گاه نباید در ارائه نظرات، راهکارها، نقدها و تصمیم‌گیری‌ها بر اساس تجربیات شخصی، سلیق فردی و اظهار نظرهای غیر علمی قضاوت کرد.

قضاوت‌هایی که گاه انعکاسش در نهادها و عناصر تصمیم‌ساز جامعه، خود آسیب‌ها و انحرافات جدی را به بار می‌آورد.

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها، توجه لازم به «الگوسازی در عرصه فرهنگ است». جای تأسف است که نامگذاری سال اصلاح الگوی مصرف، اذهان را فقط به سمت آب و برق و گاز و ... برده و ما را از وضعیت اسفبار عرصه فرهنگ در ریخت و پاش‌های برنامه‌ای و از هم‌گسیختگی‌های موجود در اجرا غافل می‌سازد!

اشاره به برخی از موارد خالی از لطف نیست: ۱- الگودهی و مرجعیت‌سازی در عرصه فرهنگ نیازمند یک ارتباط قوی، جامع و هدفمند در تمامی بخش‌هاست.

تفکیک و جداسازی بخش‌های پژوهشی و واحدهای اجرایی بدون تعریف یک ارتباط منطقی در مسائل فرهنگی، می‌تواند هم بخش پژوهش را دچار آسیب سازد و هم در تولید،

اجرا، توزیع و مصرف کالای فرهنگی ما را با مشکل مواجه سازد. فرض کنیم محصولی برای مبلغان کشور، مادحان یا هیئت‌های جامعه منتشر یا تولید شود، مؤلفان و صاحبان این آثار تا چه میزان در فضای کشور، اصل نیازسنجی، مخاطب‌شناسی، مطالعه افکار عمومی و مباحث جامعه‌شناسی را آموخته و لحاظ کرده‌اند؟! آیا آنها که دست‌اندرکار برگزاری یک همایش یا کنگره هستند، برای دعوت سخنران، تعیین موضوعات و سرفصل‌ها، شیوه برگزاری همایش، ترکیب شرکت‌کنندگان و نحوه تبلیغات و اطلاع‌رسانی بر اساس مطالعه روش‌های مدرن، پیشرفته (و البته با توجه به فضاهای فرهنگی و دغدغه‌های اصیل و دینی جامعه) اقدام می‌کنند؟

۲- همین فقدان ارتباط را در بخش‌های دولتی و مؤسسات و مجموعه‌های غیر دولتی نیز می‌بینیم. گرچه در نهادهایی چون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان ملی جوانان، استانداردها، وزارت کشور بر ضرورت خصوصی‌سازی در عرصه‌های فرهنگی تأکید و بر نقش مؤثر مؤسسات، NGOها و شکل‌های غیر دولتی پافشاری شده است، اما نحوه تعامل، شیوه عقد قراردادهای جهت‌دهی‌های بی‌مورد به نوآوری‌های فرهنگی، ایده‌های نو و تصدی‌گری‌ها (از آن باب که هر کس صاحب پول و ردیف بودجه دولتی است، پس می‌تواند

خود را در جرح و تعدیل طرح‌ها، آثار و تولید محصولات فرهنگی صاحب حق بدانند؟! خود ظلمی است که از این جهت بر مؤسسات فرهنگی و بخش‌های غیر دولتی در عرصه فرهنگ می‌رود و خلاصی از این فشار را می‌توان در ایجاد اتحادیه‌های مؤسسات و بنیادهای فرهنگی در زمینه‌های تخصصی جست‌وجو کرد. راه‌اندازی «اتحادیه مؤسسات عاشورایی» و شکل‌گیری «بنیاد عاشورا» از جمله طرح‌هایی است که مرکز خیمه در موضوع امام حسین (ع)، عاشورا و مناسک آیینی پیشنهاد کرده است.

۳- ضعف الگودهی و مرجعیت‌سازی فرهنگی گاه از آنجا نشأت می‌گیرد که شناخت لازم نسبت به نیروهای انسانی فرهنگی، بودجه‌های سرگردان منطبق، اختیارات و امکانات تشکیلاتی وجود خارجی نداشته و از همین رو بهره‌مندی از این امکانات عظیم نیز میسر نمی‌شود، هزینه‌هایی که بابت سوخت و ساز منابع انسانی و نیروهای فکری و یا اجرایی، حرکت‌های موازی و مشابه و کسل‌کننده فرهنگی، فضا‌سازی تبلیغی و رسانه‌ای صورتی، تصنعی و تکراری (که حتی ما را از قافله تبلیغات اشی‌مشی و چای حمید نیز عقب می‌اندازد!) آن قدر زیاد است که می‌توان به عنوان مصداق کامل اسراف، یعنی خرج هزینه، نیرو و مال بدون اثر و کارایی به حساب آورد. ■

والسلام  
مدیرمسئول

# خیمه

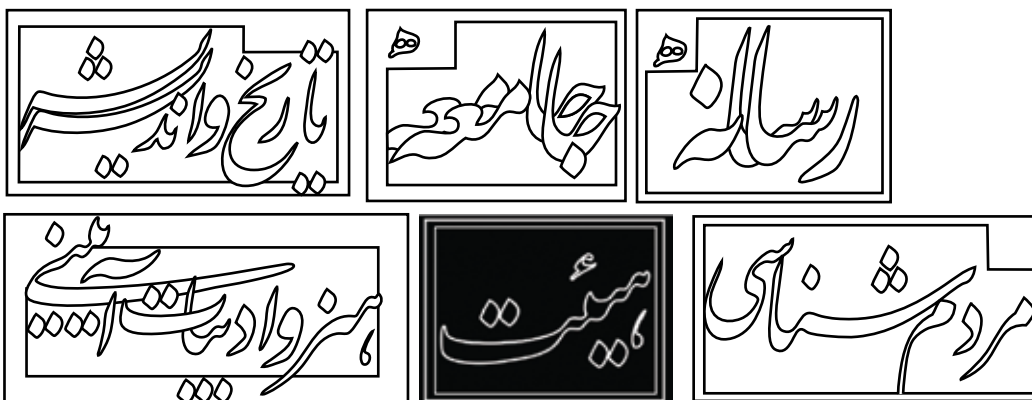
ماهنامه  
فرهنگی  
اجتماعی  
خیمه

KHEIMEH  
Cultural- Social  
Monthly



در این بخش با نگاهی از منظر جامعه‌شناختی شرایط زمانی به هویت و کارکرد هیئت‌های مذهبی سعی شده تأثیر این دو بر یکدیگر را بررسی کنیم. مصاحبه با «حجت‌الاسلام اسکندری» و معرفی مجموعه «راویان کربلا» از دانشگاه امام صادق (ع) نیز از موضوعات دیگر این بخش است.

KHEIMEH  
Cultural - Social  
Monthly



# هدف، وسیله را توجیه نمی کند

## گزیده‌ای از نهج البلاغه

«خدا روی مصقله را زشت کند، کار بزرگواران را انجام داد. اما خود چونان بردگان فرار کرد؛ هنوز ثناخوان به مداحی او برنخاسته بود که او را ساکت کرد. هنوز سخن ستایشگر او به پایان نرسیده بود که آنها را به زحمت انداخت. اما اگر مردانه ایستاده بود، همان قدر که داشت از او می‌پذیرفتیم و تا هنگام قدرت و توانایی به او مهلت می‌دادیم.»<sup>۱</sup>

اینها سخنان امیرالمؤمنین (ع) درباره مصقله بن هبیره، یکی از فرمانداران امام (ع) است. حضرت این سخنان را در سال ۳۸ هجری در حالی ایراد فرمودند که مصقله، اسیران بنی ناجیه را از فرمانده لشکر آن حضرت خرید و آزاد کرد، اما وقتی از او غرامت خواستند به طرف معاویه فرار کرد.

اصولاً زندگی بر مبنای شیوه عیاری جذابیت‌هایی دارد که مطلوب همگان است. غافل از اینکه «هزار نکته باریک‌تر از مو اینجاست/نه هر که سر بتراشد قلندری داند.»

«چه مقدار با شما کوفیان مدارا کنیم؟ چونان مدارا کردن با شتران نواری که از سنگینی بار، پشتشان زخم شده و مانند وصله زدن جامه فرسوده‌ای که هرگاه از جانبی آن را بدوزند، از سوی دیگر پاره می‌شود. هرگاه دسته‌ای از مهاجمان شام به شما یورش آورند. هر کدام از شما به خانه رفته، درب خانه را می‌بندید و چون سوسمار در سوراخ خود می‌خزید و چون کفتار در لانه می‌آرمید. سوگند به خدا! دلیل است آن کس که شما یاری‌دهندگان او باشید، کسی که با شما تیراندازی کند، گویا تیری بدون پیکان رها ساخته است. به خدا سوگند، شما در خانه‌ها فراوان و زیر پرچم‌های میدان نبرد اندکید و من می‌دانم که چگونه باید شما را اصلاح و کجی‌های شما را راست کرد. اما اصلاح شما را با فاسد کردن روح خویش جایز نمی‌دانم. خدا بر پیشانی شما داغ دلت بگذارد و بهره شما را اندک شمارد. شما آن گونه که باطل را می‌شناسید از حق آگاهی ندارید و در نابودی باطل تلاش نمی‌کنید. آن گونه که در نابودی حق کوشش دارید.»<sup>۲</sup>

چقدر جالب است که امام امت «اصلاح جامعه» را در قبال «فاسد کردن روح خویش» جایز نمی‌داند. اما جامعه

در روز قیامت آنچه را که زینت داده انکار می‌کند و آنچه را که آسان کرده، بزرگ می‌شمارد و از آنچه که پیروان خود را ایمن داشته بود، سخت می‌ترساند.»<sup>۳</sup>

«دعویایی نسبت به یکی از احکام اجتماعی نزد عالمی می‌برند که با رأی خود حکمی صادر می‌کند. پس همان دعوا را نزد دیگری می‌برند که او درست بر خلاف رأی اولی حکم می‌دهد. سپس همه قضات نزد رئیس خود که آنان را به قضاوت منصوب کرده، جمع می‌شوند. او رأی همه را بر حق می‌شمارد! در صورتی که خدایشان یکی، پیغمبرشان یکی و کتابشان یکی است. آیا خدای سبحان، آنها را به اختلاف، امر فرمود که اطاعت کردند؟ یا آنها را از اختلاف پرهیز داد و معصیت خدا کردند؟»<sup>۴</sup>

«... و چه بسا عقل که اسیر فرمانروایی هوس است.»<sup>۵</sup>

و این گونه هوسرانی‌های ناشی از خودمحوری و خودانگاری است که آدمی را در گرداب شهوات و به تبع آن جوامع را در بحر مشکلات فرو می‌برد.

«خدا هرگز جباران دنیا را در هم نشکسته مگر پس از آنکه مهلت‌های لازم و نعمت‌های فراوان بخشید و هرگز استخوان شکسته ملتی را بازسازی نفرمود مگر پس از آزمایش‌ها و تحمل مشکلات. مردم! در سختی‌هایی که با آن روبرو هستید و مشکلاتی که پشت سر گذارید، درس‌های عبرت فراوان وجود دارد. نه هر صاحب قلبی، خردمند است و نه هر دارنده گوش‌ی شنواست، و نه هر دارنده چشمی بیناست.

در شگفتیم! چرا در شگفت نباشیم؟! از خطای گروه‌های پراکنده با دلایل مختلف که هر یک در مذهب خود دارند! نه گام بر جای پیامبر (ص) می‌نهند و نه از رفتار جانشین او پیروی می‌کنند. نه یه غیب ایمان می‌آورند و نه خود را از عیب بر کنار می‌پندارند و زشتی‌ها همان است که آنها منکرند. در حل مشکلات به خود پناه می‌برند و در مبهمات تنها به رأی خود تکیه می‌کنند، گویا هر کدام، امام و راهبر خویش هستند که به دستگیره‌های مطمئن و اسباب محکمی که خود باور دارند، چنگ می‌زنند.»<sup>۶</sup>

### پی‌نوشت:

- ۱- خطبه ۴۴
- ۲- خطبه ۶۹
- ۳- خطبه ۱۲۶
- ۴- خطبه ۸۳
- ۵- خطبه ۴۳
- ۶- حکمت ۲۱۱
- ۷- خطبه ۸۸



## هویت و کارکرد هیئت‌های مذهبی نگاهی از منظر جامعه‌شناختی شرایط زمانی

مجید رزازی

ولو آنکه در برش‌هایی از زمان پرتو این چراغ به ظاهر چراغ لرزان و کم‌سو و در مقطعی دیگر پرفروغ و درخشان بود.

هیئت‌ها در طول حیاتشان یک هویت و به تبع آن یک کارکرد اصلی داشته‌اند که به تناسب اهداف آن ثابت و لایتغیر باقی مانده است. این هویت، هویتی اعتقادی و آرمانی در چارچوب معتقدات اسلامی بوده و کارکرد آن نیز پاسداشت مقام منبع امامت از طریق برپایی آیین‌های ویژه مذهبی بوده است.

محوریت این کارکرد، به دلیل برجستگی‌های خاص نقش ولایی حضرت سیدالشهداء (ع) در تاریخ اسلام، با موضوع عاشورا و کربلا بوده است.

هیئت‌های مذهبی، در طول قرن‌ها تاریخ خود در ایام محرم و صفر، به اوج فعالیت خود رسیده‌اند و در سایر ایام سال، هرگاه ولادت یا شهادت یکی از ائمه معصومین (ع) فرا رسیده، در غم و شادمانی آل ... (ع) شریک شده‌اند.

اما این هویت و کارکرد ثابت با شاخ و برگ‌هایی هم همراه بوده است؛ شاخ و برگ‌هایی که به تناسب فصل، رنگ و بویی متفاوت یافته‌اند.

به بیان دیگر، در کنار هویت و کارکرد

ایران، به عنوان سرزمینی با پیشینهٔ پر بار مدنیت در طول تاریخ دیرینهٔ خود تشکلهای اجتماعی بسیاری را تجربه کرده است؛ تشکلهایی که نقش‌هایی گوناگون را ایفا کرده و گاه تأثیرات عمیقی بر روابط اجتماعی این مرز و بوم داشته است. اما «هیئت‌ها»، به عنوان یکی از این تشکلهای، از یک مشخصهٔ خاص برخوردار بوده‌اند و آن ویژگی «ماندگاری» است. ماندگاری هیئت‌های مذهبی در طول تاریخ عمیق شکل‌گیری‌شان، ریشه در اعماق اعتقادات دینی ایرانیان دارد.

**هیئت‌ها حتی در هنگامی که در اوج هویت جنبی خویش بوده‌اند از هویت و کارکرد اصلی‌شان یعنی هویت اعتقادی و کارکرد تجلیل و تکریم از ائمه معصومین غفلت نکرده‌اند**

مردم مسلمان ایران در پیوند مخلصانه و مستحکم با ایمان آسمانی خویش، هرگز هیئت‌های مذهبی را از آن هنگام که در بستر همین معتقدات شکل گرفتند، وانگذازدند و پیوسته در فراز و نشیب‌های تاریخ اجتماعی، «چراغ ایزدی هیئت‌ها» را روشن نگاه داشته؛

هویت و کارکرد، دو مفهوم عام هستند که در هر مجموعهٔ واحد، بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. هویت، کارکرد را تعریف می‌کند و کارکردها بر هویت هر مجموعه اثرگذار هستند. بنابراین مطالعهٔ موردی هر یک از این دو مفهوم، بررسی و مطالعه‌ای کامل نخواهد بود.

این مطلب می‌کوشد به بررسی هویت و کارکردهای هیئت‌های مذهبی بپردازد و روند تغییر هویت‌ها و کارکردهای ثانویهٔ هیئت‌ها را در دهه‌های اخیر، مورد امعان نظر قرار دهد. نگارنده بر ضرورت تعریف هویت و کارکردهای ثانویهٔ هیئت در شرایط فعلی تأکید کرده و پیشنهاد واکزالی کارکرد تقویت هویت دینی و اعتقادی جوانان را -بر اساس نیازهای محسوس امروزی- به هیئت‌ها ارائه کرده است.

این مطلب از منظر جامعه‌شناختی شرایط زمانی در مقاطع مختلف دهه‌های اخیر (پیش از انقلاب اسلامی و پس از آن) به مقولهٔ «هویت و کارکرد هیئت نگاه می‌کند».



ثابت هیئت‌های مذهبی، می‌توان هویت‌ها و کارکردهای جنبی و حاشیه‌ای نیز برای آنها تعریف کرد که به تناسب مقاطع خاص زمانی و

**هیئت‌ها، در زمان انقلاب  
هویت فرعی مبارزاتی  
و کارکرد مبارزه را پذیرفتند  
و این هویت و کارکرد را  
تا سرنگونی کامل رژیم ستمشاهی  
و استقرار نظام جمهوری اسلامی  
حفظ کردند**

شرایط ویژه اجتماعی تغییر یافته‌اند. در واقع هیئت‌ها گاه بین کارکرد اصلی و کارکرد جنبی خود، در عمل، ادغام دل‌انگیزی برقرار می‌کنند و با جذاب‌ترین شکل ممکن، ابتکاراتی را برای آمیختگی کارکرد اصلی با کارکرد جنبی خویش شکل می‌دهند. نکته قابل توجه در این کارکردها، حفظ اصالت و ارزش هویت و کارکرد اصلی هیئت‌هاست. به عبارت دیگر، هیچگاه حتی در هنگامی که هیئت‌ها در اوج هویت و کارکرد جنبی خویش بوده‌اند، از هویت و کارکرد اصلی‌شان، یعنی هویت اعتقادی و کارکرد تجلیل و تکریم از ائمه معصومین (ع) و زنده نگه داشتن نام و یاد حضرت ابا عبدالمطلب (ع) نه تنها غفلت نکرده‌اند، بلکه اجازه پررنگ‌تر جلوه کردن هویت و کارکرد فرعی هیئت را نسبت به هویت و کارکرد اصلی آن نداده‌اند.

به عنوان مثال در اوج روزهای منتهی به پیروزی انقلاب که قیام ملت ایران با عاشورای حسینی تلاقی زیبایی یافته بود و تب و هیجان انقلاب، همه جامعه را در خود گرفته بود، هیئت‌ها

کارکرد مبارزه را پذیرفتند و این هویت و کارکرد را تا سرنگونی کامل رژیم ستمشاهی و استقرار نظام جمهوری اسلامی حفظ کردند.

**هویت انقلابی، کارکرد تعمیق انقلاب**

اما با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، هیئت‌های مذهبی نمی‌توانستند به هویت جنبی مبارزاتی و کارکرد مبارزه با رژیم استمرار بخشند و ناچار به پذیرش هویت و کارکردهای جنبی متناسب با شرایط تازه اجتماعی بودند؛ شرایطی که در آن، انقلاب اسلامی، به عنوان انقلابی تازه شکل گرفته، نیازمند سازمان‌دهی، تقویت و نهادینه کردن ارزش‌ها و نقش‌های انقلابی بود. در چنین شرایطی، هیئت‌های مذهبی، طبعاً هویت انقلابی و کارکرد تعمیق انقلاب را پذیرفتند و با تعریف این هویت و کارکرد تازه، به ایفای نقش نوین خود در عرصه‌های اجتماعی پرداختند.

در واقع هیئت‌ها، انقلاب اسلامی را ثمره تلاش سال‌های طولانی خویش می‌دیدند و این وظیفه را برای خویش قائل بودند که تا سرحد توان و امکان آن را تقویت کرده و زمینه‌های استمرار و تعمیق آن را فراهم آورند.

در نخستین ماه‌های پیروزی انقلاب حتی بسیاری از جلسات حساس و مهم مملکتی در هیئت‌های مذهبی برگزار می‌شد. چراکه دست کم یک هیئت کاملاً شناخته شده - به نام هیئت مؤتلفه - به طور خاص، از فعالان عرصه‌های انقلاب در سطوح هدایت و مدیریت آن به حساب می‌آمد و تعداد قابل توجهی از دست‌اندرکاران هدایت و مدیریت انقلاب نیز در سایر هیئت‌های مذهبی عضویت داشتند و از این جهت، هیئت‌ها در آن مقطع خاص زمانی، به محلی برای برپایی جلسات انقلابی در حاشیه برپایی آیین‌های مذهبی تبدیل شده بودند. سایر هیئت‌ها نیز به دلیل دلبستگی‌های

**هویت دفاعی  
و کارکرد رزمندگی  
در طول سال‌های دفاع مقدس  
با تار و پود هیئت‌های مذهبی  
در آمیخته و تبدیل به  
هویت و کارکرد  
ثانویه آنها شده بود**

عمیق اعتقادی به انقلاب از فضای انقلابی دور نبودند. به این ترتیب، حفاظت از دستاوردهای انقلاب اسلامی و تلاش در جهت تعمیق آن، بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، به کارکرد

ابتدا هویت و کارکرد اصلی خود را بروز می‌دادند و سپس در پس‌زمینه آن، به هویت مبارزاتی و کارکرد مبارزه با رژیم ستمشاهی همت می‌کردند و این اهتمام از محفوظ ماندن شیوه سینه‌زنی و زنجیرزنی در محرم و عاشورای سال ۵۷ شمسی و نیز حتی حفظ شیوه نوحه‌سرایي و دم‌های سینه‌زنان و زنجیرزنان کاملاً مشهود بود و کارکرد هیئت‌ها در حیطه مبارزه با رژیم، تنها با درآمیختگی برخی مفاهیم مبارزاتی با محتوای نوحه‌ها و دم‌های حسینی، بروز داده می‌شد.

**پیشینه نامشخص هویت‌ها  
و کارکردهای جنبی هیئت‌ها**

درباره هویت‌ها و کارکردهای جنبی هیئت‌های مذهبی در سال‌های دور، اطلاعات چندانی در دست نیست.

آنچه از منابع محدود و قابل اعتماد باقی‌مانده از آن زمان‌ها، مستفاد می‌شود، تأکید هر چه بیشتر هیئت‌ها بر هویت و کارکرد اصلی هیئت‌های مذهبی بوده است. اما در سال‌های نزدیک‌تر، یعنی سال‌هایی که نسل‌های منتهی به امروز آنها را تجربه کرده‌اند، می‌توان درباره هویت‌ها و کارکردهای جنبی هیئت به نکاتی دست یافت.

**هویت مبارزاتی، کارکرد مبارزه**

در چند دهه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، به‌ویژه از دهه ۳۰ به این سو که نخستین جرقه‌های مبارزه هدفمند و مستمر با رژیم ستمشاهی به وسیله امام خمینی (ره) زده شد، برخی از هیئت‌های مذهبی در کنار هویت و کارکرد اصلی خود، هویت مبارزاتی یافتند و کارکرد فرعی مبارزه با رژیم ستمشاهی را برگزیدند که در دو شماره پیش از این به مناسبت سی‌امین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، نشریه «خیمه» به بررسی دقیق و همه جانبه این نقش پرداخت و نشان داد که چگونه هیئت‌های مذهبی به کانون‌های اصلی مبارزه با رژیم تبدیل شدند و با تکیه بر هویت و کارکرد اصلی خود - که همانا هویتی اعتقادی با کارکرد برپایی آیین‌های ویژه مذهبی در پاسداشت مقام منیع امامت بوده - هویت فرعی مبارزاتی و



هویت‌ها و کارکردهای ثانویه خود کاملاً به این نکته توجه کرده و آن را لحاظ کرده‌اند. بنابراین ضرورت تعریف هویت و کارکرد ثانویه تازه برای هویت‌ها در شرایط فعلی بسیار محسوس است. واقعیت این است که در وضع کنونی، هویت‌ها عموماً فاقد هویت و کارکرد ثانویه هستند و این امر، تمرکز آنها را بر هویت و کارکرد اصلی‌شان افزایش می‌دهد که خود می‌تواند فرصتی برای ترویج اهداف برآمده از هویت اصلی هویت‌ها تلقی شود، اما با توجه به نیازهای شدید جامعه امروز ما، به‌ویژه از حیث مسائل مربوط به هویت انسانی در میان جوانان، طراحی هویت و کارکرد ثانویه هویت‌ها، به گونه‌ای که به پر کردن خلاءهای موجود بینجامد، ضرورتی غیرقابل انکار تلقی می‌شود، ضرورتی که نظریه پردازان فکری و اندیشمندان جامعه، به‌ویژه طیف نخبگان دینی باید بیش از پیش به آن بیندیشند.

### تلاش در تقویت هویت دینی جوانان، کارکردی پیشنهادی برای هویت‌ها

واقعیت این است که جوانان امروز ما، به شدت نیازمند تقویت هویت دینی و اعتقادی خود هستند. این امر با وجود فعالیتهای رسمی فرهنگی در کشور، به‌ویژه آموزش و پرورش و آموزش عالی، محل تأمل است، زیرا نشان دهنده نقش کم‌رنگ دستگاه‌های رسمی در ارتقای سطح باورهای دینی جوانان است. به همین دلیل است که ضرورت ورود دستگاه‌ها و تشکلهای غیر رسمی در این عرصه به شدت حس می‌شود و تشکل هویت، به عنوان تشکلی با هویت اصلی اعتقادی، یکی از بهترین مجموعه‌ها برای تقویت هویت دینی و اعتقادی جوانان خواهد بود. ■

جنبی هیئت‌های مذهبی تبدیل شد و تا آغاز دفاع مقدس استمرار یافت.

### هویت دفاع از انقلاب، کارکرد رزمندگی

با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، هیئت‌های مذهبی که عمیقاً دل در گرو پاسداشت از انقلاب اسلامی ایران داشتند، با تحولی عمیق مواجه شدند و آن حضور گسترده اعضای هیئت‌ها به‌ویژه جوانان در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل بود. این حضور به‌حدی چشمگیر بود که گاه بعضی هیئت‌ها، به صورت دسته‌جمعی و با اکثریت اعضای خود به عرصه‌های دفاع کوچ می‌کردند و باقی‌مانده‌های آنها در شهرها، نقش تدارک و پشتیبانی آنها را به عهده می‌گرفتند.

هیچ صاحب‌نظر آگاهی نمی‌تواند برگزاری جلسات هیئت‌ها را در سراسر جبهه‌ها از مقررها و قرارگاه‌های تاکتیکی گرفته تا خطوط پدافندی و حتی سنگرهای خط مقدم کتمان کند. سال‌های دفاع مقدس، سال‌های هویت ثانویه دفاع برای هیئت‌های مذهبی و کارکرد رزمندگی برای آن بود. هیئتی‌هایی که در خلال این سال‌ها، برای مرخصی به پشت جبهه برمی‌گشتند، در واقع روح جبهه‌های نبرد و فرهنگ حاکم بر آن را با خود به مقررهای هیئت‌ها در پشت جبهه می‌آوردند و فضای آنها را حماسی و پرشور می‌کردند و از در یک تبادل دو جانبه در بازگشت به جبهه‌ها، شور حسینی را با خود به خطوط رزم علیه دشمن متجاوز منتقل می‌کردند و بدینسان بود که بررسی و مطالعه فرهنگ جبهه، نشان می‌دهد که نمادها، نشانه‌ها، تکیه کلام‌ها، شعارها و مجموعه دیالوگ‌های سال‌های دفاع مقدس، با نام حضرت ابا‌عبدالله (ع) و قیام عاشورایی آن امام حمام گره خورده است.

نکته دیگری که در تقویت هر چه بیشتر شور حسینی در جبهه‌ها، نقش مؤثری ایفا کرد، موقعیت جغرافیایی کشور متجاوز، یعنی عراق بود. قرار گرفتن کربلای معلی در عراق و عشق و شور عمیق و مستمر مردم ایران به‌ویژه اعضای هیئت‌های مذهبی به زیارت مرقد مطهر حضرت ابا‌عبدالله (ع) که نسل در نسل به دلیل دشواری‌های پیمودن راه کربلا به عاشقان و شیفته‌گان آن حضرت و هیئتی‌ها منتقل شده بود، باعث تقویت هر چه بیشتر شور حسینی در رزمندگان اسلام می‌شد؛ به طوری که هر یک وجب از خاک میهن که آزاد می‌شد، این احساس که رزمندگان یک قدم به کربلای معلی

نزدیک‌تر شده‌اند، هیجانی خاص را در قلب‌های آنان می‌آفرید. تابلوهای معروف کیلومترشمار کربلا که در سراسر جبهه‌ها نصب بود، گواهی صادق بر این موضوع است.

به هر تقدیر هویت دفاعی و کارکرد رزمندگی در طول سال‌های دفاع مقدس با تار و پود هیئت‌های مذهبی درآمیخته و تبدیل به هویت و کارکرد ثانویه آنها شده بود. اما با پایان جنگ تحمیلی استمرار آن هویت و کارکرد ثانویه، فاقد توجیه کافی بود، بنابراین هیئت‌ها نمی‌توانستند همچنان در همان فضا سیر کنند.

**با توجه به نیازهای شدید  
جامعه امروز ما  
به‌ویژه از حیث مسائل مربوط به  
هویت انسانی در میان جوانان  
طراحی هویت  
و کارکرد ثانویه هیئت‌ها،  
به گونه‌ای که به پر کردن  
خلاءهای موجود بینجامد  
ضرورتی غیرقابل انکار  
تلقی می‌شود**

### هویت‌ها در جست‌وجوی هویت امروز

برای مدت‌ها، پس از پایان دفاع مقدس، هیئت‌ها، همچنان هویت و کارکرد دفاعی را حفظ کرده بودند. حتی بعضی هیئت‌ها با همین عنوان به استمرار این هویت و کارکرد ثانویه برای سال‌های پس از دفاع مقدس نیز پرداختند و همچنان در فضای سال‌های جنگ و جبهه را کماکان حفظ می‌کنند و با حضور رزمندگان آن سال‌ها به این فضا رونق می‌دهند. اما آنچه مسلم است، با وجود قداست و ارزشی که در بطن هویت و کارکرد ثانویه دفاع و رزمندگی نهفته است، نکته قابل بحث، به روز نبودن آن است. در واقع هیئت‌ها، دست کم در چند دهه اخیر، همواره در گزینش هویت‌ها و کارکردهای ثانویه خود، ضرورت‌ها و اقتضائات زمانی را به دقت مد نظر داشته و در گزینش



محسن واحدی

## معرفت ره آورد هیئت

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام رضا اسکندری

تربیتی سازنده‌ای خواهند داشت. چراکه یک بخش شاکله دین، محبت است. «هل الدین الا الحب؟» «آیا دین غیر از محبت است؟» بخش دیگر آن، بعد معرفتی، تعقل، تفکر و شناخت صحیح از اهل بیت (ع)، از هستی و از مسیر سعادت است که هر دوی این ابعاد در هیئت‌ها موجودند.

به نظر شما در حال حاضر کدام یک پررنگ‌تر است؟ بعد عاطفی یا بعد معرفتی؟ پاسخ به این سؤال نیازمند یک تحقیق میدانی و وسیع است. تا آنجا که ما تجربه و بررسی کرده‌ایم، در بعضی از مناطق کشور توجه به مباحث معرفتی بیشتر و در مناطقی هم بعد عاطفی و احساسی پررنگ‌تر است. در برخی از گروه‌های اجتماعی، نظیر گروه‌های تحصیل کرده که معلومات بیشتری دارند، بعد معرفتی و

مذهبی و اجتماعی دور هم جمع شوند و در این تشکله‌ها علاوه بر نیازهای مذهبی به نیازهای اجتماعی هم توجه کنند و بعضی مشکلات اجتماعی را با این تشکله‌ها برطرف کنند، در طول تاریخ می‌بینیم که این تشکله‌های مذهبی روزه‌روز قوت گرفته‌اند.

**جایگاه هیئات در مختصات نظام آموزشی - پرورشی کشور کجاست؟ به نظر شما چگونه می‌توانیم از هیئت در انجام امور تربیتی استفاده کنیم؟**

یکی از عوامل اساسی تربیت آحاد جامعه پیدا کردن یک هویت است. این عاملی است که توان انسان را در مسیر رشد و تعالی تقویت می‌کند. در جامعه ما همه طبقات از خردسال و بزرگسال در هیئت‌های مذهبی نقش ایفا می‌کنند. این یکی از عوامل اساسی برای پیدا کردن یک هویت مذهبی شیعی و دینی در جامعه بوده که آثار تربیتی بسیار دارد. اگر در مسائل تربیتی تأملی کنیم درمی‌یابیم که به عنوان یک گام تربیتی اگر کسی به هویتی برسد، در مسیر آن هویت روزه‌روز رشد و تعالی پیدا می‌کند. در جامعه ما نیز به دلیل اینکه هیئت‌های مذهبی به صورت فراگیر در همه شهرها، روستاها، حتی صنوف و اخیراً بین دانش‌آموزان و دانشجویان شکل گرفته و از آنجا که همه به تشکیل هیئت‌های مذهبی علاقه‌مند هستند، یک هویت دینی و مذهبی در جامعه به وجود آمده و سامان یافته است. در این جلسات محبتی که در دل نسبت به اهل بیت (ع) ایجاد می‌شود، می‌تواند زمینه مناسبی برای معرفت به آن بزرگواران باشد.

در واقع اینکه هیئات در مناسبت‌های مذهبی گوناگون و در ایام شهادت و ولادت اهل بیت (ع) از مبلغان دینی، روحانیان و دین‌شناسان دعوت می‌کنند تا در این مجالس معارف اهل بیت (ع) تبیین شود، هم محبت و هم معرفت که دو عامل اساسی رشد و تعالی همه انسان‌ها هستند، به صورت طبیعی شکوفا شده و آثار

حجت‌الاسلام رضا اسکندری، یکی از عوامل اساسی تربیت آحاد جامعه را پیدا کردن یک هویت می‌داند و هیئات را در این باره مؤثر و کارآمد می‌شمارد. ایشان معرفت به قرآن کریم و اهل بیت (ع)، عمل به آن و تبیین و گسترش این فرهنگ در جامعه را مهم‌ترین رسالت هیئات معرفی می‌کند و با تأکید بر اینکه توجه به گرفتاری‌های مالی، مسئله ازدواج جوانان، نیازمندی‌های علمی نظیر کتابخانه، دسترسی به اینترنت، مشکلات درمانی، خدمات اجتماعی و ... مسائلی است که نباید نسبت به آنها غافل بود، به سوالات خیمه این‌گونه پاسخ داد:

**تعریف شما از هیئت و مجالس مذهبی چیست؟**

در یک تعریف کوتاه هیئت‌های مذهبی، تشکله‌های مردمی‌ای هستند که بر اساس محبت اهل بیت (ع) در جوامع شیعی به صورت فراگیر شکل گرفته‌اند و توانسته‌اند در ابعاد گوناگون، به خصوص در تعظیم شعائر الهی نقش اساسی ایفا کنند.

**انگیزه حضور اشخاص در هیئت جهت عزاداری چیست؟ چرا عزاداری‌ها به صورت انفرادی انجام نمی‌شود؟**

با توجه به اینکه آموزه‌های دین هم بعد فردی و هم بعد اجتماعی دارند و با توجه به ابعاد اجتماعی دین و ویژگی نوع بشر در مدنی و اجتماعی بودن، دو عامل اساسی ذکر شده در خصوص تشکله‌های دینی با توجه به آموزه‌هایی که در تفکر شیعی وجود دارد، باعث شده این هیئات شکل بگیرد. البته عوامل اجتماعی نظیر این موضوع که در طول تاریخ شیعیان نوعاً جایگاه حکومتی نداشته‌اند و با این انگیزه که بتوانند در فعالیت‌های دینی،

### هیئت یکی از عوامل اساسی

برای پیدا کردن

یک هویت مذهبی شیعی و دینی

در جامعه بوده

که آثار تربیتی بسیار دارد

در بعضی از گروه‌ها اقبال به بعد عاطفی، بیشتر است.

آنچه مسلم است، این است که بعد معرفتی پایه و اساس بعد عاطفی است. هر چه معرفت بیشتر باشد، عواطف هم ماندگارتر و پایدارتر است. اگر معرفت سطحی باشد، عواطف هم ماندگار نخواهند بود و چه بسا که در یک مقطع سنی و در یک مرحله از زندگی انسان را دچار بحران کنند. معرفت عمیق، محبت پایدار و ماندگار را به همراه خواهد داشت.

البته ما نباید از بعد عاطفی و احساسی، غافل شویم. بعد عاطفی حماسه‌حسینی برای جوانان کاملاً زیبا و جذاب است و عامل جذب و حضور جوانان در هیئات است. ما باید با یک مطالعه جامع وضعیت موجود و وضعیت مطلوب را



بسنجیم و بر اساس نیازهای سنی، عاطفی و ... تعاملی منطقی با مخاطبان هیئات برقرار کنیم. یکی از ارکان مهم هیئات که می‌توانند در ساخت و شکل‌گیری هویت نامبرده مؤثر باشند، مدیران هیئات هستند. به نظر شما مدیر در یک هیئت چگونه می‌تواند بعد عاطفی و معرفتی و تعامل هیئت با مخاطبان را جهت‌دهی کند؟

هیئت‌های مذهبی در سراسر کشور از این جهت تفاوت‌هایی دارند. بعضی از مدیران هیئات از جهت تحصیلی در سطوح بالایی قرار دارند و در بعضی از هیئت‌ها سطح علمی و مذهبی مطلوب در مدیران وجود ندارد. طبیعی است نوع برنامه‌ریزی‌ها هم متفاوت خواهد بود. به نظر من برای اینکه بتوانیم هیئت‌های مذهبی را به یک سمت مطلوب و متوازن در سطح کشور سوق دهیم، نیازمند هستیم که با کمک خود هیئت‌ها و مدیرانی که از توانمندی‌های لازم جهت مدیریت و برنامه‌ریزی برخوردارند و تعدادشان هم کم نیست، جلساتی داشته باشیم تا با تعامل درست بین مدیران، انتقال تجربیات و توانمندی‌ها محقق شده و رشد و تعالی فکری و اخلاقی بیشتر در بستر هیئت‌های مذهبی در کشور حاصل شود.

البته منظورم برنامه‌های مقطعی به صورتی که قبل از محرم بدون برنامه فقط عده‌ای دور هم جمع شوند، نیست. بلکه برپایی جلسات به صورت مستمر و هدفمند است. اگر دستگاه‌های فرهنگی به خصوص سازمان تبلیغات اسلامی که در این باره مسئولیت قانونی دارد و متولی این امر است و سایر دستگاه‌های فرهنگی به این سمت حرکت کنند که انجام آن بسیار ضروری است، در آینده قادر خواهیم بود از ظرفیت هیئت‌ها بیشتر استفاده کنیم.

**آیا در حال حاضر این موضوع به اندازه کافی مورد توجه واقع شده است؟**

خیلی محدود، قبل از ایام محرم جلساتی برگزار می‌شود. اما کافی نیست. ارتباط بین هیئات مذهبی جهت تربیت احاد جامعه، امری مهم و ضروری است. اساساً، تربیت یک امر پیوسته و مستمر است و مقطعی نیست. برای پرورش یک انسان باید همه مراحل کودکی، نوجوانی، جوانی، میانسالی و پیری او برنامه داشت و ارتباط بین هیئات می‌تواند این امر را محقق کند. در واقع اگر به ظرفیت هیئت‌های مذهبی توجه جدی داشته باشیم، می‌توانیم از ظرفیت آنها برای

تربیت جامعه و کودکان، نوجوانان و جوانان کارآمد استفاده فراگیری کنیم.

**به نظر شما مهم‌ترین رسالت مجالس مذهبی و هیئت‌ها چیست؟**

معرفت به قرآن و مکتب اهل بیت (ع)، عمل به آن و تبیین و گسترش این فرهنگ در جامعه، مهم‌ترین رسالت هیئات است. قرآن کریم و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) دو گوهر گران‌بهایی است که پیامبر اکرم (ص) برای ما گذاشته‌اند. این دو سرمایه سعادتمندانه بشریت هستند که توجه به آن در هیئات امری ضروری است. هیئات مذهبی توجه به شناخت مفاهیم قرآن، قرائت و انس هر چه بیشتر با آن را باید در برنامه خود داشته باشند، در روایتی از رسوم اکرم (ص) داریم: «اگر یک جوان مؤمن قرآن قرائت کند، قرآن با گوشت و خون او آمیخته می‌شود. حرکات و سکونات او نورانی و قرآنی می‌شود.» یک جامعه قرآنی، عملاً جامعه‌ای سعادتمند خواهد بود. وظیفه بعدی شناخت اهل بیت (ع) است. معرفت نسبت به ائمه (ع) به خصوص امام زمان (عج) سعادت انسان را تضمین می‌کند. در روایت آمده است که «کسی که امام زمانش را نشناسد، در مسیر گمراهی، نفاق، کفر و ظلال قرار می‌گیرد.» عدم توجه به ۲ نکته یاد شده جلسات مذهبی را از درون تهی می‌کند و چه بسا

**بعد معرفتی شاکله دین پایه و اساس بعد عاطفی آن است هر چه معرفت بیشتر باشد عواطف هم ماندگارتر و پایدارتر است**

آسیب‌های جدی به همراه داشته باشد. بخشی از آموزه‌های دینی، فردی است نظیر انس با خدا، نماز، دعا، محاسبه نفس و ... که باید به آن توجه داشت. اما بخش دیگری از آموزه‌های دینی، اجتماعی هستند که مسئولان هیئت باید به آنها اهتمام بورزند؛ توجه به گرفتاری‌های مالی، مسئله ازدواج جوانان، نیازمندی‌های علمی نظیر کتابخانه، دسترسی به اینترنت مشکلات درمانی، خدمات اجتماعی و ... مسائلی است که نباید نسبت به آنها غافل بود.

**تعامل بین هیئات مذهبی با مساجد چگونه باید باشد؟ قبول دارید که هیئات مذهبی از مساجد فاصله گرفته‌اند؟**

این یکی از آسیب‌های جدی هیئات مذهبی ماست. البته همه هیئات این‌گونه نیستند. اما

بخش قابل توجهی از هیئات تعاملی با مساجد ندارند و این یک آسیب جدی است. اینکه هیئات مذهبی عمدتاً در منازل شکل می‌گیرند و گاه مجالس به نوبت در بین اعضای هیئت به صورت چرخشی برگزار می‌شود. آثار تربیتی بسیار مطلوبی دارد و نباید از آن غفلت کنیم. منظور من از تعامل بین مساجد و هیئات، تعطیلی هیئاتی که در منازل برگزار می‌شود، نیست. این حرکت کاملاً مردمی باید حفظ شود. در عین حال باید تعامل مطلوب بین مسئولان این هیئات و مسئولان مساجد برقرار شود.

**خلأی که در حال حاضر درباره این تعامل وجود دارد، ناشی از چیست؟**

عوامل گوناگونی دارد. در بعضی از موارد مسئولان و مدیران هیئت با مساجد مانوس نیستند. در مواردی امام جماعت، هیئت امنای مسجد و کسانی که در مسجد نقش ایفا می‌کنند. تعامل مناسبی با هیئات ندارد و در هر دو حالت یک غفلت وجود دارد. فکر می‌کنم نشریاتی که در این باره فعال هستند، نظیر «خیمه» باید با ایجاد آگاهی، زمینه‌ساز تعامل جدی و مناسب بین هیئات و مساجد شوند. باید عوامل این غفلت را احصاء کنیم و درصد رفع آن باشیم.

**یکی از دغدغه‌های جدی مراجع و رهبری عزیز انحرافات است که در انجام برخی از مناسک آیینی در برخی از مجالس و هیئات وجود دارد. به نظر شما با چه رویکردی و با چه پشتوانه‌ای و چگونه می‌توان مباحث مربوط به آسیب‌شناسی هیئات مذهبی را مطرح کرد، به گونه‌ای که در ضمن مفید بودن از آسیب‌هایی که برخی از همین جلسات آسیب‌شناسی دارد، مصون ماند؟**

قبل از پاسخ‌گویی به این سؤال باید به این موضوع هم اشاره کنم که علاوه بر نقش وحدت‌آفرینی هیئات نظیر آنچه در هیئات زنجان می‌بینیم یک کارکرد و ویژگی منحصر به ذات در هیئت‌های مذهبی وجود دارد و آن هم ایجاد علقه و الفتی است که در بین اعضای هیئت به وجود می‌آید و این به نوبه خود می‌تواند بسیاری از آسیب‌های اجتماعی در جامعه را ریشه‌کن کند. با توجه به جوامع غربی متوجه می‌شویم، این کشورها علی‌رغم اینکه از نظر ظاهری شرایط بهتری نسبت به ما دارند، اما در میان آنها افسردگی به شدت شایع است و این به دلیل زندگی ماشینی‌ای است که به آن دچار شده‌اند. یکی از دستاوردهای مهم هیئات و مجالس

مذهبی همین آرامش و تقویت عواطف و صمیمیتی است که در بین اقشار مختلف جامعه ایجاد می‌کند و نباید از آنها غفلت کرد. اما انحرافات هیئات به طور عمده از دو حیث محتوایی و قالبی است؛ در بخش انحرافات محتوایی، غلو در مطالب و عدم معرفت صحیح به مکتب اهل بیت (ع) ایجاد اختلاف در جامعه به خصوص تحریک احساسات شیعی و سنی، وعظ و خطابه

**مسلم است که**  
**«دیانت ما عین سیاست ما**  
**و سیاست ما عین دیانت ماست.»**  
**اما هیئت‌ها نباید**  
**وارد جناح‌بندی‌های سیاسی شوند**  
**تا از آنها استفاده ابزاری و مقطعی شود**

بی‌محتوا، مداحی‌ها و سخنرانی‌های نادرست و ... که مورد تأیید دین نیست و البته در سال‌های اخیر با تأکید مقام معظم رهبری اقدامات خوبی از جانب دستگاه‌های فرهنگی در این باره شده که البته کافی نیست. وعظ باید دقت جدی در بیان محتوای مطالب خود داشته باشند تا ریشه رشد فکری، اخلاقی و معنوی جامعه را فراهم کنند تا ثبات اجتماعی و سیاسی جامعه لطمه نخورد. تلاش برخی از بیگانگان جهت اختلاف بین شیعیان و اهالی سنت که نتیجه آن چیزی جز استیلای کفار، آمریکا و اسرائیل بر کشورهای اسلامی نیست، یک موضوع جدی است.

در بخش قالب و شیوه‌های عزاداری هم باید رفتار ما با وزانت و وقار همخوانی داشته باشد و با یک بینش عمیق دینی شکل بگیرد. در حال حاضر نمادهایی در برپایی مناسک دینی به کار می‌رود که با روح دین و معنویت سازگاری ندارد. استفاده از سگ و حیوانات در تزیین و مراسم عزاداری، قمه‌زدن، الفاظ نامناسب و دور از شأن موضوع و ... تصویر نادرستی از اسلام به جهان ارائه می‌دهد.

**گفته می‌شود عصر حاضر عصر رسانه است و عده‌ای سعی می‌کنند با ایجاد جذابیت‌های رسانه‌ای مدرن مخاطبان بیشتری را به خود جذب کنند و در این باره رقابت شدیدی هم بین گروه‌ها و سلیقه‌های متفاوت شاهد هستیم. نظر شما در این باره چیست؟**

این جذابیت‌ها به طور طبیعی در حماسه حسینی موجود است. حماسه حسینی به دلیل انگیزش عاطفی و معرفتی‌ای که دارد، مطلوب جوانان است و نیازی نیست ما با یک سری

امکانات و ابزارهای ناصحیح آن را آلوده کنیم. در بعضی از مناطق کشور گزارش می‌شود که به بهانه علاقه جوانان به موسیقی از آلات موسیقی استفاده می‌کنند. در صورتی که متانت و وزانت موجود در سبک‌های سنتی مورد پسند جوانان است.

دکتر روان‌شناسی که در آمریکا تحصیل کرده، برای من نقل می‌کند: «در ایام تحصیل روزهای یکشنبه به کلیساهای متعددی سر می‌زدم تا چگونگی برگزاری مراسم مذهبی در کلیسا مطلع شوم. عمده کلیساها خالی از جمعیت بودند. اما در یک کلیسا با جمعیت زیادی مواجه شدم که به طور عمده جوان بودند. وقتی برای فهم رمز این موضوع چند هفته بیایی به کلیسا رفتم، متوجه شدم، کشیش آن کلیسا مشابه نوحه‌خوانی‌های ما در ایام محرم در ایران مراسم را برگزار می‌کند. در گفت‌وگویی که با آن کشیش داشتم، ایشان گفت: «زمانی از واتیکان، تعدادی از کشیشان را انتخاب کردند تا به ایران بیایند و نحوه عزاداری ایرانی‌ها را ببینند. من وقتی جاذبه این سبک را برای جوانان دیدم، آن را در کلیسا به کار بردم تا جوانان را جذب کنم.»

بنابراین سبک‌های سنتی ما، بسیار کارآمد هستند و ما نیازی نداریم به سراغ روش‌هایی برویم که آموزه‌های دینی ناسازگارند. ضمن اینکه مقام معظم رهبری و مراجع نیز استفاده از آلات موسیقی را در مراسم عزاداری نهی کرده‌اند.

**گاهی چشم و هم‌چشم‌هایی که در میان هیئات وجود دارد به این فضا دامن می‌زند، در حالی که اصل در برپای هیئات ایجاد علاقه و الفت و مرام حسینی است.**

این حرف بسیار متین، زیبا و ارزشمندی است. البته این علاقه و الفت تا حدودی در بین هیئات موجود است و در این باره الگوهای بسیار خوب و موفق داریم. در خیلی از مناطق کشور انس و الفت خوبی بین هیئت‌ها برقرار است. تا جایی که برای ورود به مکان‌هایی که محل تجمع هیئات مذهبی است، آداب خاصی را رعایت می‌کنند؛ مثلاً سعی می‌کنند، از هم سبقت نگیرند. متأسفانه پیش از انقلاب در بعضی از موارد شاهد دعوا و نزاع بین هیئات در موضوعات سطحی مثلاً اول عبور کردن از فلان جا و ... بودیم که دیگر شاهد آن نیستیم یا بسیار محدود و نادر شده است. یکی از مصادیق بسیار زیبای این انس و الفت هیئت‌های مذهبی زنجان

است که در هشتم محرم به صورت یک تشکل وحدت‌آفرین جمع می‌شوند و با یک مدیریت واحد و یک مداح در سطح شهر عزاداری می‌کنند، اطعام می‌کنند و همه هیئات علائم منحصراً خود را کنار می‌گذارند و در حسینیه اعظم زنجان جمع می‌شوند. پیشنهاد می‌کنم در این خصوص دستگاه‌های فرهنگی نظیر دفتر تبلیغات حوزه، سازمان تبلیغات، صدا و سیما و ... تلاش بیشتری می‌کنند و این الگو را در سطح کشور گسترش دهند تا یکی از اساسی‌ترین کارکردهای عزاداری اباعبدال... (ع) که ایجاد انس و علاقه بین هیئات است، محقق شود.

**عده‌ای با بیان این دلیل که اسلام یک دین سیاسی است، در جزئی‌ترین مباحث سیاسی که شاید نیاز به دانش تخصصی ویژه داشته باشد، نظریه‌پردازی می‌کنند. حدود و ثغور مباحث سیاسی در هیئات را چگونه می‌بینید؟**

اگر هوشیاری و هوشمندی‌ای در هیئات مذهبی ایجاد کنیم که نه تنها در مباحث کلان سیاسی بلکه در مقاطع مختلف کشور نقش ایفا کنند. اما نباید اجازه دهیم که هیئات مذهبی در مسائل ریز سیاسی جبهه‌گیری کنند. باید دقت کرد که هیئات وارد جناح‌بندی‌های سیاسی نشوند که در این صورت آسیب جدی، خواهند دید.

**حماسه حسینی**  
**به دلیل انگیزش عاطفی**  
**و معرفتی‌ای که دارد**  
**مطلوب جوانان است و نیازی نیست**  
**ما با یک سری امکانات**  
**و ابزارهای ناصحیح آن را آلوده کنیم**

البته آن نگاه عمیق سیاسی که دین، به اراده جامعه دارد، نباید مغفول بماند. پیش از انقلاب این آموزه به صورت طبیعی در وجود هیئت‌های مذهبی نهادینه شده بود که «هیئات منا الذله» و اینکه حرکت امام حسین (ع) حرکتی است در مقابل ظلم و ستم در جامعه، حرکتی برای احیای دین و تحقق آرمان‌های دینی، احیای امر به معروف و نهی از منکر، بنابراین در یک برهه از زمان وقتی مردم احساس کردند که باید نقش خود را در سیاست ایفا کنند، گوش به فرمان امام (ره) هماهنگ شدند. مسلم است که «دیانت ما عین سیاست ما و سیاست ما عین دیانت ماست.» اما هیئت‌ها نباید وارد جناح‌بندی‌های سیاسی موجود در کشور شوند تا از آنها استفاده ابزاری و مقطعی شود. ■



در راستای حمایت، ترویج و توسعه فرهنگ مهدویت، مسجد مقدس جمکران در نظر دارد تا اولین نمایشگاه محصولات فرهنگی را برگزار نماید. از کلیه نهادها، موسسات فرهنگی، هنرمندان و ارادتمندان به ساحت قدس مهدوی دعوت می‌گردد تا نمونه آثار تولیدی را به دفتر نمایشگاه و انجمن در دبیرخانه شورای عالی فرهنگی و برنامه‌ریزی ارسال نمایند

# طرح میعاد

- ۱ این نمایشگاه تمامی قالب‌های فرهنگی - هنری اعم از سی دی، نوار، بوستر، برجسب، نشریه، تندیس، تابلو و... را ترویج می‌کند.
- ۲ محصولات فرهنگی با موضوع اما زمان (عج): مهدویت، مسجد مقدس جمکران در اولویت قرار دارد.
- ۳ آثار برتر نمایشگاه تجلیل ویژه‌ای به عمل خواهد آمد.
- ۴ نمونه آثار ارسالی در صورت عدم ارائه قابل عودت می‌باشد.
- ۵ زمان ارسال آثار تا تاریخ ۸۸/۲/۲۵

محل ارسال: قم / خیابان فاطمی (دور شهر) / کوچه ۲۸ / پلاک ۶ / دفتر نمایشگاه محصولات فرهنگی

قم / صندوق پستی: ۳۷۱۵۵-۶۱۵۸ / تلفن دفتر نمایشگاه: ۰۲۵۱ ۷۷۴۲۳۳۷

دبیرخانه شورای عالی فرهنگی و برنامه‌ریزی  
مسجد مقدس جمکران

# عاشورا حدیث بیداری

## معرفی مجموعهٔ راویان کربلا



طرح راویان کربلا از سال ۸۳ تا ۸۵ به شکل مقدماتی با عنوان طرح مطالعاتی «عاشورا حدیث بیداری» و از سال ۸۵ تا به حال با عنوان «راویان کربلا» در دانشگاه امام صادق (ع) برگزار شده است. در این طرح افراد بعد از قبولی در آزمون ورودی، در سه سطح آموزشی، دوره‌ای را جهت «تربیت مبلغان و راویان متخصص در موضوع عاشورا» می‌گذرانند؛ در سطح یک

افراد با تشکیل جلسات مباحثه (۳ الی ۴ نفره) و با حضور سرگروه، مطالب مورد مطالعه را مرور و سؤالات و شبهات خود را در حضور استادان برطرف می‌کنند. آقای دکتر محمدرضا سنگری، حجت‌الاسلام علی نظری منفرد، حجت‌الاسلام محدثی، حجت‌الاسلام راستگو، آقای دکتر

دلشاد تهرانی و ... از جملهٔ استادانی هستند که در انجام این طرح مشارکت داشته‌اند. در سطح دوم نیز افراد با توجه به علایق و توانمندی‌های خود در کارگروه‌های تخصصی، با عمق بیشتری در موضوعات تخصصی مربوط به امام حسین (ع) به مطالعه و تحقیق می‌پردازند. سطح سوم این طرح آموزشی مخصوص

کسانی است که سطح اول و دوم را با رتبهٔ علمی خوب گذرانده باشند و این سطح هنوز اجرایی نشده است.\*

### فعالیت‌ها

برخی از فعالیت‌های مجموعهٔ راویان کربلا عبارت‌اند از:

- ۱- تولید محصولات فرهنگی (کتاب، جزوه، پوستر، بروشور، آثار پژوهشی و ...)
- ۲- اعزام راویان کربلا به عتبات عالیات جهت روایتگری در طول سال
- ۳- اعزام راویان کربلا به مساجد، مدارس و دانشگاه‌ها جهت روایتگری در ایام محرم
- ۴- برگزاری نمایشگاه کتاب محرم در دانشگاه در ایام محرم
- ۵- اعزام مبلغ در برخی مساجد و مدارس جهت کار تبلیغی در ایام محرم و دههٔ اول



این است که هم معارف

قرآن و هم معارف اهل بیت (ع) برای شما مطرح است و بر اساس حدیث ثقلین حرکت می‌کنید. چیزی خارج از حیطه قرآن و عترت نیست و هر چه در این حوزه است، حق است.

پس هدف شما یک امر جامع کلی و کامل است. تا پایان راه نه چیزی از این هدف بکاهد و نه چیزی به آن بیفزاید. دینی که مصون از عیب‌هاست و منزله از نقص است، این را به ما داده است و خدا از همین راضی است و کسی که خدا از او راضی باشد و از اینها تبعیت کند و اینچنین درست روایت کند، مرضی خداوند است. خدا رضایتش را هم نسبت به مکتب و هم نسبت به روایتگران حقیقی اعلام کرد.

اولین راوی عالم خداست. بعد از خدا، پیغمبر (ص) و بعد از ایشان، امامان (ع) این نقش را پذیرفتند. امام زمان (عج) زیباترین روایت را از کربلا دارد. روایان کربلا حضرت زینب (س)، حضرت سجاد (ع) و حضرت سکینه (س) هستند. اگر آدم بداند در چه صفی ایستاده، هم حرف این صف را نگاه می‌دارد و هم قشنگ کار انجام می‌دهد.

فرق من و شما رقفاً با هنرپیشه‌ها این است که هنرپیشه‌های فیلم و سریال پشت صحنه‌شان خنده‌دار است، چون مردم می‌دانند این کسی که مثلاً نقش مالک اشتر را بازی کرده است، مالک اشتر نیست.

روایتگری خود یک تخصص است؛ روش می‌خواهد. به صرف خاطره‌گویی نمی‌شود روایت کرد. روضه‌خوانی را روایتگری نمی‌گویند. حضرت زینب (س) جمله‌ای را در اول روایتش و بعد از اسارت فرمودند که دقیقاً به هدف می‌زند. روایتگری این است؛ پنج دقیقه حرف بزنی خواب را بیدار و مرده را زنده کنی! ❑

### بی‌نوشت:

\* این گزارش زمستان ۱۳۸۷ تهیه شده است.

انتقال به مسئولان

۳- توزیع برخی جزوات با موضوع عظمت زیارت کربلا و امام حسین (ع) در ایام عرفه در بین زوار

۴- همکاری در برگزاری مراسم بعثه در کربلا  
۵- معرفی طرح روایان کربلا و کتب مطالعاتی در معرفت حضرت سیدالشهداء (ع) به زائرین

### محصولات فرهنگی-آموزشی

از جمله خروجی‌های طرح روایان کربلا تولید و توزیع آثار فرهنگی-آموزشی است که برخی از آنها به قرار زیر است:

۱- دوره ۶ جلدی کتب جلوه‌های عاشقی (داستان‌های زندگی عاشوراییان)

۲- جزوه منتخب القطره (مناقب امیرالمؤمنین (ع))

۳- جزوه منتخب القطره (مناقب امام حسین (ع))

۴- جزوه حدیث راه عشق، برگرفته از آثار و سخنرانی‌های حجت‌الاسلام معمار منتظران و آداب زیارت در مورد عتبات

۵- جزوه توصیف اجمالی قافله عشق

۶- نقشه مسیر کاروان امام حسین (ع) کتاب با کاروان عشق (توضیح نقشه تاریخی مسیر کاروان امام حسین (ع))

۷- جزوه نکاتی درباره زیارت عتبات عالیات (اثر حجت‌الاسلام دهقانی راجع به آداب زیارت، برگرفته از کتاب‌های المراقبات، مفاتیح‌الجنان و معراج‌السعادة)

۸- جزوه رفتار امام حسین (ع) با فرزندان (جزوه‌ای جهت کارگاه‌های روایت‌گری)

۹- جزوه اخلاق حسینی (جزوه‌ای جهت کارگاه‌های روایت‌گری)

۱۰- جزوه فلسفه زیارت (برگرفته از آثار حجت‌الاسلام جواد محدثی)

۱۱- جزوه امام‌زادگان عشق

۱۲- جزوه قافله عشق (گذری کوتاه بر تاریخ و درس‌های عاشورا)

### یقظه

آیت‌... جوادى املی در جمع بین روایان کربلا درباره فعالیت‌های ایشان می‌فرمایند:

«هدف والا و روشی که انتخاب کردید، بسیار مبارک است. هدف شما نشر معارف قرآن و عترت (ع) با روش روایتگری کربلای حسینی

(ع) و رویکرد مهدویت است. این هدف جامع و روش کاملی است. جامع بودن این هدف برای

۶- برنامه حمایت روایتگری و سخنرانی تبلیغی در مسجد دانشگاه بعد از نماز عصر در دهه اول محرم توسط روایان

۷- برنامه ثابت سخنرانی کوتاه تبلیغی در مسجد دانشگاه، صبح‌ها بعد از نماز صبح

۸- مساعدت به مسئولان سازمان حج در برگزاری نمایشگاه غرفه عتبات در هفته حج و ارائه کارهای مطالعاتی و تحقیقاتی روایان (مورد تأیید دکتر سنگری در نمایشگاه حج و غرفه عتبات در سال ۸۷-۸۶)

۹- ارتباط با دیگر مجموعه‌های دانشجویی در توسعه این طرح مطالعاتی (دانشکده علوم حدیث، شهرستان کاشمر و دامغان)

### آموزش تکمیلی روایتگری

همچنین یک اردوی آموزشی از صبح سه‌شنبه ۸۷/۵/۱ تا یک‌شنبه ۸۷/۵/۶ (شش‌شنبه‌روز) برای روایان منتخبی که یک سال کار مطالعاتی انجام داده بودند، در حرم عبدالعظیم حسنی با حضور استادان حوزه و دانشگاه برگزار شده است.

### اردوی فرهنگی-زیارتی عتبات عالیات

این مجموعه در نوروز ۸۷ یک اردوی فرهنگی-زیارتی عتبات عالیات را به همراه برنامه‌های فرهنگی و آموزشی با محورهای زیر در کارنامه خود دارد:

۱- برگزاری کارگاه‌های روایتگری: در این کارگاه‌ها با استفاده از مطالب فراگرفته شده از اردوی ۸۶، کتاب‌های مطالعه شده و تجربیات شخصی، اصول و فنون روایتگری آموزش داده شد.

۲- دعوت از استادان: دعوت از حجت‌الاسلام قرائتی، دکتر بانکی، حجت‌الاسلام رامشک (از شاگردان برجسته آیت‌... مجتهدی تهرانی) و حجت‌الاسلام نامورزاده

۳- تهیه نشریه هاجر: ویژه‌نامه سفر که جهت آماده‌سازی روایان با فضای عتبات عالیات تهیه شده است.

در اجرای طرح روایان کربلا در بازه‌های زمانی عرفه سه نفر، روز عاشورا یک نفر، ایام اربعین و ۲۸ صفر سه نفر، نوروز ۸۷ و در تابستان ۸۷ (ماه مبارک رمضان) هفت نفر جهت فعالیت‌های فرهنگی به عتبات عالیات اعزام شدند که از جمله مهم‌ترین فعالیت‌های روایان در عتبات عبارت است از:

۱- فعالیت‌های تبلیغی روایان کربلا در عتبات  
۲- بررسی مشکلات فرهنگی زائران و

## جمادی الاول در گذر تاریخ

### مروری بر مناسبت‌ها و رویدادهای تاریخی ماه جمادی الاول

سید حجت سجادی زاده

#### جنگ جمل

حضرت علی (ع) در نخستین روزهای حکومت خویش، مشغول پاکسازی محیط جامعه اسلامی از حکام خودکامه‌ای شد که بیت‌المال مسلمانان را تبول خویش قرار داده بودند که بعدها به «ناکثان» معروف شدند. سپاه به سرپرستی طلحه و زبیر با همکاری عایشه همسر پیامبر (س) در حالی که سوار بر شتر سرخ‌مویی بود، حرکت کرد. در راه به سرزمینی به نام «حواب» رسیدند. وقتی عایشه از نام سرزمین آگاه شد، به فرزند طلحه گفت: من باید برگردم، زیرا رسول خدا (ص) روزی در میان همسران خود که من نیز در جمع آنها بودم، فرمود: «می‌بینم که یکی از شما از سرزمین «حواب» می‌گذرد و سگان آنجا بر او پارس می‌کنند.» سپس رو به من کرد و فرمود: «حمیرا، مبادا تو آن زن باشی.» در این هنگام فرزند طلحه درخواست ادامه مسیر را کرد، ولی مؤثر نیفتاد. خواهرزاده او، عبدا... بن زبیر، منافقانه سوگند یاد کرد: «نام این سرزمین «حواب» نیست. ما حوآب را اول شب پشت سر نهاده‌ایم.» این نوع شهادت دروغ، در نوع خود، در تاریخ اسلام بی‌سابقه است. پس کاروانیان به مسیر خود ادامه دادند و در نزدیکی بصره برای تسخیر این شهر که عثمان

بن حنیف از طرف علی (ع) استاندار آنجا بود، فرود آمدند. (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۳۱۲) آفتاب هنوز غروب نکرده بود که آتش نبرد با افتادن جمل عایشه و سرنگون شدن کجاوه او به پایان رسید و بدین ترتیب واقعه جمل به پایان رسید. حضرت علی (ع) پس از جنگ، عایشه را به همراه برادرش محمد بن ابی‌بکر و تعدادی از زنان که میدل به لباس مردانه بودند، راهی مکه کرد. سرنوشت طلحه و زبیر نیز به مرگ ختم شد که باعث تأسف حضرت علی (ع) شد.

#### تخریب مجدد گلدسته‌های حرمین عسگریین

حرم امامین عسکریین (ع) در سوم اسفند ۱۳۸۴ نیز بر اثر انفجار شدید، تخریب شده بود. دو سال بعد، در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۸۶ بار دیگر گلدسته‌های این حرم مقدس در شهر سامرا بر اثر انفجار تخریب شدند. قدمت گلدسته‌های قدیمی سامرا به عصر عباسی بازمی‌گردد که در دوره خلیفه معتصم با... ساخته شد. یک سال بعد از این حادثه تروریست‌ها تلاش‌های فراوانی برای تخریب دوباره این بارگاه شریف کردند که با هوشیاری مأمورین اطلاعات و پلیس عراق ناکام ماند. بعد از آن مسئولان عراقی با تلاشی گسترده و ستودنی شروع به بازسازی حرم عسگریین (ع) کردند که تاکنون گنبد و گلدسته‌ها کاملاً بازسازی شده است.

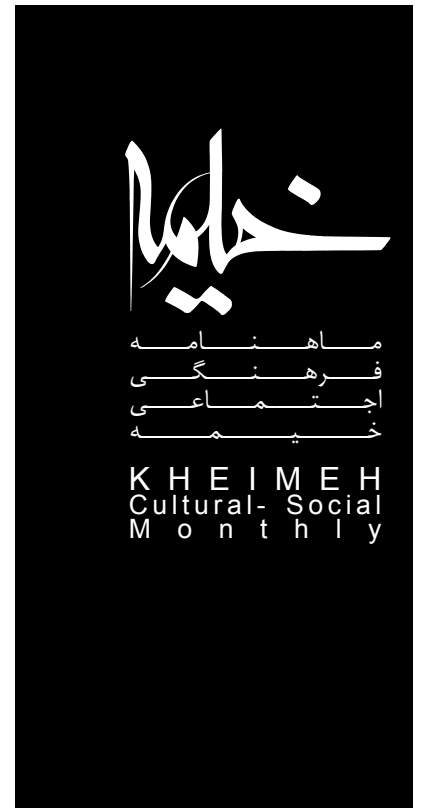
#### وفات محمد بن عثمان دومین نایب خاص امام زمان (عج)

حضرت مهدی (عج) در دوره غیبت صغری چهار تن از اصحاب باسابقه امامان پیشین و شیعیان صالح خود را به عنوان سفیر معرفی کردند که هر یک پس از وفات دیگری به انجام این وظیفه بزرگ می‌پرداختند. این چهار تن که سؤالات و مشکلات مردم را به آن حضرت عرضه می‌کردند و پاسخ‌های ایشان را به مردم می‌رساندند، به نواب اربعه (نواب خاص) نامیده شده‌اند. اینان به ترتیب زمانی عبارت بودند از: ابو عمرو عثمان بن سعید عمری، ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری، ابوالقاسم حسین بن روح نو بختی، ابوالحسن علی بن محمد سمري

محمد بن عثمان نیز همچون پدر از بزرگان شیعه و از نظر تقوا، عدالت و بزرگواری، مورد قبول و احترام شیعیان بود و از یاران مورد اعتماد امام عسگری (ع) محسوب می‌شد. چنان که حضرت در پاسخ سؤال «احمد بن اسحاق» که باید به چه کسی مراجعه کند، فرمود: «عمری (عثمان بن سعید) و پسرش هر دو امین و مورد اعتماد و امین من‌اند.»

پس از درگذشت عثمان، از جانب امام غایب توقیعی مبنی بر تسلیت وفات او و اعلام نیابت فرزندش «محمد» صادر شد. «عبدا... بن جعفر حمیری» می‌گوید: «وقتی که عثمان بن سعید درگذشت، نامه‌ای با همان خطی که قبلاً امام (عج) با آن با ما مکاتبه می‌کردند، برای ما آمد که در آن ابوجعفر (محمد بن عثمان بن سعید) به جای پدر منصوب شده بود. همچنین امام (عج) ضمن توقیعی در پاسخ سؤالات «اسحاق بن یعقوب» چنین نوشت: «خداوند از عثمان بن سعید و پدرش که قبلاً می‌زیست، راضی و خشنود باشد. او مورد وثوق و اعتماد من و نوشته او نوشته من است.»

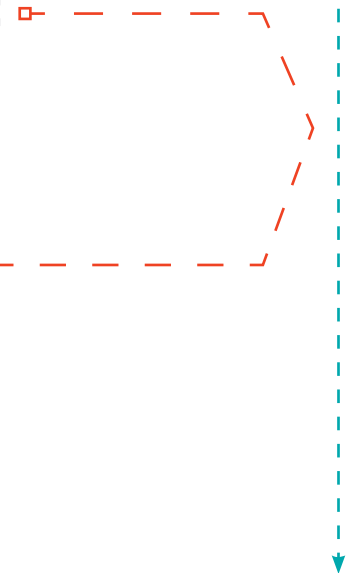
روز	شرح واقعه	سال وقوع
۵	ولادت حضرت زینب (س)	۵ ه.ق
۹	شهادت محمد شمس‌الدین معروف به شهید اول	۷۶۸ ه.ق
۱۰	روز بزرگداشت شیخ صدوق (ره)	
۱۰	جنگ جمل	۳۶ ه.ق
۱۲	درگذشت فقیه مجاهد آیت‌ا... حاج شیخ محمد تقی بافقی	۱۳۶۵ ه.ق
۱۳	شهادت حضرت زهراء (س) (فاطمیه اول)	۱۱ ه.ق
۱۴	روز بزرگداشت ثقة الاسلام کلینی (ره)	
۲۷	تخریب مجدد گلدسته‌های حرمین عسگریین (ع)	۱۴۲۸ ه.ق
۲۹	وفات محمد بن عثمان، دومین نایب خاص امام زمان (عج)	۳۰۵ ه.ق



نظر به اهمیت موضوع «موزه هیئات مذهبی» که در شماره پیشین به آن پرداخته شد، ادامه این موضوع در این شماره نیز پیگیری شده است. همچنین از آنجایی که به رغم اهمیت نقش هیئت های مذهبی در ارتباطات سنتی ایران، تاکنون از دیدگاه جامعه شناسی به این موضوع پرداخته نشده است، سعی شده علل این موضوع در گفت و گو با کارشناسان حوزه و دانشگاه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

**KHEIMEH**  
Cultural - Social  
Monthly

ماهنامه فرهنگی اجتماعی خیمه  
KHEIMEH Cultural - Social Monthly



تاریخ و اندیشه

چهارمورد

رسالة

هنر و ادب

سینما

مردم شناسی



# جامعه‌شناسی هیئت‌های مذهبی نیاز به نگاه نرم‌افزاری دارد

گفت‌وگو با علی‌اکبر فدایی  
از بنیانگذاران هیئت رزمندگان غرب تهران



سروریس جامعه: علی‌اکبر فدائی هر چند در کارنامه فعالیت‌های خود سوابق درخشانی را به ثبت رسانده، ولی به واسطه حضور پررنگش در مساجد و هیئت‌های مذهبی بیشتر به عنوان یک فعال مذهبی شناخته می‌شود. ۲۰ سال فعالیت جدی در هیئت‌های مذهبی باعث شده که وی نه تنها از تجربیات منحصر به فردی در تشکیل و هدایت هیئت‌ها برخوردار باشد، بلکه صاحب یک دیدگاه علمی نیز در مباحث علمی مربوط به هیئت‌های مذهبی باشد. فدائی که یکی از بنیانگذاران هیئت رزمندگان غرب تهران است، در اظهارات خود با تأکید بر اینکه جامعه‌شناسی هیئت‌های مذهبی می‌تواند منشأ خیر و برکات بسیاری باشد، معتقد است: «تمام تلاش نهادهای مدنی در دنیای مدرن امروز این است که مشارکت مردم را در مسائل اجتماعی افزایش دهند، ولی ما با وجود آنکه بدون هیچ تلاشی در این خصوص از این انرژی بالقوه برخورداریم، از آن استفاده چندانی نمی‌بریم.» بنابر اظهارات فدائی، بهره‌برداری از این پتانسیل عظیم فرهنگی و اجتماعی نیازمند آن است که در کنار توجه سخت‌افزاری به هیئت‌های مذهبی نگاه نرم‌افزاری نیز داشته و به مسائل علمی و اجتماعی توجه بیشتری داشته باشیم. آنچه در پی می‌خوانید ماحصل گفت‌وگوی ۳ ساعته با این کارشناس مسائل مذهبی است.

در این زمینه‌ها خیلی توفیق داشتند. الآن هم هیئتی به نظر من خوب است که علاوه بر اینکه در جهت تحکیم مبانی اعتقادی خوب تلاش کند، بتواند به مخاطبانش «بصیرت» هم بدهد. در واقع در حال حاضر یک هیئت خوب نمی‌تواند خودش را محدود به مسائل دینی و مذهبی کند. هیئت خوب الآن باید در متن انقلاب باشد. به نظر من هیئتی خوب است که در یک جمله «در خط ولایت حرکت کند».

می‌توانید منظورتان را از «بصیرت» کمی روشن‌تر توضیح بدهید؟ آیا منظور شما از بصیرت، حزبی شدن یا جذب مخاطبان خاص برای هیئت‌هاست؟

اولاً که هیئت‌های مذهبی بسیار فراتر از سازمان و گروه‌ها هستند؛ یعنی فراجنبی هستند و از تمام اقشار جامعه و تمامی گرایش‌های موجود در آنها شرکت می‌کنند. آنچه که من فهمیدم این است که هیئت یک اخلاق و

به همین علت این هیئت‌ها علاوه بر اینکه همچنان مسئولیت‌های قبلی خود را مانند برگزاری برنامه‌های معنوی و تقویت بنیان‌های دینی داشتند، بعد از انقلاب توقعات دیگری از این هیئت‌ها می‌رفت که با توجه به شرایط، در

نقش امام حسین (ع)  
نجات دادن افراد است  
بنابر این هیئت‌های مذهبی هم  
چنین کارکردی دارند  
پس به هیچ وجه نمی‌توان هیئت را  
در انحصار حزب خاصی دانست

جهت تحکیم نظام جمهوری اسلامی یا با توجه به نیازهای جامعه مانند دوران جنگ در جهت تقویت جبهه‌ها، چه از طریق اعزام و تربیت نیرو و چه در بحث کمک‌رسانی و پشتیبانی از جبهه‌ها عمل کنند که واقعاً بعضی از هیئت‌ها

با توجه به تجربیات زیاد خود به عنوان یک فعال مذهبی، لطفاً بگویید که تعریف شما از یک هیئت خوب چیست؟

قبل از انقلاب هیئت‌ها کارکردهای خاص خود را داشتند و بیشتر به فعالیت‌های مذهبی می‌پرداختند که بعدها این فعالیت‌ها با آغاز مبارزات علیه نظام طاغوت، جنبه سیاسی نیز پیدا کرد. مثلاً در جریان ۱۵ خرداد، هیئت‌های مؤتلفه اسلامی که در حال حاضر تشکیلی نیز به این نام وجود دارد، ترکیبی از هیئت‌های مختلف مذهبی بود که این هیئت‌ها علاوه بر اینکه کار اعتقادی و اقامه عزا می‌کردند، کارهای سیاسی نیز انجام می‌دادند. این کارکرد برای قبل از انقلاب بود، اما بعد از انقلاب طبیعی بود که کارکردها باید تفاوت پیدا می‌کرد؛ چون حکومت یک حکومت اسلامی و نظام هم به یک نظام اسلامی تبدیل شده بود.



دارد یا به احساسات مذهبی خودجوش درونی مردم مربوط می‌شود؟

طبیعی است که نظام حاکم، اثری مستقیم روی فعالیت هیئت‌های مذهبی دارد. چون نظام، نظامی اسلامی است و مردم هم خواهان کمک به این نظام هستند، طبیعی است که هر کسی که به دنبال کمک به نظام است، به دنبال تشکلی می‌گردد که بتواند با فعالیت در آن به نظام اسلامی کمک کند. از آن جهت که نظام، اسلامی شده، زمینه برای گسترش و تقویت هیئت‌های مذهبی هم فراهم است. خود نظام هم به این موضوع توجه داشته و شاهد چنین رویکردی هم در نگاه حضرت امام (ره) و هم مقام معظم رهبری هستیم.

حضرت امام واقعاً به موضوع عزاداری برای امام حسین (ع) یک نگاه راهبردی دارند؛ یعنی ایشان در هیئت‌ها به دنبال یک تاکتیک موقت نبوده و اهداف بلندمدتی را تعقیب می‌کردند که بهترین وسیله برای دستیابی به اهدافشان را همین هیئت‌ها می‌دیدند. خود مقام معظم رهبری هم در مقاطع مختلف که با روحانیان، مداحان و سایر دست‌اندرکاران هیئت‌های مذهبی صحبت می‌کنند، دائماً به چنین موضوعاتی اشاره می‌کنند. به‌ویژه درست است که رهنمودهایی که مقام معظم رهبری در این چند سال اخیر داده‌اند، بیشتر خطاب به مداحان و ذاکران بوده، ولی در حقیقت به طور غیرمستقیم خواسته‌اند که هیئت‌ها را تقویت کنند. در نتیجه باید بگوییم که نظام اسلامی در گسترش و حمایت از فعالیت هیئت‌های مذهبی نقشی مستقیم دارد.

از اظهارات شما این‌طور برمی‌آید که پتانسیل بسیار عظیمی در هیئت‌های مذهبی وجود دارد. پرسش این است که چرا با گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، عملکرد هیئت‌های مذهبی را از منظر جامعه‌شناسی مورد نقد و بررسی قرار نداده‌ایم تا بتوانیم از این پتانسیل عظیم در جهت بهره‌برداری هر چه بهتر استفاده کنیم؟ به نظر شما چه عواملی باعث شده که ما نگاه علمی به هیئت‌های مذهبی نداشته باشیم؟

من قبول دارم که سازمان‌دهی خاصی به آن شکلی که باید وجود داشته باشد، وجود ندارد و تلاش کمی برای جامعه‌شناسی هیئت‌های مذهبی صورت گرفته، ولی به نظر من لازم است با توجه به گستردگی هیئت‌ها و پتانسیل‌های عظیم موجود در آنها کاری در

دارد به اهل بیت (ع) و هیئت‌ها باز نمی‌گردد و سلیقه‌ای است.

با توجه به پیشینه‌ای که شما قبل و بعد از انقلاب به عنوان یک عضو همیشگی فعال در هیئت‌های مذهبی داشته و دارید، به نظرتان شکوفاترین دوره فعالیت هیئت‌های مذهبی در کشور ما چه مقطعی بوده است؟ زمان جنگ؟ دهه اخیر یا مبارزات زمان انقلاب؟ همان‌طور که اشاره کردم کارکرد هیئت‌ها قبل از انقلاب، مبارزه با طاغوت بوده و بعد از پیروزی انقلاب هم در زمان جنگ، هیئت‌ها کارکرد خود را که حضور در جبهه‌ها بود، داشتند. بنابراین چه در دوران قبل از انقلاب هم و چه دوران جنگ و حتی بعد از جنگ هم در جهت استمرار حرکت انقلاب فعالیت کرده‌اند. پس باید گفت که به نظر من هیئت‌ها در هر زمانی بسته به شرایط موجود شکوفا بوده‌اند.

**جامعه‌شناسی هیئت‌های مذهبی می‌تواند منشأ خیر و برکات بسیاری باشد، به شرطی که محققان در کنار معلومات علمی روحيات مذهبی و مردمی هم داشته باشند تا فاصله‌های موجود کمتر شود**

یعنی شما به فراز و نشیب و تعیین دوره‌ای به عنوان دوران اوج شکوفایی فعالیت‌های مذهبی، اعتقادی ندارید؟

البته اگر بخواهیم از اصطلاحات و تعابیر امروزی استفاده کنیم، شاید بتوان گفت که هیئت‌ها در دوران سازندگی با توجه به شرایط اجتماعی آن زمان، شاهد نوعی افول بوده‌اند. شاید این افول هم از این احساس سرچشمه گرفت که بعد از جنگ تمامی مسائل حل شده و همه به دنبال مسائل اقتصادی رفتند. به همین علت در آن زمان تا حدودی از مسائل فرهنگی غفلت شد که همین غفلت موجب برآشفستگی مقام معظم رهبری و مطرح شدن موضوع تهاجم و شبیخون فرهنگی از سوی ایشان شد. در اینجا باید اشاره کنم که هیئت‌های رزمندگان غرب تهران هم دقیقاً بعد از فرمایش‌های تاریخی مقام معظم رهبری در مورد شبیخون فرهنگی تأسیس شد. شما در اظهاراتتان به نقش نظام اسلامی در گسترش فعالیت هیئت‌های مذهبی اشاره کردید. آیا به نظر شما گسترش فعالیت هیئت‌های مذهبی به نظام سیاسی بستگی

روحیات خاصی دارد. مثلاً وقتی شما می‌شنوید در هیئت‌ها و دسته‌های مذهبی افراد غیرمسلمان هم شرکت می‌کنند، آیا ما می‌توانیم در هیئت‌ها خط‌کشی کرده و تنها افراد خاصی را به داخل هیئت راه دهیم؟ من چنین برداشتی از هیئت را به تعابیر شخصی افراد محدود می‌دانم، اما هیئت‌ها عموماً چنین روحیه‌ای ندارند. اتفاقاً من از بزرگواری تعبیر بسیار جالبی در این خصوص شنیده‌ام که می‌گفت: «ما در عالم هستی موجودی پلیدتر از شیطان نداریم، اما وقتی که همین شیطان در مجموعه قرآن قرار می‌گیرد، دست بدون وضو به آن نمی‌توان زد.»

به همین ترتیب شاید افرادی که در هیئت‌ها شرکت می‌کنند، اهل هر فرقه‌ای باشند، اما وقتی در داخل دستگاه اهل بیت (ع) حضور پیدا می‌کنند، قداست پیدا می‌کند و مورد احترام واقع می‌شوند. در واقع هر فردی با هر ایده و مرامی در دستگاه اهل بیت (ع) حضور پیدا کند، قداست می‌یابد. حتی تعبیری که از ائمه معصومین (ع) در فرمایش‌های آنها وجود دارد، این است که فرموده‌اند: «امام حسین (ع) کشتی نجات است.» بنابراین هر کس که در حال غرق شدن است، باید به درون این کشتی بیاید. در خانه اهل بیت (ع) به روی تمام افراد باز است، چنانچه خود آنها نیز چنین کاری می‌کردند. نقش امام حسین (ع) نجات دادن افراد است، پس هیئت‌های مذهبی هم چنین کارکردی دارند و چنین روحیه‌ای بر آنها حاکم است.

بنابراین به هیچ وجه نمی‌توان هیئت را در انحصار حزب و گروهی خاص دانست؛ یعنی فضای هیئت‌ها به مراتب وسیع‌تر از چنین برداشتی است. حتی کاری که خود ما در هیئت رزمندگان غرب تهران انجام داده‌ایم، این است که از ابتدا همین روحیه را حاکم کرده‌ایم و افراد با هر گرایش و سبک و سلیقه‌ای (حتی افراد شناخته شده از گروه‌های مختلف) می‌آیند و در جلسات ما شرکت می‌کنند. بنابراین ابداً هیچ‌وقت این‌طور نبوده که بخواهیم انحصاری ایجاد کرده یا خط‌کشی کنیم که کسی بیاید یا نیاید. دستگاه اهل بیت (ع) به‌ویژه هیئت‌های رزمندگان چنین کارکردی داشته و دارند. پس باید بگوییم که منظور از دادن بصیرت به مخاطبان به هیچ وجه ایجاد خط‌کشی ذهنی نیست؛ یعنی همان‌نگاهی که اهل بیت (ع) در مسائل مختلف و نسبت به بندگان خدا داشته‌اند، هیئت‌ها هم همین نگاه را دارند. اگر در جایی احیاناً تگ‌نظری‌هایی وجود

معتقدم که جامعه‌شناسی هیئت‌های مذهبی می‌تواند منشأ خیر و برکات بسیاری باشد، به شرطی که محققان در کنار معلومات علمی، روحیات مذهبی و مردمی هم داشته باشند تا فاصله‌های موجود کمتر شود.

با توجه به مسائلی که به آن اشاره کردید، اگر جامعه‌شناسان بخواهند عملکرد هیئت‌های مذهبی را از منظر جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار دهند چه اقتضائات دیگری را باید مدنظر قرار دهند؟

به نظرم نزدیکی به مردم و هیئت‌های مذهبی، مهم‌ترین عامل است.

آیا صرف نزدیکی به مردم و هیئت‌ها زمینه لازم برای بررسی جامعه‌شناسانه هیئت‌های مذهبی را به وجود می‌آورد؟

بله؛ وقتی جامعه‌شناسان به چنین فضاهایی نزدیک شوند، بدیهی است که جای پای خود را باز می‌کنند. ما اگر همیشه بخواهیم از دور نشست و صحبت کنیم، نمی‌توانیم تأثیرگذاری داشته باشیم. باید به دل این هیئت‌ها برویم. به نظرم این مهم‌ترین نکته است. حتی در هیئت‌ها هم حرف کسانی تأثیر بیشتری دارد که حضور بیشتری در این برنامه‌ها داشته باشند. الان جای روانشناسان، استادان علوم تربیتی و جامعه‌شناسان مذهبی در هیئت‌ها خالی است.

چرا؟

شاید به خاطر این برداشت که هیئت یک مکان مذهبی است و فقط می‌توان کارکردهای مذهبی را در آن دنبال کرد. مثلاً این تفکر در خصوص هیئت‌ها غالب است که هیئت فقط مکان عزاداری است. وقتی هیئت‌ها فقط در موضع سینه‌زنی قرار داشته باشد و مثلاً در مورد جشن‌های مذهبی کاری انجام ندهد، بدیهی است که در سایر عرصه‌ها عقب می‌ماند. در اینجا استادان دانشگاهی می‌توانند این هیئت‌ها را به سوی مسائل تربیتی و علمی سوق بدهند. اگر ما فقط بخواهیم به هیئت‌ها از یک بعد نگاه کنیم، هیئت‌های ما به‌رغم دارا بودن پتانسیل‌های بسیار نمی‌توانند بازده لازم را داشته باشند. خادمان و دست‌اندرکاران باید بنشینند و با کمک جامعه‌شناسان پتانسیل‌ها و نقاط ضعف را کشف کنند. در حال حاضر در همایش‌ها فرم نظرسنجی می‌دهند. هیچ ایرادی ندارد که در هیئت‌ها هم این کار انجام شود. هیئت‌ها می‌توانند به روش‌های مختلف کار تحقیقی کنند تا ببینند مخاطبانشان واقعاً از



به نظرم استادان دانشگاه، جامعه‌شناسان و روانشناسان باید خود را به هیئت‌ها نزدیک کنند. بعضی‌ها منتظرند که همه امکانات برای

**هیچ اشکالی ندارد که هیئت‌ها هم از فرم‌های نظرسنجی استفاده کنند**  
**هیئت‌ها می‌توانند به روش‌های مختلف، کار تحقیقی کنند و از خواسته‌های مخاطبانشان مطلع شوند**

آنها فراهم شود تا بعد آنها وارد شده و خود را نشان دهند، ولی باید خود محققان و استادان دانشگاهی به این هیئت‌ها نزدیک شوند و می‌توانند از امکاناتی که هیئت‌ها برای آنها فراهم می‌سازند به نحو احسن در انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی استفاده کنند. البته به شرطی که یک مقدار اخلاقشان، اخلاق مردمی باشد و با مردم باشند.

یکی از ویژگی‌های خاص امام (ره) و مقام معظم رهبری این است که مردمی فکر می‌کنند. اینکه حضرت امام (ره) توانست میلیون‌ها نفر از مردم را سازمان‌دهی کند و انقلاب و جنگ را اداره کند، ناشی از نگاه مردمی ایشان است. افرادی که خود را تافته جدابافته از مردم می‌دانند، نوعی مرز در بین خود و جامعه می‌کشند که مانع از پیشرفت کار می‌شود. من

این خصوص صورت بگیرد. این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که در کشور ما برای بسیاری از مناسبت‌ها ستاد وجود دارد، اما برای اقامه عزای حسینی و دهه محرم ستادی وجود ندارد! با این تفصیل عرض من این است که قبل از انقلاب به دلیل حاکمیت نظام طاغوت چنین سازمانی وجود نداشت، ولی بعد از پیروزی انقلاب فضا کاملاً فرق کرده و می‌طلبد با توجه به گستردگی و افزایش چشمگیر هیئت‌ها اقدامی در این خصوص صورت گیرد.

با توجه به شرایط موجود الان ضروری است که نگاه ما یک نگاه حکومتی باشد. اگر قبل از انقلاب فقط از موضع ارشاد و موعظه و نصیحت به هیئت‌ها می‌نگریستیم، الان چون حکومت یک حکومت اسلامی است، باید نگاه حکومتی داشته باشیم و کارکرد خاصی از این هیئت‌ها انتظار داشته باشیم. رسیدن به این نگاه هم مستلزم سازمان‌دهی است. من هم به عنوان یک خدمتگزار کوچک قائل به این هستم که نیاز به این داریم که بنشینیم و افقی را که از این هیئت‌ها انتظار می‌رود، مشخص کرده و کارکردها را نیز تعریف بکنیم. به همین منظور باید نقدی علمی به تحولات گذشته و فعلی داشته باشیم تا از این پتانسیلی که در هیئت‌ها وجود دارد، به نحو بهتری استفاده کنیم.

به نظر شما جامعه‌شناسان چگونه باید به این عرصه ورود پیدا کنند؟

اما وقت‌شناسی هم مسئله مهمی است که نباید از نقش و تأثیر آن غافل ماند، چون هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد. اعتقاد من این است که دهه اول محرم به تعبیر امروزی‌ها المپیک برنامه‌های مذهبی ماست. چون یا مردم خود به طور مستقیم در صحنه حضور دارند یا تماشاجی هستند. حتی ماه رمضان و نیمه شعبان هم به این فراگیری نیست. به نظرم در اوج برنامه‌های مذهبی زمان انتقاد نیست. حتی اگر انتقاد به جا باشد، زمان مناسبی برای آسیب‌شناسی نیست. در بقیه روزهای سال هم می‌توان به این موضوع پرداخت. مگر ما نمی‌گوییم: «کل یوما عاشورا و کل ارض کربلا»؟ ما همه طول سال می‌توانیم از عاشورا حرف بزنیم و آسیب‌ها را نیز بیان کنیم. به همین ترتیب احساس می‌کنم جامعه‌شناسان نیز باید در جامعه‌شناسی هیئت‌های مذهبی به مسئله زمان و سایر موضوعات حائز اهمیت دیگر نیز توجه داشته باشند. این ریزه‌کاری‌ها خیلی مهم است.

**به نقش علما، مداحان و صدا و سیما اشاره کردید. به نظر تان علت عدم ورود نویسندگان برای تألیف کتب علمی- مذهبی چیست؟**  
من فکر می‌کنم این موضوع هم دوباره به نوع نگاه نویسندگان ما به هیئت‌های مذهبی باز می‌گردد که در ذهن خود با رویکردی علمی به محافل مذهبی نگاه نمی‌کنند. در اینجا لازم می‌دانم دوباره به این موضوع اشاره کنم که باید خودشان پا بر عرصه بگذارند و منتظر دعوت نمانند.

**به نظر شما برای رفع این معضل چه باید کرد؟**  
باید بزرگان، استادان، روحانیان و همه دست‌اندرکاران با برگزاری جلسات هم‌اندیشی زمینه لازم را برای جامعه‌شناسی هیئت‌های مذهبی به وجود آورند. من به عنوان یکی از دست‌اندرکاران می‌بینم که چه پتانسیل‌هایی در این هیئت‌ها وجود دارد که در صورت ایجاد تعامل بین حوزه و دانشگاه و سایر نهادهای تحقیقاتی می‌توان از این پتانسیل‌ها به نفع اهداف فرهنگی، مذهبی و اجتماعی جامعه بهره‌برداری کرد. سازمان تبلیغات اسلامی که هم مسئول چنین برنامه‌هایی است، می‌تواند از استادان حوزه و دانشگاه دعوت کرده و با برگزاری جلسات هم‌اندیشی زمینه را برای تغییر دیدگاه‌ها فراهم آورد. البته این کار مشروط به این است که از افراد کلیدی دعوت شود. کسانی که در بطن صحنه فعالیت می‌کنند. وقتی مجموعه نگاه‌ها مطرح شد، برآیند حتماً مثبت خواهد بود. ■

را تأیید می‌کنند. البته به نظرم رسانه ملی نیز در این زمینه نقش حائز اهمیتی را برعهده دارد. گاه مشاهده می‌کنیم که تلویزیون سخنرانی‌هایی را از علما پخش می‌کند که آن سخنرانی‌ها در جمع طلاب حوزه علمیه بیان شده و بیشتر تخصصی هستند. ولی مسئله این است که وقتی آن سخنرانی از تلویزیون پخش می‌شود، جنبه عمومی پیدا می‌کند. این موضوعی است که صدا و سیما ما نیز باید به آن توجه کند تا وقتی یک سخنرانی از علما پخش می‌شود، جنبه عمومی آن هم رعایت شده باشد؛ یعنی قابل فهم برای عموم مردم باشد. مثلاً حجت‌الاسلام قرائتی وقتی از تلویزیون سخنرانی می‌کند، همه‌فهم است، ولی وقتی سخنرانی تخصصی علما در جمع طلاب حوزه علمیه از یک شبکه عمومی مثل شبکه یک سیما پخش می‌شود، چون درک مفاهیم آن کمی سخت‌تر است، شاید به صورت ناخودآگاه

**دهه اول محرم به تعبیر امروزی‌ها المپیک برنامه‌های مذهبی ماست چون یا مردم به طور مستقیم در صحنه حضور دارند یا تماشاجی هستند در اوج برنامه‌های مذهبی زمان انتقاد نیست حتی اگر انتقاد به جا باشد**

باعث شده باشد که مردم در گذر زمان بیشتر به سوی مداحی و سینه‌زنی سوق پیدا کنند. این در حالی است که مردم علاقه‌مند به روحانیت بوده و مایل هستند که مسائل دینی و فقهی خود را از زبان علما بشنوند و امام (ره) نیز در تعبیری از روحانیت گفته است: «اسلام بدون روحانیت مثل جامعه بدون طبیب است». یعنی همان‌طور که کشور نمی‌تواند بدون طبیب باشد، اسلام نیز بدون روحانیت اصلاً معنا ندارد.

**با توجه به مسائلی که بدان اشاره شد، مرز بین کار جامعه‌شناسانه و آسیب‌شناسانه کجا باید باشد؟**

با این سؤالاتان دست روی دل من گذاشتید. در اینکه باید آسیب‌شناسی هیئت‌های مذهبی صورت گیرد، هیچ شکی نیست، چون همان‌طور که از قدیم گفته‌اند: «بدل هر گوهر گرانمایی را هم می‌سازند.» آسیب‌شناسی موضوعی است که علما همیشه در طول تاریخ به آن اشاره کرده‌اند،

شرکت در جلسات راضی می‌شوند یا نه و از سایر خواسته‌های آنها نیز اطلاع یابند. هم‌اکنون ضروری است که ما این‌طور عمل کنیم و در برخی از روش‌هایمان تجدیدنظر کنیم. حتی مقام معظم رهبری با نامگذاری سال گذشته به نام «نوآوری و شکوفایی» زمینه را ایجاد کردند. نوآوری همین مسائل است و فعالیت هیئت‌های مذهبی باید بسیار فراتر از قبل باشد.

**شما در اظهاراتان به این مسئله اشاره کردید که هیئت‌ها با کمک جامعه‌شناسان می‌توانند اقدام به انجام فعالیت‌های تحقیقاتی کنند. یکی از مسائلی که بالطبع می‌توان بر روی آن تحقیق کرد، استقبال بیشتر نسل جوان از مداحی و سینه‌زنی و توجه کمتر به سخنرانی‌ها است. در صورتی که قبل از انقلاب شاهد عکس این موضوع بودیم.**

**به نظر شما از منظر جامعه‌شناسی این استقبال مردمی از مداحی و سینه‌زنی را چگونه می‌توان تحلیل کرد؟**

با چنین دیدگاهی به نوعی موافقم. ولی چنین موضوعی در همه هیئت‌ها عمومیت ندارد. حتی هیئت‌هایی وجود دارند که بیشتر جمعیت برای گوش کردن به سخنرانی‌ها حضور پیدا می‌کنند. اما از آنجایی که من، هم با علمای بزرگوار و هم با ذاکران در ارتباطم، باید به نکته‌ای اشاره بکنم و آن این است که باید ذائقه‌ها را در نظر بگیریم. به عنوان مثال، بعضی سبک‌های سخنرانی در زمان خودشان تأثیرگذار بودند، اما در حال حاضر نسل جوان چندان از این‌گونه سخنرانی‌ها استقبال نمی‌کنند. ذائقه مردم تغییر کرده و سبک‌های دیگری را می‌پسندند. در حال حاضر با توجه به تعدد برنامه‌ها در هیئت‌ها، فرصت سخنرانی کمی کمتر شده است. از این فرصت باید طوری استفاده کرد که بیشترین تأثیرگذاری را داشته باشد.

از آنجایی که من خودم از دور، دستی بر آتش دارم و سخنرانی هم می‌کنم، احساسم این است که باید در روش‌های ارائه مطلب تجدیدنظری صورت گیرد. اما در خصوص اینکه چرا مداحی و سینه‌زنی طرفداران بیشتری پیدا کرده است؟ فکر می‌کنم به این علت بوده که آنها در بهره‌گیری از روش‌های نوین به روزتر عمل کرده‌اند؛ یعنی تلاش کردند با توجه به تغییر ذائقه‌ها به روزتر باشند. به نظرم این دیدگاهی است که استادان جامعه‌شناسی نیز با تحقیق در این خصوص آن

## جامعه‌شناسی هیئت‌های مذهبی؛ از رویا تا واقعیت

محمدصادق امینی

بدون هیچ تردیدی می‌توان گفت که پیروزی انقلاب اسلامی فقط نظام سیاسی ایران را دگرگون نساخت، بلکه اسباب تحول بسیاری از نهادهای دیگر اجتماعی را نیز فراهم آورد. در واقع طبیعت ایدئولوژیک انقلاب اسلامی اقتضا می‌کرد نهادهای مختلف جامعه، خود را با ایدئولوژی جدید وفق دهند و آن دسته هم که این قابلیت را ندارند از صحنه حذف شوند. در این بین، از آنجا که ایدئولوژی انقلاب، بنیانی دینی داشت، انقلابیون در نهادهای دینی و منسوب به دین، بیش و پیش از دیگر نهادها واکاوی و بازنگری کردند. از سوی دیگر، اکثریت توده مبارز و انقلابی را جوانان تشکل می‌دادند؛ جوانانی که در عین حال به تناسب فاصله گرفتن از زندگی جامعه سنتی (در نتیجه سیاست‌های مدرنیزاسیون پهلوی اول و دوم) از شاخصه‌ها و ارزش‌های آن جامعه نیز فاصله گرفته بودند و به همین سبب به آنچه که از گذشته مانده بود، به دیده تحقیر و بدبینی می‌نگریستند.

در این بین هیئت‌های مذهبی نیز، به‌رغم تحولاتی که در درون مایه برخی از آنها رخ داده

بود، بر همان ساختار و سازمان سنتی خود باقی مانده بودند. هر چند بعد از پیروزی انقلاب حفظ این سنت در شکل پیشین خود برای مدیران و بانیان که عموماً پیشکسوت‌ها و هیئتی‌های مسن

دکتر محمدی‌اصل، جامعه‌شناس:

**نگاه تقدس‌آمیز به هیئت‌ها**

**باعث به وجود آمدن نوعی**

**نگاه تک‌بعدی، پیش‌داوری**

**و افکار قالبی می‌شود**

**که همین محدودیت‌ها در نهایت**

**منجر به این می‌شود**

**که نتوان در خصوص**

**جامعه‌شناسی هیئت‌های مذهبی**

**کار چندانی انجام داد**

بودند، یک ارزش به شمار می‌رفت، اما طبیعتاً نمی‌توانست مطلوب و مقبول جوانان انقلابی باشد که به قدرت هم دست یافته بودند. با توجه به مسائلی که بدان اشاره شد، می‌توان گفت که پس از پیروزی انقلاب اسلامی فصل جدیدی در سازمان‌یابی هیئت‌های مذهبی گشوده شد؛ فصلی که در برخی زمینه‌ها به انقلابی در ساختار

کهن و دیرپای این مجالس انجامید، ضمن آنکه به تنوع و چندگانگی هیئت‌های مذهبی هم موضوعیت و رسمیت بخشید؛ اما مسئله اصلی که در اینجا قصد پرداختن به آن را داریم این است که آیا به‌رغم چنین تغییرات و نوسانات گسترده ساختاری-محتوایی که در چند دهه گذشته در هیئت‌های مذهبی شاهد آن بوده‌ایم، هیچ‌گاه این فراز و نشیب‌ها از منظر علم جامعه‌شناسی مورد نقد و بررسی قرار نگرفته است؟!

**نگاه تقدس‌آمیز**

**مانع انجام کار جامعه‌شناسی است**

هیچ شکی در این نیست که در صورت انجام تحقیقات جامعه‌شناسانه درباره هیئت‌های مذهبی، به عنوان نهادهایی که از مقبولیت اجتماعی، فرهنگی و مذهبی بسیاری در بین اقشار مختلف جامعه برخوردارند، می‌توان به نتایج و داده‌های ارزشمندی دست یافت؛ اطلاعاتی که به باور بسیاری از کارشناسان به کمک آنها می‌توان پتانسیل‌های موجود را شناخت، آسیب‌ها را کشف و چشم‌انداز آینده فعالیت هیئت‌های مذهبی در ایران را ترسیم کرد، اما موضوعی که باید مورد نقد و بررسی قرار بگیرد، این است که به‌رغم نقشی که هیئت‌های مذهبی در شکل‌دهی جریان‌های فرهنگی و اجتماعی در کشورمان دارند، چرا تاکنون مطالعات جامعه‌شناسانه چندانی روی هیئت‌ها صورت نگرفته است؟

دکتر عباس محمدی‌اصل، جامعه‌شناس و مدرس دانشگاه علامه طباطبایی در پاسخ به



تحقیقات جامعه‌شناسی در خصوص عملکرد هیئت‌های مذهبی انجام دهد، مسلم است که در تحقیق خود به مسائل مهمی توجه نمی‌کند. چون این علم، مسائل را فقط از زاویه خود مورد بررسی قرار می‌دهد.»

بنابر اظهارات این سخنران و نویسنده مذهبی، جامعه‌شناسی هیئت‌های مذهبی وقتی به صورت درست و قابل قبولی انجام خواهد شد که فردی که خواهان تحقیق در این عرصه است، مطالعات دینی و بومی داشته باشد و فرهنگ‌شناسی خوبی نیز بداند، چون تنها در چنین شرایطی است که نتایج تحقیق می‌تواند خیلی مثمرتر بوده و به ارائه راهکار بینجامد.

نویسنده کتاب «خلاقیت و نوآوری» در توضیح اظهارات خود می‌افزاید: «منظور من این نیست که افرادی که قصد تحقیقات جامعه‌شناسانه در عرصه هیئت‌های مذهبی دارند، الزاماً باید به تمام مسائل مذهبی اشراف کامل داشته باشند، بلکه منظورم این است که اگر استادان جامعه‌شناسی و روانشناسی که می‌خواهند از دریچه علمی خاص به موضوعات مذهبی نگاه کنند در کنار معلومات علمی خود معلومات دینی خوبی همه داشته باشند یا از طریق فعالیت گروهی اطلاعات مذهبی مورد نیاز خود را به دست آورند، می‌توانند نظریات خوب و راهگشایی در حوزه فعالیت‌های خود بدهند.»

بنابر اظهارات حجت‌الاسلام رجالی، حتی افرادی که امکان مطالعات دینی ندارند، می‌توانند برای تکمیل اطلاعات خود حداقل با افراد کار کرده در این زمینه‌ها مشورت کنند، چون در این صورت نگاه علمی به مسائل دینی نه تنها مشکلی ایجاد نمی‌کند، بلکه می‌تواند راهکارهایی برای چالش‌ها نیز ارائه دهد.

وی با تأکید بر ضرورت انجام تحقیقات گروهی درباره چنین موضوعاتی می‌گوید: «متأسفانه کمتر نویسندگان و پژوهشگری در جامعه ما به انجام کار تیمی علاقه دارد. ولی ما شاهد این هستیم که هر وقت تیمی از نویسندگان یا محققان درباره مسئله‌ای کار کرده‌اند، خروجی کار بسیار بهتر و پرمحتواتر بوده، چون هر کدام از اعضای گروه از جنبه‌ای که در آن تخصص داشته، نگارش یا تحقیق را برعهده گرفته بوده است.»

حجت‌الاسلام رجالی با تأکید بر توجه خاص علما و روحانیان به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی درباره عملکرد هیئت‌های مذهبی می‌افزاید: «برای مثال یکی از موضوعاتی

و در واقع نظام دینی تثبیت می‌شود، ملاحظه می‌شود که گویا دیگر نیازی به این استدلال‌ها نیست. بنابراین می‌بینیم که سخنرانی‌های علمی و دینی در هیئت‌ها ضعیف‌تر می‌شود و در مقابل رفتارهای مناسکی مثل مداحی و سینه‌زنی تقویت می‌شود». بنابر اظهارات دکتر محمدی‌اصل در حال حاضر پرسش‌هایی نظیر این وجود دارند که وقتی ما به سمت مناسکی شدن دین پیش می‌رویم، وضعیت نسل جوانی که در آینده در این هیئت‌ها شرکت می‌کنند چه خواهد شد؟

### جامعه‌شناسی یک علم غربی است

هر چند تعدادی از جامعه‌شناسان معتقدند که حاکم بودن نوعی نگاه تقدس‌آمیز در جامعه مانعی بر سر راه جامعه‌شناسی هیئت‌های مذهبی است، ولی گروهی از کارشناسان مسائل دینی و مذهبی این دیدگاه را قبول نداشته و به محدودیت‌های علمی و فردی محققانی که قصد انجام این‌گونه تحقیقات را دارند، اشاره می‌کنند.

حجت‌الاسلام رجالی تهرانی، محقق مذهبی:

#### این‌طور نیست

که علما به جامعه‌شناسان

اجازه ورود و تحقیق

در عرصه دین را نداده باشند

چون خود علما در این عرصه

ورود جدی داشته‌اند

و آسیب‌ها و موضوعات مختلفی

را نیز مطرح کرده‌اند

حجت‌الاسلام علیرضا رجالی تهرانی، محقق و نویسنده مذهبی، در این خصوص می‌گوید: «یکی از مشکلات جامعه ما این است که گاه افرادی در حوزه‌هایی کتاب می‌نویسند که تخصص کمی در آن زمینه‌ها دارند؛ مثلاً کسی که اطلاعات دینی کمی دارد، یک موضوع دینی را از منظر جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار می‌دهد که این عدم تخصص و آگاهی باعث می‌شود جنبه دینی کتاب تضعیف شود.»

نویسنده کتاب «ولایت فقیه در عصر غیبت» با اشاره به اینکه علت عدم انجام تحقیقات جامعه‌شناسانه در خصوص عملکرد هیئت‌های مذهبی مخالفت علما و مراجع دینی یا حاکم بودن نگاه تقدس‌آمیز در جامعه نیست، تصریح می‌کند: «جامعه‌شناسی یک علم خارجی است و بسیاری از کتاب‌هایی که در این خصوص تألیف شده، بیشتر از سوی محققان خارجی بوده است. بنابراین اگر کسی بخواهد با چنین رویکردی

این پرسش می‌گوید: «علت این کمبود این است که نگاه جامعه ما به سوی هیئت‌های مذهبی به سمت یک نگاه تقدس‌آمیز جهت پیدا کرده و از آنجایی که علم، مبانی تشکیل و کارکردهای درونی هیئت‌ها را مورد کاوش قرار می‌دهد، ممکن است نگاه علمی با نگاه تقدس‌آمیز همراهی نداشته باشد. بنابراین به نظر می‌رسد که ما از بحث علمی در مورد هیئت‌ها دور شده‌ایم.» این جامعه‌شناس با اشاره به اینکه نگاه تقدس‌آمیز به هیئت‌ها مانعی برای انجام مطالعات جامعه‌شناسانه درباره آنها بوده، می‌افزاید: «نگاه تقدس‌آمیز به هیئت‌ها باعث به وجود آمدن نوعی نگاه تک‌بعدی، پیش‌داوری و افکار قالبی می‌شود که همین محدودیت‌ها در نهایت منجر به این می‌شود که نتوان در خصوص جامعه‌شناسی هیئت‌های مذهبی کار چندانی انجام داد.»

دکتر محمدی‌اصل در توضیح اظهارات خود می‌گوید: «وقتی یک جامعه‌شناس می‌گوید افرادی که در هیئت‌ها جمع شده‌اند، مثل بقیه انسان‌ها افراد طبیعی هستند (یعنی هم در زندگی خود نکات مثبت دارند و هم نکات منفی) و ممکن است مسائلی هم داشته باشند، مورد انتقادات شدید واقع می‌شود، چون نگاه غالب این است که افرادی که در هیئت‌ها شرکت می‌کنند، افراد بسیار خوبی هستند؛ هر چند در اینجا بحث بر سر خوب یا بد بودن افراد نیست. ولی مسئله این است که نگاه یک‌بعدی و پیش‌داوری‌هایی مثل اینکه افرادی که در هیئت‌ها شرکت نمی‌کنند، افراد بسیار بدی هستند، محدودیت‌هایی به وجود می‌آورد که نتوان در خصوص مطالعه جامعه‌شناسانه هیئت‌های مذهبی کار چندانی انجام داد.»

بنابر اظهارات این استاد جامعه‌شناسی وجود چنین گرایش‌هایی باعث می‌شود که جامعه‌شناسان نتوانند پاسخی برای پرسش‌های خود پیدا کنند؛ پرسش‌هایی که دانستن پاسخ آنها می‌تواند نقش مهمی در مقابله با تهدیدات آینده داشته باشد. محمدی‌اصل می‌گوید: «مثلاً یکی از وظایف هیئت‌های مذهبی ما در قبل از انقلاب این بود که به لحاظ برهان، استدلال و حجت‌آوری در مقابل نظام استبدادی و استعماری بایستد؛ بنابراین هیئت‌هایی که قبل از انقلاب تشکیل می‌شدند، از لحاظ تعقل و فکر بسیار قوی بودند و گویای این دیدگاه‌نگاهی به سخنرانی‌های شهید مطهری، شهید بهشتی، شهید باهنر، دکتر شریعتی و ... است که در قالب همین هیئت‌های مذهبی انجام شده‌اند؛ ولی هر چه که ما از انقلاب دور می‌شویم

که علما و روحانیان توجه خاصی به آن دارند، آسیب‌شناسی هیئت‌های مذهبی است که در همین خصوص بسیاری از مراجع خودشان قلم زده‌اند و سخنرانی‌های بسیاری انجام داده‌اند؛ این‌طور نیست که علما به جامعه‌شناسان اجازه ورود و تحقیق در عرصه دین را نداده باشند، چون خود علما در این عرصه ورود جدی داشته‌اند و آسیب‌ها و موضوعات مختلفی را نیز مطرح کرده‌اند.»

### طرفین باید نوع نگاه خود را تغییر دهند

همان‌طور که اشاره شد روحانیان و استادان دانشگاه هر کدام از منظری خاص به دلایل انجام نشدن مطالعات جامعه‌شناسانه در خصوص هیئت‌های مذهبی اشاره می‌کنند، اما دیدگاه سومی نیز در این میان وجود دارد که ضمن تأیید بخشی از دیدگاه‌های دو طرف، به موضوعات مورد توجه قرار نگرفته در دیدگاه‌های طرفین نیز اشاره می‌کند.

ابراهیم علیپور، کارشناس مسائل اجتماعی با اشاره به ضرورت تغییر برخی دیدگاه‌ها در نوع نگاه حوزه و دانشگاه در این خصوص می‌گوید: «من فکر می‌کنم چون موضوع هیئت یک جریان خاص است، شاید محافل دانشگاهی ما تاکنون به عنوان یک موضوع علمی به آن نگاه نکرده و همواره آن را از زاویه مسائل دینی و مذهبی مورد بررسی قرار داده‌اند؛ یعنی چون بیشتر نگاه‌ها به هیئت‌ها مذهبی بوده، کمتر استاد و پژوهشگری با نگاه علمی و به‌ویژه جامعه‌شناسانه به آن نگاه کرده است. از سوی دیگر، یکی از دلایل عدم توجه به جامعه‌شناسی هیئت‌های مذهبی نوع نگاه محافل مذهبی به مسئله هیئت‌هاست. افراد مذهبی و محافل دینی این‌طور فکر می‌کنند که علمی نظیر جامعه‌شناسی (گذشته از بحث غربی یا شرقی بودن آن) نه توان پرداختن به مسئله هیئت‌ها را دارند و نه صلاحیتی در این زمینه دارند.»

وی به آماده نبودن فضای عمومی جامعه به عنوان یکی دیگر از موانع موجود اشاره کرده و می‌گوید: «هر چند که علما با انتقاد از برخی مداحی‌ها یا اقداماتی نظیر قه‌زنی، فضای عمومی جامعه را برای بیان موضوعات بازتر کرده‌اند، ولی شما اگر بخواهید الان هم به روضه‌خوانی که روضه‌ای را بدون سند می‌خواند، در مجلسی تذکری بدهید، با اعتراض عمومی مواجه می‌شوید و خیلی کم پیش می‌آید که مردم حاضر در آن مجلس از شما حمایت کنند.»

بنابر اظهارات این کارشناس مسائل اجتماعی حتی اگر کسی بخواهد مطلبی را در رسانه‌ها نیز بیان کند، موضع‌گیری‌هایی به وجود می‌آید و خیلی‌ها به خاطر هزینه‌دار بودن چنین اقدامی در قبال برخی موضوعات سکوت کرده‌اند؛ سکوتی که بنابر اظهارات علیپور در رفتار تمام طبقات اجتماعی در کشورمان وجود دارد. با این وجود علیپور به ضرورت انجام مطالعات جامعه‌شناسی هیئت‌های مذهبی اشاره می‌کند و می‌گوید: «با توجه به مقایسه نسل جدید و قدیم جامعه، من معتقدم جامعه‌شناسی هیئت‌های مذهبی اقدامی حائز اهمیت است. زیرا با توجه به گسترش رسانه‌ها و شبهه افکنی‌هایی که هر روزه در جهان علیه دین مبین اسلام شاهدیم، ما باید بتوانیم در

علیپور، کارشناس مسائل اجتماعی:  
**در صورت انجام کار علمی درباره هیئت‌های مذهبی می‌توان به پتانسیل‌های عظیم فرهنگی و اجتماعی موجود در آنها پی برد و گره بسیاری از مشکلاتی که جامعه ما امروزه دچار آن شده باز کرد**

برابر مخاطبانمان به‌ویژه جوانان پاسخگو باشیم. همه باید تلاش کنیم تا این عزاداری‌ها علمی‌تر و کیفی‌تر برگزار شود تا به آن سطحی که مد نظر اسلام است، برسیم. ما نباید اجازه دهیم هیئت‌ها به مسائل حاشیه‌ای و سلاقی فردی کشانده شوند. از این منظر این وظیفه‌ای است که بر دوش تمامی کسانی که در دستگاه اهل بیت (ع) خدمت می‌کنند، قرار دارد. اگر ما می‌خواهیم که آینده عزاداری برای حضرت سیدالشهداء (ع) پررونق‌تر باشد، باید رویکرد علمی و به‌خصوص جامعه‌شناسانه به هیئت‌ها داشته باشیم و مشکلات اولیه را نیز تحمل کنیم.»

علیپور در انتهای اظهارات خود می‌افزاید: «در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشورمان به مسائل فرهنگی اشاره شده، ولی به مسئله هیئت‌ها اشاره خاصی نشده است، در صورتی که در کشور ما بدون اینکه سازمانی متولی هیئت‌ها باشد، بهترین هیئت‌ها به صورت خودجوش تشکیل می‌شوند که در صورت انجام کار علمی درباره آنها می‌توان به پتانسیل‌های عظیم فرهنگی و اجتماعی موجود در آنها پی برد و می‌توان گره

بسیاری از مشکلاتی که جامعه ما امروزه دچار آن شده، باز کرد.»

### آیا زمان عمل نرسیده است؟

در این گزارش تا حد امکان به موضوعات و دیدگاه‌های مختلف اشاره شد، اما باید گفت که جامعه‌شناسی هیئت‌های مذهبی موضوعی نیست که بتوان در قالب یک گزارش به بررسی آن پرداخت. در واقع هنگامی که از دریچه علم جامعه‌شناسی بخواهیم سیر تکاملی هیئت‌های مذهبی از قبل تا بعد از انقلاب و شرایط امروز آنها را مورد بررسی قرار دهیم با پرسش‌ها و معماهای بسیاری مواجه می‌شویم که یافتن پاسخی مناسب برای آنها نیاز به تحقیق و مطالعات فراوان دارد. پرسش‌هایی نظیر اینکه در جامعه مدرن و صنعتی امروز راز حیات دیرپای هیئت‌های مذهبی در چیست؟ چرا سالیان سال هیئت‌های سنتی، یگانه الگوی عام و بی‌رقیب مجالس عزاداری بوده، اما فقط در ربع قرن اخیر، گونه‌های متنوع و موازی بسیاری ظهور کرده و با هم به رقابت پرداخته‌اند؟ آیا هر گونه‌ای از هیئت‌ها تا زمانی عمر می‌یابند که بتوانند پاسخگوی نیازهای جامعه باشند و تا وقتی زنده می‌مانند که ضرورت کارکردی آنها ایجاب کند؟ آیا پیدایش یک گونه جدید از هیئت‌ها همیشه به معنای مرگ گونه پیشین است؟ موقعیت ویژه واقعه عاشورا و شخصیت امام حسین (ع) در باور و زندگی شیعی، چگونه با هدایت امام خمینی (ره) و برخی روحانیان و روشنفکران انقلابی به پیدایش الگوی تطبیقی انقلاب اسلامی و قیام امام حسین (ع) انجامید؟ زندگی شهری و واقعیتی به نام فرهنگ جوانان چه نقشی در سرعت‌بخشی به روند تغییرات ساختاری و محتوایی هیئت‌های مذهبی در دوران پس از انقلاب داشته است؟ چگونه می‌توان به تصویری به نسبت جامع از جریان مداحی و مجالس مذهبی امروز کشور دست یافت؟ آیا ممکن است پیچیدگی پدیده‌های اجتماعی عصر حاضر سبب ایجاد تغییرات ساختاری و محتوایی و تشکیل هیئت‌های جدیدی در دهه‌های آینده شود؟

این موارد تنها بخشی از پرسش‌هایی است که با تحقیقی اجمالی در این خصوص ذهن را به خود مشغول می‌سازند. ولی تا وقتی که سازمان‌ها، هیئت‌ها و محافل علمی، اقدامی عملی برای فراهم کردن زمینه مناسب برای جامعه‌شناسی هیئت‌های مذهبی انجام ندهند، بسیاری از این پرسش‌ها همچنان بی‌پاسخ باقی خواهند ماند! ■



## کار کرد هیئت‌های مذهبی بیشتر از رسانه‌هاست

دکتر ناصر باهنر عضو هیئت علمی دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع):

بسیاری با فضا و معماری خاص داشتند که در واقع همان تکیه‌های قدیم ماست. آنان فکر کردند این مکان‌ها می‌تواند بهترین فضا برای برگزاری مراسم عزاداری باشد و هیئت‌ها در

**هیئت‌های مذهبی می‌توانند کارکردهای اصلی یک رسانه از جمله کارکردهای «ارشادی»، «آموزشی»، «اطلاع‌رسانی» و «سرگرمی» در جامعه ایفا کنند**

همان جا شکل گرفت. بعد هم فضاهای خاصی به نام حسینیه پیش‌بینی شد که خیلی وقت‌ها حسینیه و تکیه به جای هم به کار برده می‌شد، تا به امروز که در ایران فضاهای متفاوتی به این عزاداری اختصاص داده می‌شود.

فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع) و نویسندۀ کتاب «رسانه‌ها و دین» همراه ما، به بحث و بررسی این موضوع می‌نشیند.

**سیر تاریخی شکل‌گیری هیئت‌های مذهبی از منظر جامعه‌شناسی در ایران چیست؟**  
اولین مجالس روضه و عزاداری در زمان امام سجاد (ع) راه‌اندازی شد و در واقع هسته اولیه این عزاداری‌ها در خارج از ایران شکل گرفت. به تدریج با ورود شیعیان به ایران، این مجالس به عنوان یک نماد ناب فرهنگ شیعی به ایران منتقل شدند، اما نه به صورت امروزی و در قالب تکیه‌ها و حسینیه‌ها.

شکل سازمان‌یافته و روشن این عزاداری‌ها به دوره صفویه برمی‌گردد که حکام آن دوره به مذهب شیعه بها می‌دادند. آنها خانقاه‌های

سرویس جامعه: هیئت‌های مذهبی طبق تعریف، گروهی اجتماعی با سابقه تاریخی مشخص بوده و تجمعی از افراد است که به منظور زنده نگه داشتن یاد و خاطره مناسبت‌های مذهبی مانند اعیاد، ایام ولادت و شهادت ائمه اطهار (ع) و البته با محوریت واقعه کربلا و قیام امام حسین (ع) شکل گرفته‌اند. هیئت‌ها بیشتر بر اساس ساختار دو گانه واعظ یا سخنران و ذاکر یعنی مداح و روضه‌خوان تشکیل می‌شود و اعضای آن از طریق روش‌هایی معمول و آدابی مشخص مانند سینه‌زنی، زنجیرزنی و ... به سوگواری یا شادمانی می‌پردازند.

هیئت‌ها را می‌توان یک گروه اجتماعی تلقی کرد و از همین منظر به بررسی آنها پرداخت. دکتر ناصر باهنر، عضو هیئت علمی دانشکده

## کارکردهای اجتماعی این تشکل‌های مذهبی و هیئت‌ها چیست؟

اگر ما با یک تساهل و تسامح اسم این نوع مجالس را رسانه ارتباطی بگذاریم (مثل مساجد، کلاس‌های درسی که در آن برگزار می‌شود و غیره)، این رسانه در طبقه‌بندی علم ارتباطات، در ارتباطات سنتی دسته‌بندی می‌شوند. بنابراین می‌توانیم برای این رسانه، کارکردهای اصلی رسانه را قائل شویم. با توجه به بررسی‌های انجام شده در طول تاریخ، می‌توان ویژگی‌های خاصی برای این رسانه برشمرد. اولین کارکرد

**وقتی حکومت‌ها با هیئت‌های مذهبی همراهی کنند هم امکانات، هم فضا و هم تأثیرات فرهنگی و حضور اجتماعی پررنگ‌تر می‌شود البته در این مواقع سیاست‌گذاری‌های دولت وارد تصمیم‌گیری‌های هیئت می‌شود**

این هیئت‌ها، کارکرد «ارشادی» است؛ یعنی این رسانه امکان تأثیرگذاری بر احساسات، عواطف و رفتارهای مخاطبان را فراهم می‌کند. در واقع این رسانه توانایی ایجاد یک تحول عاطفی و گرایش به سمت اعتقادات دینی در مخاطبان را دارد.

کارکرد دوم، کارکرد «آموزشی» است. در این مراسم به طور عمده مجموعه‌ای از اعتقادات و مناسک دینی به مخاطبان آموزش داده می‌شود. هر کس وارد مجالس سخنرانی، مداحی، روضه و غیره می‌شود، وقتی از مراسم خارج می‌شود، مطلبی آموخته است.

کارکرد سوم که در بخش‌هایی از انقلاب اسلامی ایران بسیار مؤثر بود، کارکرد «اطلاع‌رسانی» است. این کارکرد در دوران انقلاب بسیار قوی عمل کرد و روحانیان و گروه‌هایی که به نوعی با حکومت وقت مخالف بودند، از این مجالس برای اطلاع‌رسانی سیاسی و اجتماعی به مخاطبان که اغلب جوان و متدین بودند، استفاده می‌کردند. کارکرد اطلاع‌رسانی این رسانه، دست کم در ظهور انقلاب اسلامی و حتی در دوره‌هایی مانند قیام پانزده خرداد سال ۴۲، موضوع ملی شدن صنعت نفت و حضور آیت‌ا... کاشانی در جبهه سیاسی و حتی خیلی

قبل از آن در دوره مشروطه، بسیار واضح و پررنگ است. در واقع در دوره انقلاب چون وسایل ارتباط جمعی مانند تلویزیون، رادیو و روزنامه‌ها در اختیار انقلابی‌ها نبود، نقش مهم اطلاع‌رسانی سیاسی و اجتماعی بر دوش رسانه‌هایی از جمله هیئت‌ها بود که به خوبی از پس آن برآمدند.

کارکرد چهارم که تا حدی قابل مناقشه است، کارکرد «سرگرمی» و انبساط خاطر مخاطبان است.

این ویژگی را از این لحاظ می‌گویم که داریم با ادبیات رسانه صحبت می‌کنیم. ما معمولاً ویژگی سرگرمی را در کنار شادی‌آفرینی و سرور برای مخاطب می‌دانیم. پرسش اینجاست که می‌توان این کارکرد را در این مجالس که سبقه عزاداری و سوگواری دارند، به کار برد؟ به نظر من بله؛ یعنی اگر سرگرمی را بازتعریف کنیم و آن را به نوعی انبساط خاطر مخاطب در نظر بگیریم، مسئله حل خواهد شد. وقتی که فرد در مجالس حُزن و عزاداری باشد، به یک نوع

شادی معنوی دست می‌یابد یا به اصطلاح حس می‌کند سبک شده است. همین سبک شدن که به انبساط خاطر و آرامش او می‌انجامد، نماد کارکرد چهارم خواهد بود. از سوی دیگر می‌توان به پر کردن اوقات فراغت که از دیگر مصادیق این کارکرد است، اشاره کرد.

علاوه بر این چهار کارکرد اصلی، این مجالس سبب یک اتفاق مهم می‌شود و آن شکل‌گیری و بسیج افکار عمومی و اجتماعی است. این مجالس به مثابه یک رسانه سبب می‌شود که برای یک اتفاق عقیدتی در جامعه، زمینه

فکری عمومی و بسیج اجتماعی ایجاد شود.

**غیر از اینها کارکردهایی نیست که فقط مختص این هیئت‌ها و مجالس باشد؟**

قطعاً وجود دارد. یکی از کارکردهایی که امروز شما در مساجد و تکایا می‌بینید، کارکرد اقتصادی است. تعاون و کمک به مستضعفان یک کارکرد



در امور خیر است. در کنار نهادها و سازمان‌هایی که برای کمک‌های اقتصادی در جامعه وجود دارند، مانند کمیته امداد امام خمینی (ره) یا طرح شهید رجایی، خیلی از مساجد صندوق‌های قرض‌الحسنه دارند و به اهالی محل وام داده یا جلساتی برای کمک به نیازمندان محل برگزار می‌کنند که این کار همواره در طول تاریخ ایران در مساجد انجام شده است. فرض کنید کسی در محل به مشکل برمی‌خورد، می‌خواهد قرضی را بپردازد، خانه‌ای بسازد، دختری شوهر دهد و یا پسری را داماد کند. بارها شنیده‌ایم که این کارها



تصمیم‌گیری‌های هیئت می‌شود. مثلاً تصمیم می‌گیرد که تعزیه به شیوه‌ای که گفته و در جاهای مشخص برپا شود.

محدودیت نیز باعث حضور کم‌رنگ‌تر هیئت‌ها خواهد شد که نمونه بارز آن دوره پهلوی است. در دوره انقلاب اسلامی هم، حکومت دست هیئت‌ها را باز گذاشته است و جمهوری اسلامی از آنها حمایت می‌کند. بسیاری از سران نظام، خود هیئت دارند و به آن بها داده می‌شوند. البته اینجا هم خود جمهوری اسلامی وارد سیاست‌گذاری‌ها می‌شود. مثلاً استفاده از شمایل و علم‌ها و

**محور فرهنگ شیعی**  
**عاشورا است**  
**شیعیان در هر کجا که زندگی کنند**  
**محور اصلی فرهنگ زندگی**  
**نه فقط فرهنگ مذهبی خود را**  
**عاشورا قرار می‌دهند**

نوع استفاده از موسیقی‌ها توسط دولت و نیروی انتظامی به عنوان نهاد اجرایی کنترل و در برخی موارد ممنوع شده یا برای مثال شهرداری تهران با حضور فعال در حمایت از هیئت‌ها اعلام می‌کند از هیئت‌هایی که ثبت رسمی شوند، پشتیبانی می‌شود و به این شکل هیئت‌ها را به ثبت تشویق می‌کند یا پرچم‌های مختلف چاپ و بین دسته‌ها توزیع می‌کند و ذیل آن ویژگی‌های مناسب هیئت را یادآور می‌شود. به هر حال آنچه واضح است، حضور و موضع‌گیری دولت در مورد مسائل مذهبی، بر هیئت‌ها تأثیری جدی دارد.

**دلیل اصلی هماهنگی و یکرنگی مردم در برگزاری مراسم مذهبی به‌ویژه عزاداری امام حسین (ع) چیست؟**

محور فرهنگ شیعی، عاشورا است. شیعیان در هر کجا که زندگی کنند، محور اصلی فرهنگ زندگی، نه فقط فرهنگ مذهبی خود را عاشورا قرار می‌دهند. بنابراین طبیعی است که در یک تعامل فرهنگی، وقتی مطلبی «محور» شد، بیشترین اتفاق‌های اجتماعی حول آن محور شکل بگیرد. این است که در عاشورا حال و هوای شیعیان فرق می‌کند. چهره واحد و همسویی و هم‌رنگی خاصی بین آنان دیده می‌شود. چون این محور بی‌بدیل است و اتفاق خودش را نشان می‌دهد. ■

مسائل سیاسی، این برای خواسته‌های قومی یا صنفی به وجود آمده است. آنچه در رأس تمام اینها وجود دارد، مذهب است و رفته‌رفته بسته به افرادی که آن هیئت و دسته را تشکیل می‌دهند و در آن شرکت دارند، فرهنگ و خرده فرهنگی که تشکل در آن ایجاد شده، شرایط اجتماعی خودش را به این جمعیت کوچک تحمیل می‌کند و اولویت‌هایی که در آن دوره مذهب برای گروه قائل می‌شود، کارکردهای مختلفی پیدا می‌کنند. در واقع این اولویت‌هاست که سبب می‌شود این کارکردهای جدید وارد شوند.

**بر خوردهای مختلف حکومت‌ها با تشکیل هیئت‌ها و مراسم عزاداری چه تأثیراتی در روند بالندگی آنها داشته است؟**

در طول تاریخ هر جا حکومت نسبت به مذهب موضع‌گیری می‌کرد، هیئت‌ها بیش از همه تحت تأثیر قرار می‌گرفتند. از دوره صفویه که شکل‌گیری رسمی این عزاداری‌ها بوده، حکومت نسبت به آنها روی خوش نشان داده و فضاهای خاص

به آنان داده شده و عامل رشد این هیئت‌ها شده است. در این دوره برای هیئت‌های کوچک فرصتی به وجود آمده تا وارد صحنه شوند و بتوانند به حیات خود ادامه دهند. در دوران قاجار هم با انجام کارهایی مانند ساخت تکیه دولت و اقبال به برگزاری این مراسم مذهبی، همچنان فضای مساعد برای کار هیئت‌ها وجود داشت. در واقع وقتی حکومت همراهی می‌کند، هم امکانات، هم فضا و هم تأثیرات فرهنگی و حضور اجتماعی پررنگ‌تر می‌شود. البته در این مواقع سیاست‌گذاری‌های دولت، وارد

را با کمک مسجدی‌های محل انجام می‌دهد و گرفتاری را رفع می‌کند. بنابراین تعاون اجتماعی و اقتصادی در تاریخ این رسانه به عنوان کارکرد وجود داشته است.

دیگر اینکه امروزه، یعنی بعد از انقلاب اسلامی این هیئت‌ها کارکردهای سیاسی جدی دارند که گاهی به نوعی تحزب نیز کشیده می‌شود؛ یعنی



حزب‌هایی به وجود می‌آیند و آمده‌اند که در ابتدا در قالب یک هیئت فعالیت می‌کردند و رفته‌رفته به طور رسمی یا غیر رسمی نام حزب و سازمان بر خود نهاده‌اند. بنابراین این هیئت‌ها می‌توانند منشأ ایجاد تشکل‌های سیاسی و اجتماعی نیز باشند.

**به این ترتیب می‌توان خاستگاه‌های متفاوتی برای این هیئت‌ها در نظر گرفت؟**

به نظر من، خاستگاه اصلی تمام اینها، مذهب و ارتباطات مذهبی و شیعی است. نمی‌توان آنها را از هم جدا کرد و گفت مثلاً این هیئت برای تأمین

رئیس مرکز دایرةالمعارف انسان‌شناسی:

## باید حال و هوای موزه عاشورا منطبق با شرایط زمان باشد

نمایش گذاشتن رسوم و سنن عزاداری اقوام مختلف در ایران، با هدف حفظ سنت‌ها و میراث قدیم چیست؟ به نظر من کلمه «موزه» برای عاشورا، کلمه مناسبی نیست.

چرا؟ من با این عقیده موافقم که موزه مکانی برای فکر کردن است، ولی موزه در واقع مکانی برای ثبت و نگهداری قصص و وقایعی است که به تاریخ پیوسته‌اند، اما در خصوص عاشورا موضوع کاملاً متفاوت است. به نظر من، هر سال که با گذر زمان حماسه عاشورا تکرار می‌شود، حاوی یک امر بدیهی است؛ مثلاً در همین محرم سال ۱۴۳۰ هجری قمری که گذشت، شاهد بودید که حماسه عاشورا در این دنیای وانفسای کنونی از نظر زمانی با جریان نسل‌کشی در غزه همزمان شد. شما وقتی به اظهارات «سیدحسین نصرالله»، دبیرکل حزب... لبنان در خصوص عاشورا و غزه می‌اندیشید، می‌بینید تمام اعتبار ایشان هم از حماسه عاشورا بوده است. الهامات ایشان در مقاومت، از حماسه عاشورا گرفته شده است. آنقدر این حماسه اثر داشته و دارد که باعث شده، گروه‌هایی مانند اهل سنت که آشنایی اعتقادی

افراد معدود است که با تحمل سختی‌های فراوان سعی کرده تا در حد توانش، با حفظ هنرهای اصیل که دارای آمیزه‌های مذهبی ریشه‌دار هستند، سنت‌های کهن را رونق بخشیده و به نسل‌های دیگر منتقل کند. دکتر محفوظی که به قول نزدیکانش، به اندازه ۵۰۰ سال در زمینه جمع‌آوری آثار فرهنگی و هنری تجربه دارد، امروز مجموعه‌ای در اختیار دارد که نه تنها جزو پنج کتابخانه برتر ایران محسوب می‌شود، بلکه مورد توجه بسیاری از اصحاب دانش و هنر از اقصای نقاط دنیا بوده و سازمان‌ها و نهادهای علمی و فرهنگی بین‌المللی نیز مانند



یونسکو و سازمان کنفرانس اسلامی آن را مورد توجه و تشویق قرار داده‌اند، هر چند که در داخل کشور کمتر به آن توجه شده است. آنچه در ادامه می‌خوانید ماحصل گفت‌وگوی کوتاه خیمه با دکتر محفوظی درباره تأسیس موزه‌ای با هدف جمع‌آوری و ثبت آیین‌ها، آثار هنری، سنن قدیمی و مناسک مرتبط با حماسه ماندگار عاشورا است.

آقای دکتر، نظر شما به عنوان شخصی که تجربه بسیار زیادی در زمینه جمع‌آوری آثار فرهنگی و هنری دارد، در خصوص تشکیل موزه‌ای برای بررسی سیر تاریخی عزاداری‌های ماه‌های محرم و صفر و به

سرویس جامعه: جمع‌آوری آثار موزه‌ای و اشیای عتیقه شاید در نگاه اول کاری صرفاً تشریفاتی و تنها با پشتوانه ثروت به نظر بیاید، ولی از نگاه نقادان ریزبین و نکته‌سنج، خدمتی است که تنها با عشق به حفظ و پاسداشت میراث بازمانده از گذشتگان و هراس از ویرانی و نابودی آنها صورت می‌گیرد. البته باید افزود تعداد افرادی که حاضر باشند، تنها با هدف خدمت به تاریخ، دین و فرهنگ، از تمامی سرمایه دنیوی و فکر و جان خود مایه گذاشته و با تحمل سختی‌های فراوان اقدام به حفظ این آثار کنند، بسیار معدود و انگشت‌شمارند. دکتر «محمدصادق محفوظی» یکی از همین

جریان عاشورا حماسه‌ای است  
که در طول تاریخ باعث می‌شود  
زنگار از دل‌های آماده  
انسان‌های آزاده  
در هر دینی که باشند پاک شود

چندانی با عاشورا نداشتند، بیشتر با این حماسه عظیم آشنا شده و حتی شعار «لیبک یا حسین (ع)» از زبان بچه‌های سنی غزه شنیده شود. پس شما معتقدید چون واقعه عاشورا همیشه خودش را به شکل جدیدی در تاریخ باز تولید می‌کند، انتخاب نام موزه برای مکانی که هدف آن جمع‌آوری و ثبت آیین‌ها و مناسک عاشورایی است، انتخاب خوبی نیست؟

و شایسته نباشد.

### آیا قه‌زنی شامل این مسائل می‌شود؟

من فکر می‌کنم باید خیلی با دقت و ظرافت به این مسئله نگاه کرد. در واقع فکر نمی‌کنم در حال حاضر قه‌زنی اولویت داشته باشد. من بسیاری از عزاداری‌های اقوام مختلف را دیده‌ام و رنگ، موسیقی و مکانی که آنها در مراسم عزاداری‌شان مورد استفاده قرار می‌دهند، با دقت مورد توجه قرار داده‌ام. بعضی از این آیین‌ها و مناسک بسیار مناسب است. به نظر من، می‌توان بدون این که این آیین‌ها لطمه‌ای به ذات نهضت عاشورا وارد کنند، آن را به صورت یک فرهنگ درآورد. البته این وظیفه‌ی اصحاب عقل و اندیشه است که سرپرستی این کار را بر عهده بگیرند. شما در اظهاراتان به این موضوع اشاره کردید که چون این مراسم ریشه در اعتقادات مردم دارد، مثبت هستند، ولی دیدگاه دیگری وجود دارد که می‌گوید در این گونه مراسم مذهبی بر خلاف آیین‌هایی چون حج، هیچ تشریح و حکم شرعی خاصی وجود ندارد و انجام آن تنها برخواسته از ذهن مردم است، بنابراین چنین آیین‌هایی آسیب‌پذیرند و ممکن است زمینه‌ساز ورود آفات به عزاداری‌ها شوند. نظر شما در خصوص این دیدگاه چیست؟

به طور قطع همین‌طور است. ولی ما سیره‌ی ائمه اطهار (ع) را در مورد نحوه و نوع عزاداری‌ها داریم. به نظر من، یکی از موضوعاتی که همواره مایه‌ی آسیب دیدن ذات قضیه‌ی عزاداری در طول تاریخ بوده، روش قاریان بوده است؛ یعنی کسانی که به نوعی در رفتار و گفتارشان مبالغه می‌کنند؛ آن هم نه از نوع مبالغه‌های مدبرانه و حکیمانه، بلکه با مبالغه‌های احساسی خود اصل نهضت را زیر سؤال می‌برند. به نظر من، بیان درست و صحیح تاریخ از طریق مقاتل معتبری که وجود دارد، تأثیر بیشتری دارد. اگر کسی به خوبی در این مقاتل دقت کند، می‌تواند حال و هوای آن روز را تجربه کند.

روش دیگر، استفاده از هنر است. به نظر من، تابلوی «عصر عاشورا» که استاد فرشچیان خلق کرده‌اند، نمونه‌ی خوبی در این خصوص است. آن خُزنی که در تابلوی «عصر عاشورا» وجود دارد و غروب، تاریکی و تنهایی که در این اثر احساس می‌شود، تأثیری دارد که با کلام و بسیاری از ابزارهای ارتباطی دیگر نیز نمی‌توان آن را توصیف کرد.

### عاشورا در سراسر کشور انجام داد. آیا به نظر شما اصلاً برای جمع‌آوری و ثبت آیین‌ها و مناسک عاشورایی ضرورتی وجود دارد؟

به نظر من هر اقدامی در خصوص جمع‌آوری و ثبت آثار و رسوم مربوط به عاشورا، نه تنها کاری خوب و مؤثر، بلکه اقدامی لازم و ضروری است. از آنجایی که این امکان وجود دارد که بسیاری از مراسم و آیین‌های تاریخی و مذهبی در گذر زمان به دست فراموشی سپرده شوند، چنین کاری در حقیقت می‌تواند به یک نقد و بررسی حکیمانه - البته بعد از تمام شدن کار - منجر شود.

**نهضت امام حسین (ع)**  
**مربوط به همه‌ی انسان‌های تاریخ است**  
**بنابراین نوع عزاداری ملل مختلف**  
**هم می‌تواند اعتبار داشته باشد**  
**اگر عزاداری گروه‌های مختلف**  
**معارض با ذات نهضت عاشورا نباشد**  
**هیچ اشکالی ندارد**

### از چه جهت؟

اگر آثار و آیین‌ها جمع‌آوری شود و بر اساس ذات اصیل نهضت عاشورا مورد مقایسه و تجزیه و تحلیل قرار گیرد، تردیدی نداشته باشید که چنین فعالیتی، مایه‌ی خیر و برکات بسیاری خواهد شد.

### آقای دکتر، لطفاً در مورد آثار و پیامدهای ایجاد چنین موزه‌ای بیشتر توضیح دهید؟

مثلاً یکی از موضوعاتی که چند سالی است مطرح شده، بحث جمع‌آوری علم از هیئت‌هاست که می‌گویند از اسپانیا و دروازه‌های اروپا و به عبارتی از فرهنگ مسیحی وارد مراسم عزاداری شده است. به نظر من، ما نباید با آپارتاید [یکی از اشکال تبعیض نژادی] شخصیت انسانی و هویتی با جامعه‌ی بشری برخورد کنیم. نهضت امام حسین (ع) مربوط به همه‌ی انسان‌هاست؛ همه‌ی انسان‌های تاریخ، نه انسان‌های یک دوره یا انسان‌های یک مملکت. بنابراین نوع عزاداری اقوام، ملل و نحل‌های مختلف هم می‌تواند اعتبار داشته باشد. هیچ اشکالی ندارد، کسی که می‌خواهد عشق و محبت خود را به امامی بیان کند، برای او علم بلند کند. اگر این اقدام معارض با ذات آن نهضت نباشد، هیچ اشکالی ندارد. اگر این کار مورد اشتیاق جامعه است، چه اشکالی دارد، مگر در مواردی که کاری صحیح

عاشورا نه تنها هر سال خودش را بازتولید می‌کند، بلکه امواجش هم نسبت به قبل بسیار وسیع‌تر می‌شود، بنابراین کلمه‌ی موزه زیاد مناسب نیست. این اسم بیشتر برای مواردی که کار می‌رود که یک موضوع از منظر طولی و تاریخی منقطع شده باشد، ولی حماسه‌ی عاشورا به هیچ عنوان منقطع نشده است. خداوند حضرت امام (ره) را رحمت کند که گفت: «این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگهداشته است.» این حیات و جاری شدن به نظر من یک ریشه‌ی عقلی و عاطفی همزمان دارد. اگر روزی گاندی به عنوان یک طلایه‌دار ضد استعمار جمله‌ای راجع به امام حسین (ع) می‌گوید، آن جمله به همین نقطه‌ی عطف تاریخی بازمی‌گردد.

به نظر من، جریان عاشورا حماسه‌ای است که در طول تاریخ باعث می‌شود، زنگار از دل‌های آماده‌ی انسان‌های آزاده، در هر دینی که باشند، پاک شود. پس باید بگویم ضمن این که می‌شود از زوایایی مانند جمع‌آوری آثار هنری نظیر نقاشی، خطاطی، هنرهای تجسمی، مسکوکات، هنرهای ساختاری مثل معرق، مشبک و ... نام موزه به آن اطلاق کرد، از منظر دیگر نیز می‌توان به آن موزه «آثار عاشورایی» گفت. ولی خود عاشورا امکان ندارد که اسم موزه به خود بگیرد.

### آیا موزه‌ای که شما ایجاد کرده‌اید، می‌تواند مشوقی برای سازمان‌های دولتی باشد تا آنها نیز مثل شما که زحمات بسیاری برای جمع‌آوری کتب خطی قدیمی، آثار مذهبی و هنری و بسیاری از اشیاء دیگر کشف کرده‌اید، تصمیم بگیرند که آیین و مناسک مربوط به عاشورا در اقوام سراسر کشور را جمع‌آوری و ثبت کنند؟

در مورد مرکز دایرةالمعارف انسان‌شناسی باید بگویم که کار آن بیشتر جمع‌آوری کتاب‌های خطی است و جزو پنج کتابخانه برتر از لحاظ تنوع و تعدد آثار است. البته به جز کتاب‌های خطی، اشیاء دیگری نظیر سکه، سفال، تابلوهای هنری و ... نیز به مجموعه‌ی ما اضافه شده است. در حال حاضر، نزدیک به ۱۰۰ هزار مورد موزه‌ای در این مجموعه وجود دارد و از این لحاظ، تبدیل به یکی از موزه‌های بی‌بدیل خاورمیانه شده است. با این حال احساس می‌کنم که بتوان با الگو قرار دادن مجموعه‌هایی این‌چنینی و سایر مجموعه‌های هنری، اقدام مشابهی نیز برای جمع‌آوری و ثبت آیین‌ها و مناسک مربوط به

در مورد موارد موزه‌های هم‌همین‌طور است. شما می‌توانید در موزه، دست‌خط منتسب به حضرت را نگهداری کنید یا مثلاً اشیاء و آثار به جامانده از دوران تیموری مثل کتیبه‌ها، فلزات و مشبک‌ها و حتی کتاب‌ها، اشعار و مقاتل را جمع‌آوری کنید. از دیدگاه من، اگر بتوان در این موزه نگاه عصری ایجاد کرد، نظیر کاری که استاد فرشچیان انجام داد، این کار تأثیرات بیشتری خواهد داشت. یعنی به عاشورا در هر عصری متفاوت نگاه کرد. در تابلوی عصر عاشورا پیام در قالب یک نقاشی روز است که توانسته آن حال و هوا را زنده کند. به نظر من، اگر این موزه حال و هوای عصری منطبق با شرایط زمان داشته باشد (بدون آسیب زدن به هویت حماسه) تأثیرات بیشتری خواهد داشت. **به نظر شما برای جمع‌آوری و ثبت آیین‌های عاشورایی باید به چه صورت اقدام کرد؟ شما به عنوان شخصی که تجربه بسیار ارزشمندی در این خصوص دارید، چه پیشنهادی می‌کنید؟**

انجام چنین کاری به برگزاری جلسات مفصلی نیاز دارد. برای انجام این کار باید کارگروه‌های مختلفی متشکل از آدم‌های عالم و افراد بااخلاص و دارای احساس تعهد، مسئول انجام این کار شوند تا وسایلی را خریداری کرده یا ندوری را برای راه‌اندازی آن جمع‌آوری کنند.

انجام این کار به یک برنامه‌ریزی دقیق نیاز دارد، چون اصلاً کار ساده‌ای نیست. اگر بخواهیم کار جامعی انجام شود این کار به یک زیربنای خیلی محکم نیاز دارد و مستلزم این است که افراد و سازمان‌هایی که در حوزه فرهنگ و آثار فرهنگی-هنری فعالیت دارند، به صورت یک گروه همکاری کنند.

**شما می‌گویید که انجام این کار به یک کارگروه نیاز دارد. روزی را تصور کنید که به خاطر تجربه‌ای که در این کار کسب کرده‌اید در این گروه مشارکت داشته باشید. شما چه کمکی به این موزه می‌کنید؟**

اگر من احساس کنم که کاری در حد و اندازه یک موزه «آثار عاشورایی» انجام شده است، قطعاً آثاری را به عنوان یک عاشق این نهضت، به آن موزه هدیه خواهم کرد.

**یکی دیگر از زمینه‌هایی که شما در آن تخصص دارید، انسان‌شناسی است. اگر بخواهیم از بُعد انسانی به ماجرا نگاه کنیم،**

**آیین‌های عزاداری چگونه به وجود آمده‌اند؟** آیین‌های سوگواری علت‌بردار نیستند. انسان‌ها واکنش‌های طبیعی در برابر تألم نشان می‌دهند. بزرگ‌ترین تألم در تاریخ اندیشه دینی مسلمانان و به‌ویژه شیعیان، حادثه عاشورا است، بنابراین انسان‌ها در برابر این حادثه تحت‌تأثیر احساساتشان واکنش نشان می‌دهند. البته این احساسات در گذر زمان شکل و قالب خاص خود را گرفته و به صورت یک نظام درآمده است. البته بشارت‌هایی که توسط پیشوایان دینی در خصوص زنده نگاه داشتن قیام عاشورا از طریق خزن و بکا داده شده نیز از انگیزه‌های شکل‌گیری آیین‌ها و مراسم سوگواری بوده است.

**از آنجایی که شیعیان در سراسر جهان مراسم و آیین‌های خاص خود را برای عزاداری امام حسین (ع) دارند، آیا این موزه باید به جمع‌آوری و ثبت آیین‌های عاشورایی در اقوام و مناطق مختلف ایران محدود بماند یا می‌تواند در بُعد بین‌المللی نیز اقداماتی انجام دهد؟**

**موزه می‌تواند سیر تحول دیدگاه‌های انسانی را درباره قیام عاشورا نشان دهد و در همین حال، به ناظران قدرت تمیز و تشخیص تحولات مربوط به آن را نیز بدهد**

حتماً باید همین کار را بکند. چون در کشورهای عربی به‌ویژه عراق آیین‌های بسیار ارزشمندی وجود دارد. به نظر من، رجوع به فرهنگ عزاداری شیعیان و مسلمانان در سایر کشورها موجب ارتقای فرهنگ عزاداری عاشورا می‌شود.

**هیچ تردیدی در این خصوص وجود ندارد که فرهنگ عاشورا خودش را در گذر زمان به روش‌های مختلفی احیا کرده است. به نظر شما، نقش مراسم و آیین‌های عاشورایی در زنده نگاه داشتن فرهنگ عاشورا چقدر بوده است؟ شرایطی را تصور کنید که ما هیچ آیین و مراسمی مثل علم بلند کردن، کتل، نخل‌گردانی و ... برای عاشورا نداشتیم. آیا این آیین‌ها نقشی در زنده نگاه داشتن فرهنگ عاشورا داشته‌اند؟**

من احساس می‌کنم اصطلاح «زنده نگاه داشتن»، اصطلاح مناسبی نیست. به نظر من، اگر ذات این حماسه سینه‌به‌سینه هم منتقل

شود و به صورت یک نقل قول و حدیث هم نقل شود، آثار خودش را خواهد داشت. به دلیل این که ذات این حماسه یک ذات الهی است، اما به نظر من این آیین‌ها از آنجایی که نقاط جذاب و در خور تأملی برای خزن عمومی ایجاد می‌کنند، نقش داشته‌اند.

**آیا می‌شود کلام شما را این طور تفسیر کرد که این عاشورا بوده که باعث زنده نگاه داشتن آیین‌ها و مناسک شده است، نه این که این آیین‌ها و مناسک باعث به اصطلاح زنده نگاه داشتن عاشورا بوده‌اند؟**

به نظر من، عاشورا عامل زنده ماندن بسیاری از موضوعاتی است که خود ما هنوز آنها را درک نکرده‌ایم که طبیعتاً یکی از این مسائل، همین آیین‌ها و مناسک عاشورایی بوده است. من فکر می‌کنم که فرهنگ عاشورا مثل آب حیاتی که باعث زنده ماندن بسیاری از مسائل فرهنگی و مذهبی شده است.

**نظر شما در خصوص تغییر برخی از آیین‌ها عاشورایی در گذر زمان چیست؟**

به طور قطع مسائل حکومتی، قومی و شرایط مکانی در ایجاد بسیاری از این آیین‌ها نقش داشته‌اند و باید سرچشمه تغییر و تحولات آیین‌ها و مناسک عاشورایی را نیز در تحولات مربوط به این عوامل جست‌وجو کرد، زیرا همه این موارد بر نوع و نحوه عزاداری تأثیر گذارند.

**به عنوان آخرین پرسش، لطفاً بگویید آیا تأسیس موزه می‌تواند ترمیم‌کننده خدشه‌ها و آسیب‌هایی باشد که در گذر زمان وارد فرهنگ عاشورا شده است؟**

به نظر من اگر این موزه خیلی با دقت و با انجام کار کارشناسی تأسیس شود، می‌تواند منشأ اتفاقات خوبی باشد و آن اعتباری که به اصطلاح موارد و مؤلفه‌های موزه‌ای دارند، خیلی می‌توانند الهام‌بخش افراد باشند. برای مثال خطاطی‌ها، نقاشی‌ها و نوع برگزیدن آثار، نوع نگاه و حتی نوع پرده‌هایی که در این خصوص کشیده شده‌اند، می‌تواند نوع نگاه و دیدگاه تاریخی انسان‌ها را در گذر زمان نسبت به واقعه عاشورا روشن کند. بنابراین یک موزه می‌تواند سیر تحول دیدگاه‌های انسانی را پیرامون قیام عاشورا نشان دهد و در همین حال، به ناظران قدرت تمیز و تشخیص تحولات مربوط به آن را نیز بدهد. ■

# خلیله

ماهنامه  
فرهنگی  
اجتماعی  
خبریه

KHEIMEH  
Cultural - Social  
Monthly



در این بخش در نشست با « داوود فتحعلی بیگی»، پژوهشگر تعزیه و رئیس انجمن تعزیه ایران به همراه «حجت الاسلام ابولقاسم نادری»، مسئول ستاد تعزیه اداره کل اوقاف و امور خیریه استان تهران، نیم نگاهی به جایگاه، موانع و مشکلات مالی و اجرایی موجود بر سر راه گسترش تعزیه داشتیم.

KHEIMEH  
Cultural - Social  
Monthly

تاریخ و اندیشه

چهارموسوی

رسالة

هنر و ادب

مست

مردم شنای



احمد صالح

ابتدا نام خداوند جهاندار، محمد شه ابرار، علی حیدر کرار، بتول عصمت دادار، حسن آن گل بی خوار، حسین کشته اشرار، به عابد مه اسرار، به باقر که بود مخزن گفتار، دگر صادق و موسی دل افکار و رضا شاه خراسان و تقی مظهر یزدان، به هادی مه تابان و حسن خسرو خوبان و بر آن حجت بر حق که بود هادی مطلق که به فرق سرش از نور الهی زده ابلق به همه منتظرانش بده رونق، بگشا مشکل هر پیر و جوان را

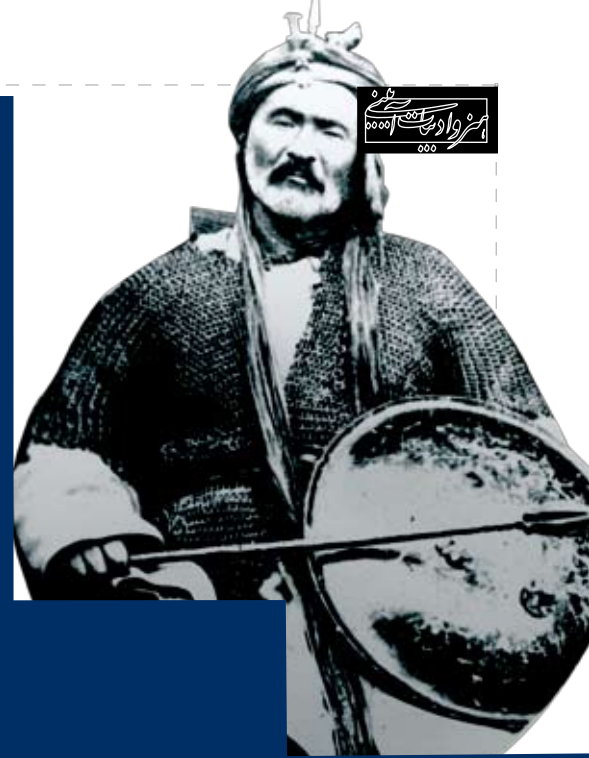
یادم آمد ز گل باغ علی، نور جلی، پور ولی، وارث میدان یلی، عاشق نور ازلی، دسته گل لم یزلی، حضرت عباس همان میر خوش انفاس، که بد ثانی الیاس، که زد بر جگر خصم دغا سوده الماس، مه برج یقین، هادی دین، نور دل ام بنین، یاور شاهنشاه دین، ساقی طفلان حسین، نور دو عین، کشته شمشیر و سنین، آنکه به میدان بلا دید حسین یکه و تنهاست، عزیز دل زهراست، اسیر کف اعداست، به پا خواست بیامد به بر نور خدا خون خدا اذن گرفتگی و روان شد بر آن قوم لعین آمد و بگشود زبان را

منم آن میر غضنفر، فر لشکر شکن فرقه ناپاک، منم مظهر ادراک، بریزم به روی خاک، کنم پیکرتان چاک، منم پور همان قلمز افلاک که بودی شه لولاک، منم ماه بنی هاشم و عباس علمدار، ابر جیش حسینم سر و سردار ده و هفت بود منصبم ای فرقه خونخوار، منم نیز نهنگ یم عرفان و منم شیغم غزان و منم فارس میدان و منم خصم دلیران و منم مرگ لعینان و منم حامی قرآن و اگر دست به شمشیر زخم لیک بیاشم زخم این کون و مکان را

آه از آن دم که بزد یک تنه بر لشکر خونخوار، کشیدی ز میان تیغ شرربار، گل حیدر کرار به قلب سپه فرقه کفار، نمودی همه طومار که ناگاه حکیم این طفیل آمد و بنمود جدا دست وی از پیکر سقای حرم، کان کرم، ظالم دیگر ز قفا آمد و بنمود جدا دست چپش را ز بدن مشک به دندان بگرفتی که برد آب سوی تشنه لبان، حرمله آمد ز کمین گاه، بزد تیر بر آن مشک عمودش به سر و تیر دگر خورد به چشمش که نگون گشت ز زین روی زمین گفت برادر تو بیا و بنگر فاطمه آمد به سرم، مادر نیکو سیرم تا تو نیائی ندهم نقد روان را

من بمیرم که سوی علقمه آمد شه دین، نور مبین گفت که ای جان برادر زچه در خون بشستی، تو چرا دیده بیستی، تو که پشتم بشکستی به خدا جان من هستی، همه طفلان به حرم تشنه آبد، همه در تب و تابند، بگفتا میرم سوی خیم چون به حریم تو حسین، بنده منم، ساقی شرمنده منم، گو به سکنیه به تو آبی نرسانم به خداوند منم آب نخوردم تو بدان عمومی لب تشنه منم، چون گل هر انجمنم، «صالح» شیرین سخنم مرثیه خوانم شده و کرده به پا بزم عزا و بنماید به همه صبح و مسا آه و فغان را ■

<http://ashoora.persianblog.ir/tag>



بجز طویل

## انقبای آگاهی

هر وقت من گفتم انف، شما نگویید انف، شما بگویید انف

که در قالب کتاب، سی‌دی، بروشور، بسته‌های فرهنگی جهت مناسبت‌های مختلف و ... تولید می‌شود و حجم وسیع‌تر فعالیت‌هایی که در قالب برپایی نمایشگاه، شب شعر، نشست‌های ادبی، هنری و ... است، جلب کنم و رابطه مستقیم میزان تأثیرگذاری این قبیل محصولات، جلسات و فعالیت‌ها را با پشتوانه علمی و میزان مسئولیت‌پذیری و تعهد متولیان‌شان یادآور شوم.

تردید نیست که دغدغه انجام فعالیت‌های فرهنگی و امور تربیتی، محصول بینشی عمیق و باوری الهی- انسانی و معرفتی منیر است و هر چقدر از دایره انگیزه‌های مالی دور شود به کنه تأثیرگذاری نزدیک‌تر می‌شود و هر چقدر تأثیر مجموعه فعالیت‌ها کمتر از حد انتظار باشد، باید به مرغوبیت بذر آن باور و جنس آن انگیزه شک کرد و آیا شک دارید که اهمیت توجه به این مقوله درباره آن قسم از فعالیت‌هایی که صبغه مذهبی دارند و به باورهای دینی جامعه برمی‌گردند صدچندان است؟ ■

آنچه در جامعه دیده می‌شود، محصول برآمده از بذری است که با فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی خودمان به بار نشسته و تراوشات ذهنی، زبانی و عملی تک‌تک اعضای جامعه بازتاب مجموعه فعالیت‌هایی است که خودمان انجام داده‌ایم یا باید انجام می‌دادیم، ولی ندادیم. در این میان اصرار و پافشاری برخی از متولیان امور فرهنگی و مذهبی و مسئولان آموزشی-پرورشی در سطوح مختلف اجرایی، در نظریه‌پردازی، جهت‌دهی و در تولید محتوا و ... و از این بدتر اصرار و تأکیدشان بر سلیقه‌های شخصی حجم وسیعی از تولیدات فرهنگی و مذهبی را سبب می‌شود که معلوم نیست با چه هدفی و برای رسیدن به چه مقصودی طراحی و تولید می‌شوند و این زمانی دل‌آزارتر است که می‌بینیم حتی در برپایی محافل و مجالسی که با انگیزه‌های معرفتی و دینی برگزار می‌شود نیز گاهی فاقد برنامه‌ای با نقطه عزیمت مشخص و مقصد معین هستیم. در این مقال سعی دارم توجه همه استادان و مسئولان محترم فرهنگی و مذهبی را به حجم وسیعی از محصولات

شاید حکایت آن معلم دلسوز - ایشان به راستی دلسوز بود و دغدغه آموزش و پرورش داشت - را شنیده باشید که به شاگردان عزیزش می‌گفت: «هر وقت من گفتم انف، شما نگویید انف، شما بگویید انف!» ماجرا از این قرار است که استاد به دلیل لکنت زبانی که داشت الف را انف تلفظ می‌کرد و همین باعث شده بود که هنگام بنای خشت اول الفبا، شاگردان هم الف را انف یاد بگیرند. برای لحظه‌ای تصور کنید که شاگردان بیچاره با انقبایی که آموخته‌اند، چه سیر و سلوک علمی، ادبی و فرهنگی‌ای در پیش خواهند داشت و چه رنج و تعبی را برای آموزش کسانی که انف را به اشتباه الف تلفظ می‌کنند، متحمل خواهند شد!

از درد سخن گفتن و از درد شنیدن / با مردم نادان ندانی که چه درد است! همه ما می‌دانیم «آن کس که نداند و نداند که نداند» در دایره‌ای به مرکز خودش و به شعاع تأثیرگذاری‌اش چه بلاهایی که بر سر خلق خدا نمی‌آورد و خوب می‌دانیم این جماعت وقتی به سر ذوق سخن می‌آیند، چه حال و احوالی را تیره و تار می‌کنند و چه آینده‌ها که نمی‌سوزانند. اما از لطایف این روزگار دایه‌های مهربان‌تر از مادرانی‌اند که به قول خودشان سرشان به دینی و عقبی فرو نمی‌آید و اراده کرده‌اند که کاری کنند، کارستان و به این نتیجه رسیده‌اند که همه مشکلات ریشه‌های فرهنگی و تربیتی دارد و باید عزممان را جزم کنیم و در این باره کاری بکنیم.

به قول یکی از دوستان نکته مهمی که همه متولیان امور فرهنگی و مذهبی باید به آن توجه داشته باشند، این است که همان‌طور که گفتار و کردار هر شخص تا اندازه زیادی گویای شخصیت اوست، خروجی‌های هر نهاد فرهنگی و مذهبی نشانگر میزان تعهد و مسئولیت‌پذیری آن نهاد است و قدرت تشخیص و توان تمیز متولیان امور فرهنگی و مذهبی تا حد زیادی در ارائه آثار و تهیه تولیداتشان نمایان می‌شود. واقعیت امر این است که ما نمی‌توانیم انف بگوییم و منتظر شنیدن الف باشیم و نباید تردید کنیم که

## خیر الامور اوسطها

گفت‌وگو با رضا رحیمی



بسیار داریم. اما در زمینه مذهبی هیچ پدیده‌ای نتوانسته مثل عاشورا یا را فراتر از مرزها بگذارد و در حقیقت به حوزه‌های فکری جوامع بشر برسد. هر سخنی، تاریخ و جغرافیای خاصی دارد. منتهی قیام امام حسین (ع)، در امر به معروف و نهی از منکر خلاصه می‌شود و در حقیقت حکومت، اجرای عدل، قسط، بیعت نکردن با ظلم و ... همه و همه در ذیل همان امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد. از جهت دیگر، به دلیل فطری بودن جنس پیام این قیام، روحی زاینده و شکوفا دارد و قابلیت این را پیدا کرده که مرزهای جغرافیایی و تاریخی را بشکند.

**دیدگاه بیشتر شعرا و ادیبان ایرانی به موضوع عاشورا، چگونه است؟**

پرداختن به وجوه سوگوارانه عاشورا در جامعه ما از نظر روانی هم‌خوانی بیشتری دارد. هیچ رویکرد انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی و هیچ اندیشه‌ای در خلأ اتفاق نمی‌افتد. اگر ما ملتی فرهمند و پیروز بودیم، به وجوه حماسی عاشورا بیشتر توجه می‌کردیم؛ یعنی مرکز ثقل سخن ادیبان و شاعران همین وجه می‌شد. البته دوران دفاع مقدس یک استثنا در تاریخ

اگر ما ملتی

فرهمند و پیروز بودیم

به وجوه حماسی عاشورا

بیشتر توجه می‌کردیم

یعنی مرکز ثقل سخن ادیبان

و شاعران همین وجه می‌شد

کشور ماست. اما با توجه به فضای روانی-اجتماعی جامعه ما و اینکه ملت، همیشه مورد تجاوز بوده، اشعار رئایی بیشتر مطرح است. اقبال می‌گوید: «غزل، آینه تمام‌نمای ذهن بی‌قرار ایرانی است.» او ذهن ایرانی را به بلبل تشبیه می‌کند که از این شاخه به آن شاخه می‌پرد. اگر در ساختار عمومی غزل نظر بیندازیم، انسجام کمی را می‌بینیم و انسجام بیشتر در راستای افقی غزل وجود دارد. در حقیقت چون ملت ایران همیشه مورد تهاجم بوده، انعکاس این موضوع در غزل به وضوح دیده می‌شود.

اما خارج از حوزه شعر و ادبیات و در آثار تحلیلی، شش خوانش متفاوت از عاشورا وجود دارد که صاحب آن آثار هم در همین

کارنامه ادبی خود دارد، تقاضا کردم از منظر یک جامعه‌شناس به سؤالات زیر پاسخ دهد و جواب‌های ایشان در ادامه می‌آید:

**به نظر شما علت جذابیت موضوع قیام امام حسین (ع) و فراگیر شدن آن، به طوری که شاهد انعکاس این موضوع در ادبیات و شعر سایر ملل هستیم، چیست؟**

من به دلیل مجروحیت، خیلی به روز نیستم و خیلی هم با ادبیات مدرن و روزنامه‌ها ارتباطی ندارم. اگر حرفی بزنم، چندان مقرون به صواب نیست. ولی می‌دانم در آثار عرفانی مثل آثار مولانا و حافظ که مرزهای جغرافیایی را درنوردیده‌اند، هویت فرهنگ قوم ایرانی به خوبی مطرح شده و ما این موضوعات را

سرویس ادبیات: هرگز نمی‌توانم پا بر احساس دین صادقانه‌ای بگذارم که نسبت به اهالی بدر، خیبر و ... دارم؛ حدیث دل سپردگی ما به این جماعت «و السابقون السابقون» متواتر و مورد وثوق اهل دل است. رفته بودم به فرهنگسرای تفکر برای نمی‌دانم چه که دیدم در سالن اجتماعات، رضا رحیمی تکه پاره‌های دلش را با جماعت تقسیم می‌کند؛ رحیمی کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و شاعر جانبازی است که سال‌های پی‌درپی در کنگره شعر دفاع مقدس حضور داشته و عضو کمیته تخصصی شعر شاهد نیز بوده است. از رحیمی که متولد سال ۱۳۳۹ است و مجموعه‌های «راز مکتوم گل سرخ»، «شطحی در فراغ» و «بلوغ نگاه‌هایت» را در



پیچید و گیر داد و ایراد گرفت. «خبر الامور اوسطها» و البته باید بدانیم که دخالت دولت‌ها و سیاسی کردن ماجرا می‌تواند، مراسم مذهبی، جریان عاشورا و تأثیر آن را

**دخالت دولت‌ها و سیاسی کردن ماجرا می‌تواند مراسم مذهبی، جریان عاشورا و تأثیر آن را کمرنگ می‌کند**

کمرنگ می‌کند. باید بستر و فضا را آماده کنیم تا خود مردم در مسیرهای درست حرکت کنند و اگر مداخله دولت انجام شود، کار درستی نیست.

**عده‌ای معتقدند باید ملاک جامعه اسلامی، جامعه زمان پیامبر (ص) باشد و عاشورا یک اضطرار بود. همچنین اعتقاد دارند، ما باید بیشتر هم و غم خود را بر روی تفکر حضرت رسول... (ص) قرار دهیم. از منظر جامعه‌شناسی چقدر این تفکر را قبول دارید؟**

دکتر «عبدالحمید ضیایی»، کتابی با عنوان «جامعه‌شناسی تحریفات عاشورا» دارند که تحلیل جامعه‌شناختی جالبی در این باره دارد. جامعه بر اساس فطرت خداجوی خودش هر زمان که لازم باشد، از اقیانوس بیکران عاشورا وام می‌گیرد. امام حسین (ع) متعلق به شخص خاصی نیست؛ برای کل بشریت

است. واقعاً هر کس این کارنامه را می‌گیرد، این قدر برایش جالب و دلچسب است که ناخواسته مجبور به ستایش می‌شود. برخی قواعد، کاملاً کلی است. ظرفیت‌هایی است که همه قادر به شناخت آن نیستند؛ مثل، شهادت. کسی به ملکوت شهادت واقف است که دل در گرو امام حسین (ع) داشته باشد و البته باید بدانیم که نوع نگاه حضرت پیامبر (ص) با امام حسین (ع) تفاوتی ندارد و حرکت امام حسین (ع) در جهت رسیدن به همان جامعه مطلوب و مورد نظر پیامبر (ص) است. ولی در حقیقت همه یک چیز را می‌گویند. به قول مولانا همان دعوی غیب و انگور است. به طور معمول همه مقداری در گیر الفاظ شده‌ایم. ■

به فرمایش امام (ره): «باید به تکلیف عمل کنیم.» هر چه شد، شد. عمر مثل برقی است که در یک چشم برهم زدن می‌آید و می‌رود. باید هر کاری در این دنیای فانی، برای رضای خداوند باشد. آنهایی هم که آن زمان از سیم خاردار عبور کردند و بدن خود را آماج گلوله قرار دادند و آن‌طور جانفشانی کردند، جز به رضای خدا به هیچ چیز دیگر فکر نکردند. هر کسی با خدای خویش معامله کند، ضرر نمی‌بیند. هر چیزی در دستگاه فکری باید وزن خود را داشته باشد. آدم وقتی عبودیت می‌کند،



باید روان و روح خود را کاملاً به درگاه ایزدی ببرد. وزن همین دغدغه‌های اجتماعی اگر در دستگاه فکری و معرفتی، زیاد باشد به جاهای دیگر آسیب می‌زند. امکان دارد، من روزنامه‌نگار قابلی باشم، ولی همسر خوبی نباشم. بنابراین بزرگ‌ترین کرامت تعادل است. انسان کامل، خلیفه... بوده و رهرو هفت شهر عشق، کسی است که تعادل دارد. متأسفانه ما نماز می‌خوانیم، اما تمام فکرمان جای دیگری است. اگر ما در جستجوی آدم کامل هستیم، باید بدانیم که شاید خیلی چیزها در زمین ارزش باشد، ولی در آسمان، همان تعادل مطرح است. توصیه من این است که به هر چیزی زیاد نباید گیر داد. به دین زیاد نباید

جامعه زندگی می‌کنند. باید آسیب‌شناسی و مطالعه میدانی شود. البته اطلاعات من کافی نیست و فکر می‌کنم این همه به کسانی برمی‌گردد که عرصه کلان سیاست‌گذاری‌های فرهنگی را به عهده دارند. به طور کلی ما کار جمعی انجام نمی‌دهیم. اگر آسیب‌شناسی کنیم به این امر پی می‌بریم که هر کس برای دل خود کار می‌کند و در زمینه گروهی کم‌کاری صورت می‌گیرد. در کل موافق هستم که باید جای خالی نگاه‌های تحلیلی در حوزه اشعار عاشورایی پر شود.

**با یک نگاه کلی چقدر جامعه ایرانی را به‌خصوص بعد از انقلاب اسلامی - در عبرت‌آموزی از آموزه‌های عاشورا موفق می‌بینید؟**

هر انقلابی بعد از پیروزی به همه اهداف مورد نظرش نمی‌رسد. در حقیقت اینکه امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «خدا اهداف نظامی (استراتژیک) آدمی را به هم می‌زند.» کاملاً درست است. به اصطلاح اراده ما همیشه در مشیت پروردگار نیست. دنیا هم یک عرصه آزمون است و هر چیزی را که طلب کنیم، تمام و کمال به دست نمی‌آوریم. باید به وظیفه خودمان صحیح عمل کنیم. به نظرم اگر بخواهیم جا پای امام حسین (ع) بگذاریم، کمی خودخواهی است. به طور مثال، امام علی (ع) در یکی از جنگ‌ها به مالک اشتر می‌گویند: «اینطور بی‌محابا نزن! چون من هفت نسل اینها را می‌بینم.» چه کسی می‌تواند، این‌گونه هفت پشت کسی را ببیند، سپس

تصمیم بگیرد؟! در حقیقت اکثر مواقع ما شیعه نیستیم، بلکه محب هستیم؛ محبی که معلوم نیست تا چه حد حاضر به سرمایه‌گذاری در این راه است. چه اندازه در راه محبتی که ابراز می‌کنیم، تلاش کرده‌ایم؟ کار روزنامه‌نگارها این است که دنبال مطالبی بروند که آن را تیتیر و سوتیتیر کنند و به حاشیه‌ها بپردازند. البته به طور کلی من آدم دیپلماتی نیستم.

**سؤال من خیلی هم جنبه سیاسی نداشت. ما معتقدیم عاشورا ناموس عقیدتی ماست. به طور قطع، باید یک حفاظت خاص هم در این زمینه باشد. این یک پتانسیل عظیم است که می‌تواند برای پرورش نسل‌های متعهد، آگاه و کارا استفاده شود و سعادت جامعه را تضمین کند.**

## وسعت یک قرن

از عمق درد، غریبانه، کربلا تو بگو  
بگو که خاک تو آکنده از خدا شده است  
بگو بزرگترین‌ها چه ساده می‌میرند  
به کربلاست که شش‌ماهه طفل بالغ شد  
به کربلاست که مردان مرد در تبوتاب  
به کربلاست که غوغا، سکوت می‌خواند  
به کربلاست که نخل ایستاده می‌میرد  
چقدر مثل قیامت عظیمی عاشورا  
بکوب بر سر دوشم، بکوب ای زنجیر  
نشسته‌است به کنجی عزا گرفته دلم  
بهانه‌است محرم که سخت می‌نالیم  
اگرچه کرب و بلا حزن‌آور است و غمین

## طرح

حالا آن هفتاد و دو نفر  
میلیون‌ها نفرند  
اما من خوشحال نیستم  
و اشک‌هایم را پاک نمی‌کنم  
آن چند هزار نفر هم  
میلیاردها شده‌اند...

سارا حیدری، بهای وصل، مرکز مطالعات راهبردی خیمه

دنيا دوباره عطر پیمبر گرفته بود  
گویا خدا به حنجر اکبر گرفته بود  
قامت برای دفعه آخر گرفته بود  
وقتی که داغ سرخ زمین سر گرفته بود  
صحرای تشنه آتش محشر گرفته بود  
ا... اکبر اینکه اذان محمد است  
در خلسه‌های ناب حضوری دوباره عشق  
تکبیر او گلوی زمان را نشانه رفت  
پیش بلند قامت مولا سپر شدند  
دستانشان هجوم قفس را شکست و بعد  
با آخرین سلام به معراج پر زدند

باران تیر بر دو کبوتر گرفته بود  
لبه‌ایشان طراوت کوثر گرفته بود  
یک دشت طرح لاله پر پر گرفته بود  
مولا به سمت حادثه پیکر گرفته بود  
دستی که رنگ حنجر اصغر گرفته بود  
بغضی سراغ دست برادر گرفته بود  
شمشیر تلخ حادثه را سر گرفته بود  
خورشید از تمام افق پر گرفته بود

آوار کفر بر تن ایمان نشانه رفت  
یک دست سبز خبیر و یک دست سرخ عشق  
در ناله‌های سرخ گلوی بریده‌اش  
خون خدا به فرق زمین ریخت یا علی  
حنجر گلوی سبز غزل را نمی‌برید

مریم حقیقت

آن صبح پر امید که ناموس شب‌نم است  
سردار سرفراز شهیدان آسمان  
گل‌های سرخ و یاس به تاراج باد رفت  
از منت‌های حادثه‌ها یک طنین سرد  
ای خاطرات خسته تاریخ باز هم  
اندیشه‌های بکر، پس ایمانتان چه شد؟  
پرسیدم از فلک که چرا قامت خم است؟

رضا رحیمی

حمیدرضا شکارسری، ماهنامه شعر شماره ۶۴



نالۀ عشق ست و آتش می‌زند  
تا ابد این عشق و این دل ماندنی ست  
شعله‌ساز و شعله سوز و شعله کار  
یک نیستان ناله در آهنگ او  
خرمنی آتش فراهم می‌کند  
سلسله در سلسله از خویش رو  
هر دلی بی‌خویش‌تر، درویش‌تر  
همچو نی در بندندش ناله‌هاست  
دشت را پوید، ولی با پای درد  
تا ببیند حالشان چو نست چون؟

چنگ دل آهنگ دلکش می‌زند  
قصۀ دل، دلکش ست و خواندنی ست  
مرکز دردست و کانون شرار  
خفته یک صحرا چون در چنگ او  
نغمه را گه زیر و گه بم می‌کند  
آن همه زنجیریان را پیشرو  
هر که عاشق پیشه‌تر، بی‌خویش‌تر  
در دل من داغ‌ها از لاله‌هاست  
با خیال لاله‌ها، صحرانورد  
می‌رود تا سرزمین عشق و خون

\*\*\*

بوی درد و بوی عشق و بوی یار  
لاله‌ای از داغ‌ها در التهاب  
تو حیب بن مظاهر نیستی؟!  
برده از خوان تجلی‌ها، نصیب  
آمدم در کوی او با صد امید  
تا به دل دیدم ظهور عشق را  
در حق من آنچه را می‌خواست، کرد  
دیده را بی‌پرده دیدن یاد داد

بر مشام جان رسد از هر کنار  
لاله را از آن میان کرد انتخاب  
گفت: ای در خون تپیده کیستی؟  
گفت آری! من حیبم، من حیب  
قد خمیده رو سیاهی، مو سپید  
در سرم افکنند، شور عشق را  
بار عشقش، قامت را راست کرد  
نالهام راه، رخصت فریاد داد

\*\*\*

پر شده از ناله‌های سوزناک  
قطره‌ای زین باده ما را کن به جام  
جان ما قربان این ناسوتیان  
در عروج خویش از افلاکیان  
قطره اینجا کار دریا می‌کند  
پاک خوی و پاک جوی و پاک سیر  
کودک گهواره و کاری شگفت!  
بشکنیم این شیشه تا مستی کنیم  
کار عشق ست و نیاید از ملک!

دیدم از عرش خدا تا فرش خاک  
کای سماوی طینت عرشی خرام!  
گرچه ما پاکیم و از لاهوتیان  
گوی سبقت می‌برند این خاکیان  
عشق، اینجا کار دریا می‌کند  
خاکیان را می‌کند افلاک سیر  
(فطرس) از لطف تو بال و پر گرفت  
رخصتی! تا ترک این هستی کنیم!  
ای دروغا ما و عشق و این محک

\*\*\*

خود بساط عمر راه، برچیده دید  
حکمران عالم غیب و شهود!  
عشق پروده ست در این مکتبم  
خار این گلزار و دامنگیر تو  
من خدا را در تو ظاهر دیده‌ام  
تو (حیب) مطلق، من نیستم  
از میان بردار آخر این دویی

چون که او خوان تجلی چیده دید  
گفت با آن والی ملک وجود  
تو حسینی، من حسینی مشربم  
تو امیری، من غلام پیر تو  
از خدا در تو (مظاهر) دیده‌ام  
گر حیبی تو، بگو من کیستم؟  
عاشقان را یک حیب ست و تویی

\*\*\*

زورق خود راند در دریای خون  
در بهار او، جنون گل کرده بود  
سروها را سرفرازی یاد داد  
عاقبت قربانی قیوم شد  
یا حیبی! یا حیبی! یا حیب!  
یافت فصل خون کتاب عمر من  
اعتباری بیش از این اندازه یافت  
کار عشق ست این و کاری بس شگرف!  
راستی نادیدنیها دیدنی ست

دید محشر را چو در بالای خون  
در تنش گل‌خیم خون، گل کرده بود  
نخل پیر کربلا از پا فتاد  
فارغ از این هستی موهوم شد  
زیر لب می‌گفت آن دم با حیب:  
در غروب آفتاب عمر من  
این کتاب از عشق تو شیرازه یافت  
در دل هر قطره خون، بحری ست ژرف  
پرده بالا رفت و دیدم هست و نیست

محمد علی مجاهدی (پروانه)، دانشنامه شعر عاشورایی

## تاجران خون

چه می‌بافند این آرواره‌های فربه سوداگر؛  
که خون خدا

در چشم‌های گستاخ‌شان کالاست!

خوش می‌دارند؛

روزی هزاربار کشته شوی

تا آنان پروارتر برخیزند

برخیزند!

-قرن‌هاست-

تجارت خون

پیشه آنهاست!

\*\*\*

یارا!

نگارا!

انکار نمی‌کنم،

هر خون

بهایی دارد

اما بهای خون غریب تو

با خداست!

عبدالرضا رضایی نیا، مقتل گل‌سرخ



## پخش تعزیه از تلویزیون ممنوع است

میزگردی با حضور استاد داوود فتحعلی بیگی و حجت الاسلام ابوالقاسم نادری

هانیه خاکپور

بحث «تعزیه»، جایگاه، موانع، مشکلات مالی و اجرایی موجود بر سر راه گسترش آن و در نهایت آسیب‌شناسی هنر آیینی و سنتی تعزیه را با داوود فتحعلی بیگی، پژوهشگر تعزیه و رئیس انجمن تعزیه ایرانیان و ابوالقاسم نادری، مسئول ستاد تعزیه اداره کل اوقاف و امور خیریه استان تهران، به گفتگو نشستیم:

در این میزگرد، قصد داریم نظرات استاد فتحعلی فتحعلی بیگی را به عنوان مسئول یک نهاد خصوصی و نظرات آقای نادری را به عنوان مسئول یک نهاد دولتی متولی تعزیه در این خصوص جویا شویم.

لطفاً بفرمایید؛ از آنجا که اساساً هر جریان هنری زمانی به وجود می‌آید که نیاز به شکل‌گیری آن از سوی جامعه احساس شده باشد، اگر تولد تعزیه را دوران زندیه یا حتی قبل از بدانیم، چه نیازی از سوی مردم آن زمان سبب شکل‌گیری هنر تعزیه بوده است؟

**نادری:** اگر بخواهیم دقیق بررسی کنیم، باید گفت؛ تاریخ تعزیه از همان عصر عاشورا شروع شده است. تمام عناصر و ادواتی که از آن بهره می‌بریم؛ اسب، سر، نیزه، آدم‌ها، مخالفان و موافقان، مکان و زمان، کوچ و به طور کلی همه آنچه که ما در نمایشمان به راه می‌اندازیم، همان عصر عاشورا توسط یزید به راه می‌افتد تا قدرت و اقتدار خود را به نمایش بگذارد؟ اهل بیت (ع) هم در مقابل، با همین ابزار نگاه و

تماشا و احساس خود را به نمایش می‌گذارند. بنابراین حادثه کربلا از روز اول نقل نمی‌شود، بلکه نشان داده می‌شود.

**فتحعلی بیگی:** اساس تعزیه بزرگداشت قیام امام حسین (ع) بوده است. البته در آغاز به این شکل نبود. ابتدا شیعیان در محافل خصوصی، به عزاداری می‌پرداختند و مصیبت‌های عاشورا را یادآوری می‌کردند، سپس در قرن چهارم، عضدالدوله دیلمی به طور رسمی عزاداری برای امام حسین (ع) را آزاد کرد. اما نکته‌ای که در اینجا باید مد نظر داشت، این است که قبل از این مسئله در منطقه بین‌النهرین، سنت عزاداری بر اساس باورهای مردم آن زمان وجود داشته است. این نشان می‌دهد که عزاداری، پیشینه و گذشته‌ای داشته و خودبه‌خودی شکل نگرفته است. در ایران هم آیین سوگ سیاووش یکی از قالب‌های عزاداری سنتی بود که مردم به آن باور داشتند. عزاداری‌های دیگری از این دست، مانند کین ایرج، وجود داشت که به طور کلی نقش این آیین‌ها در شکل‌گیری عزاداری برای روز عاشورا بی‌تأثیر نبوده است.

بنابراین مردم با شکل عزاداری آشنا بودند و تنها محتوا را تغییر دادند؛ یعنی به جای آنکه عماری و تابوت سیاوش را در دست گیرند، عماری و تابوت امام حسین (ع) را در دست می‌گیرند. همین نخل‌گردانی که امروز مشاهده می‌کنید، همان عماری سیاووش است که تبدیل شده است. این رسوم در زندگی عادی ما نیز جریان دارند. چنانچه در هیچ کجای دنیا نمی‌بینید که نقش برداری و تشییع مردگان چون کشور

ما صورت گیرد. این دقیقاً از همان آیین سیاووش سرچشمه می‌گیرد. در مرحله بعد اتفاق دیگری که می‌افتد، گفت‌وگو بین عناصر نوظهوری است که در عزاداری‌های عاشورا به مرور به وجود آمدند. نتیجه این دیالوگ‌ها شکل‌گیری تعزیه دوره، سیار یا تعزیه گذر به گذر بوده است. این مرحله، مرحله ماقبل تکامل تعزیه است. پس از آن با به وجود آمدن تکایا، جا و مکان ثابت و مشخصی برای استقرار تعزیه یافته شده و این هنر تکامل نهایی خود را پیدا می‌کند.

تعزیه مسیری را طی چند قرن طی کرده و در ابتدا به این وسعت نبوده است. در واقع پس از پیدایش، به مرور موسیقی، مضامین، قصص، ادبیات و مسائل دیگر آن متحول می‌شود.

**تصور من بر این بود که موسیقی در ذات تعزیه است.**

**فتحعلی بیگی:** تعزیه یک هنر ترکیبی است. وقتی ما می‌گوییم از دل دسته‌جات عزاداری بیرون آمده، در این دسته‌جات، جدا از دسته‌های اولیه، همواره یک نوحه‌خوان یا روضه‌خوان وجود داشته که به عبارتی راوی به حساب می‌آمدند. خیلی از روضه‌خوان‌ها در قدیم به دستگاه‌های موسیقی مسلط بودند و به این ترتیب موسیقی اصیل ایرانی و به دنبال آن شعر به تعزیه راه پیدا می‌کند. تمام این موارد در کنار هم قرار می‌گیرند و امروز به دست ما می‌رسند که متأسفانه ما هم قدر این اندوخته ارزشمند را نمی‌دانیم.

**آیا می‌توان به تعزیه به عنوان یک ابزار رسانه‌ای نگاه کرد؟**

**فتحعلی بیگی:** اساساً تعزیه قرن‌هاست که وظیفه

است؟ با نگاهی به قرآن و زندگی و رفتار پیامبر (ص) و ائمه (ع) متوجه می‌شویم که آنها از این مطلب همواره بهره جستند. اگر ما تعزیه را بهره‌گری از ابزار، امکانات، آلات، ادوات، میزان، صحنه، سکو، نگاه، احساس و ... بدانیم، به خوبی درمی‌یابیم که این نکته به خوبی در زندگی اهل بیت (ع) بوده است؛ به عنوان مثال نمونه نمایشی در میان بزرگان دین، کاری است که حسنین (ع) برای آموزش وضو به پیرمردی انجام دادند. در اینجا نمی‌گوییم آنها نمایش بازی کردند. اما از همان ابزار نمایش بهره بردند.

اینکه در اسلام نامی از هنر برده نشده دلیلی بر بی‌اهمیتی هنر نیست؛ اگر علی (ع) مقامی بالاتر از هر کس دارند، چرا در قرآن نام خیلی‌ها آورده شده ولی نام علی (ع) نیست؟ در جواب باید گفت که آنقدر مقام امام بالاست و به حدی روح ایشان با روح قرآن عجین است که نیازی به این نام بردن نیست. خداوند در قرآن با اشاره با علی (ع) صحبت می‌کند و از ایشان یاد می‌کند؛ اشاراتی که تنها برای اهل نظر قابل فهم است و بس.

اما علت مخالفت برخی مراجع تقلید که تعزیه را در شأن امام حسین (ع) نمی‌دانند، در کم کاری‌های تعزیه است. در اینجا سؤالی مطرح است که باید دید قصد ما بهره گرفتن از نام امام حسین (ع) به نفع خودمان است یا می‌خواهیم از خودمان برای امام حسین (ع) مایه بگذاریم؟ اگر ما می‌خواهیم بهره‌های خود را فدای امام حسین (ع) کنیم باید بدانیم که ایشان خود را با تمام موجودیت خود فدای دین و اسلام کردند. اکنون اگر قصد ما خدمت به امام حسین (ع) است، این تعزیه را باید به بهترین نحو ممکن آماده کنیم؛ لباس، سلاح، صحنه، کلمات، ادبیات و ... را از میان بهترین‌ها انتخاب کنیم و از هیچ چیزی دریغ نورزیم که برازنده حسین بن علی (ع) باشد.

**اگر تعزیه‌گردان‌ها از بهترین آلات و وسایل برای ارائه بهترین کار بهره گیرند، مسلماً بیشترین سود هم نصیب خود آنها خواهد شد. بنابراین مشکل چیست که اهل تعزیه باید از برخورد متولیان مذهبی رنجیده شوند؟**

**فتحعلی بیگی:** هیچ کس چه در بین دست‌اندرکاران تعزیه و چه در بین اندیشمندان مذهبی نیست که اگر در جایی، کاری صورت گیرد که در شأن امام (ع) نیست، خوشحال شود. ما نیز معترض کارهای بی‌کیفیت هستیم. به عنوان مثال، در یکی از تعزیه‌هایی که داشتیم و من نتوانسته بودم حضور داشته باشم، شنیدم که شبیه‌خوان امام حسین (ع) پیرمردی است و از آن جهت که به گمان خود خواسته حزنی ایجاد کند، با دیدن خنجر شبیه‌خوان شمر، شروع به التماس کردن

به چهره و رخ به رخ بین بازیگر و تماشاچی است؛ به طوری که تماشاچی همواره این احساس را دارد که تنها یک یا در نهایت دو بار قادر به شنیدن این صداست.

ممکن است سؤال کنید که آیا این ظرفیت‌ها می‌تواند در مورد هر حادثه‌ای که برای بشر اتفاق افتاده، به کار گرفته شود؛ چه حوادث کربلایی و عاشورایی و اسلامی، چه حوادثی که انسان نیاز به پردازش آنها دارد؟ پاسخ این است که بله؛ تعزیه می‌تواند جامع‌ترین ابزار در راستای اهداف مقدس بشر به شمار رود. اگر این قضیه کالبدشکافی شده، مورد حمایت قرار گیرد و کارگاه‌های آموزشی در خصوص آن برگزار شود، نسل جوان به عنوان یک واقعیت در حیات فرهنگی خود با آن آشنا می‌شود.

دو ویژگی علت اصلی این اتفاق خواهد بود؛ اول، اینکه در ایران گسترش خوبی داشته و علت دوم آن هم پایگاه دینی و معنوی آن است که می‌تواند وسیله‌ای برای بیان حرف‌های جهانی باشد.

**فتحعلی بیگی:**  
**تعزیه قرن هاست**  
**که وظیفه رسانه‌ای انجام می‌دهد**  
**تاریخی که سینه‌به‌سینه**  
**نقل می‌شود**  
**مرهون متون تعزیه است**

**اکنون که در مورد گنجایش آن صحبت شد، جا دارد اشاره‌ای داشته باشیم به نظر مراجع تقلیدی که با دید انتقادی به شیوه‌های اجرای تعزیه نگریسته‌اند. به نظر شما باید از چه شیوه‌هایی بهره جست که در شأن و منزلت امامان بزرگوار باشد.**

**نادری:** این سؤال در سطحی بالاتر، همواره دغدغه‌ای است که بین اندیشمندان مذهبی و هنرمندان مطرح بوده که آیا اسلام با هنر موافق یا مخالف است؟ ممکن است اسلام در جایی از هنر دفاع نکرده باشد، اما در درجه‌ای بالاتر همواره خود را هنرمندانه عرضه کرده است. این بالاترین دفاع اسلام از هنر است. در قرآن، آیه‌ای مبنی بر انجام کارهای هنری نداریم، ولی قرآن برای عرضه تمام آیات خود از هنری دست‌نیافتنی بهره جستند. ارزش هنری آیات قرآن نزد استادان شعر و ادبیات و ... مشخص می‌شود که با دیدی تحسین‌برانگیز از آن یاد می‌کنند. به طور کلی وجود اسلام هنر است. هنر قطعه‌ای جدا از اسلام نیست که اسلام نیاز به دفاع از آن داشته باشد.

اکنون در مورد نمایش، می‌پرسیم که آیا اسلام از نمایش که بخش ترازوی آن تعزیه است، دفاع کرده

رسانه‌ای انجام می‌دهد. تاریخی که سینه‌به‌سینه نقل می‌شود، مرهون متون تعزیه است. شما وقتی متون مختلف تعزیه را مطالعه می‌کنید، می‌بینید که هم راجع به تاریخ صدر اسلام، هم درباره وقایع عاشورا و اتفاقات قبل و بعد از آن را گزارش می‌دهد. در همین راستا اشاراتی به احادیث مختلف و برخی از آیات قرآن نیز دارد. تقریباً می‌توان ادعا کرد که گوشه‌گوشه تعزیه، آینه تمام‌نمای فرهنگ ایرانی-اسلامی کشور ماست.

به طور کلی تعزیه به گردن واقعه عاشورا و واقعه عاشورا به گردن تعزیه حق دارد. اینها هر دو برای شکوفایی و شناخته شدن از یکدیگر کمک گرفته‌اند. اربعین امسال در تعزیه‌ای به عنوان تماشاچی شرکت داشتیم. هنگام ورود به محل اجرای تعزیه، دیدم بچه‌های هفت ساله برای دیدن تعزیه آمده است. این بچه پای هیچ منبری نمی‌رود. نه اینکه دوست نداشته باشد، بلکه هنوز نمی‌تواند منبر را درک کند. اما برای دیدن تعزیه می‌آید. به همین شکل او در این تعزیه‌ها با تاریخ اسلام آشنا خواهد شد. چنانچه مادر بزرگ من هیچ کتابی نخوانده بود، اما همه تاریخ اسلام را برای ما بیان می‌کرد و آن هم از همین تعزیه‌ها آموخته بود. در اینجا است که نقش رسانه‌ای تعزیه مشخص می‌شود. به همین ترتیب وقتی در تعزیه‌ای در یکی از مناطق مرفه شهر شرکت کردم، دیدم جوانان از همدیگر در مورد شخصیت‌ها سؤال می‌کنند. در آنجا کسی حضرت علی اکبر (ع) و ... را نمی‌شناخت؛ چراکه تا آن لحظه تعزیه‌ای ندیده بود. این عدم شناخت به خاطر نبودن تعزیه در آن مناطق است.

**اگر تعزیه را یک هنر آیینی بدانیم که اکنون پس از تحولات بسیار تبدیل به چیزی شده که شاهد آنیم، آیا این ظرفیت و قابلیت را در خود دارد که واقعه عاشورا یا حتی زندگی امامان دیگر را به تصویر کشد؟**

**نادری:** اگر نمایش را مادر هنر بدانیم، تعزیه را باید مادر بزرگ نمایش تصور کنیم؛ یعنی نهفته‌های درون این نمایش آنقدر از جامعیت، گستردگی و والایی برخوردار است که گذشته از ساختار و سیر دراماتیکی آن، می‌تواند چه در عرصه‌های علمی و چه بر روی صحنه پاسخگوی همه نیازها باشد. کدام بخش از زندگی انسان است که در تعزیه وجود نداشته باشد؟ خیاطی، نقاشی، گلدوزی، آهنگری، معماری، خطاطی، تذهیب، موسیقی و آواز، احساس، ایمان، کفر و ... آیا بخشی هست که در تعزیه وجود نداشته باشد؟ تعزیه این ظرفیت را دارد که از همه چیز بهره گیرد. بالاتر از همه این موارد، یک ویژگی است که در تئاتر وجود دارد و در سینما نیست. آن هم حس متقابل، چهره

کرده بود! این بسیار غلط است. این مطلب حاکی از دریافت غلط آن شبیه‌خوان از شخصیت امام (ع) است. در حالی که خلوص زیادی هم دارد، دست به اقدامی غلط و دون پایه می‌زند. به تصور خود با این اقدام گریه بیشتری ایجاد کرده و موجب ثواب خواهد شد. در حالی که گریه کردن اصل نیست. آنچه اصل است و اهمیت دارد، تبلیغ مبانی قیام امام حسین (ع) است. اصلاً گریه بی‌معرفت چه فایده‌ای دارد؟ مهم یاد گرفتن و پیروی کردن از امام حسین (ع) است. در واقع باید به ایشان لبیک گفت؛ نه اینکه زخم‌هایشان را بشمریم و گریه کنیم.

**بنابراین آیا تعزیه‌هایی که در حال حاضر اجرا می‌شود، این شأن را در نظر می‌گیرند یا چنین اشتباهاتی که فرمودید همچنان رایج است؟ به طور کلی شاید تعزیه‌ها واقعاً هم شأن و هم سنگ امام (ع) بر گزار نشده است؟ تذکرات خاصی که در این زمینه به دست‌اندرکاران تعزیه داده شده، چه بوده است؟**

**نادری:** اگر از دو منظر «فناوری و ساختار اجرایی» و «محتوایی» به تعزیه بنگریم، توضیح این مطلب ساده‌تر خواهد شد. خوشبختانه تحولاتی که این اواخر رخ داده به تعزیه کمک زیادی کرده و آن را از محدودیت‌ها و حالت کوچک پس‌کوچه‌ای بیرون آورده و می‌بینیم که امروزه در عرصه ملی مطرح شده است. به عنوان مثال، در بحث «آب» در تعزیه و روضه‌خوانی چنین مطرح می‌شود که تماشاگر احساس می‌کند این خانواده، کاسه‌ی نیازی به دست گرفته و تنها به دنبال شمر می‌گردند که به آنها آب بدهد! اگرچه فاجعه‌ی کربلا، بزرگ‌ترین فاجعه‌ی بشری است، اما ما به جای آنکه به خبثات دشمن در عدم رعایت اصول اخلاقی بپردازیم، تنها عطشان بودن و نیازمند بودن اهل بیت (ع) را با اغراق به تصویر می‌کشیم. اگر چنین دیدگاهی در زمان گذشته جایگاهی داشته، امروزه با توجه به رشد فکری جامعه، می‌تواند نقضی در باورها به وجود آورد.

همین‌طور در بحث اقتدار، ما می‌بینیم که ولایت امام (ع) چنان نافذ و مقتدرانه بوده که در ماجرای جناب حر، توانسته سرداری پوشالی را به سربازی صادق برای امام (ع) تبدیل کند. این سرباز ساده در عرصه تاریخ به بزرگ‌ترین سردارها تبدیل می‌شود. ما قدرت و نفوذ ولایتی امام حسین (ع) را در کربلا نمی‌بینیم. حضرت زینب (س) در تعزیه‌ها به عنوان زنی زجر کشیده و غم‌زده و ناراحت از اتفاقاتی که برایش پیش می‌آید، مطرح می‌شود. در حالی که وقتی روبه‌روی یزید می‌ایستد و یزید با نگاه مقتدرانه‌ی وی مواجه می‌شود، حضرت جمله‌ای به زبان می‌آورد که

هنوز عرفان و بزرگان و اندیشمندان در برابر این جمله متحیر مانده‌اند و نتوانسته‌اند راز آن را کشف کنند. ایشان می‌فرمایند: «من چیزی جز زیبایی نمی‌بینم.» اکنون چرا ما این فرهنگ عاشورا و این نگاه را؛ طوری نشکافیم که بشریت در مقابل شناخت تجسم‌های این اسطوره‌ها، سر تعظیم و تحسین فرود آورد؟ مراجع تقلید، حکما، علما و بزرگان دین از این رنج می‌برند که چرا این ابزار مقتدر در اختیار فرهنگی قرار می‌گیرد که این فرهنگ تبیین‌کننده‌ی شأن اهل بیت (ع) نیست، بلکه تبیین‌کننده‌ی خواسته و دیدگاه‌های عوامانه‌ی ماست؟ ببینید؛ اگر «غدیر خم» مانند حماسه‌ی عاشورای حسینی تعزیه داشت، امروز برای تبیین محتویات غدیر، به اثبات آن نمی‌پرداختیم. با وجود آنکه همگی دست به دست هم دادیم و این حادثه را فریاد کردیم و علامه‌ی امینی با آن همه اقتدار علمی،

**فتتحلی بیگی:**  
**تعزیه در داخل، هیچ حمایتی نمی‌شود**  
**در حالی که شبکه‌ی BBC**  
**علاقه‌مند به**  
**ضبط و پخش کامل**  
**برنامه‌های آن است**

زندگی خود را صرف اثبات این حادثه کرد، اما تعزیه، عزا، گریه و بکاء در مورد حادثه‌ی عاشورا کاری کرد که هیچ کتابی را نمی‌بینید که خواسته باشد این حادثه را ثابت کند. حادثه‌ی عاشورا جزو تاریخ بشر است و کسی در آن شکمی ندارد، ولی متأسفانه در مورد غدیر هنوز شک‌ها از بین نرفته است.

**فتتحلی بیگی:** هنری که به گسترده‌ی تاریخ و جغرافیای کشور ماست، طبیعی است که عده‌ای از عوام که اتفاقاً بسیار علاقه‌مند هم هستند، به سراغ آن بروند و در نتیجه در برخی موارد آن را دچار عوام‌زدگی کنند. این مطلب قابل کنترل و پیشگیری نیست و منکر آن هم نمی‌شود، بود، البته تنها آن شبیه‌خوان مقصر نیست. در میان منبری‌ها هم کسانی که دچار چنین اشتباهاتی شده‌اند، کم نبوده‌اند. از آن مداح و تعزیه‌خوان کم‌سواد چه توقعی می‌رود؟ در درجه‌ی اول مربیان باید از روی اطلاع و واقعیت آموزش دهند و بعد از دیگران انتظار داشته باشیم.

به هر حال از جمله نکاتی که به ما تذکر می‌دهند، پرهیز از ورود تحریف‌ها به دین است که ما نیز در این مورد با ایشان اتفاق نظر داریم و دقت می‌کنیم چنین اتفاقی نیفتد. در همین زمینه شنیده‌ایم که در قدیم برای برپایی مجلس روضه‌خوانی امام حسین (ع) به دلیل فقر و ناتوانی، فرزند خود را می‌فروختند و به این کار «پسر فروشی» می‌گفتند. آن زمانی که این اتفاق

می‌افتاد، آنقدر عشق و علاقه به امام (ع) زیاد بود که چنین اتفاقی از ناحیه‌ی دیگران پذیرفته می‌شد و کار بدی به حساب نمی‌آمد. مسلماً امروز فرهنگ ما چنین مسائلی را نمی‌پذیرد و از آن پرهیز می‌کنیم.

به همین ترتیب تحلیل‌ها و تفسیرهای عصر ما با آنچه در چند قرن پیش وجود داشت، تغییر کرده و نباید تعزیه‌های آن زمان را ملاک قرار دهیم. به همین دلیل بعضی از تعزیه‌ها انتظارات ما را برآورده نمی‌کنند. اما این نباید بهانه‌ای باشد برای اینکه این هنری که در سال میلیون‌ها تماشاچی را با عشق و علاقه جذب می‌کند، بخواییم به طور کلی جمع کنیم. به جای اشعار کهنه می‌توان اشعار جدیدی آورد. حتی می‌توان مجالس را تغییر داد. اگرچه این بحث پیچیده‌ای است، چراکه برخی از تعزیه‌های دوران گذشته، شاهکارهایی هستند که نمی‌توان از آنها گذشت.

به عنوان مثال، تعزیه «حداد و آهنگر» آهنگری است که اسب‌های دشمنان امام حسین (ع) را در کربلا نعل کرده، شمشیرهایشان را ساخته و تیز می‌کند. اگرچه در جنگ شرکت نداشته، در این تعزیه مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد و او را نیز در کمک به دشمنان امام (ع) سهیم می‌دانند که این عمل، کاملاً به‌جا و شایسته است و به مسئولیت‌پذیری شیعه برمی‌گردد. بنابراین وقتی برخی از این تعزیه‌ها را تحلیل می‌کنیم، می‌بینیم دارای هزار نکته‌ی باریک‌تر از مو هستند؛ مضامینی که کهنه هم نیستند. چنین مضامینی که در گذشته وجود دارد، بدون پشتوانه به وجود نیامده‌اند و قابل چشم‌پوشی نیستند. جدا از اینکه این قابلیت را دارند که در قالب جدیدی مطرح شوند. تنها باید امروز در آنها به تناسب نیازهای زمان خود، اصلاحاتی انجام دهیم و همین بحث مسئولیت‌پذیری می‌تواند، در قالب بحث مسئولیت‌پذیری اجتماع امروز مطرح شود. تعزیه را نباید تنها از بعد تاریخی سنجید. این هنر از منظر عرفانی هم قابل بررسی است. اما تعداد تعزیه‌هایی که از منظر تاریخی دارای ابهاماتی باشند، چندان زیاد نیست. به عنوان مثال تعزیه‌ی جنگ خندق، خالی از هرگونه شبهه است. این تعزیه عین سند بوده و بحثی در آن نیست. تعزیه‌های یک قرن پیش، از حیث منبع دست‌نخورده‌تر از تعزیه‌های امروزی هستند. امروزه با عوض شدن نگاه‌ها و ورود تحلیل‌های تازه، متون هم دست‌خوش تغییرات می‌شوند. وقتی استاد می‌شود به این حدیث که «هر کس بگرید یا بگریاند و...» شبیه‌خوان تمام سعی خود را بر این اساس می‌کند و در همین راستا دچار غلوهایی می‌شود که مستند نیست.

**نادری:** در مورد این حدیث، مرحوم شیخ عباس قمی در کتاب «محیر العقول» می‌گوید: «مرحوم

حسین (ع) الفاظ نامناسب بگوید.

چرا؟ علت بروز این مشکل، در تعزیه خوان است یا نسخه تعزیه؟ یا برای قابل فهم تر شدن برای مخاطب چنین اتفاقی می افتد؟

**فتحعلی بیگی:** این اشکال از تعزیه خوان است. اوست که می خواهد نوآوری کند و خودش را بیشتر روی صحنه داشته باشد. قدیم مخالف خوانان تعزیه این قدر نقش گسترده ای نداشتند. اما اینها به گستردگی نقش خود فکر می کردند و اینکه بیشتر روی صحنه باشند. این کار برای سایرین جنبه بدآموزی دارد.

**با توجه به اجرای اخیر تعزیه «اسماء و سلم» و نوآوری های موجود در آن، نظر شما در مورد چنین کارهایی چیست؟ اساساً تا چه اندازه می توان در نسخه ها و شیوه های تعزیه ورود پیدا کرد؟**

**فتحعلی بیگی:** این شبیه سازی است و ایرادی ندارد. همان طور که مردان نقش زنان را اجرا می کنند، عکس آن نیز ممکن است. در مورد نسخه زنانه تعزیه، کاری که انجام شده، جعل و تصرف در تاریخ نیست، بلکه قصه فرض و تخیل آورده که این ایرادی ندارد. تنها جایی ایراد است که بخواد تاریخ را جعل کند و حدیثی را به امام یا اهل بیت (ع) نسبت دهد که در شأن آنها نیست و الا تاریخ که درام نیست.

بحث تحریف و انحراف از قدیم وجود داشته است؛ چه در تعزیه سرایی، چه مدیحه سرایی و روضه خوانی. به طور کلی برای اینکه هم موازین شرعی رعایت شود و هم در سندیت روایات و گفت و گوها شبیه و اشکالی پیش نیاید، از روشی به نام «زبان حال» استفاده می کنند. این نکته مهم است و به خاطر همین تعزیه خوان های پیشکسوت و ما هر آنجا که بخواییم مطلبی را از قول شبیه خود بگوییم، می گوییم «زبان حال» که آن را ذهنیات و گفته شاعر قلمداد کنند. این یعنی: «ای مردم اگر آن را در تاریخ نمی بینید، به خاطر آن است که زائیده تخیل ماست.»

البته بخشی از مشکلات، در دوره های خاص، به جهت منابع محدود و شنیداری بوده است. ولی به هر حال اگر تعزیه خوان های آن دوران مقاومت نمی کردند، کتک نمی خوردند و تلاش نمی کردند تا تعزیه را نگه دارند، همین اندازه از تعزیه هم به دست ما نمی رسید. ضمن آنکه تعزیه خودبه خود نمی تواند، حرکت کند. در دوره هایی هم که حرکت هایی اتفاق افتاد و تعزیه دچار تحولات شد و توسعه پیدا کرد به خاطر این بود که یک عده از رجال به دلایل سیاسی یا اعتقادی زمینه ساز شدند؛ تکیه دولتی ساخته شد، سرمایه گذاری ای انجام شد، معین البکائی را آوردند، استادان آواز و ادبیات و تاریخ را جمع کردند و همه آنها در کنار هم باعث شد، تعزیه تکامل پیدا کند.

**همواره روش انتقال تعزیه، در همه دوره ها به صورت سینه به سینه بوده و حفظ شده تا هم اکنون در اختیار ما قرار گرفته است. اکنون چه اتفاقی پیش آمده که برای جلوگیری از نابودی آن، بحث آموزش به میان آمده است؟**

**فتحعلی بیگی:** علت آن است که در حال حاضر استادکاران این هنر انگشت شمار هستند و بسیاری از هیئات جمع شده اند. اکنون جوانان در شهرستان یا روستای خود امکان قرار گرفتن نزد یک استادکار را برای آموزش تعزیه ندارند. چنانچه می بینیم، بلد نیستند، برخی از آهنگ ها را بخوانند و این به تعزیه لطمه موسیقایی خواهد زد. آنها حتی در خواندن برخی نسخه ها ناتوان هستند. در برخی شهرستان ها، تعزیه به ۷ الی ۸ نسخه رایج، منحصر شده و خواندن بقیه نسخه ها فراموش می شود. در حالی که ما تجربه

نادری:  
**اگر غدیر خم هم مانند عاشورا تعزیه داشت امروز برای تبیین محتویات غدیر به اثبات آن نمی پردازیم**

خواندن تعزیه های متعددی را داشتیم. مرحوم فیاض ۲۰۰ مجلس تعزیه را تجربه کرد. اهمیت بحث آموزش از اینجا نشأت می گیرد و باید آن را جدی بگیریم.

**آیا می توان در تعزیه نوآوری هم داشت؟**

**فتحعلی بیگی:** برخی به اسم نوآوری تعزیه را از اصالت می اندازند؛ مثلاً من دیدم که در برخی تعزیه های مسلم از شعر «من مانده ام تنهای تنها» ی آقای بسطامی استفاده کرده اند؛ در حالی که در هیچ جای دنیا اجازه نمی دهند که در یک نمایش آیینی - سنتی دخل و تصرف صورت گیرد. البته ممکن است برخی اشتباهات به علت کم اطلاعی از اصل نسخه ها باشد. ما باید این نسخه ها را جمع آوری کرده و به تعزیه خوانان عرضه کنیم. حتی می توانیم نسخه ویدیویی اجراهای قبل را هم در اختیار آنان قرار دهیم؛ همچنان که امروزه برخی از این گونه فیلم ها استفاده می کنند. اما این خطر هم وجود دارد که اگر آنان اشتباهی شده باشند، آنها هم به همان صورت یاد می گیرند.

**نادری:** استفاده از الفاظ نامناسب، از این دست است؛ مثلاً در صحنه های رودرویی دو سپاه با هم در برخی تعزیه ها می بینیم که افراد سپاه امام حسین (ع) دشنام می دهند و فحاشی می کنند که این در شأن اهل بیت (ع) نیست. در حالی که هیچ شاعری به خودش اجازه نداد که حتی از زبان مخالفان امام

آیت... حسین نوری، معنی دیگری برای «تباکی» احتمال داده و آن این است که مؤمنان یکدیگر را به کردار، گفتار و رفتار بگریانند.» که گریاندن به گفتار و رفتار چیزی جز نمایش که همان تعزیه است، نیست. **فتحعلی بیگی:** همه تعزیه بحث واقعه عاشورا نیست. ما تعزیه انوشیروان هم داریم که من اخیراً این نسخه را پیدا کرده ام و قرار است آن را اجرا کنم. این تعزیه، راجع به زنجیر عدالت انوشیروان است و آن را به ریشخند گرفته اند که به اشتباه به عادل بودن مشهور شده است.

**نظرتان راجع به حضور زنان در تعزیه چیست؟ نادری:** از آیت... مکارم شیرازی در این باره، استفتا شد، ایشان گفته اند: «در صورتی که از نظر شرعی عفت و حجاب رعایت شود، بدون آهنگ خوانده شود و مفسده خاص دیگری در آن نباشد، اشکالی ندارد.» یعنی ورود خواهران را بلا اشکال دانسته اند.

**فتحعلی بیگی:** البته به فتوای من ورود خانم ها به تعزیه ممنوع است. تعزیه یک سنت نمایشی است که باید این سنت را حفظ کرد. به علاوه آنکه تعزیه برپایی یک آیین است که با شرکت کردن زن ها، از قالب آیینی بیرون می آید. نمی شود چنین کاری کرد. همین الان هم برای برپایی تعزیه کلی مصیبت داریم. چه برسد به اینکه زنان را هم وارد آن کنیم. این عمل یعنی، تیغ روی گردن تعزیه بگذاریم، سر آن را ببریم و تمام.

**نادری:** منظور ایشان این است که آن نگاه ها نمی گذارد که آن حس حقیقی به مخاطب منتقل شود. **یعنی نمی توان بر حسب این فتواها برای حضور زنان در تعزیه مجوز صادر کرد؟**

**فتحعلی بیگی:** این فتوا غلط است. آن آقایی که چنین فتوایی داده، در این حوزه تخصصی ندارد. اظهار نظر نادرستی کرده و باید قبل از این اظهار نظر، از متخصصان تعزیه که در این مقوله کار کرده اند، نظر کارشناسی بخواهد و مشورت کند، سپس نظر بدهد. کسی که این حوزه را نمی شناسد، وقتی می گوید: «موجب مفسده نباشد» منظورش در حقیقت «نه» است. مگر می شود؟ این کار شدنی نیست.

البته در برخی مجالس تعزیه، مثل همین تعزیه انوشیروان که من آن را اجرا خواهیم کرد، حضور زنان لازم است. ولی این بحث فرق می کند. هنگامی که روز عاشورا و در تکیه، تعزیه خوان بخواهد وداع امام حسین (ع) و حضرت زینب (س) را اجرا کند، مگر می شود این زن و مرد همدیگر را بغل کنند؟ اگر هم بخواهیم این سوز و حس و حال را حذف کنیم، مگر به درد می خورد؟ اصلاً با این کار بخشی از زیبایی های تعزیه از بین خواهد رفت.

همه جای دنیا هم به همین صورت است که اگر از هنری حمایت نشود، شاهد رشد و بالندگی آن نخواهیم بود. مقاصد آنها هر چه بوده، مهم این است که شرایط را فراهم کردند؛ مثلاً در همین تهرانی که الان به سختی یک تکیه پیدا می‌شود، یک زمانی ۶۰-۵۰ تکیه وجود داشت.

**اکنون اگر بخواهیم نگاهی کلی داشته باشیم، وضعیت تعزیه در زمان حکومت جمهوری اسلامی به لحاظ پشتوانه مالی، شرایط اجرایی، حمایت از تعزیه و شبیه‌خوان‌ها و تمام عواملی که در اجرای احسن آن مؤثر هستند، چگونه است؟**

**نادری:** در دوران قاجاریه و ناصرالدین شاه، تعزیه گستردگی خوبی پیدا کرد. در دوران پهلوی اول به شدت سرکوب شد و در دوران پهلوی دوم به تکنیک تعزیه بیشتر توجه شد و در حقیقت به تعزیه نگاه تئاتری داشتند. دوران‌های قاجاریه و به‌خصوص ناصرالدین شاه، دوران استثنایی برای تعزیه بوده است. از این دوران بیشترین اخبار را در خصوص تعزیه داریم و خیلی از تحولات آن از نظر موسیقایی، مضامین و قصص مربوط به این دوران است. اما زمامداران خودسر قاجار به جای آنکه تعزیه را پل ارتباطی با اهداف و حوادث کربلا قرار دهند، بیشتر به عنوان

تجمل و نمایش به آن نگاه می‌کردند و ناصرالدین شاه که از همه چیز وسیله تفریح می‌تراشید، در این کار هم سعی فراوان به خرج داد تا شبیه‌خوانی را وسیله نمایش شکوه و جلال سلطنت خود قرار دهد. اما این تجمل‌بازی مانع از آن نشد که فرهیختگان و شیفتگان، تعزیه‌های حسینی را بر پا نکنند.

پس از آن در دوران رضاشاه از آن جهت که تعزیه نوعی نمایش تراژدی است، سرنوشت تراژیکی هم پیدا می‌کند و رضاشاه دستور منع اجرای برنامه‌های وعظ و خطابه و تعزیه و عزاداری را می‌دهد. اما در دوران محمدرضا شاه تعزیه پرواز مجدد را آغاز می‌کنند و این بار دچار تیرهای غرب‌زدگی می‌شود تا اینکه در دوران انقلاب اسلامی در ابتدا تعزیه فرصت مناسبی برای رشد پیدا نکرد. چون در خیلی جاها تعطیل شد و جلوی آن را گرفتند که حکومت البته این کار را نمی‌کرد و علت آن بیشتر از ناحیه افکار عمومی بود. ولی امروزه شاهد حضور همه جانبه و رشد و گسترش تعزیه هستیم و خوشبختانه نه تجمل‌پرستی قاجاریه آن را تهدید می‌کند و نه یک‌سویه‌نگری دوران محمدرضا شاه.

ما اگر بخواهیم تعزیه به عنوان ابزار تبلیغی مناسبی در دست حماسه عاشورا باشد و از تعریف و تهدید دور بماند، باید مورد توجه دقیق و عمیق قرار بگیرد تا نسل‌های آینده، زمان ما را بهترین تاریخ برای سرنوشت مثبت تعزیه قلمداد کنند. در راستای همین تفکر است که «ستاد تعزیه» در اداره اوقاف با آن پشتوانه مالی قوی تأسیس شد.

**پس نگرانی‌هایی که امروزه بزرگان تعزیه دارند، برای چیست؟**

**فتحعلی بیگی:** تعزیه به جهت کمی توسعه پیدا کرده، ولی به جهت کیفی افول کرده است. باید بدانیم که تمام کشورهای جنوب شرقی آسیا برای نمایش‌های سنتی و آیینی خودشان انستیتوی، مدرسه، کارگاه‌های آموزشی حتی وزارتخانه‌ای دارند. اما ما تا به امروز برای سرپرستی، رسیدگی، حفظ و حراست این آیین‌ها هیچ جایی را نداشتیم، مگر اینکه گاهی، مدیر کلی در مرکز هنرهای نمایشی، شهرداری یا جاهای دیگر، تعلق خاطری به تعزیه و عزاداری امام حسین (ع) می‌داشت و دستور اجرای تعزیه را صادر می‌کرد.

ولی تمام اینها حرکت‌هایی فردی است. در هیچ جای دنیا نمی‌بینید که در حق میراثی به این گستردگی تا این حد جفا کنند. اگر الان مرکز هنرهای نمایشی برای تعزیه سرمایه‌گذاری نکند، کسی به او ایراد نمی‌گیرد؛ چون در شرح وظایف او نیست. باید جایی پیدا شود که خود را موظف بداند، نه تنها نسخ تعزیه را گردآوری کند، بلکه آنها را انتشار دهد. در آن صورت جای امیدواری است که با ثبت جهانی چنین مرکزی، بتوانیم از سوی سازمان یونسکو حمایت‌هایی دریافت کنیم.

**اگر در داخل کاری در این خصوص صورت نگیرد، از سازمان‌های خارجی چه توقعی می‌توان داشت؟**

**فتحعلی بیگی:** سازمان‌های خارجی چنین هنرهایی را بیشتر حمایت می‌کنند. به عنوان مثال بد نیست به این مطلب اشاره کنم که در خلال سال‌های ۵۴-۱۹۵۰، انریکو چروکی، سفیر ایتالیا در ایران تعداد غیر قابل باور ۱۰۵۵ مجلس تعزیه را از مناطق مختلف ایران جمع‌آوری و به کتابخانه واتیکان در رم اهدا کرد.

البته ممکن است این سؤال پیش بیاید که در جایی که ما خودمان در حدود ۳۵۰ نسخه تعزیه داریم، چطور چنین چیزی ممکن است؟ مرحوم آقای فیاض در این باره، این‌گونه توضیح دادند که چروکی هر یک از این نسخه‌ها را در حدود ۲ تومان می‌خرد و پیش می‌آمد که یک تعزیه را به اسم‌های دیگری چند بار خریداری کند. من به کمک آقای فیاض یک فهرست موضوعی از این فهرست واتیکان تهیه کردم و در نهایت متوجه شدیم که در بین موضوعات، در حدود ۳۶۰ گونه مستقل موضوعی وجود دارد و بقیه به نوعی تکرار است.

به هر حال ما هنوز هیچ جایی نداریم که همه این تعزیه‌های موجود را گردآوری کرده و نگهداری کند. اگرچه کتابخانه‌های ملک، ملی، مجلس و ... هستند، اما تعزیه‌ها در این کتابخانه‌ها پراکنده‌اند. گذشته از کتابخانه‌ها در خانه‌ها یا روستاها هم نسخه‌های زیادی وجود دارد که در حال از بین رفتن است. در حالی که با سرمایه‌گذاری اندکی می‌توان تمام این‌ها را گردآوری کرد. کوشش‌های امثال من و آقای نادری همواره کوشش‌های فردی بوده و به هر حال کافی نیست. ما در داخل حمایتی نمی‌بینیم، در حالی که شبکه BBC علاقه‌مند به ضبط و پخش کامل برنامه‌های آن است.

**سؤال:** چرا از شبکه‌های داخلی برای این کار کمک نمی‌گیرید؟

**فتحعلی بیگی:** در جایی که به طور رسمی بخشنامه می‌شود که پخش نمایش‌های تعزیه ممنوع است، از شبکه‌های داخلی چه توقعی می‌توان داشت؟! ■





# خیمه

ماهنامه  
فرهنگی  
اجتماعی  
خیمه

KHEIMEH  
Cultural - Social  
Monthly



پرونده‌ای شامل مصاحبه با «محسن حسام‌مظاہری» و سه یادداشت گونه در خصوص کتاب «رسانهٔ شیعه» و گزارشی اجمالی از رونمایی کتاب از جمله مباحث این بخش است.

KHEIMEH  
Cultural - Social  
Monthly

تاریخ و آینده

چالش‌ها

رسالة

هنر و ادب

سینما

مردم شناسی





## رسانه شیعه

نشست تحریریه خیمه با محسن حسام‌مظاهری  
نویسنده کتاب رسانه شیعه

اما دکتر حسام‌الدین آشنا، مدیر گروه ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع)، عنوان کتاب را مناسب ندانست و با اشاره به اینکه هیئت‌های عزاداری، رسانه شیعه نیستند و عزاداری یک «آیین شیعه» است، تأکید کرد: «ما باید در حد و اندازه‌های یک آیین شیعه به این موضوع بپردازیم. بنابراین من با عنوان کتاب مشکل دارم.» دکتر آشنا در نهایت به جامعه پژوهشگران اجتماعی، دینی، فرهنگی و ارتباطی برای تولید یک اثر از سوی یک «محقق ارزشمند نوشکفته» تبریک گفت و سخنرانی خود را با این جمله که «همه ما باید به احترام او (منظور محسن حسام‌مظاهری است) برخیزیم، چه دانشجو باشیم چه استاد» به پایان رساند. پس از این جمله استاد، همه حاضران برخاستند.

در مراسم رونمایی آقای ناصر هاشم‌زاده، صاحب نظر در زمینه هنر و فلسفه، نیز عنوان «جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری» را به جای «رسانه شیعه» درست‌تر دانست و پس از ذکر انتقاداتی ابراز امیدواری کرد، رسانه شیعه آغازی برای پژوهش‌های آینده باشد. مظاهری در جلسه رونمایی با اشاره به اینکه هدف اصلی من در این کتاب، بررسی، تحلیل، فهم منطق تغییرات و تطورات مناسکی، گفتمانی

بیشتر برای نزدیک‌تر کردن محتوای مباحث به جلوه‌های جامعه‌شناسی می‌دانم. از قلم توانای او انتظار دارم، همان‌گونه که قلم و فکرش به موارد دیگری که از او خوانده‌ام، به ادعایش کاملاً وفادار است. در این مورد خطیر نیز به داعیه «جامعه‌شناختی» بودن کار خود و «تحلیلی» بودن آن بیشتر ببنیدش و حق را در این مورد نیز به جا آورد و همت و منت را تمام کند. دکتر سروستانی با طرح پرسش‌هایی درباره جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری تأکید کرد: اینها همه چراهایی است که باید پیش و بیش از همه در نسخه تجدید نظر شده این کتاب ارجمند و ارزشمند پاسخ داده شود و شخم‌هایی محسن حسام‌مظاهری زمین تاریخ را در پی زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی آن زیر و رو کند و پاسخی «جامعه‌شناسانه و هم «جامعه‌شناسانه» بیاید و به بازار تقاضای خیل ارادتمندان هوشمند سید و سالار شهیدان و جوانان بهشتی، عرضه کند. ان شاء...

ایشان در بخشی از سخنرانی خود در جلسه رونمایی کتاب گفت: «مظاهری تحفه‌ای آورده که آن را به درستی «رسانه شیعه» نام کرده و در آن صورت‌های گوناگون مناسک آیینی و فراز و فرودهای آن را آورده است.»

غروب ۱۲۴م دی ماه سال گذشته، کتاب «رسانه شیعه» که مؤلف در آن به «جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری و هیئت‌های مذهبی در ایران» پرداخته در «فرهنگسرای رسانه» رونمایی شد و در مراسم رونمایی آقای سیدحسین میرکریمی، مدیر انتشارات بین‌الملل، کتاب را دغدغه مشترک خود، مؤلف و همه کسانی دانست که در پی قرون گذشته از نهضت امام حسین (ع) الگوگیری کرده‌اند. دکتر رحمت‌ا... صدیق سروستانی، استاد دانشگاه تهران و مشوق و راهنمای محسن حسام‌مظاهری در تألیف کتاب، مظاهری را میوه شجره طيبة انقلاب اسلامی دانست و گفت: آنچه در کتاب رسانه شیعه آمده، نقل و شرح و نقد انواع عزاداری شاه شهیدان در تاریخ ایران است و این روزها مطالعه این کتاب شاید واجب‌تر از نشستن و گوش سپردن به قصه مشک آب و تیر سه شعبه و تیغ و شمشیر و سرشماری لشکر یزید ملعون و هنرنمایی‌های ذوالجناح باشد.

من البته کتاب رسانه شیعه را همان‌طور که خود مؤلف نیز یادآوری کرده، حرف آخر او در کار «جامعه‌شناسی» آیین‌های سوگواری و هیئت‌های مذهبی در ایران نمی‌دانم، همچنان که فصل دوم به بعد کتاب را تلاشی بهتر و

یک گونه فرعی «شبه هیئت‌ها» تقسیم می‌کند که البته هر یک از این دسته‌ها خود شامل تقسیم‌بندی‌های ثانویه می‌شوند.

در فصل‌های بعدی هر یک از دسته‌های یاد شده مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند و در فصل نهم با عنوان «جمع‌بندی و نتیجه‌گیری» نویسنده سعی دارد بر اساس مباحث فصول پیشین یک مدل نظری-کاربردی برای تبیین تغییرات و تحولات هیئت‌های مذهبی تدوین کند. صفحات پایانی کتاب رساله شیعیه به نمایه‌ها، آلبوم عکس‌ها و کتاب‌نامه اختصاص یافته است. بازتاب‌های متفاوت بعد از رونمایی کتاب و مجموعه‌ای از سؤالات که از جانب برخی از دوستان درباره کتاب مطرح شد، تشویق و ترغیب دوستان و برخی از مخاطبان باعث شد نشست دیگری با محسن حسام‌مظاهری داشته باشیم و در آن زوایایی از کتاب را که در مصاحبه دوستان سرویس جامعه به آن پرداخته نشده بود، این بار از منظر مخاطبان و برخی آشنایان همراه بررسی کنیم.

مظاهری در توضیحی اجمالی درباره کتاب می‌گوید: «ویرایش اولیه این کتاب، پژوهشی با عنوان «جستارهایی در جامعه‌شناسی هیئت‌های مذهبی» در «شورای عالی انقلاب فرهنگی» برگزار شد و رویکرد آن کاملاً آسیب‌شناسی بود. مخاطب آن «مسئولان کلان فرهنگی» بودند و کار تا حدودی محرمانه تلقی می‌شد و من معتقدم به دلایل متعددی نباید در دسترس مخاطب عمومی قرار می‌گرفت. اما متأسفانه بارها و بارها بدون هماهنگی و خواست من مورد استفاده قرار گرفت و این قصه پرغصه‌ای است که سر دراز دارد. اما به مرور زمان و با ادامه تحقیقات و با نشست‌های متعددی که در حوزه‌های علمیه و مجامع دانشگاهی و علمی داشتیم و با عبور از صافی جلسات نقد و بررسی و با تکامل تدریجی مباحث وقتی دیدم کار به جایی رسیده است که می‌تواند در اختیار مخاطب عمومی قرار گیرد، رضایت به انتشار آن دادم. این کار از نظر من کار پایانی نیست و ویرایش‌های بعدی این کتاب کامل‌تر و با عبور از صافی جلسات نقد و بررسی بعد از انتشار کتاب، مجدداً منتشر خواهد شد.

روش تحقیق من در این کتاب «مشاهده مشارکتی» بوده است و به یک معنا در بعضی جاها به مباحث «پدیدارشناختی» نسق می‌برد

کتاب رساله شیعیه، ۶۱۰ صفحه و ۹ فصل را شامل می‌شود که در آن فصل اول، یعنی مفصل‌ترین فصل کتاب به بررسی و تحلیل تاریخ پیدایش و تکوین آیین‌ها و مجالس عزاداری اختصاص یافته است. فرضیه بنیادین کتاب، رابطه عزاداری و تغییر و تحولاتش با وضعیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هر عصر است و بخش‌های واپسین این فصل به بیان تحولات سال‌های اخیر در جریان مداحی و عزاداری پرداخته و نویسنده در این بخش مشاهدات و تجربیات خود را در قالب «واقعه‌نگاری» آورده است. تحلیل و نقد عملکرد شاهان، شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی، مراجع تقلید، روحانیان، روشنفکران و نهادهای سیاسی در قبال عزاداری عاشورا از

ویرایش اولیه کتاب  
پژوهشی با عنوان  
«جستارهایی در جامعه‌شناسی  
هیئت‌های مذهبی»  
در شورای عالی انقلاب فرهنگی  
برگزار شد و رویکرد آن  
کاملاً آسیب‌شناسی بود

جمله مباحث جذاب و بدیع در این فصل است. مؤلف در فصل دوم با عنوان «مفاهیم و کلیات» به تعریف و بررسی مفاهیم و مباحث کلی و زیربنایی کتاب از جمله «فرهنگ خواص»، «فرهنگ عامه»، «دین»، «دین‌داری»، «مناسک دینی» و «آیین‌های دین‌داران» می‌پردازد و تأکید می‌کند که دین و دین‌داری دو مفهوم جدا از هم هستند. در این فصل تأکید شده باید بین دو مفهوم دین و دین‌داری تفکیک قائل شد: «مفهوم دین به ذات و جوهر دین راجع است که در حاله‌ای از تقدس قرار دارد و مرجع تعریفش خود شارع است. اما دین‌داری به رفتار دینی دین‌داران راجع است و مرجع تعریفش فارغ از دستورات و تعاریف دین، عمل بیرونی، روزها و نمودهای عینی و بشری دستورات دینی است.

به عبارت دیگر مقوله دین در مقام تعریف است، اما مقوله دین‌داری در مقام تحقق». مظاهری در فصل سوم کتاب با پیشنهاد یک مدل تلفیقی و چند بعدی به نام مدل «ساختی-کارکردی» هیئت‌های مذهبی معاصر را به سه دسته «سنتی»، «انقلابی» و «عامه‌پسند» و

مجالس و مناسک عزاداری‌های شیعیان ایران در طول تاریخ و به‌خصوص در دوران معاصر است و اینکه آیا می‌توان این تغییرات را تابع الگویی تجربی و نظری دانست یا نه؟ رویکرد اصلی من بررسی مجالس و آیین‌ها به مثابه پدیده‌ای اجتماعی است. پدیده‌ای در متن جامعه که تغییراتش متأثر از تغییرات جامعه در طول تاریخ است. با تعاریفی که در متن دو کتاب آورده‌ام عزاداری شیعیان از جمله آیین‌های دینداران است نه مناسک دینی که گرچه تأسیس آن با امامان شیعه بوده، اما در مسیر تکمیل و حیات خود به عنصری از فرهنگ دینداری عامه تبدیل شده است. چنین است که در مقاطع تاریخی مختلف به تبع متغیرهای اجتماعی مختلف صورت‌های نوینی را پذیرا شده است؛ صورت‌هایی که حاصل ابداع شیعیان برای تکمیل و بسط دینداری خود در پاسخ به خلأها و نیازهایشان احساس کرده‌اند.

نتیجه آنکه اکنون با طیف متنوعی از آداب و آیین‌های مختلف ذیل این پدیده مواجه‌ایم که جملگی به ابتکار دینداران پدید آمده‌اند. بی‌آنکه دین در شکل آن نقش مستقیم داشته باشد. برای اثبات و مبنا قرار دادن این پدیده اساسی ابتدا نیاز است تا با نگاهی تحلیلی، روان‌شناسانه و کارکردی، تاریخ پیدایش، استمرار و تکمیل این مناسک و آیین‌ها را از ابتدا تا امروز در یک خط سیر تاریخی مستمر و بلاانقطاع بررسی کنیم. مظاهری با اظهار تأسف از اینکه «سوگمندان هنوز این باور غلط در بین قشر عظیمی از دینداران جامعه طرفدار دارد که هر صنف عقل‌ورزی در شناخت و تحلیل زندگی امام حسین (ع) و واقعه عاشورا و مقولات مرتبط با ایشان را دور از ساحت آن امام (ع) دانسته تقبیح و محکوم می‌کنند». تأکید کرد: «با این همه عمیقاً معتقدم اگر خود اصطلاحاً یک هیئتی نبودم، نمی‌توانستم به این موضوع نزدیک شوم و سخنی بگویم». مظاهری سخنان خود را با این دعا که «به حاجب در خلوت‌سرای خاص بگو/فلان ز گوشه‌نشینان خاک درکه ماست» به پایان برد.

پس از پایان مراسم رونمایی، دوستان «سرویس جامعه» با محسن حسام‌مظاهری درباره کتاب گفت‌وگویی کردند که با عنوان «خلاء جمع‌آوری مطلوب آیین‌های عاشورایی باید پر شود» در آینده به استحضار می‌رسد.

لفظ آیین‌های سوگواری و هیئت‌های مذهبی، ترغیب‌کننده گستره وسیعی از آحاد جامعه که دغدغه‌های مذهبی دارند، برای ایجاد ارتباط با کتاب است. از طرفی نگاه جامعه‌شناسانه به یک موضوع انتظار مواجهه با محتوای علمی با روش تحقیق مشخص که نقطه عزیمت روشن و مقصد معینی را در پیش دارد، ایجاد می‌کند. که این نگاه نیز مخاطب خاص خود را دارد. اساساً مخاطب اصلی کتاب «رسانه شیعه» چه کسانی هستند؟

در تألیف این کتاب سعی من بر این بوده که با پرهیز از به کار بردن لغات علمی و ادبیات خاص که مخاطب معمولی و به اصطلاح هیئتی

اگر بخواهیم  
 در زمینه جامعه‌شناسی عزاداری  
 در ایران  
 تحقیقات مشابهی مثال بزنیم  
 شاید به اندازه  
 انگشتان یک دست هم  
 مثال نباشد

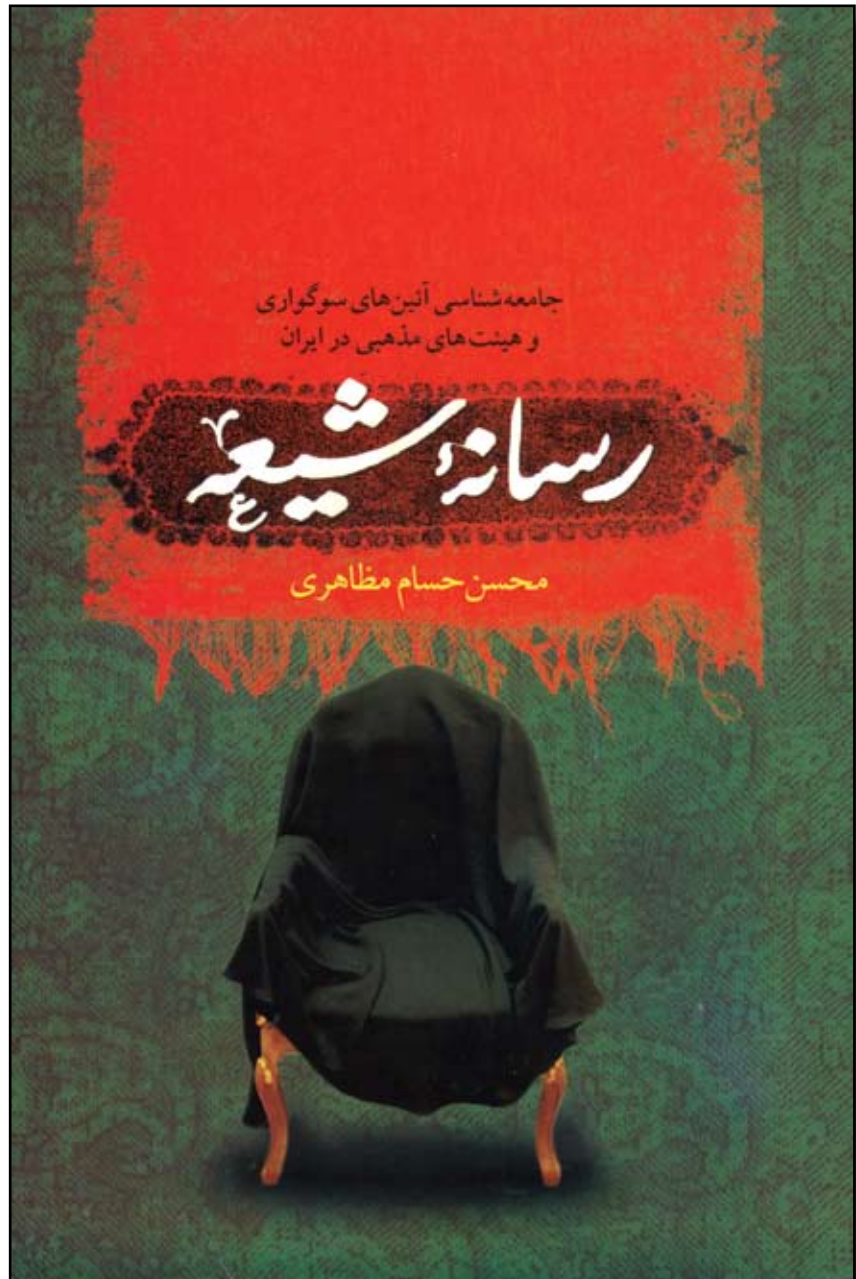
و به تعبیر دیگر مخاطب دور از فضای آکادمیک نمی‌تواند با آن ارتباط برقرار کند با این گروه همراه باشم، در عین حال محتوای کتاب مطالبی ژورنالیستی مبتنی بر ارائه یک سری اطلاعات نباشد و به عنوان یک کار علمی قابل دفاع و مورد توجه مخاطب دانشگاهی نیز باشد.

چقدر این کتاب را در ارتباط گرفتن با دو گروه یاد شده موفق می‌بینید؟

اینکه من تا چه اندازه توانسته‌ام در جمع کردن این دو نوع ادبیات موفق شوم، باید در بازتاب‌های بیرونی‌اش بررسی شود. عدم تمایل هر کدام از گروه‌های یاد شده نشان‌دهنده عدم توفیق درباره آن گروه است.

تا آنجایی که من در جریان هستم، در مجامع آکادمیک و دانشگاهی هنوز بازتاب خاصی صورت نگرفته و بیشتر بازتاب‌ها از طیف به اصطلاح سنتی جامعه بوده است. لطفاً گزارشی از بازتاب‌های مربوط به کتاب را که از آنها مطلع‌اید بفرمایید.

همان‌طور که شما گفتید تا حالا بیشترین واکنش از طیف سنتی و از مداحان و وعظ بوده و در مجامع دانشگاه هنوز نقد و بررسی جدی‌ای صورت نگرفته است. البته بعد از انتشار کتاب، نقدی در دانشگاه امام صادق (ع) و یکی هم در



با هدف طرح سؤالاتی که با دیدگاه‌ها و سلاقی مختلف تا قبل از جلسه به دستمان رسیده بود و البته برخی از سؤالات کادر تحریریه خیمه و به منظور ایجاد فرصتی مناسب‌تر برای نقدهای نجیب و صریح در آینده برگزار شد و آنچه در پیش روست، پرونده‌ای شامل مصاحبه و ۳ یادداشت‌گونه از جلسه رونمایی که به استحضار می‌رسد؛

با توجه به عنوان فرعی کتاب، یعنی «جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری و هیئت‌های مذهبی در ایران» در نگاه اول،

و ساختار مباحث از یک مدل تلفیقی و چند بعدی به نام مدل «ساختی-کارکردی» تبعیت می‌کند. متأسفانه مطالب ۳۰ صفحه پایانی فصل اول که به مشاهدات و تجربیات من در قالب «واقع‌نگاری» آنچه اشاره شده باز می‌گردد و البته به مذاق عده‌ای خوش نیامده، باعث شده است نکات بسیار مثبت و سازنده کتاب از جمله مابقی فصل اول که من برای آن زحمت زیادی کشیده‌ام و باعث افتخارم هست، مغفول واقع شود.

نشست سابق‌الذکر با حضور سردبیر، دبیر و دبیر سرویس ادبیات و همان‌طور که گفته شد

وسی‌دی قصد داشتند که هیئت را بشناسند و طبیعی است که وقتی شما از طریق یک کالای فرهنگی که با یک هدف مشخص و با گزینش هدفمند از قسمت‌های خاص تنظیم شده درصدد نقد موضوع هیئت برآیید، نتیجه این می‌شود که مدعی می‌شوید عزاداری امروزه کارناوالی شده و به نتیجه غلط می‌رسید. من به یکی از استادان ذکر شده که خانم بودند و قاعدتاً نمی‌توانستند در جلسات حضور داشته باشند، گفتم شما ۱۵ دقیقه جذاب (منظور سینه‌زنی شور است) از یک جلسه طولانی را می‌بینید در حالی که بخش سینه‌زنی سنگین، وعظ و خطابه، زیارت عاشورا و نماز جماعت و ... را نمی‌بینید و این باعث نتیجه‌گیری غلط می‌شود. من معتقدم نمی‌توان از همان عینکی که در بررسی مناسک آیین یهودی و مسیحی استفاده می‌شود، در بررسی عزاداری عاشورایی ایران استفاده کرد و با همان نوع تقسیم‌بندی‌ها درباره این موضوع حرف زد. این روش ناکارآمدی است. می‌توان از تجربیات آنها بهره برد. اما لازم است ما یک روش تحقیق مخصوص به خودمان داشته باشیم. به خصوص درباره بحثی مانند عزاداری که وجوه مختلف اجتماعی، تاریخی، ادبی و ... دارد و فرهنگ شیعه از وجوه مختلف درگیر آن است. اگر بخواهیم از روش‌های تحقیق متداول استفاده کنیم، ره به جای درستی نمی‌بریم. بنابراین من معتقدم، روش‌های یاد شده، قابل الگوبرداری است، اما نه به صورت تام و تمام. من از روش‌های یاد شده، استفاده نکردم تا به بیراهه‌ای که بسیاری از استادان دچار آن شدند، نروم. من فکر می‌کنم این عزیزان جنس موضوع و اقتضائات آن را درک نکرده‌اند.

**شما می‌فرمایید استادان دیگری که با اتخاذ یک روش مشخص به این موضوع پرداخته‌اند، بیراهه رفته‌اند و از آنجا که مخاطب شما مخاطب دانشگاهی نیست ...**

فقط مخاطب دانشگاهی نیست.

**لطفاً بیشتر توضیح دهید.**

من تلاش کرده‌ام که با اتخاذ یک ادبیات میانه همزمان هم مخاطب دانشگاهی و هم مخاطب غیر آکادمیک را داشته باشم.

**چطور چنین چیزی ممکن است؟**

اتفاقاً این «چطور می‌شود»، همان سعی من در تألیف کتاب است.

**آیا اتخاذ ادبیات میانه توجیهی برای ضعف علمی کتاب نیست؟**

به نظر من شما دچار یک سری پیش‌فرض

دقت کنید که من نمی‌توانستم با ادبیات «دورکیم» به عزاداری شیعیان ایران بپردازم. حتی با ادبیات آقای «حیدری» در «تراژدی کربلا» نیز نمی‌توان به این موضوع پرداخت. این کار یک کار مردم‌شناسی نبوده، انسان‌شناسی نیز نبوده، بلکه سعی کرده یک کار جامعه‌شناسی باشد. البته در مواردی جامعه‌شناسی به یک معنایی با بحث تاریخی مخلوط شده است و این هم به دلیل این است که اگر این یک راه روشن و با الگویی بود، نباید این کار به عنوان کار اول شناخته شود. اگر ویرایش اول همین کتاب را که در سال ۸۳ در دسترس عده‌ای قرار گرفت، در نظر بگیریم، هیچ نمونه جامعه‌شناسی و نمونه‌هایی از منظر سایر

**من معتقدم  
نمی‌توان از همان عینکی  
که در بررسی مناسک آیین‌های  
یهودی و مسیحی استفاده می‌شود  
در بررسی عزاداری عاشورایی ایران  
هم استفاده کرد و با همان  
تقسیم‌بندی‌ها و رویکردها  
درباره این موضوع حرف زد**

علوم اجتماعی در این باره وجود ندارد.

دقت کنید که این موضوع، موضوع و اتفاق جدیدی نبوده، اما هیچ‌یک از استادان تا به حال به این موضوع نپرداخته‌اند و باید بدانید که استادان مطرحی در این پروژه ناظر بر کار من بوده‌اند که علمی بودن روش و کار من برای ایشان بسیار مهم بوده است. رویکرد من یک رویکرد «ساختی-کارکردی» است و مخاطب کتاب هم مخاطب دانشگاهی نیست و برای این که علت این موضوع را توضیح دهم، باید مثالی بزنم؛ یکی از استادان کتابی را با این موضوع تألیف کرده که هنوز مجوز انتشار پیدا نکرده، ایشان ضمن بیگانه بودن با فضای هیئات با یک نگاه تئوری زده و بی‌ربط به این موضوع پرداخته و در نهایت به این نتیجه رسیده که هیئت‌ها در عصر حاضر کارناوالی شده‌اند و در تحقیقی دیگر که به زبان فرانسوی نوشته شده، پژوهشگر به خاطر غلبه تئوری‌ها و فاصله گرفتن از حقایق و الگو گرفتن بیش از حد از نمونه‌های غیر بومی مباحثی را مطرح کرده که ممکن است به مصایب مسیح (ع) مرتبط باشد. اما به مصایب امام حسین (ع) ربطی ندارد. آن استادان محترم ضمن نگاه عجولانه و عدم مشارکت و مجالست در هیئات و تنها از طریق دیدن فیلم

دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد و قرار است، در فروردین ماه سال ۸۸، جلسه‌ای برای نقد و بررسی در دانشگاه تهران برگزار شود. به نظر من هنوز دیر نشده، زیرا کتاب در محرم سال گذشته چاپ شده و توزیع آن هم در چاپ اول، کمابیش در مجامع هیئتی بوده و در جوامع دانشگاهی صورت نگرفته است. من فکر می‌کنم، باید کمی منتظر بمانیم، البته همان‌طور که در مقدمه کتاب اشاره شده است، این کتاب ویرایش سوم این کار است و من ویرایش‌های قبلی را در حوزه‌های علمی مختلف و در دانشگاه‌ها ارائه کرده بودم و بازتاب آنها بسیار مثبت بود. برای اولین بار در «انجمن جامعه‌شناسی ایران» در اردیبهشت ماه ۲ سال گذشته، بخشی از فصل هفتم کتاب را ارائه کردم و شاید آن اولین باری بوده که یک دانشجوی بحثی را در انجمن جامعه‌شناسی ایران ارائه کرده است. با وجود آنکه من در آن موقع دانشجوی مقطع کارشناسی بودم، اما از آنجا که موضوع، مورد توجه انجمن بود و موضوعی بود که کمتر روی آن کار شده است، با عنوان «هیئت‌های عامه‌پسند و دین‌داری جوانان با سبک زندگی شهری» ارائه شد.

در کل این کتاب هنوز در جوامع دانشگاهی توزیع نشده، بنابراین بازتاب خاصی هم از آن سو نداشته است.

**البته یک دلیل عدم بازتاب از جوامع دانشگاهی همین است که فرمودید. اما به نظر می‌رسد محتوای ژرنالیستی (این عنوان را به دلیل متداول بودنش به کار می‌برم و الان نمی‌خواهم ژرنالیست بودن را زیر سؤال ببرم) و عدم کاربرد یک روش علمی مشخص و صیغه روزنامه‌نگارانه و خبرنگاری کتاب هم دلیل دیگری برای عدم استقبال مجامع آکادمیک باشد.**

متأسفانه درباره این موضوع کارهایی از این قبیل پیشتر از این صورت نگرفته و اگر بخواهیم درباره جامعه‌شناسی عزاداری و در موضوعات دیگر دینی و مربوط به جامعه مثالی بزنیم، شاید به اندازه انگشتان یک دست هم مثال نباشد. بنابراین این یک راه بدون الگو بود و تلاش من برای ارتباط با دو نوع مخاطب با دو دیدگاه مخصوص به خودشان باعث چنین برداشتی شده است.

**اجازه دهید که مخالفتی با شما داشته باشم. من بدون الگو بودن این راه را قبول ندارم. در موضوع مناسک از منظر جامعه‌شناسانه کارهای جدی‌ای صورت گرفته که می‌توانست الگوی مناسبی برای شما باشد.**

شده‌اید. من نمی‌دانم معیار علمی یا غیر علمی بودن از نظر شما چیست؟

به نظر من همین که شما نمی‌توانید از کتاب دفاع علمی کنید، نشانگر ضعف علمی کتاب است.

چرا من نمی‌توانم از کتاب دفاع علمی کنم؟ شما می‌گویید: «من از الگوهای شناخته شده در مباحث علوم اجتماعی استفاده نکرده‌ام» و دلیلی که می‌آورید نوع مخاطب شماست.

آیا این دلیل غیر علمی بودن است؟ آیا به نظر شما بیرون از فضای آکادمیک کسی نمی‌تواند حرفی بزند که علمی باشد؟

چرا البته به شرط آنکه واقعاً علمی باشد و روش تحقیق و مدل مشخصی را معرفی و واقعاً از آن پیروی کرده باشد. تجربه نشان می‌دهد کسانی که مدعی انجام کاری هستند که هم به درد جامعه آکادمیک بخورد و هم مورد استفاده جامعه غیر آکادمیک باشد، در نهایت کاری را ارائه می‌کنند که به درد هیچ‌کدام نمی‌خورد؟

من نمی‌خواستم از ادبیات و نظریات پیشتر استفاده شده، استفاده کنم و این به معنای آن نیست که من از روش غیر علمی استفاده کرده‌ام. همان‌طور که قبلاً گفته‌ام روش تحقیق من «مشاهده مشارکتی» است و به یک معنا در بعضی موارد به بحث «پدیدارشناختی» نسق می‌برد. خیلی مواقع مباحثی را که مطرح کرده‌ام، تکنوگاری‌های موردی بوده است و گاهی روش‌شناسی مردمی بوده؛ یعنی من در دل موضوع قرار می‌گرفتم و اتفاقاً این یک روش علمی است.

شما شیوه جمع‌آوری داده‌ها را می‌گویید که نمی‌تواند غیر علمی باشد. منظور بنده روش تحلیل است. شما در روش تحلیل از کدام روش‌های علمی پیروی کرده‌اید؟

روش جمع‌آوری داده‌ها از مشاهده مشارکتی، تحلیل و بررسی اسناد تاریخی، سی‌دی‌ها، منبرها و مداحی‌ها و ساختار مباحث از یک مدل تلفیقی و چند بعدی به نام مدل «ساختی - کارکردی» تبعیت می‌کند. من در فصل دوم کتاب با عنوان «مفاهیم و کلیات» سعی کرده‌ام، تعاریف و ساختار مباحث را شرح دهم و تبیینی که در آخر ارائه شده با شواهد و دلایل تاریخی یک تحلیل اجتماعی است.

همان‌طور که گفتم، من سعی کردم ۲ نوع مخاطب با ویژگی‌های مخصوص به خودشان را در کنار یکدیگر داشته باشم، بنابراین در اتخاذ روش‌های یاد شده ناگزیر بودم، ضمن اینکه این کتاب پنج سال پیش نیز آماده چاپ بود و اصرار زیادی برای انتشار آن وجود داشت، اما من

مقاومت می‌کردم. زیرا می‌خواستم دست کم، یک حداقل‌هایی از مباحث علمی در آن رعایت شده باشد، آن‌گاه منتشر شود. اتفاقاً آنچه از نظر شما نقطه ضعف است، به نظر خودم نقطه قوت کار است و البته باید صبر کرد، استادان این رشته به بحث ورود پیدا کنند تا بعد از اظهار نظر ایشان معلوم شود، من تا چه اندازه در معرفی یک روش تحقیق خاص برای عزاداری عاشورایی در ایران موفق بوده یا نبوده‌ام.

با چه هدفی تلاش کرده‌اید که مخاطب دانشگاهی و غیر دانشگاهی را همزمان حفظ

این یک درد است  
 که از قبل از انقلاب  
 در جامعه مذهبی ما  
 از بزرگان در نوک  
 تا عموم مردم در قاعده هم  
 نسبت به علوم اجتماعی  
 یک عینک بدبینی داشته‌اند  
 و انقلاب هم به برداشتن این عینک  
 کمکی نکرده است

کنید و کتابی تألیف کنید که مورد استفاده هر دو گروه قرار بگیرد؟ آیا صرفاً قصد ارتباط برقرار کردن بوده یا قرار بود اطلاعاتی افزایش یابد؟ به عقیده من اکثر مخاطبان شما این اطلاعات را از قبل داشته‌اند و در این کتاب اطلاعات از منظر نو و با گونه‌بندی‌ای که به قول شما ابتکار خودتان است، مجدداً ارائه شده است.

من اگر می‌خواستم با رویکردی آکادمیک و تکراری در فضای علوم اجتماعی کار کنم، باید به سراغ موضوعاتی چون اعتیاد، طلاق و ... می‌رفتم و با اتخاذ رویکردی که در این کتاب دارم، در واقع فرزند ناخلفی برای این فضا هستم، از طرفی در فضای غیر آکادمیک هم با توجه به رویکرد جامعه‌شناسانه فرزند خلفی به حساب نمی‌آیم، این یک درد است که در جامعه مذهبی ما از بزرگان در نوک تا عموم مردم در قاعده هم نسبت به علوم اجتماعی و مباحثی که در این حوزه بیان می‌شود، یک عینک بدبینی از قبل از انقلاب داشته‌اند و انقلاب هم به برداشتن این عینک کمکی نکرده است، در بهترین حالت یک همزیستی مسالمت‌آمیز و یک جور تحمل کردن در بین بوده است. یعنی علوم اجتماعی هیچ‌گاه جدی گرفته نشده و با این گزاره‌ها که این علوم، علمی غربی است که ریشه در آنجا دارد، نامحرم انگاشته شده است، ما اجازه

نداده‌ایم که این علوم حرف خودش را درباره دین، اسلام، شیعه و جنگ ایران و عراق بزند و فقط اجازه داده‌ایم، شعر و داستان گفته شود، معمولاً گفته می‌شود، چرا درباره امری که کاملاً متعالی و فرابشری است با علوم اجتماعی که توان فهم آن را ندارد، ورود پیدا می‌کنید و نهایت اعتماد آنها در حد یک سری داده‌های کمی، حرف‌ها، نظرسنجی‌های پیمایشی سطحی و کار آماری بوده است. تا حدودی به روان‌شناسی اعتماد کرده‌اند، اما به دلایل تاریخی و تجربه ورودهای ناموفق به جامعه‌شناسی اقبالی نشان نمی‌دهند.

از طرف دیگر جامعه آکادمیک هم کاری به جامعه بیرونی ندارد و اگر شما فکر می‌کنید، این طور نیست، مثال نقضی بیاورید. مسئله‌های روز ما کی و کجا در دانشگاه مطرح می‌شود؟ اگر مسئله ما تنها اعتیاد و طلاق و خودکشی نیست، چرا ما ۳۰ سال است که تنها درباره اینها صحبت می‌کنیم؟ استادان ما کجا خواسته‌اند از علم و احاطه‌ای که به نظریات و روش‌های مختلف تحقیق دارند، برای نیازهای جامعه استفاده کنند؟ کدام اثر قابل قبول و قابل دفاع تولید شده است؟ این طور نیست که همه استادان جامعه‌شناسی به گرایش‌های غربی نسق برند، حتی استادان انقلابی هم کاری نکرده‌اند، چرا که حتی استادان نیز به رشته‌ای که در آن تحصیل کرده‌اند، اعتقادی ندارند.

البته وجود این بدبینی دو طرفه را عمدتاً قبول دارند و این موضوع در حال حاضر نهادینه و تاریخ‌مند شده است. خوب من - من نوعی - در چنین برزخی نفس می‌کشم و این رشته را آگاهانه انتخاب کرده‌ام. من یک جوان مذهبی هستم که قصد دارم، علوم اجتماعی را جدی بگیرم و واقعاً هم برایم جدی است. ضمن اینکه از فضاهای تئوری زده هم ابا دارم. حالا شما می‌پرسید این چه جور ممکن است؟ اتفاقاً سؤال من هم همین است که چگونه ممکن است؟ من نمی‌توانم مثال عینی بزنم و بگویم فلان استاد در فلان دانشگاه یا فلان درس توانسته این کار را انجام دهد. اتفاقاً من سعی کرده‌ام که بینم می‌توانم این کار را انجام دهم یا خیر، دوری این ماجرا هم به عهده مخاطبان است. در چنین شرایطی اگر جامعه دانشگاهی اقبال بیشتری به کتاب نشان دهد، یعنی ادبیات کتاب به سمت آنها میل کرده و در حالت معکوس نتیجه هم عکس می‌شود. اما سعی من جذب هر دو مخاطب بوده است.

من ادعای جامعیت و کامل بودن کتاب را ندارم و نمی‌گویم از هر عیب و نقضی مبرا است، اما مانند

واقع‌نگاری که هنوز به تاریخ نپیوسته و هنوز درباره آن اقوال متفاوتی نداریم و هنوز صاحب‌نظران راجع به آن اظهار نظری نکرده‌اند تا سره و ناسره آن تشریح شود. من برای جمع‌آوری اطلاعات بخش پایانی فصل اول از منابعی استفاده کرده‌ام که شرط اول دستیابی به آنها عدم ذکر منبع بوده است. از نزدیک‌ترین دوست یک مداح، خود مداح، روحانی معتمدش، مریدهایش، حلقه خاصش و در بعضی موارد اطلاعات خودم بنا به رابطه‌ای که با برخی از مداح‌ها داشتم، طبیعی است که اولین شرط به دست آوردن این اطلاعات عدم ذکر منبع است و بدترین اتفاقی که می‌تواند بیفتد این است که کسی بگوید این حرف‌ها دروغ است و داده‌ها درست نیست. به عنوان یک کار علمی با تعریف متعارف شاید یک برش کوچک معقول‌تر باشد؛ مثلاً فقط فلان مداح یا فلان سیدی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. اما این زمانی محقق می‌شود که یک سری داده‌های ابتدایی و اولیه وجود داشته باشد. هر علمی یک سری متفکرین تأسیسی، ترویجی و تشریحی دارد. اما متأسفانه ما درباره عزاداری کتابی که در قالب یک کار تأسیسی، یک تبیین ارائه دهد، هر چند تبیینش غلط باشد هم نداریم. ما حتی یک کار در حد کاری که آقای «حیدری» درباره عزاداری در عراق کرده، درباره عزاداری در ایران انجام نداده‌ایم. کتاب رسانه شیعه خود یک مدل است

برای نوشتن تاریخ عزاداری در یک سیر واحد قبلاً در هیچ منبعی صورت نگرفته است. پیش از انتشار کتاب، حداقل ۱۰، ۱۲ نفر از استادان سرشناس این رشته که نسخه‌های اولیه را در اختیار داشتند، کتاب را نقد و بررسی کردند و من از ارزیابی آنها و پیشنهادات و انتقاداتشان جهت بررسی نواقص بهره بردم. برخی از استادان پیشنهاد حذف این بخش را می‌دادند و می‌گفتند چه لزومی دارد، به زندگی شخصی فلان مداح جوان بپردازیم؟ چه لزومی دارد شایعات را مطرح کنی؟ این خودش به نوعی دامن زدن به شایعات نیست؟ با یک ادبیات

**اگر مسئله ما تنها  
اعتیاد و طلاق و خودکشی نیست  
چرا ما ۳۰ سال است  
که تنها درباره اینها صحبت می‌کنیم  
استادان ما کجا خواسته‌اند  
از علم و احاطه‌ای که به نظریات  
و روش‌های مختلف تحقیق دارند  
برای نیازهای جامعه  
استفاده کنند**

ژرنالیستی و در یک روزنامه هم می‌توان ماجرای یک مداح را نقل کرد و ... البته من خیلی از مطالب مربوط به این بخش را خودم حذف کردم؛ زیرا اعتقاد دارم که الزامی برای عمومی شدن آنها وجود نداشت و در این بخش به مباحثی پرداخته شد که کاملاً علنی شده‌اند و آنقدر از پرده برون افتاده‌اند که همه از آنها مطلع‌اند. ورود من به عرصه خصوصی افراد تنها در یک مورد و به استناد مصاحبه‌هایی که در نشریات و روزنامه‌ها به طور گسترده به اطلاع عموم رسیده بوده، است و در غیر این صورت من در کجای کتاب از زندگی شخصی کسی حرف جدید زده‌ام؟ من سعی کردم یک واقع‌نگاری از اتفاقات سال‌های اخیر داشته باشم و نمی‌فهمم این واقع‌نگاری علمی نیست، یعنی چه؟ یک

شما قضاوت یقینی هم نمی‌کنم و معتقد نیستم که ضعف علمی دارد، در جذب مخاطب ناتوان است. هدفش هم نامتعالی است، سطح علمی آن بسیار نازل و دانشگاه هم نسبت به آن بی‌اعتناست. من فکر می‌کنم، برای قضاوت زود است و یک نقد علمی نیاز به مطالعه کامل، دقیق و یک بررسی علمی با مؤلفه‌های علمی دارد.

هدف من همان اتفاقی است که بعد از انقلاب می‌توانست محقق شود، ولی به طور کامل نشد. ما باید در جهت فهم این نکته تلاش می‌کردیم تا دریابیم، چه چیزی در ادبیات امام (ره) وجود داشت که پامنبری‌هایش هم مخاطبان دکتر علی شریعتی و حسینیة ارشادی‌ها بودند و هم پامنبری‌های مرحوم کافی، هم مهندس بازرگان مخاطب او بود و هم طیب حاج رضایی. این محصول کاریزما و مرجعیت امام (ره) نبود. چرا که خیلی‌های دیگر آن کاریزما را داشته‌اند، خیلی‌های دیگر مرجعیت داشتند، اما هرگز نتوانستند چنان کاری را انجام دهند. این یک هنر بود. حرف امام (ره) را، هم کارگر می‌فهمید و هم دانشجو، چرا می‌گوییم این محال است؟ شریعتی، بهشتی، مطهری و خیلی از استادان دیگر، تلاشی در جهت رسیدن به این هدف بودند و من در سطح خیلی خیلی پایین‌تر به عنوان شاگرد همان‌ها با ارائه این کتاب تلاش دیگری برای رسیدن به آن هستم.

**بخش‌های واپسین فصل اول، به طور جدی مورد انتقاد هر دو گروه از مخاطبان شماست. در برخی از مجامع سنتی و در طیف مذهبی، طرح این مباحث، دخالت در زندگی خصوصی اشخاص تلقی می‌شود و به گمان برخی از مخاطبان دانشگاهی و آکادمیک این بخش فاقد یک روش علمی و آکادمیک در طرح مباحث است؛ به طور واضح‌تر اگر قرار شود، این بخش به عنوان بخشی از یک پایان‌نامه ارائه شود، باز هم به همین صورت ارائه خواهد شد؟**

متأسفانه ۳۰ صفحه از مطالب پایانی فصل اول که مشاهدات و تجربیات من در قالب «واقع‌نگاری» است، به مذاق عده‌ای خوش نیامده و این باعث شده نکات مثبت و سازنده کتاب از جمله مابقی فصل اول که من برای آن ۲ سال زحمت کشیده‌ام و جداً باعث افتخارم است، مغفول واقع شود. بررسی همه منابع ذکر شده در کتاب



و طبیعی است به عنوان اولین مدل نقدهای زیادی به آن وارد است. من با انتخاب موضوع «جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری و هیئت‌های مذهبی در ایران» از دوران ائمه (ع) تاکنون آن هم در یک کتاب ۶۰۰ صفحه‌ای با این حجم کم مرتکب ریسک بزرگی شده‌ام، چگونه می‌توان به این گستره وسیع با یک روش پرداخت؟ آیا کسی که بخواهد یک موضوع تا این حد گسترده را تبیین کند، می‌تواند با یک روش کار کند؟ آیا من باید درباره صفویه و دوم خرداد با یک روش و یک چارچوب نظری حرف بزنم؟ این روش اصلاً پاسخگو نیست؛ یعنی روش‌ها، روش‌هایی هستند که کم می‌آورند، نظریه‌ها هم کم می‌آورند. در واقع هر موضوع دیگری هم همین‌طور است. شما اگر بخواهید تاریخ غرب را هم تنها با یک نظریه بررسی کنید، یک تحلیل یک‌سویه ارائه خواهید کرد. من سعی کردم، تحلیل‌های من یک‌سویه نباشد، بنابراین ممکن است مخاطب کمی سردرگم شود. البته اگر این سردرگمی یک امر شایع باشد، تقصیر من است که نتوانسته‌ام آن را تبیین کنم، ولی فکر می‌کنم این اتفاق نیفتاده است. در واقع من از یک مدل تلفیقی و چند بعدی با عنوان مدل «ساختی-کارکردی» و از مجموعه‌ای از روش‌ها، مانند مصاحبه، بررسی اسناد، بررسی و تحلیل تاریخی استفاده کرده‌ام و مجبور بوده‌ام که رویکرد «پدیدار شناختی» داشته باشم و گاهی نیز به «روانشناسی مردمی» نزدیک شوم. در نگاه اول، ملغمه‌ای از جامعه‌شناسی تاریخی، ادبی، شهری و اوقات فراغت با هم ترکیب شده است. البته شاید لازم بوده که در یک فصل مجزا این موارد را تشریح کنم. اما گمان من این بود که مخاطب دانشگاهی و درگیر مباحث آکادمیک خودش متوجه این خطا می‌شود، کم‌اینکه استادانی که با آنها در ارتباط بودم، متوجه این کدها بوده‌اند و دانشجویان مرتبط با این رشته هم در جلسات با توضیحی کوتاه متوجه خواهند شد و برای کسانی که درگیر این مباحث نیستند توضیح و تفسیر این مطالب ممکن است به بی‌اعتمادی و فضای برچسب زدن که قبلاً راجع به آن صحبت شد، منجر شود.

**شما ادبیات سلطنتی، بهره‌گیری از تعابیر تحقیرآمیز و بهره‌گیری از مفاهیم و واژگان ادبیات عرفانی را از «مشخصه‌های زبانی هیئت‌های سنتی» معرفی کرده‌اید و درباره درون‌مایه ادبیات هیئت‌های سنتی به تبیین قضا و قدر واقعه عاشورا، تفسیر عرفانی از**

**عاشورا و رویکرد اسطوره‌های اشاره کرده‌اید؛ این تقسیم‌بندی به عنوان بخشی از «ادبیات آیینی و سنتی» صادق است. اما اینکه ادبیات هیئت‌های سنتی دقیقاً همین گونه هست، تصور نادرستی است و در کل بخش مربوط به ادبیات زبانی و درون‌مایه ادبیات هر یک از هیئت‌ها ناقص است.**

آنچه درباره هیئت‌های سنتی می‌گویید، درست است و با آن موافقم و درباره ضعف بخش ادبیات هم درست می‌گویید، این به بضاعت محدود من در این زمینه برمی‌گردد. البته هدف اصلی من به طور مشخص طرح مباحث ادبی نبوده و شاید این مباحث به طور تخصصی باید از طریق استادان دیگر مطرح و پیگیری شود. من در این باره به

**در دنیای ارتباطات  
و عصر حاضر هم  
که رسانه‌های مختلف دیداری  
و شنیداری  
زندگی انسان‌ها را احاطه کرده‌اند  
باز هم اگر خواهیم  
یک رسانه کارآمد  
برای شیعه مثال بزیم  
شاید به همین هیئت برسیم**

حداقل‌ها اکتفا کردم و امیدوارم با پیگیری‌ها و در نتیجه همین مباحث در ویرایش بعدی این بخش هم تکمیل‌تر شود. ضمن اینکه درباره هیئت‌های سنتی به دلیل گستره وسیع آنها از آیین‌های بومی، محلی، قومی و شهرها و روستاهای مختلف و ... کار را به شدت سخت می‌کند. من ناچار بودم، این بخش را محدود کنم و روی آن تمرکز کنم و در فصل سوم سعی کردم، این تحدید را نشان دهم. قصد من بیشتر پرداختن به هیئت‌های شهری بوده، البته در ویرایش‌های بعدی سعی می‌کنم، گونه‌بندی را خردتر کنم و هیئت‌های سنتی را به چند دسته تقسیم کنم تا پرداختن به موضوعات مربوط به آنها دقیق‌تر باشد، ممکن است به نظر برسد که در حق هیئت‌های سنتی ظلمی شده، اما این ظلم هم ناخواسته بوده، هم لاجرم. زیرا هیئت‌های سنتی از عرصه دید من بیرون هستند و بررسی آنها به عرصه مردم‌شناسی، انسان‌شناسی و تکثر آیین‌ها و اقوام ورود پیدا می‌کند.

**اگر یک برش سطحی از یک حجم را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم و حتی اگر همه برش‌های سطحی از یک حجم را توصیف کنیم،**

**در نهایت تصویر درستی از آن موصوف ارائه نخواهد شد. گونه‌بندی‌ای که در کتاب وجود دارد و همان‌طور که فرمودید قصد خردتر و جزئی‌تر کردن آن را دارید، ممکن است منجر به مجموعه‌ای از توصیفات، بررسی‌ها و تجزیه و تحلیل‌ها شود که تصویر روشن و درستی از موصوف اصلی، یعنی «آیین‌های سوگواری و هیئت‌های مذهبی» ارائه نکند. ضمن اینکه نقد مذکور به گونه‌بندی فعلی نیز وارد است.**

این به خاطر آن است که این فقط یک تحقیق است و اصلاً نمی‌تواند حجمی برخورد کند. مگر اینکه مجموعه‌ای از نویسندگان، نوشتن یک «دانشنامه هیئات مذهبی» را شروع کنند و این کار بسیار خوبی است. ولی در چنین کاری دیگر نمی‌توان تحلیل کرد و فقط توصیف می‌شود و رویکرد عام‌تری دارد. هدف من ارائه تصویری از جامعه امروزی است. بنابراین به آن قسمت از موضوع که رسانه‌ای‌تر است، بیشتر پرداخته شده است. کار من یک کار جامعه‌شناسی است و تأکید می‌کنم، من تاریخ‌نگاری، ارزیابی یا انسان‌شناسی نمی‌کنم، بلکه سعی داشتم یک کار جامعه‌شناسانه ارائه دهم. این کتاب موسوعه نیست. من هیچ‌گاه مدعی این نشده‌ام که یک دایرةالمعارف درباره هیئات مذهبی ارائه کرده‌ام. طبیعی است که برای بررسی یک پدیده متکثر و متنوع همچون عزاداری یک مدل خاص و یک گونه‌بندی نیاز است.

**با شما موافقم. اما این گونه‌بندی مشکلاتی هم دارد. از جمله اینکه شما با گونه‌هایی سر و کار دارید که ضمن داشتن ویژگی‌های مخصوص و اساساً نمی‌توان به ضرس قاطع یک مداح، واعظ، ذاکر، بانی و حتی مخاطب را متعلق به یک گونه دانست و به دیگری ندانست. ضمن اینکه نارضایتی طیف سنتی از این گونه‌بندی، بیشتر است. چراکه آنها گونه‌های دیگر حتی گونه فرعی شبه‌هیئت‌ها را باره‌ای از وجود خود می‌دانند به طوری که معتقدند مساحت همه این گونه‌ها به سمت همپوشانی میل می‌کند.**

درست می‌گویید. خیلی از هیئت‌ها ممکن است، در نوع دین‌داری‌شان انقلابی باشند. اما نوع ادبیاتشان سنتی، عامه‌پسند یا هرطور دیگری باشد، آنچه مسئله را حل می‌کند، حذف کردن گونه‌بندی نیست. بلکه کامل کردن آن است. کاری که من در حال انجامش هستم. در ویرایش‌های قبلی گونه «عامه‌پسند انقلابی» نبود. چون در نگاه اول، تناقضی در آن به نظر



می‌رسد. اما در نمای بیرونی خیلی از هیئت‌های عامه‌پسند انقلابی وجود دارند. به این معنا که نوع دین‌داری‌شان به گونه‌ی انقلابی نسق می‌برد، ولی مدل عزاداری‌شان مدل عامه‌پسند است و ادبیاتشان چیزی مابین این دو، در واقع این‌گونه، میان‌گونه‌ای مابین عامه‌پسند و گونه‌ی انقلابی است. چنین میان‌گونه‌ای را نیز ما بین هیئت‌های انقلابی و سنتی نیاز داریم و باید با انتخاب اسم مناسب و تفکیک معقول نقص را برطرف کنیم. البته این طبیعت هرگونه‌بندی‌ای است که تسامحی در آن وجود داشته باشد و به تناسب گستره و تنوع هر موضوع ضروری‌تر می‌شود. در کل در مورد هر یک از گونه‌ها شادترین ویژگی‌ها اشاره شده و در صورتی که گونه‌بندی تکمیلی حداقل کارآمدی را داشته باشد، باید به رسمیت شناخته شود، چراکه به نظر من خیلی از اتفاقاتی که در فضای نقد و بررسی عزاداری افتاده و اتفاقات خوبی هم نیست، به خاطر نداشتن گونه‌بندی بوده است. گونه‌بندی لازم است. حتی اگر ضعیف باشد. به مرور زمان می‌توان ضعف‌ها را برطرف کرد. یکی از فواید گونه‌بندی در بخش آسیب‌شناسی است. مثلاً ممکن است ما به این نتیجه برسیم که علم‌کشی برای هیئت‌های انقلابی به دلایلی آسیب است. اما برای یک هیئت سنتی آسیب نیست و ... و این موارد دلایل روانشناسی و اجتماعی مخصوص به خود را دارد. با حصول چنین نتایجی ارتباط منطقی‌تری با هیئات برقرار می‌شود و اظهار نظرهای منطقی‌تر و متعادل‌تر می‌شود. ضمن اینکه اظهاراتی که از زبان برخی از واعظان، مداحان و ... در موضوع هیئت و نقد دیدگاه‌ها و عملکرد دیگران می‌بینیم، نشان‌دهنده‌ی آن است که این گونه‌بندی به صورت طبیعی وجود دارد.

**عده‌ای «رسانه‌ی شیعه» را عنوانی بزرگ و نادرست برای کتاب می‌دانند و در نقدهای علمی نیز اظهار نظرهای متفاوتی وجود دارد. به عنوان مثال دکتر «رحمتا... صدیق سروستانی» این عنوان را مناسب و درست می‌دانند. اما دکتر «حسام‌الدین آشنا» این عنوان را نمی‌پذیرد. لطفاً درباره‌ی وجه تسمیه‌ی نام کتاب توضیح دهید.**

نوع ورود آقای دکتر آشنا از جنس ارتباط و مربوط به علوم ارتباطات است. من در آن فضا سررشته‌ای ندارم. بعد از انتشار کتاب متوجه شدم که از لحاظ تئوریک دو دیدگاه در بین استادان وجود دارد؛ گروهی به خاطر تعاملی که بین مستمع و مداح و سخنران وجود دارد و حواشی آنچه در هیئات اتفاق می‌افتد و به خیلی از آنها به عنوان

کارکرد عمومی هیئت‌ها در کتاب اشاره شده، هیئت را به مثابه‌ی یک رسانه می‌شمرند. اما گروهی دیگر که اگر درست متوجه شده باشم، دکتر آشنا نیز قائل به این دسته هستند، می‌گویند در هیئت‌ها فضایی شکل می‌گیرد که چندان عاملیت مداح و سخنران نیست. یک فضای آیینی است و نمی‌توان آن را رسانه نامید. چراکه به طور ارادی کسی پیامی را منتقل نمی‌کند.

### مبنای اولیه‌ی وجه تسمیه‌ی نام کتاب چیست؟

به این تعریف خیلی کلی از رسانه برمی‌گردد که منبع انتقال پیام است، من از این عنوان ۲ منظور داشتم که به ۲ بخش مربوط می‌شود. یک بخش به دوران ائمه (ع) بازمی‌گردد که در کتاب اشاره شده، به نظر می‌رسد با تأکید بر حدیث تباکی و مجموعه‌ی احادیث دیگر، دوران امامان شیعه (ع) بعد از بنی‌امیه و بنی‌عباس دوران بایکوت و اختناق بوده و امامان شیعه و پیروان ایشان در محدودیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بودند و نیاز به رسانه‌ای داشتند که معارف شیعه را منتقل کنند و موضوع عاشورا را زنده نگاه دارند، با علم به اینکه تعمد زیادی بود که عاشورا فراموش شود. آن را عید و روز مبارک نامیدند و با تلاشی که می‌شد امکان فراموشی واقعه‌ی عاشورا وجود داشت در مرثی و اشعار آیینی سه ویژگی؛ بیان فضایل ائمه (ع)، بیان مصیبت ائمه (ع) با تکیه بر موضوع عاشورا و بیان سیاسی آن عصر وجود دارد. این تحلیلی نیست که فقط من به آن رسیده باشم و تأکید بر جنبه‌های عاطفی موضوع در کنار تبیین ماجرا، همه تلاشی برای فراموش نشدن آن واقعه بر خلاف اراده‌ی حکومت‌ها بوده است. بنابراین این مجالس به عنوان وسیله‌ای برای انتقال پیام کارکرد رسانه‌ای داشته‌اند. دلیل بعدی به تعریف کامل از هیئت بازمی‌گردد. در فرهنگ شیعی هیچ ابزار و نهادی به اندازه‌ی هیئت در انتقال معارف، از فقه شیعه تا ذکر محبت امامان شیعه (ع)، قرآن‌خوانی، نماز جماعت و ... کارآمد نبوده است؛ یعنی در هیئت مجموعه‌ای از فعالیت‌ها انجام می‌شود که هر یک بخشی از فرهنگ شیعه را نمایندگی می‌کند و هیئت مهم‌ترین ابزار علما در انتقال معارف بوده است. در دنیای ارتباطات و عصر حاضر هم که رسانه‌های مختلف دیداری و شنیداری زندگی انسان‌ها را احاطه کرده‌اند، باز هم اگر بخواهیم یک رسانه‌ی کارآمد برای شیعه مثال بزنیم، شاید به همین هیئت برسیم، من با نگاه سطحی و بی‌معنا به هیئت به عنوان مکانی برای صرفاً عزاداری و گریه کردن مخالفم و در کل

فارغ از مباحثی که در زمینه‌ی ارتباطات مطرح است نگاه من به هیئت به عنوان نهادی برای بیان و انتقال فرهنگ شیعی و حفظ و تثبیت آن، علت این نامگذاری است.

**شاید این سؤال متعارفی نباشد. اما اگر ممکن است راجع به طرح جلد هم توضیحی بفرمایید.**

این یک چادر مشک‌ی زنانه یا یک چادر نماز است و روی یک صندلی خانگی افتاده، چیزی که در خیلی از خانه‌ها وجود دارد و اتفاقاً نشان‌دهنده‌ی این است که هیئت یک رسانه‌ی مردمی است، عنوان کتاب هم با توجه به پارچه‌نویسی‌ها و کتیبه‌های دستی روی یک پارچه نوشته شده است و اینها یعنی هیئت با همه‌ی اهمیتی که دارد و راجع به آن صحبت شد، به همین سادگی می‌تواند برگزار شود.

**به عنوان آخرین سؤال آیا همین هدفی که در ویرایش سوم، به آن اشاره کردید؛ یعنی برقرار ارتباطی با دو طیف سنتی و آکادمیک و ایجاد گفت‌وگو بین هر دو، در ویرایش اول. یعنی آنچه با عنوان «جستارهایی در جامعه‌شناسی هیئت‌های مذهبی» ارائه شده بود، مد نظر شما بود؟**

من در مقدمه‌ی کتاب به این موضوع اشاره کرده‌ام که پژوهش اولیه در شورای عالی انقلاب فرهنگی برگزار شد و رویکردش کاملاً آسیب‌شناسی و همراه با موضوع و پیش‌دوری بود. در آن پژوهش من نسبت به هیئت‌های جدید موضع داشتم و به تغییر و تحولات خوش‌بین نبودم. هیئت‌های جدید را یک جور کج‌روی و ناهنجاری و به معنایی آسیب می‌دیدم و معتقد بودم ما با شناخت هیئت‌های انقلابی و سنتی می‌توانیم آسیب‌ها را شناسایی و برطرف کنیم. دومین تفاوت پژوهش اولیه با این کتاب، در مخاطبانش است. آن پژوهش فقط برای مسئولان فرهنگی بود و تا حدودی محرمانه تلقی می‌شد، اگرچه که مهمور نبود، اما معتقدم به دلایل متعددی نباید در اختیار مخاطب عمومی قرار می‌گرفت و نکته‌ی سوم اینکه من در ویرایش سوم، سعی کردم نگاه و رویکردم، آسیب‌شناسانه نباشد و در فضای نتیجه‌گیری به این موضوع رسیده‌ام که تغییر و تحولات امری بدیهی است. البته نه اینکه بگویم خوب هستند، زیرا در صلاحیت من نیست که درباره‌ی آن قضاوت کنم. تلاش من بیشتر تبیین ماجرا بوده و فرضیه‌ی بنیادین کتاب، رابطه‌ی عزاداری و تغییر و تحولاتش با وضعیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هر عصر است. من سعی کردم به مخاطب بگویم ما برای فهم هر مدل عزاداری باید آن دوران را فهم کنیم و این با موضع معمول و معروف سال‌های اخیر درباره‌ی هیئت‌های جدید، همچنین با موضع ویرایش اول کاملاً فرق دارد. ■

## در ساحت نقد نجیب



حسام‌الدین آشنا  
راز حیات شیعه

بخشی از ویژگی‌ها و مزایای کتاب و نویسنده را بیان می‌کنم. کاری که آقای مظاهری انجام داده‌اند آغاز راهی است که برای تحقیقات بسیار جدی در یکی از بزرگ‌ترین سازه‌های هویتی مردم ایران و جهان شیعه گشوده شده است. اگر گفتارهایی را که در باب اهمیت نقش عاشورا و عزاداری در هویت اسلامی ایرانیان فعلی از رهبر فقید انقلاب نقل شده مورد توجه قرار دهیم، متوجه می‌شویم بدون چنین تحقیقات آغازگر و عمیقی نمی‌توانیم به عمق بیانات امام (ره) پی ببریم. مسئله اساسی، ارتباطات دینی است. در بحث ارتباطات دینی رویکردهای بسیار متعددی وجود دارد که به آن نپرداخته‌ایم.

شرق‌شناسان یا ایران‌شناسان معاصری که با سؤال بزرگ چرایی وقوع انقلاب اسلامی مواجه شدند، ابتدا تلاش کردند پاسخ‌هایی از جنس ارتباطات به چرایی وقوع انقلاب اسلامی بدهند. در این باره رویکردهای مختلفی وجود داشت. آنها بیان کردند که در شبکه اجتماعی-مذهبی ایرانیان امکانات بالقوه‌ای وجود داشت که روحانیت انقلابی توانست در دهه ۵۰ آن را بالفعل کند و به سطح و توانمندی اجتماعی برساند به گونه‌ای که بتواند تمام امکانات سومین سازمان رسانه‌ای آسیا در آن دوران را کنار بزند. از این دیدگاه کتاب «رفتارهای کوچک و انقلاب بزرگ» متولد شد که به عنوان یکی از نظریات انقلاب اسلامی مطرح شد. اما سپس پیش از اینکه ما به مسئله عزاداری و آیین‌های شیعی بپردازیم، غربی‌ها و ایران‌شناسان این راه را ادامه دادند.

در ۱۹۸۳ کنفرانسی در اسرائیل به نام «شیعه و مقاومت» تشکیل شد و دلیل

اصلی راز بقای شیعه «عزاداری» تلقی شد. از آن موقع اگر به مطالعات خاورمیانه‌شناسی اسرائیلی‌ها نگاه کنید، بی‌شک قوی‌ترین مراکز شیعه‌شناسی و متبحرترین و معتبرترین چهره‌های شیعه‌شناسی یا به طور مستقیم با اسرائیل مرتبط‌اند یا اسرائیل به صورت غیر مستقیم با آنها رابطه دارد و کار می‌کند. از جمله اقداماتی که من از آن خبر دارم و می‌توانم گزارش کنم، کنفرانسی است که در واشنگتن برگزار شد و «برنارد لوئیس» آن را مدیریت کرد و موضوع آن همان مطالعات شیعه‌شناسی با تأکید بر مباحث مرتبط با جنبه‌های فرهنگ تشیع که مقاومت را ایجاد می‌کند، بود که هنوز ادامه دارد و روی آن موضوع کار می‌کنند. چیزی که ما فاقد آن بودیم و هستیم، مطالعات بومی در مورد آن چیزی است که مداحانمان باید به آن بپردازند.

پس اهمیت اولیه کار آقای مظاهری توجه به یک مسئله بسیار بنیادی در فرهنگ ما با رویکردهای گوناگون است که کمتر به آن پرداخته شده است. سؤال بزرگی را از استادان و پژوهشگران می‌پرسم این است که اصولاً پدیده عزاداری و محرم و سوگواری‌ها را می‌توان صرفاً با رویکرد جامعه‌شناسانه بررسی کرد یا مطالعات مربوط به جامعه‌شناسی مذهبی واقعاً و حقیقتاً یک مطالعه میان‌رشته‌ای و چند رشته‌ای احتیاج دارد؟ ما قوت‌های نسبی یک مطالعه جامعه‌شناسی را در اینجا می‌بینیم و اشکالات و مشکلاتی که در کار به نظرمان می‌آید، ناشی از کارهایی بود که نشده‌اند این‌که کارهایی که آقای مظاهری متولی انجام آن هستند.

اگر هیئت‌ها را با رویکرد روان‌شناسی اجتماعی با تأکید بر مطالعات بنیادی گروهی مطالعه کنیم، اصلاً دنیای دیگری به رویمان باز می‌شود. سؤالمان این است که یک هیئت چگونه شکل می‌گیرد، رشد می‌کند و به بلوغ می‌رسد؟ همین‌طور چگونه افول می‌کند و از صحنه یک محله یا جامعه کنار می‌رود؟ از دید مطالعات گروهی، جای مطالعه هیئت واقعاً خالی است. مطالعاتی که ممکن است با

جنس کارهای آقای مظاهری نزدیک باشد؛ یعنی کار مشارکتی کاملاً معنا پیدا می‌کند. ما می‌دانیم که آقای مظاهری بسیاری از گزارش‌هایی که در این کتاب به ما داده‌اند، فاقد ارجاع است و در واقع ناشی از مشارکت‌ها، مشاهدات و یادداشت‌های میدانی ایشان است. اما اگر رویکرد روان‌شناسانه اجتماعی لحاظ می‌شد، نوع گزارش‌ها هم متفاوت می‌شد. پس نه آقای مظاهری بلکه روان‌شناسان اجتماعی نیز موظف‌اند به هیئت‌ها نگاه کنند. ایشان خواستند در کار خود بار مطالعات تاریخی را بردارند. ما نباید انتظار داشته باشیم کار تاریخی ایشان با کار تاریخی یک محقق تاریخ مذهبی ایران برابری کند. باید از تاریخ‌دانان سؤال کرد کار شما کجاست؟

مردم‌شناسان به این حوزه به صورت موردی پرداخته‌اند و نتوانسته‌اند یک روند تاریخی از رویکرد مردم‌شناسانه به سوگواری ارائه کنند. آنها هم باید کار خود را انجام دهند. کار ایشان بخشی از یک پروژه بزرگی است که ما باید انجام دهیم. ایشان به خاطر اینکه علاقه داشتند صیغه جامعه‌شناسانه خود را حفظ کنند، عملاً تلاش کرده‌اند که یک مدل تحلیلی یا چهارچوب تحلیلی در سطح ساختار مورد استفاده قرار دهند و در فصل دوم تلاش شده این مفاهیم پرورش پیدا کند و مورد استفاده قرار گیرد. فکر می‌کنم اگر فصل اول و دوم جابه‌جا می‌شد و با فصل دوم که بخش نظری به حساب می‌آید، در ابتدای کتاب مواجه می‌شدیم، بیشتر احساس می‌کردیم که با یک کار جامعه‌شناختی مواجه هستیم. با آن مدل تحلیل تاریخ را هم باید توضیح می‌دادند. الآن احساس می‌کنید بین تاریخ و تقسیم‌بندی و مدل تحلیلی هم‌پوشانی‌هایی وجود دارد.

رویکرد ارتباطات دینی به هیئت‌های مذهبی با رویکردی که امروز در این کتاب می‌بینیم، بسیار متفاوت است. آخرین عرضم، توجه به رویکرد روایت‌شناسانه در بررسی محتوای این هیئت‌ها یا توجه به مسئله قرائت در هیئت‌هاست.

آقای مظاهری در کتابشان به رویکردهای

جامعه‌شناسانه برای فهم آن چیزی که به عنوان تحلیل بن‌مایه هیئت‌ها به آن توجه می‌کنند، احتیاج دارند. ضمن آنکه فهم قرائت‌های مختلف را هم باید در نظر بگیرند.



### ناصر هاشم‌زاده ما موزه نیستیم

چیزی که در باب مسائل فکری و اندیشه‌ای این کتاب می‌توان گفت این است که این کتاب برکتی برای آغاز پژوهش‌های آینده است. یک مقدمه کوتاه می‌گویم و دو پرسش مطرح می‌کنم. اینکه گفته‌اند: «کل ارض کربلا و کل شهر محرم و کل یوم عاشورا» شاید از نگاه ائمه شیعه که هیچ کدام دیگر صحنه‌ای چون صحنه کربلا با معیارهایی که ما داریم ایجاد نکردند، به این معنا نباشد که کربلا مدام باید تکرار شود و به این معناست که کربلا آغاز شده ما دیگر در تاریخ کربلا قرار گرفته‌ایم. اینکه ماجرای امام حسین (ع) برای شیعه بزرگ‌ترین مستمسک برای ارائه دینداری است، برای این است که اسوه اساسی‌ای را که می‌خواهد معرفی کند، نشان دهد. همه جا کربلاست و همه روز عاشورا.

اما اینکه کل این کربلا و کل این تاریخ یک رسانه دارد، پرسشی است که نویسنده کتاب باید پاسخ دهد و مباحث زیادی را می‌تواند ایجاد کند. سؤال من این است که آیا رسانه شیعه همین سوگواری‌ها و هیئت‌های سوگواری است؟ من فکر می‌کنم اختصاص دادن این قضیه به کربلا با آن مقدمه‌ای که نویسنده آورده‌اند و مسئله دین را از دینداری جدا کرده‌اند، درست نیست. من خیلی سعی کردم که تحلیل کنم، چگونه دینداران می‌توانند اعمالی انجام دهند که نسبتی با دین نداشته باشد؟ این پرسش از اول تاریخ بوده است. در سخنان سقراط هم آمده است که از خدایان المپ می‌پرسند که آیا دین همان است که خدایان عمل می‌کنند یا دین چیزی است که خدایان به ما عرضه می‌کنند؟

تفکیک این دو در تاریخ دو گروه اهل کلام «اشعری‌ها» و «اخباری‌ها» را ایجاد کرد و شیعه با تمسک به معرفتی که از ائمه (ع) آموخته بود وارد این نزاع نشد و راه دیگری را پیش گرفت. این پرسش را از آن جهت مطرح می‌کنم که نویسنده اگرچه از اصلی‌ترین مبحث ذکر کربلا که مسئله معرفت شیعی است غفلت نکرده، اما خوب به آن پرداخته است. شیعه به وسیله سوگواری شناخته نشد. اگرچه سوگواری می‌تواند علامت و نشانه‌ای از شیعه بودن و ارادت به خاندان رسول (ص) باشد. اگر با تعاریف امروزی و جامعه‌شناسانه و مردم‌شناسانه و با روشمندی‌های علوم انسانی جدید وارد بررسی‌های دینی شویم، یعنی با روش دیگران آیین خود را بررسی کنیم، کربلا و سوگواری ما تبدیل به موزه‌ای می‌شود که دیگران باید به تماشایش بنشینند. در حالی که ما موزه نیستیم. یک جریان متحرک و فعال هستیم که انفعالی به آن معنایی که ائمه (ع) و امام حسین (ع) بیان کردند هم نداریم. اما اهل دین کم‌اند. تفاوتی که نویسنده بین دین و دینداری ایجاد می‌کند، یک مقدار باید به لحاظ معرفت‌شناسی دقیق‌تر بررسی شود. ما به جامعه‌ای دیندار می‌گوییم که به دین عمل کند. تفکیکی که در جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی امروز انجام گرفته را منع نمی‌کنم، اما باید توجه داشت اگر دین با روشمندی‌های علوم انسانی‌ای که در قرون هفده و هجده در اروپا ایجاد شد بررسی شود، نتیجه آن می‌شود که در جامعه شیعی و دینی چیزی خواهند ساخت که مردم باید به تماشایش ببینند.

پرسش دیگر از نویسنده این است که چرا به مسئله‌ای که جزو ذات دینداری است و به توصیه ائمه شیعه (ع) انجام می‌شود و هرگز فارغ از دینداری نیست، خارج از این حوزه پرداخته شده است؟ چرا از حیث انحرافات تاریخی به موضوع عزاداری‌ها پرداخته نشده است؟ یعنی معضلاتی که در مسئله هیئت‌ها داریم از کجاست و نتایج آن چه خواهد شد؟ امروز ناهنجاری‌های موجود در هیئت‌های مذهبی چگونه باید حل شود؟ این ناهنجاری از کجا آمده؟ از بدفهمی مردم بوده یا کسانی که باید معرفت دینی را اثنائه می‌دادند، کوتاهی کرده‌اند؟ چرا از شخصیت‌های مذهبی روشنفکر مثل دکتر علی شریعتی و شخصیت‌های روحانی اهل جامعه و جامعه‌شناس مثل استاد

مطهری غفلت شده است؟ شما کسانی را به عنوان نماینده هیئت‌داری معرفی کرده‌اید که به قول شما می‌توانند نظراتشان را بر اهل سیاست دیکته کنند و آنها را بر اینکه موضع خاصی بگیرند، مجاب کنند. بررسی این موضوع به عنوان یکی از مهره‌هایی که مورد استفاده اهل قدرت قرار می‌گیرد، در آسیب‌شناسی مفید خواهد بود و به شناخت آفات کمک می‌کند. البته باید فرض کنیم که ممکن است ما نتوانیم موضع قدرتمندانه‌ای در برابر آنها بگیریم و آنها این کار را انجام دهند. در واقع ما به جنگی می‌رویم که در آن معرفت حکومت نمی‌کند. این خطرهای زیادی دارد و باید توجه کنیم که انگیزش احساسات علیه دین و علیه فتاوی مراجع نباشد.

ضمن اینکه عنوان «جامعه‌شناسی آیین‌های عاشورایی» برای کتاب کفایت می‌کند و عبارت «رسانه شیعه» و اختصاص آن به آیین‌های سوگواری کمی اجحاف نسبت به شیعه و همه اهل معرفتی که در تاریخ شیعه تلاش کردند شیعه را معرفی کنند، است. امروز سیاست‌هایی در جهان سعی می‌کنند، شیعیان را گروهی اهل شورش نشان دهند. ان شاء... می‌توانیم از طریق همان علوم جامعه‌شناسی، جواب آنها را با رجوع به اهل معرفت شیعه که رسانه شیعه بودند، بدهیم.



### سیدحسین میرقریمی یک دغدغه

کتاب رسانه شیعه یک دغدغه است. این دغدغه برای ما، مؤلف و همه وجود دارد. نویسنده می‌خواهد پیام عاشورا را منتقل کند. نهضت امام حسین (ع) در طول تاریخ یک الگو برای نهضت‌های دیگر بوده است. اکنون نیز در مقطع انقلاب اسلامی و بعد از آن در دوران جنگ تحمیلی الگو گرفتن از امام حسین (ع) بحثی جدی بوده و کاملاً خود را نشان می‌دهد. این است که شیعه با این جریان و پیام عاشورا به بسیاری از اهداف خود رسیده است. کتاب، محاسن زیادی دارد و نقدهایی هم به آن وارد است. ■

است؟ در این میان سرمنشأ عقیده مردم بر این خون ریختن‌ها چیست که قربانی کردن را نوشدارویی برای مشکلات می‌دانند و به واسطه نذر کردن و صدقه دادن قربانی‌ای، طلب خیر و برکت می‌کنند؟

وجه ماندگاری این سنت چیست؟ سنتی که در هر عصر و تمدنی نشانی از آن را می‌توان یافت. هرچند قربانی کردن در فراز و فرود تاریخ، رنگ‌ها و آداب مختلفی را تجربه کرده است، اما با این وجود، همچنان به عنوان یکی از آداب و رسوم آیینی مطرح است و عقیده‌ها بر پشت آن استوارند.

### «قربانی» در لغت

«قربان» به ضم و کسر «ق» مصدر «قرب»، به معنی نزدیک شدن است. «قربانی» نیز که از همین ریشه است، به معنی نزدیکی انسان به خدا از طریق اقدام به ذبح یا نحر یک حیوان است. طریحی، ذیل کلمه قربانی در مجمع‌البحرین آورده است: «القربان ما يقصد به القرب من رحمة الله من اعمال البر»؛ «قربانی، هر کار نیک و پسندیده‌ای است که انسان به وسیله آن بخواهد به رحمت خدا نزدیک شود.»

پس آنچه از رسول اکرم (ص) درباره فضیلت نماز آمده که «الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ» که معنی آن را در این حدیث می‌توانیم جویا شویم: «إِنَّ الْأَتْقِيَاءَ مِنَ النَّاسِ يَنْقَرِبُونَ بِهَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَيِ يَطْلُبُونَ الْقُرْبَ مِنْهُ». از این دو حدیث متوجه می‌شویم، آنچه وسیله قرب پرهیزگاران از مردم به خداوند بوده، نماز است که توسط آن مقام قرب الهی را طلب کنند.

همین‌طور دهخدا «قربان» را نزد فارسی‌زبانان عبارت از: «چیزی که در راه خدای تعالی تصدق کنند و بدان به خدای تعالی تقرب جویند» می‌داند.

### «قربانی» در ملل پیشین

«قربانی» در اصطلاح کلی علم ادیان عبارت است از: «گرفتن جان موجود زنده (اعم از انسان، حیوان یا نبات) از راه کشتن، سوزاندن، دفن کردن یا خوردن، به منظور تقرب یافتن نزد قوای ماورایی»

آیین قربانی در میان ادیان، ریشه‌ای کهن دارد. این آیین در مراسم و اوقات خاص در میان قبایل با وجوه و کیفیات مختلف رواج داشته است؛ به طوری که می‌توان ادعا کرد، در میان تمامی ادیان به نوعی مسئله



## قربانی: تقرب یا خونریزی؟!

محمد امین خوانساری

### رد پای خون

اگر بخواهیم هم‌گام با رد پای خونین «قربانی» گامی برداریم، به وضوح می‌توان نشانه‌ای از آن را در تمام زندگی بشر، به‌ویژه در تاریخ تمام ادیان یافت. در اینجا باید برای این پرسش جوابی بیابیم که چه بر سر ادیان مختلف آمده که قربانی کردن را روشی برای قرب به ماروایشان می‌دانند؟ در این رهگذر می‌توان گذاری بر نخستین قربانی مکتب انبیا داشت؛ آنجا که فرزندان آدم امر به قربانی کردن شدند: «وَ اتَّلَ عَلَيْهِمْ نَبَأُ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ

إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتَقَبَّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَ لَمْ يُتَقَبَّلِ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»<sup>۱</sup>

در نهایت می‌توان بازخوانی تازه‌ای از آخرین برنامه الهی کرد که راز و رمز صحنه اسلام بر این سنت چیست؟ چه رمزی در این قربانی وجود دارد که باید خونس در حجة الاسلام ریخته شود تا صاحب قربانی بازگشتی به سوی خداوند داشته باشد و پیام عید را درک کند؟ همین‌طور در ذبح یک حیوان برای مولود مسلمان چه بهره‌ای است که اسلام بر عقیقه کردن برای مولود تأکید کرده

«قربانی» وجود داشته است.

در قرآن کریم با اشاره به قدمت این سنت در میان امت‌های پیشین آمده: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَيْهِيمَةٍ الْأَنْعَامِ...»؛ «برای هر امتی رسم قربانی کردنی نهادیم تا بدان سبب که خدا از چارپایان روزی‌شان داده است، نام او را بر زبان رانند...» مراد از «منسک» در این آیه، «الموضوع الذی یدبح فیہ»<sup>۴</sup> موضع و جایگاه قربانی است و به قرینۀ «لیذکروا اسم الله» می‌توان گفت که مراد، خصوص قربانی در عبادات است.

بدین ترتیب قرآن نشان می‌دهد که مراسم و تشریفات قربانی، برای تقرب به خدا در میان امت‌های پیشین هم بوده و به نوعی آنها هم موظف به انجام این دستور بوده‌اند؛ مثلاً در عهد موسی (ع) تورات دربارهٔ قربانی، می‌گوید: «پس موسی آمده تا همهٔ سخنان خداوند و همهٔ این احکام را به قوم بازگفت... و موسی بامدادان برخاسته مذبحی در پای کوه و دوازده ستون، موافق دوازده سبط اسرائیل بنا نهاد و بعضی از جوانان بنی‌اسرائیل را فرستاد و قربانی‌های سوختنی گذرانید و قربانی‌های سلامتی از گاو را برای خداوند ذبح کردند و موسی نصف خون را گرفته در لگن‌ها ریخت و نصف خون در مذبح پاشید.»<sup>۵</sup>

در جای دیگر تورات آمده: «با چه چیز به حضور خداوند بیایم؟... آیا با قربانی‌های سوختنی و با گوساله‌های یک‌ساله به حضور وی بیایم؟ آیا خداوند از هزارها قوچ و از ده‌هزارها نهر روغن راضی خواهد شد؟»<sup>۶</sup> در باب فتوحات ذوالقرنین آمده است که: «پس وارد شام شد و از آنجا به قصد سرکوبی بنی‌اسرائیل به طرف بیت‌المقدس رفت و در قربانگاه (مذبح) آنجا قربانی کرد.»<sup>۷</sup>

### اقسام قربانی در ملل پیشین

اگر بخواهیم نگاه گسترده‌تری به آیین قربانی در میان قومیت‌های مختلف بیندازیم، باید نگاهی به اقسام قربانی داشته باشیم. آیین قربانی در ملل مختلف گاهی به واسطهٔ «خون» انجام می‌شد، گاهی نیز خون در آن نقشی نداشت و «غیر خونی» بوده است. اگر قربانی به واسطهٔ خون باید انجام می‌گرفت، در بعضی از ملل به واسطهٔ قربانی کردن انسان‌ها برگزار می‌شد؛ یعنی انسان‌ها در قربانگاه «جان ناس» پس از آنکه معتقد است

«سلت‌ها»<sup>۸</sup> را بررسی می‌کند، می‌گوید: «سلت‌ها انسان را به این دلیل قربانی می‌کردند که در برابر الهه‌های خود، به اصطلاح حق‌شناسی و شکرگزاری کرده باشند و آنها را به ازدیاد نعم، برکات و فراوانی محصولات تشویق کنند. بنابراین قربانی‌هایی که برای این مقصود برمی‌گزیدند، گاهی از میان زنان، اطفال و خردسالان بوده و گاهی اسرای جنگی یا دزدان، راهزنان و آدم‌کشان که آنها را می‌گرفتند، می‌بستند و به پیشوایان دینی و کاهنان تسلیم می‌کردند.»<sup>۹</sup>

قربانی انسان حتی در میان ستاره‌پرستان و خورشیدپرستان هم رایج بوده است. از منذر بن نعمان، سلطان «حیره» نقل شده که برای ستارهٔ «زهره» انسان قربانی می‌کرد. همچنین در میان طوائف عرب هم قربانی آدمیان معمول بوده؛ از جمله، زمانی که در غارت و جنگ بر حریفان پیروز می‌شدند و آنان را به اسارت می‌گرفتند، به عنوان شکرانهٔ غلبه بر اسرا آنان را قربانی می‌کردند.<sup>۱۰</sup>



قصد قربانی کردن اسماعیل به وسیلهٔ ابراهیم نیز از بقایای قربانی انسانی و منشأ تحول آن به قربانی حیوانی است. هرچند به طور کل نمی‌توان نکات نهفته در امر به قربانی اسماعیل و تبدیل در آن امر را دانست، اما شاید این تبدیل، ادامهٔ روند تبلیغی ابراهیم بوده (که سعی می‌کرد با روندی تبدیلی مردمان عصر خود را نسبت به اکرام به آدمیان و اکرام به حیات آدمی ترغیب کند) تا به قومش بفهماند که قربانی انسان بر خلاف میل و ارادهٔ خداوند است و امر خداوند به ذبح فرزند هم، تنها به جهت امتحان ابراهیم (ع) بوده است.

در کتاب تاریخ جامع ادیان دربارهٔ قربانی

حیوانات آمده است: «از جمله عمل قربانی آریان‌های باستان، انواع چهارپایان و حیوانات بود و در آن قربانی اسب چون خیلی گران‌بها بوده از همه مهم‌تر و مؤثرتر شمرده می‌شد.» «رابرت سون اسمیت» باستان‌شناس آورده است: «قربانی کردن حیوانات در مذبح، یک قسمت از اسامی از آداب مذهبی در کیش‌های باستانی بوده، به نحوی که می‌توان آن را به وسیلهٔ عمل بسیار عام و با تأثیر مشابه توضیح داد... تردیدی نیست که قربانی‌های حیوانی قدیم‌تر از انواع دیگر بوده و در ازمنهٔ باستان فقط حیوانات را قربانی می‌کردند که خون و گوشت آنها به وسیلهٔ خدا و پرستندگان او به طور مشترک به مصرف می‌رسید.»<sup>۱۱</sup>

دو نوع قربانی به نام‌های «فرع» و «عتیره» که یادگار بت‌پرستی بود، لغو شد.<sup>۱۲</sup> اما قربانی «غیر خونی» را می‌توان در قالب نذوری مانند شیر، عسل، روغن‌های نباتی، آرد، سبزی‌ها، میوه‌ها، گل‌ها و انواع مایعات ذکر کرد. در یونان هر آنچه که دارای قیمت بود؛ مانند مجسمه، نقاشی و لوازم زندگی بدون استثنا برای قربانی انتخاب می‌شد. قرآن مجید از ماجرای نذر اعراب جاهلی که از زراعت و چهارپایان سهمی برای بت‌ها قرار می‌دادند، می‌گوید: «وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَ هَذَا لِشُرَكَائِنَا...»<sup>۱۳</sup>

گاهی قربانی «غیر خونی»، حیوانی بود که در بیابان رها می‌شد؛ مثلاً اعراب پیش از اسلام به تقلید از پیشینیان، به عنوان تقرب به بت‌ها حیوانات را وقف عام کرده و آنها را در بیابان رها می‌کردند. از جملهٔ این موقوفات می‌توان بحیره، سائبه، وصیله و حام را نام برد که هر کدام نوعی از حیوانات اهلی هستند که در زمان جاهلیت استفاده از آنها ممنوع بود و باید رها می‌شدند. قرآن، قرب به خداوند را از راه‌های صحیح و معقول معرفی کرد و این نوع نذرها را ممنوع اعلام کرد: «مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنَ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَا كَيْنٍ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ»<sup>۱۴</sup>

### کیفیت قربانی در ملل پیشین

کیفیت قربانی در میان ملل و ادیان مختلف در سطح و اندازهٔ ذهنی‌شان نسبت به ماورایشان بود. نگاه گروهی محدود به زندگی روزمره بود و خالقشان را در سطح مادیات می‌پنداشتند. به

همین جهت با فراهم کردن غذا و سایر لوازم زندگی و برطرف کردن نیازهای مادی، سعی در جلب رضایت او داشتند. دستهای دیگر برای بهره‌مندی از فضایل خدایان، آنها را قربانی کرده و می‌خوردند. تعدادی نیز ارزاق عمومی مردم را با همه نیازهایی که داشتند، به عنوان قربانی به آتش می‌کشاندند تا که شاید بوی سوختگی آن به مشامشان برسد و مرحمتی به آنها داشته باشند.

### قربانی در اسلام

اسلام، سنت قربانی کردن را با شرایط و آدابی خاص پذیرفت و ترغیب کرد. در قرآن کریم ذیل آیات مربوط به حج، سخن از این سنت آمده تا مهر تأییدی بر این آیین الهی از جانب اسلام باشد. سخنان اسلام و آیات قرآن در باب قربانی بر دو محور قرار دارد:

۱- پیراستن غبار شرک و خرافات از این سنت موحدانه

۲- نشان دادن روح و حقیقت این سنت الهی

### خرافه‌زدایی از قربانی

همان‌طور که بنای اولیة هر آیین الهی مبارزه با خرافه‌پرستی و زدودن شرک و توهم‌پرستی است، اسلام هم با سنت‌های جاهلانه و ستمکارانه زمان خویش به مبارزه برخاست؛ مثلاً درباره قربانی آدمیان، حکم قتل نفس داد و آن را از گناهان کبیره برشمرده، قصاص را مجازات آن دانست. اعمالی از قبیل سوزاندن، دفن کردن گوشت تقدیمی یا خون قربانی را به خدایان که در ادیان و اقوام دیگر دنبال می‌شد، نفی کرد.

قرآن می‌گوید: «... فَأَجْتَبِئُوا الرَّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَ اجْتَبِئُوا قَوْلَ الزُّورِ»؛ «از پلیدی‌ها (از بت‌ها) اجتناب کنید و از سخن باطل و بی‌اساس بپرهیزید.»<sup>۱۵</sup> رسم عرب جاهلی این بود که در هنگام قربانی، نام بت‌ها را می‌بردند. مطابق این آیه شریفه خداوند امر به دوری از شرک و پلیدی می‌دهد. خداوند متعال در آیه شریفه «لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَ لَا دِمَائُهَا وَ لَا كِن يَنَالَ التَّقْوَى مِنْكُمْ...»<sup>۱۶</sup> خط بطلانی بر تمام خرافه‌پرستی‌هایی که همراه این سنت الهی بود، کشید.

در گذشته، شیوة جاهلی بر این بود که پس از نحر یا ذبح قربانی، کعبه را به خون قربانی آلوده می‌کردند و قسمتی از گوشت آن را بر خانه کعبه می‌آویختند تا خداوند آن را قبول کند.<sup>۱۷</sup> در کتاب «تاریخ العرب قبل الاسلام»

آمده: «خون قربانی را به عنوان تیمن و تبرک و ادامه فتح و ظفر بر سر و روی خویش می‌مالیدند و گاه نیز پدرانی بر اثر پیش‌آمدهایی نذر می‌کردند تا یکی از فرزندان خود را قربانی کنند.»<sup>۱۸</sup>

اما اسلام، حرمت خاصی برای قربانی لحاظ کرد و در طرد آن سنت زشت جاهلی بیان داشت: «هرگز گوشت و خون قربانی‌ها به خدا نمی‌رسد، لیکن تقوی شماست که به خدا می‌رسد.» در تفسیر نمونه با اشاره به شأن نزول آیه که در مورد اعمال زشت اعراب جاهلی و پاشیدن خون قربانی بر سر بت‌ها و دیوار کعبه است، آمده: «متأسفانه هنوز این رسم جاهلی در بعضی از مناطق وجود دارد که هرگاه به خاطر ساختن خانه‌ای قربانی می‌کنند، خون آن را بر سقف و دیوار آن خانه می‌پاشند و حتی در ساختمان بعضی از مساجد نیز این عمل زشت و خرافی را که مایه آلودگی مسجد است، انجام می‌دهند که باید مسلمانان بیدار، شدیداً با آن مبارزه کنند.»<sup>۱۹</sup>

### فلسفه قربانی در اسلام

#### قربانی در حج

اگر بخواهیم به دنبال فلسفه قربانی در اسلام باشیم، باید به دنبال اولین ذابح نفس رفت؛ ذابحی که هر ساله هزاران حاجی می‌خواهند از او بیاموزند تا عود و بازگشتی از نفسشان به سوی صاحبش داشته باشند. بازگشت به ابراهیم (ع) آن‌گاه که حجت بر او تمام شد، داشته باشیم. آن‌گاه که او را «فدیناه بذبح عظیم» بخشیدند تا خلیل... شود، باید «زینت حیاتش» را فدای معبودش می‌کرد.

هرساله در دهم ذی‌الحجه در سرزمین وحی، نمایشی عظیم از قربانی یادآور آن ذبح عظیم ابراهیم (ع) است. زائران خانه خدا هر ساله با قربانی کردن، خاطرة اخلاص و استواری ایمان و فداکاری حضرت ابراهیم (ع) را در دل‌ها زنده می‌سازند و از این رهگذر به یکدیگر درس فداکاری و مبارزه با جهاد نفس می‌دهند. حاجیان، خود می‌دانند که این مناسک و شعائر، مقدس هستند و تقدیس هریک از این شعائر به واسطه آن شعور و شعار نهفته‌ای که دارند، است. آنکه ندای «یناله التقوی منکم»<sup>۲۰</sup> را شنیده، می‌داند که تقوی را به بها می‌دهند نه به بهانه. شاید همین تقوی و رسیدن به آن، سبب شده که روز قربانی را

حج اکبر بخوانند.<sup>۲۱</sup>

به همین جهت امام صادق (ع) فرمود: «چون قربانی‌ات را خریدی آن را رو به قبله کرده، نحر کن یا سرش را ببر و بگو «وجبهت وجهی للذی فطر السموات والارض حنیفاً مسلماً و ما انا من المشرکین انا صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین لا شریک له و بذلک امرت و انا من المسلمین اللهم منک و لک بسم الله و بالله و الله اکبر».<sup>۲۲</sup> زیرا قربانی با تقوایی که در آن غیر معبود باشد؛ دیده نمی‌شود. شایسته است که به واسطه ذبح خود به خداوند نائل شود. اگر حج‌گذار با این حقیقت، نفس سرکش خود را ذبح کند، ذابحی می‌شود که توانسته «گلوئی دیو طمع» را ببرد، حجاب‌ها را کنار زند و او هم می‌تواند «خلیل...» شود.

#### اطعام

قربانی، علاوه بر جنبه‌های معنوی آن، جنبه‌های مادی بسیاری هم دارد. در آیات شریفه قرآن، علاوه بر «یناله التقوی منکم» آیاتی مانند «... أَطْعَمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ»<sup>۲۳</sup> و آیه «... أَطْعَمُوا الْفَانِعَ وَ الْمُعْتَر...»<sup>۲۴</sup> آمده است. رفع نیاز مستحقان و هدیه به همسایگان و استفاده خانواده هم از جمله مصارف قربانی است: «عن ابی جمیله عن ابی عبدالله (ع) قال: سألته عن لحم الاضاحی. فقال: کان علی بن الحسین و ابنه محمد علیهما السلام یتصدقان بالثلث علی جيرانهما و بثلث علی المساکین و ثلث یمسکانه لاهل البیت».<sup>۲۵</sup> امام باقر (ع) فرمود: «ان الله عزوجل یحب الطعام و اراقه الدماء»؛ «خدای سبحان قربانی کردن را دوست دارد.»<sup>۲۶</sup>

در کتاب ذر الاخبار در ضمن خطابی که از سوی خدای متعال به خاتم الانبیا (ص) آمده «... امت‌های گذشته قربانی خود را تا بیت‌المقدس بر دوش می‌کشیدند و از هرکس پذیرفته می‌شد، بر قربانی‌اش آتش می‌فرستادیم تا آن را فراگیرد و اگر از او نمی‌پذیرفتیم، محروم و ناامید برمی‌گشت و قربانی امت تو را در شکم فقرا و مساکین آن قرار دادم. پس از هرکس پذیرفتم، ثوابش را چند برابر گرداندم و اگر از او نپذیرفتم، به واسطه آن، عقوبات و مجازات دنیا را از او برداشتم و این را از امت تو برداشتم و حال آنکه از سختی‌ها و مشقات سابق بوده است.»<sup>۲۷</sup>

از مجموع روایات می‌توان یکی از منافع

- ۸- سلت‌ها گروهی از قبائل قدیم بودند که برای نخستین بار در آلمان و فرانسه یافت شدند.
- ۹- تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی‌اصغر حکمت، ص ۷۷
- ۱۰- تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۱، ص ۴۴۳
- ۱۱- توتنم و تابو، ترجمه محمدعلی خنجی، ص ۱۸۴
- ۱۲- اسلام و جاهلیت، ص ۲۸۰
- ۱۳- انعام، آیه ۱۳۶
- ۱۴- مائده، آیه ۱۰۳
- ۱۵- حج، آیه ۳۰
- ۱۶- حج، آیه ۳۷
- ۱۷- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۷۵
- ۱۸- همان، ج ۵، ص ۲۰۷
- ۱۹- همان، ج ۱۴، ص ۱۱۰
- ۲۰- حج، آیه ۳۷
- ۲۱- وسایل الشیعه، ج ۱۰، صص ۸۸-۸۶
- ۲۲- همان، صص ۱۳۸-۱۳۷
- ۲۳- حج، آیه ۲۸
- ۲۴- حج، آیه ۳۶
- ۲۵- علل الشرایع، باب ۱۷۸
- ۲۶- وسایل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۷۴
- ۲۷- درالآخبار، تاریخ پیامبر، منتخبات جزء ۱۶
- ۲۸- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲۰
- ۲۹- معانی الاخبار، ج ۱، باب ۳۲

### منابع

- ۱- قرآن مجید
- ۲- مفاتیح‌الجنان، شیخ عباس قمی
- ۳- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی
- ۴- تفسیر نمونه، آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی
- ۵- لغت‌نامه دهخدا
- ۶- مجمع‌البحرین، فخرالدین طریحی
- ۷- لسان‌العرب، ابن‌منظور
- ۸- وسایل‌الشیعه، شیخ حر عاملی
- ۹- بحارالانوار، علامه مجلسی
- ۱۰- علل‌الشرایع، شیخ صدوق
- ۱۱- ثواب‌الاعمال و عقاب‌الاعمال، شیخ صدوق
- ۱۲- معانی‌الآخبار، شیخ صدوق
- ۱۳- صهباي حج، علامه جوادی آملی
- ۱۴- تاریخ انبیاء، سید هاشم رسولی‌محلانی
- ۱۵- تاریخ جامع ادیان، جان ناس، ترجمه علی‌اصغر حکمت
- ۱۶- تاریخ تمدن، ویل دورانت، ترجمه احمد آرام
- ۱۷- توتنم و تابو، زیگموند فروید، ترجمه محمدعلی خنجی
- ۱۸- اسلام و جاهلیت، دکتر نوری
- ۱۹- تاریخ العرب قبل‌الاسلام، دکتر جواد علی

عقیقه‌اش نهاده شده است.»

### حفظ از شرور

در کتاب «ثواب‌الاعمال و عقاب‌الاعمال» در ذیل «ثواب قربانی و اطعام برای بنا» آمده است: «امام صادق (ع) از پدرانشان روایت کرده‌اند که رسول خدا (ص) فرمود: «کسی که خانه‌ای برای خود ساخت و گوسفندی فربه قربانی کرد و از گوشت آن بینوایان را طعام داد و گفت: «اللهم اذحر عنی موده الجن والانس والشیاطین و بارک لی فی بنائی»؛ «پروردگارا جنیان متمد و آدمیان نافرمان و شیاطین را از من دور ساز و این خانه را بر من مبارک کن.» آنچه بخواهد به او می‌دهند.» طبق این روایت، نفس خون‌ریزی و قربانی کردن و اطعام آن سبب دور شدن از شر شیطان و جن و انس شده و سبب مبارک شدن و خوش‌یمن بودن ساختمان می‌شود و در پایان دعا آمده: «اعطی ما سال»؛ «(به سبب این قربانی) به او بدهند، آنچه درخواست می‌کند.»

### سخن آخر

تمام آنچه در باب قربانی آمد، این حقیقت را روشن ساخت که در این سنت الهی، خیر و برکتی است و در طول زندگی بشری، پای ثابت اظهار بندگی بوده است. هرچند در طول تاریخ، همراه با این سنت الهی، خرافه‌هایی آمده و رفته، اما نمی‌توان اساس آن را منکر شد. خداوند متعال اسباب قربش را در قربانی کردن آماده کرده تا بنده او با آگاهی به حقیقت آن و از روی شعور، رنگ قربت به خود گیرد. البته در کنار حکمت‌های الهی و معنوی که در این قرب وجود دارد، اساس ظاهری و مادی بنده هم فراموش نشده است. ذابح به واسطه قربانی، هم جرعه‌ای از معرفت را می‌چشد و هم گامی در جهت بهبودی زندگی مادی برداشته است. «اللهم تقبل منا» ■

### پی‌نوشت

- ۱- مائده، آیه ۲۷
- ۲- لسان‌العرب، ذیل کلمه قرب، ابن‌منظور
- ۳- حج، آیه ۳۴
- ۴- مجمع‌البحرین
- ۵- سفر خروج، باب ۲۴
- ۶- میکا نی، باب ۶
- ۷- ترجمه المیزان، ج ۱۳، ص ۵۲۸

قربانی را در اطعام آن دانست و عادت عرف را در نذر و قربانی کردن در مراسم مختلف را باید در اطعام و خشنودی الهی‌ای که از آن برداشت می‌شود، داشت.

### شکرگزاری

در سوره کوثر، خداوند پس از اعطای کوثر به پیامبر اسلام (ص) از ایشان در مقابل این خیر کثیر، نماز و قربانی طلب می‌کند. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه آورده‌اند: «از ظاهر و سیاق اینکه صرف فاء بر سر این جمله (فصل لربک وانحر) درآمده، استفاده می‌شود که امر به نماز و نحر شتر متفرع بر جمله (انا اعطیناک الکوثر) شده و از باب شکر نعمت است؛ پس چنین معنا می‌دهد: «حال که بر تو منت نهادیم و خیر کثیرت دادیم، این نعمت را با نماز و نحر شکرگزاری کن.»<sup>۲۸</sup> پس مطابق این آیه یکی از راه‌های سپاس از رحمت و نعمت الهی، قربانی کردن است.

### عقیقه

عقیقه، سنتی مؤکد است که مطابق آن گوسفندی را در روز هفتم برای فرزند به دنیا آمده، قربانی می‌کنند و مقداری را به قابله و باقی را اطعام و صدقه می‌دهند. تاکید بر سنت عقیقه به حدی است که علمایی همچون سید مرتضی، ابن‌جنید و شیخ طوسی آن را واجب دانسته‌اند. نقل است که پیامبر (ص) بعد از اینکه به نبوت رسیده‌اند، از جانب نفس خود عقیقه کرده و به جهت عقیقه حسن (ع) و حسین (ع)، دو قوچ ذبح کردند.<sup>۲۹</sup> ادعیه‌ای که در هنگام ذبح عقیقه وارد شده، در جهت سلامتی و حفظ مولودند.

«اللهم لحمها بلحمه و دمه بدمه و عظمها بعظمه اللهم اجعلنا و قاء لآل محمد علیه و آله السلام»

همچنین این دعا که از خداوند درخواست می‌کند، به واسطه ذبح این حیوان، شیطان را از آنها دور کند: «بسم الله و الحمد لله اکبر ایمانا بالله و ثناء علی رسول الله صلی الله علیه و آله اللهم احسأ عنا الشیطان الرجیم و الحمد لله رب العالمین»

اسلام در این خون‌ریختن و قربانی کردن، فضیلتی قرار داده است. می‌توان ملاک‌های مختلفی برای فضیلتی که در عقیقه ذکر شده، آورد؛ از جمله صدقه، اطعام، دعوت مؤمنان و ... که همه اینها موجب تاکید اسلام بر عقیقه می‌شوند و اینکه «هر مولودی در گرو



## پژوهشی در باب زیارت حضرت فاطمه (س) و قبر ایشان سنگ دل را سرمه کن در آسیای معرفت

سید حجت سجادی زاده

### مقدمه

یکی از بخش‌های امام‌شناسی و حجت‌شناسی، بخش مهم معرفت‌شناختی زیارت آن حضرات است که با زیارت ایشان، باب شناخت حقیقت ولایت به روی شخص زائر گشوده می‌شود. از امام صادق (ع) و امام حسن عسگری (ع) روایتی بدین مضمون نقل شده که فرمودند: «نحن حجج الله علی خلقه و جدتنا فاطمه علیها السلام حجت الله علینا»؛ «ما امامان حجت‌های خداوند بر مخلوقاتش هستیم و مادر ما فاطمه، بر او سلام، حجت خداوند بر ماست.»<sup>۱</sup> که با این اوصاف شناخت و زیارت وی زیرمجموعه شناخت و زیارت حجج الهی قرار می‌گیرد.

فقط با بررسی دیدگاه اهل سنت درباره شأن نزول آیه تطهیر متوجه می‌شویم که تمامی دانشمندان اهل سنت زبان به بیان فضایل آن بانوی بزرگوار اسلام گشوده‌اند. با ورق زدن کتب

اهل سنت می‌بینیم که جای جای آنها شأن نزول این آیه مبارک را ذکر کرده‌اند و اینکه پیامبر (ص) علی (ع)، فاطمه (س)، حسن (ع) و حسین (ع) را زیر کسای جمع فرمود، سپس به درگاه خدا عرض کرد: «بارخدا! اینها اهل بیت

اگرچه انسان زائر  
در دل مویه‌ها و مناجات‌های عاشقانه  
و عرض حاجت‌های خالصانه  
و بی‌ریای خویش  
خود را در دامن پر مهر امام می‌یابد  
اما در فرهنگ اهل بیت (ع)  
هدف زیارت چیزی  
فراتر از عرض ارادت  
و بیان خواسته و حاجت دنیوی  
یا اخروی است

من هستند. پلیدی را از آنها دور فرما و آنها را پاک کن؛ یک نوع پاک گرداندن مخصوص» در آن هنگام برای اجابت دعای پیامبر (ص) این آیه شریفه نازل شد. ام‌سلمه همسر گرامی

پیامبر (ص) عرض کرد: «یا رسول!... آیا من هم در جمع اهل بیت هستم؟» حضرت فرمود: «به جای خود باش. تو به خیر هستی.»<sup>۲</sup>

### جایگاه زیارت

زیارت، دیدار با امام و تجدید بیعت با اوست. زیارت، یاری گرفتن از امام در جهت تقرب به خداوند است. زیارت، به ابواب ایمان و امنای خدای رحمان مراجعه کردن است. مرحوم میرزا حبیب‌الله خراسانی چه خوب سروده است:

سنگ دل را سرمه کن در آسیای معرفت  
دیده را زین سرمه بینا کن کمال این است و بس  
همنشینی با خدا خواهی اگر در عرش رب  
در درون اهل دل جا کن کمال این است و بس

بیان این نکته ضروری است که اگرچه انسان زائر در دل مویه‌ها و مناجات‌های عاشقانه و عرض حاجت‌های خالصانه و بی‌ریای خویش، خود را در دامن پر مهر امام می‌یابد، اما در فرهنگ اهل بیت (ع) هدف زیارت چیزی فراتر



از عرض ارادت و بیان خواسته و حاجت دنیوی یا اخروی است. ائمه طاهرین (ع) با به جای گذاشتن میراث عظیم ادعیه و زیارت‌هایی که خود بر زبان جاری ساخته‌اند، اول، شناخت خالق و پروردگار، دوم، شناخت تمامی ابعاد وجودی انسان به عنوان مخلوقی ضعیف، در عین حال اشرف مخلوقات و سوم در باب زیارت، شناخت جایگاه امامان و اهل بیت (ع) به عنوان حجت‌های خدا بر روی زمین بوده است. یک دسته از این زیارت‌ها مأثور، زیارت‌های حضرت فاطمه زهرا (س) است که در کتاب‌هایی مانند «مفاتیح الجنان» و «اقبال الاعمال» آورده شده‌اند.

الف) زیارت وارده در کتاب اقبال سیدین طاووس: سیدین طاووس در کتاب اقبال بعد از ذکر وفات حضرت فاطمه زهرا (س) در روز سوم جمادی‌الثانی زیارتی را برای آن حضرت نقل می‌کند. برخی القابی که در این زیارت آمده عبارت‌اند از: «سیده نساء العالمین»، «والدة الحجج علی الناس اجمعین»، «مظلومه» و «ممنوعة حقها»

ب) زیارت‌های موجود در کتاب «مفاتیح الجنان»: مرحوم شیخ عباسی قمی در فصل پنجم کتاب مفاتیح الجنان، ضمن تعیین اسامی نبی و ائمه (ع) به روزهای هفته، روز یکشنبه را مخصوص زیارت حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) و حضرت فاطمه زهرا (س) دانسته و دو زیارت را برای زیارت حضرت زهرا (س) نقل کرده است.

القابی که در این زیارت‌ها برای حضرت فاطمه زهرا (س) استفاده شده‌اند، عبارت‌اند از: دختر رسول خدا، دختر حبیب خدا، دختر خلیل خدا، دختر امین خدا، دختر بهترین خلق خدا، بانوی زنان جهان، همسر ولی خدا، همسر بهترین خلق بعد از رسول خدا، مادر حسن و حسین (ع)، صدیقه شهیده، رضیه، مرضیه، فاضله، زکیه، حوراء، انسیه، پرهیزکار، پاک، محدثه، علیمه، مظلومه، بتول، طاهره، صدیقه، معصومه، پرهیزکار، پاک، رضیه، مرضیه، زکیه، رشیده، مظلومه، مقهوره‌ای که حشش غصب شده و ارتش به تاراج رفته است، پهلوشکسته‌ای که به شوهرش ستم کرده‌اند و فرزندش را کشته‌اند، دختر رسول خدا، پاره تن او، صمیم قلب او، پاره جگر او، تحفه مخصوص وصی پیامبر (ص) از طرف خداوند، محبوبه مصطفی، همسر مرتضی، بانوی زنان، مادر امامان (ع) و سیب بهشت

جاوید است.

یکی از مطالبی که مغفول اهل تحقیق و خطابه واقع شده، باز شناخت این القاب برای تمامی مسلمانان است که موجب بالا رفتن معرفت نسبت به آن حضرت است.

فضیلت زیارت حضرت زهرا (س) از زبان رسول خدا (ص)

قال رسول الله (ص): «مَنْ زَارَ فَاطِمَةَ فَكَأَنَّهَا زَارَتِي وَ مَنْ زَارَ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ فَكَأَنَّهَا زَارَتْ فَاطِمَةَ»؛ «هر که فاطمه را زیارت کند، مثل این است که مرا زیارت کرده و هر کس علی بن ابیطالب را زیارت کند، مانند آن است که فاطمه

**امیرالمؤمنین (ع)**  
**با عمل به وصیت زهرا (س)**  
**اذهان جامعه را دچار شک**  
**و تردید کردند**  
**مشروعیت خلیفه را زیر سؤال بردند**  
**و مظلومیت زهرا (س) را**  
**بیشتر آشکار ساختند**

را زیارت کرده است.<sup>۳</sup>

### ماجرای خاک سپاری شبانه

روایت شده که علی (ع) با همان پرده‌ای که بدن رسول خدا (ص) را خشک کرده بود، بدن زهرا (س) را خشک کرد. در کتاب «روضه الواعظین» آمده: «و چون پاسی از شب گذشت، حضرت علی (ع) همراه حسن و حسین (ع)، عمار، مقداد، عقیل، زبیر، ابوذر، سلمان، بریده و چند نفر از خواص بنی هاشم، جنازه را از خانه بیرون آوردند و آن بدن مطهر را به خاک سپردند. حضرت علی (ع) اطراف قبر حضرت زهرا (س) هفت قبر دیگر ساخت تا قبر فاطمه (ع) شناخته نشود.

شخصی از امام صادق (ع) سؤال کرد: «امیرالمؤمنین در نماز بر فاطمه (ع) چند تکبیر گفت؟» آن حضرت فرمود: «علی (ع) یک تکبیر گفت. جبرئیل هم یک تکبیر گفت و بعد فرشتگان مقرب الهی تکبیری گفتند تا اینکه امیرالمؤمنین پنج تکبیر گفت.» شخصی دیگر پرسید: «در کجا بر او نماز خواند؟» امام صادق (ع) فرمود: «در خانه‌اش نماز خواند. سپس جنازه



را حرکت دادند و از خانه بیرون آوردند.<sup>۴</sup> مسلم در «صحیح» خود می‌گوید: «وقتی که ابوبکر فاطمه (س) را از حقیق محروم کرد، زهرا (س) بر وی خشمگین شد و از او اعراض کرد و تا دم مرگ (شهادت) با وی سخن نگفت. ۶ ماه بعد از رحلت رسول خدا (ص) از دنیا رحلت فرمود، علی (ع) بر حسب سفارش‌های فاطمه (س) او را شبانه دفن کرد و ابوبکر را از کفن و دفن فاطمه (س) خبر نکرد.»<sup>۵</sup>

### علت اختفای قبر حضرت زهرا (س)

از جمله وصایای حضرت زهرا (س) به علی (ع) این بود که گفتند: «ای پسرعمو! اگر تا چند ساعت دیگر از دنیا رفتم، جنازه‌ام را شبانه تشییع کن و مراسم تشییع من را اعم از غسل و کفن و نماز خواندن و دفن کردن باید در محیطی مخفی و پنهان انجام دهید و فقط به کسانی در تشییع اجازه دهید که ظلم و جفا نسبت به من روا نداشته‌اند.» حتی به یک نقل حضرت زهرا (س) تصریح کردند: «نگذارید ابی‌بکر و عمر بر من نماز بخوانند و در تشییع جنازه من شرکت کنند.» بعد بحث در این است که علت اجازه ندادن حضرت زهرا (س) در مراسم تشییع حضرت، بیانگر چیست؟<sup>۶</sup>

امیرالمؤمنین (ع) با عمل به وصیت زهرا (س) اذهان جامعه را دچار شک و تردید کردند، مشروعیت خلیفه را زیر سؤال بردند و مظلومیت زهرا (س) را بیشتر آشکار ساختند و همیشه این سؤال را برای همگان مطرح کردند که چرا قبر زهرا (س) مخفی مانده است؟ بدین طریق زمانی که حضرت زهرا (س) از دنیا رفتند، مردم سراسیمه به خانه زهرا (س) آمدند و منتظر بیرون آمدن جنازه بودند که علی (ع) به ابوذری گفتند: «برو و با صدای بلند اعلام کن که برگردند؛ چراکه تشییع جنازه دختر رسول خدا (ص) امشب صورت نمی‌گیرد و به تأخیر افتاده است.» مردم که متفرق شدند، حضرت علی (ع) با کمک اسماء، بدن حضرت را غسل و کفن کردند و در نیمه شب با عده‌ای از نزدیکان و یاران خویش که البته در اینکه چه کسانی در تشییع جنازه حضرت حضور داشتند، اختلافی است، ولی آنهایی که به اتفاق نام‌های آنها آمده، عبارت‌اند از: سلمان، ابوذری، مقداد، عمار، عباس و زبیر و چند تن دیگرند که اینها به همراه امام علی (ع) جنازه دختر رسول خدا (ص) را شبانه تشییع کردند و شبانه به خاک سپردند و حضرت علی (ع) قبر فاطمه (س) را هم سطح

زمین کردند و حتی روایت شده در چند نقطه در بقیع حضرت، قبر درست کردند تا متوجه نشوند که قبر فاطمه (س) کدام‌یک است و این راز برای همیشه مخفی مانده است و کسانی هم که حضور داشتند دیگر بعدها محل اختفای قبر فاطمه (س) را بیان نکردند.<sup>۷</sup>

### احتمالات مختلف

#### در مورد محل دفن حضرت زهرا (س)

##### الف) بقیع

مروحوم این شهر آشوب گوید: «قبر فاطمه (س) در بقیع است.» و نیز گفته‌اند: «در خانه آن حضرت او را دفن کردند.»<sup>۸</sup> برای تقویت این احتمال باید شیوه عمل حضرت علی (ع) در جریان خاک سپاری و درست کردن چند قبر در چند نقطه را مد نظر قرار داد.<sup>۹</sup>

##### ب) در خانه خود حضرت

علامه مجلسی (ره) کلامی از شیخ طوسی ره نقل کرده که فرموده: «آنچه در نقل‌ها صحیح‌تر به نظر می‌رسد، آن است که فاطمه (س) را در خانه‌اش دفن کردند... سپس می‌گوید: «این گفتار را حدیثی که از پیامبر (ص) نقل شده، تأیید می‌کند که فرمود: «ان بین قبری و منبری روضة من ریاض الجنة»؛ «همانا میان قبر و منبر من باغی از باغهای بهشت است.»<sup>۱۰</sup>

### احتمال علامه حسن‌زاده آملی

#### درباره محل دفن حضرت زهرا (س)

علامه حسن‌زاده آملی در کتاب «هزار و یک کلمه» در مقام قبر حضرت زهرا (س) این‌گونه آورده است: «حق این است که قبر حضرت فاطمه بنت رسول... (ص) در مدینه در بقعه رسول... (ص) و در جوار آن حضرت است. آن قبری که در بقیع به نام فاطمه شهرت دارد، قبر فاطمه بنت اسد، مادر امام امیرالمؤمنین علی

(ع) است.»

مختار دویست نهج البلاغه این است: «و من کلام له (ع) عند دفن سیده النساء فاطمه علیها السلام: السلام علیک یا رسول الله عنی وعن ابنتک النازله فی جوارک...»

بعضی از صاحب‌دلان به طریق خاصی از علم جفر نیز جواب گرفته‌اند که «جای قبر خانه شفیع جمیع امت است» و صورت لوح آن این است: «یا علیم قبر فاطمه زهراء (س) در چه جای مدینه است؟ بیست و دوم ربیع‌الثانی هزار و سیصد و نود و هفت =

۴۲=۹=۴۵=۴۴۱=۴۳۷۴=(میزان=۱۶=۷=۱۲۴=۴۲+۸۲)»<sup>۱۱</sup>

### پی‌نوشت:

۱- تفسیر اطیب البیان ج ۱۳/ص ۲۲۶

۲- این منابع عبارت‌اند از: صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۳۰/صحیح ترمذی، ج ۳، ص ۱۲۰۰/مستدرک علی‌الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۸/خصائص، ج ۲، ص ۶۴/مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۲۹۲

۳- بحار الانوار ج ۴۳/ص ۵۸

۴- رنج‌ها و فریادهای فاطمه/ص ۲۵۱ - ۲۵۲ - ۲۵۳

۵- صحیح مسلم ج ۵/ص ۱۵۴

۶- زندگانی سیاسی حضرت زهرا (س) // شهین خشاوی/ص ۲۸۰

۷- بحار الانوار/ ترجمه محمدجواد نجفی/ ج دهم، ص ۱۹۵

۸- مناقب ابن شهر آشوب ج ۳/ص ۳۶۵

۹- بحار الانوار/عربی ج ۴۳/ص ۱۸۸ به نقل از کتاب عیون المعجزات منسوب به سید مرتضی

۱۰- زندگانی حضرت فاطمه زهراء علیها سلام/حجت الاسلام شهید رسولی محلاتی/ص ۲۵۴

۱۱- هزار و یک کلمه ج ۳/کلمه ۳۴۵



# خیلیا

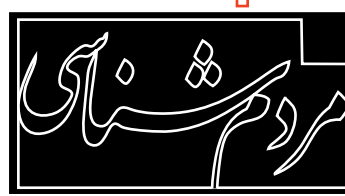
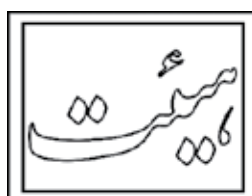
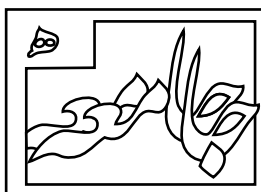
ماهنامه  
فرهنگی  
اجتماعی  
خییماه

KHEIMEH  
Cultural - Social  
Monthly



بخش مردم‌شناسی در این شماره به بررسی گزارشی تاریخی درباره برگزاری مناسک سوگواری حسینی در شهر حیدرآباد کشور هند می‌پردازد؛ از آن پس یکی از کتاب‌های تازه منتشر شده درباره مناسک آیینی نخل‌برداری را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد.

KHEIMEH  
Cultural - Social  
Monthly



## نگاهی به کتاب «مردم‌شناسی مراسم آیینی: پژوهشی در مراسم نخل‌گردانی روستای دهملا»

### تشیع عشق

نوشته محمدحسین سعیدی

نخل‌گردانی به معنای به حرکت درآوردن اتاقتکی چوبی که با پارچه‌های رنگارنگ و نمادین تزیین شده به همراه دسته‌های عزادار شهادت امام حسین (ع) ایران پیشینه‌ای طولانی دارد.

در بخش دوم با فصل‌های «مبنای نظری تحلیل»، «عوامل و عناصر فرهنگی» و «تحلیل مردم‌شناختی مراسم نخل‌دهملا» مواجه هستیم.

مؤلف در مقدمه کتاب ضمن طرح مفهوم «مراسم آیینی» به برخی مختصر تعریف، جایگاه و ویژگی‌های مردم‌شناختی این مفهوم می‌پردازد و می‌نویسد: «یکی از بارزترین، مهم‌ترین، پرشورترین و مفصل‌ترین مراسم آیینی در میان شیعیان جهان آیین‌های عزاداری ماه محرم به‌خصوص در دهه اول این ماه، موسوم به دهه عاشورا است. شیعیان جهان به‌خصوص شیعیان ایران در مراسم آیینی عزاداری ماه محرم، صندوق‌ها و دستگاه‌هایی را به شکل ضریح، هودج و عماری می‌آریند و در گذرها و محله‌ها می‌گردانند.

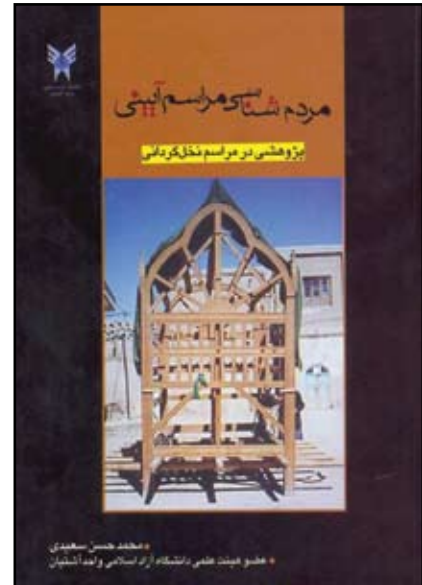
معروف‌ترین چنین مراسمی، نخل‌گردانی است که در آن دستگاهی بزرگ و حجیم به نام نخل را می‌آریند و به نام تابوت امام حسین (ع) در ایام محرم به‌خصوص روز عاشورا می‌گردانند» (صص ۱۲-۱۱) مؤلف در مقدمه کتاب پرسش‌های اساسی خود را این‌گونه مطرح می‌کند: «رسم نخل‌گردانی چه معنا و مفهومی دارد؟ آیا می‌توان این آیین را بقایایی از وقایع کهن و مصادیقی از اسطوره‌های آغازین و تکرار و تقلید رفتارهای آیینی جوامع ابتدایی

مستند دانست.<sup>۱</sup>

به طور خلاصه باید به این نکته اشاره کنم که در حوزه آثار نظری به طور عمده و مهم‌تر با آثار مردم‌شناس دکتر علی بلوکباشی مواجه هستیم که به صورت نظری به بحث و بررسی این موضوع پرداخته‌اند.<sup>۲</sup> در حوزه آثار منطقه‌ای، با آثاری درباره نخل‌برداری در استان اصفهان (مناطق اصفهان، ایبانه، بافران، خور و بیابانک، زواره، طرقرود نطنز، قمصر و اردهال)، استان مازندران (شهر امل)، استان یزد (مناطق یزد، بفرویه، نفت، زارچ، شورک اردکان و میبد)، استان خراسان (مناطق خرو نیشابور، فدافن کاشمر و قائن)، استان سمنان (مناطق سمنان و مجن شاهرود)، استان تهران (منطقه کیلان دماوند) و استان آذربایجان شرقی (شهر مراغه) مواجه هستیم. علاوه بر آن حداقل دو فیلم مستند درباره مراسم نخل‌برداری در ایران ساخته شده است. احتمالاً آخرین اثری که در این زمینه منتشر شده، کتاب «مردم‌شناسی مراسم آیینی: پژوهشی در مراسم نخل‌گردانی روستای دهملا» نوشته محمدحسن سعیدی است.

#### بررسی توصیفی

کتاب حاضر در دو بخش و سه پیوست منتشر شده است. بخش اول کتاب «مردم‌نگاری مراسم آیینی نخل‌دهملا» و بخش دوم «مردم‌شناسی مراسم آیینی نخل‌دهملا» نام دارد. پیوست‌های سه‌گانه کتاب نیز شامل «نتیجه»، «منابع و مأخذ» و نیز «تصاویر» است. کتاب همچنین دارای مقدمه است. هر یک از بخش این کتاب نیز به نوبه خود به «فصل»‌هایی تقسیم می‌شوند. در بخش اول کتاب با فصل‌های آشنایی با دهملا، شناخت «نخل»، مراسم آیینی «نخل‌گردانی» و



ترجمه: پیمان اسحاقی

سعیدی، محمدحسن، مردم‌شناسی مراسم آیینی: پژوهشی در مراسم نخل‌گردانی روستای دهملا، آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی (آشتیان)، ۱۳۸۶، ۲۱۰ صفحه، مصور، قطع رقی، شمارگان ۱۰۰۰ نسخه

#### اشاره

نخل‌گردانی به معنای به حرکت درآوردن اتاقتکی چوبی که با پارچه‌های رنگارنگ و نمادین تزیین شده، به همراه دسته‌های عزادار شهادت امام حسین (ع) در ایران پیشینه‌ای طولانی دارد. پژوهشگران مناسک آیینی شیعه، ایران‌شناسان و مردم‌شناسان تاکنون پژوهش‌های گوناگونی را درباره مراسم نخل‌گردانی انجام داده‌اند. این پژوهش‌ها به طور عمده در قالب کتاب، مقاله، پایان‌نامه و مدخل‌های دانشنامه‌ای بوده است.

#### بررسی پیشینه شناختی

آثار منتشر شده به زبان فارسی درباره مراسم نخل‌برداری را به طور عمده می‌توان در سه دسته آثار نظری، آثار منطقه‌ای و فیلم‌های

مواجه هستیم. حرکت نخل که اصلی‌ترین بخش این تحقیق به شمار می‌رود، در روزهای هشتم، نهم (تاسوعا) و دهم (عاشورا) ماه محرم توصیف شده است.

در این روز نخل روستا در میان جمعیت عزاداران در روستا گردانده می‌شود و عزاداری این روزها به طور عمده در اطراف این نخل صورت می‌گیرد. مؤلف ضمن توضیح مسیر حرکت نخل در روستا، به برخی نمادهای فرهنگی در تزیینات نخل و در میان عزاداران اشاره می‌کند. تبرک‌جویی‌های اهالی به نخل، نقش و جایگاه کودکان، سازوکارهای اجتماعی به حرکت درآوردن نخل و فراموشی زمان و مکان در زمان حرکت نخل از نکات قابل توجهی است که مؤلف به خوبی به توضیح آنها می‌پردازد.

وی در لابلای این نوشته‌ها به تصاویری که ظاهراً خود از این مراسم تهیه کرده است نیز ارجاع می‌دهد. عکس‌های مراسم نخل‌برداری در انتهای کتاب به چاپ رسیده است. به عنوان نمونه این عبارات را باید از درخشان‌ترین بخش‌های توصیف مردم‌شناختی مؤلف از مراحل نخل‌برداری دانست. در این کلمات، با توصیفی دقیق از یکی از مراسم نخل‌برداری در این روستا مواجهیم: «نزدیک دو ساعت به ظهر [روز عاشورا] مانده، دسته عزاداری که از تکیه حرکت کرده به میدان ده می‌رسد.

در کنار نخل چند دقیقه‌ای سینه می‌زنند. سپس جمعیت در اطراف نخل آماده حرکت می‌شوند. جمعیت چون یک موج بی‌قرار انسانی دیده می‌شود که نخلی در میان آن قرار دارد. التهاب، هیجان، شور، شیون و نوحه‌های حماسی و پرشور و جانگداز به اوج می‌رسد، ناگهان نخل تکان می‌خورد و از زمین برمی‌خیزد. نخلی چنان سنگین، اکنون مانند پرکاهی سرگردان در امواج می‌نماید. بعضی کفش‌های خود را در آورده‌اند و پابرهنه حرکت می‌کنند، عده‌ای به سر و روی خود گل مالیده‌اند. هرچه بیشتر به مرکز این امواج انسانی نزدیکتر می‌شویم [۱] می‌بینیم افراد بیشتر «از خود بی‌خود» می‌شوند و هیچ‌کس در حال طبیعی خودش نیست. هیچ‌کس زمان و مکان پیرامون خود را احساس نمی‌کند. در طول مسیر عده‌ای از مردم از روی بام‌ها نظاره‌گر صحنه هستند. شور و شیون و گریه

دیگر کشورها و فرهنگ‌های شیعی دنبال کند و به صورتی کاملاً اجمالی نخل‌برداری را در دیگر مناطق ایران همچینین در هند و حوزه دریای کارائیب بررسی می‌کند.

مؤلف در ادامه به صورتی کاملاً مختصر پیشینه نخل‌برداری را در ایران نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. در آخرین فصل از اولین بخش این کتاب که به هدف مردم‌نگاری (ethnography) مراسم نخل‌گردانی/برداری در روستای دهملای تنظیم شده، کیفیت اجرای مراسم نخل‌گردانی مورد اشاره قرار گرفته است. در این بخش که احتمالاً اصلی‌ترین

**آثار منتشر شده به زبان فارسی  
در باره مراسم نخل‌برداری را  
به طور عمده می‌توان  
در سه دسته آثار نظری  
آثار منطقه‌ای  
و فیلم‌های مستند دانست**

قسمت این کتاب است، با روایت مؤلف از کیفیت اجرای این مراسم مواجه‌ایم. مؤلف در ابتدا به معرفی عزاداری ماه محرم در روستای دهملا که شامل مراسم سینه‌زنی به صورت «دوره» است می‌پردازد.

در این بخش وی به سازوکارهای اجتماعی، تغییرات اجتماعی، نقش و جایگاه اجتماعی زنان، تاریخ و پیشینه و ورود عناصر مادی جدید در این مراسم اشاره می‌کند. به گزارش مؤلف مراسم عزاداری با نزدیک شدن به روز دهم ماه محرم شدت بیشتری پیدا می‌کند. در روز دهم، مراسم برداشتن و به حرکت درآوردن نخل در معابر عمومی انجام می‌شود، اما: «مقدمات آن از روز هفتم محرم آغاز می‌شود و همه چشم انتظار فرا رسیدن زمان اجرای مراسم هستند و متصدیان امر به تهیه مقدمات آیین نخل متوجه می‌شوند، با متصدیان نگهداری ابراز و ادوات نخل تماس می‌گیرند و اطمینان حاصل می‌شود که همه چیز برای مراسم آماده است و از روز هشتم محرم مقدمات حرکت نخل فراهم می‌شود». (ص ۵۵)

از آن پس نویسنده کتاب درباره ابعاد و اندازه نخل موجود در روستای دهملا، مسئولیت‌های همراهان و به حرکت درآوردن نخل، مراسم آذین‌بندی نخل (الصاق پارچه‌ها بر روی اسکلت چوبی نخل) و در نهایت حرکت نخل

دانست؟ اهمیت آن چیست؟ چه کاردهایی دارد؟» (ص ۱۲)

بنابر اشاره مؤلف، «دهملا» روستایی از دهستان دهملا از توابع بخش مرکزی شهرستان شاهرود در استان سمنان است. این روستا که بنابر تشخیص مؤلف از نظر فرهنگی تحت تأثیر شهرستان شاهرود قرار دارد، بنابر سرشماری سال ۱۳۵۵ دارای ۴۵۰ خانوار جمعیت است. متأسفانه مؤلف به جمعیت این روستا در سال‌های اخیر اشاره نکرده است. وی همچنین درباره پیشینه تاریخی شهرستان شاهرود، دهستان دهملا و کمتر از آن روستای دهملا مطالبی را ارائه می‌کند. از نظر فرهنگی مؤلف بیشتر بر آن است که وضعیت فرهنگی روستای دهملا را بر اساس موقعیت مکانی آن توضیح دهد؛ چنان‌که قرار گرفتن آن در حاشیه کویر و در مسیر تردد زوار ایرانی از مناطق مرکزی ایران به مشهد مقدس را از عوامل اساسی شکل‌گیری فرهنگ مذهبی این روستا دانسته است.

از نظر مؤلف مرکزیت این روستا نسبت به روستاهای تابعه و حضور عالمان و روحانیون منطقه در این روستا که به نحوی در نامگذاری این روستا نیز مشاهده می‌شود، از عوامل اصلی رسوخ باورهای مذهبی در میان اهالی آن است. با این وصف وی بر آن است که: «مراسم عزاداری دهه اول ماه محرم (موسوم به دهه عاشورا) در این روستا، همچون بسیاری از مناطق ایران از شور و تفضیل خاصی برخوردار است. اوج این سلسله مراسم، مراسمی است که «برداشتن نخل» نامیده می‌شود. در مراسم «برداشتن نخل» یک اتاق مشبک چوبی بسیار بزرگ و سنگین که پوشیده از پارچه‌های الوان و وسایل گوناگون تزیینی است، با آداب مفصل و با شور و هیجان و التهاب خاصی، از مکانی به مکان دیگری حمل می‌شود. این مراسم فقط در نقاط خاصی از ایران دیده می‌شود». (ص ۱۷)

مؤلف در ادامه به توضیح و تشریح عنصر مادی اصلی عزاداری حسینی در این روستا می‌پردازد: نخل. وی با استفاده از کتاب‌های مرجع و فرهنگ‌های لغت به توضیح معنای آیینی «نخل» می‌پردازد و آنگاه ریخت‌شناسی نخل همراه با توضیح ابعاد، وزن و کیفیت ساخت آن را بیان می‌کند. وی در ادامه در پی آن برمی‌آید تا نخل و نخل‌برداری را در میان

و فریاد و هراس و هیجان و التهاب، گویی تمامی ندارد و دیدن آن صحنه برای ناظر آن تکان‌دهنده است. فضای فیزیکی مسیر حرکت نخل به افزایش هیجان کمک می‌کند. کوچه‌های تنگ و مسیر پیچ‌پیچ و ناهموار، جمعیت را در خود فشار می‌دهد و فشار جمعیت هیجان‌زده برای عبور از معابر تنگ، موجب افزایش التهاب و هیجان می‌گردد...».

در بخش دوم این کتاب که «مردم‌شناسی مراسم آیینی نخل دهملای» نام دارد، مؤلف ضمن بررسی مختصر نقش نظریه در تحقیق مردم‌شناختی و اشاره مختصرتر به دو نظریه مردم‌شناختی، به بررسی عناصر فرهنگی این مراسم می‌پردازد. وی در این بخش به بررسی تاریخ و پیشینه، ساختارهای رسمی و غیررسمی، نظام روابط قدرت، وجود عناصر اسطوره‌ای، ابعاد هنری-تکنیکی و زیبایی‌شناختی، نمادها و امور مقدس، باورها و اعتقادات دینی، رقابت و دسته‌بندی‌های قومی، خرافات و جادو، قربانی و نظام خویشاوندی در مراسم نخل‌برداری در این روستا می‌پردازد. فصل آخر این کتاب «تحلیل مردم‌شناختی مراسم نخل دهملای» نام دارد.

در این فصل مؤلف به بررسی ویژگی‌های مردم‌شناختی، منشأ و کارکردهای فرهنگی این مراسم می‌پردازد و منشأ تاریخی، تحول و اشاعه پدیده نخل در ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. مباحث نظری این کتاب با تأکید بر ادواری بودن تقدس نخل به پایان می‌رسد: «بررسی پدیده «تقدس» در مراسم نخل و هاله قدسی‌ای که بر نخل سایه می‌افکند، نشان می‌دهد که این هاله قدسی، دائمی نیست و یک دور منظم و منطقی دارد، بر خلاف اشیاء و مکان‌ها و نمادهایی که همیشه حالت یکنواخت از هاله قدسی بر سر خود دارند» (ص ۱۴۲) این کتاب همچنین دارای شماری عکس، طرح‌های ترسیمی از ابعاد نخل و شماری اسناد تاریخی درباره نخل عزاداری در روستای دهملای است.

### بررسی انتقادی

کتاب حاضر به عنوان اثری درباره مراسم نخل‌برداری با رویکرد مردم‌شناختی، ضمن آنکه اطلاعات باارزشی درباره این مراسم در منطقه‌ای که پیش از این مراسم نخل‌برداری در آن بررسی نشده بود، در اختیار ما قرار می‌دهد، دارای کاستی‌هایی نیز است. در درجه

اول باید به این نکته اشاره کرد که این کتاب بر اساس پایان‌نامه مؤلف در مقطع کارشناسی ارشد مردم‌شناختی سامان یافته است. مؤلف کتاب پایان‌نامه خود را با عنوان «مراسم آیینی (نخل‌برداری) روز عاشورا در روستای ده ملای» در سال ۱۳۷۸ در ۱۹۶ صفحه به گروه مردم‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران ارائه کرده است.

گرچه عدم اشاره به این نکته قابل توجیه نیست؛ اشاره به این مهم می‌توانست باعث افزایش اعتماد علمی به این اثر شود. از آن پس باید به این نکته اشاره کرد که مؤلف کتاب در هیچ بخشی از این اثر درباره انگیزه خود از تحقیق در این زمینه، مراحل تحقیق، مسائل و مشکلات روش‌شناختی، پیشینه تحقیق درباره

تبرک‌جویی‌های اهالی به نخل  
نقش و جایگاه کودکان  
سازوکارهای اجتماعی  
به حرکت درآوردن نخل  
و فراموشی زمان و مکان  
در زمان حرکت نخل  
از نکات قابل توجهی است  
که مؤلف به توضیح آنها می‌پردازد

نخل‌گردانی / نخل‌برداری و زمان انجام این تحقیق سخن نمی‌گوید؛ اموری که آگاهی از آنها اهمیت زیادی در مردم‌نگاری‌های علمی و دقیق دارد. از سوی دیگر مؤلف محترم اساس تحقیق خود را بر تمایز و تفکیک مردم‌نگاری با مردم‌شناسی قرار داده و بخش‌های کتاب را با این فرض تفکیک کرده است؛ با اینکه این امر هم‌اکنون در ادبیات علمی مردم‌شناسی / انسان‌شناسی کنونی به این نحو مرسوم نیست؛ به علاوه درون این تقسیم‌بندی کلی نیز تناقض‌هایی به چشم می‌خورد؛ به صورتی که در بخش دوم کتاب فصل «عوامل و عناصر فرهنگی» به صورت غیرقابل قبولی از فصل «تحلیل مردم‌شناختی مراسم نخل دهملای» تفکیک شده است.

از سوی دیگر بخش‌هایی از این کتاب بیش از اندازه مختصر است که به عنوان نمونه می‌توان به بحث درباره تاریخ نخل‌برداری در ایران اشاره کرد. در این زمینه، به عنوان نمونه، هیچ سخنی درباره مراسم تابوت‌گردانی گفته نشده؛ حال آنکه پژوهش درباره مراسم نخل‌گردانی بدون

توجه به آیین‌های تابوت‌گردانی بی‌معنا است. همان‌گونه که اشاره شد آثار زیادی درباره مراسم نخل‌برداری در ایران به رشته تحریر درآمده، اما کتاب حاضر فاقد هرگونه اشاره به ادبیات علمی قابل توجه مردم‌شناختی در زمینه نخل‌برداری است. ضعف بخش نظری این اثر (فصل چهارم از بخش دوم کتاب)، انحصار اشاره به مکاتب نظری اشاعه و کارکردگرایی، عدم استفاده از آثار اصلی در معرفی این دو نظریه، استفاده غیر دقیق از دو واژه نخل و نخل‌برداری؛ گاه به صورت جابجا، قرار دادن اقدامات تبرک‌جویانه و شفاطلبانه شرکت‌کنندگان مراسم نخل‌برداری تحت عنوان «خرافات و جادو» و تصاویر با کیفیت پایین را می‌توان از دیگر کاستی‌های این کتاب در نظر گرفت. به هر صورت این کتاب به عنوان مدخلی برای بررسی مناسک سوگواری حسینی در مناطق حاشیه کویر ایران به صورت عام و مراسم نخل‌برداری به صورت خاص کاملاً قابل استفاده است. امید که شاهد آثار دیگری از مؤلف محترم در این حوزه پژوهشی باشیم. ■

### پی‌نوشت:

- ۱- نگاه کنبد به اسحاقی، پیمان؛ میررضی، سید حسین، «ماخذشناسی مناسک نخل‌برداری/گردانی در ایران»، خیمه، شماره ۵۱، فروردین ۱۳۸۸. در این نوشتار آثار موجود درباره مراسم نخل‌برداری در زبان فارسی معرفی شده‌اند.
- ۲- از آن جمله می‌توان به «تابوت‌گردانی نمایشی تمثیلی از قدرت قدسی خداوندی»، نشر دانش، شماره ۹۴، زمستان ۱۳۷۸، صص ۳۸-۳۲؛ «موسم آیین‌گردانی شده: نگاهی به پیشینه نخل‌گردانی در ایران»، اطلاعات، ۱۴ اسفند ۱۳۸۱؛ نخل‌گردانی: نمایش تمثیلی از جاودانگی حیات شهیدان، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۷؛ «عاشورا و تابوت‌واره‌های مذهبی»، اطلاعات، ۶ اسفند ۱۳۸۲، ص ۶ «تابوت»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۴، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۵، صص ۱۸۱-۱۷۹؛ «تابوت گردانی»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۵، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۷، صص ۱۸۸-۱۸۳ و «تابوت‌گردانی: نمایشی از قدرت قدسی خداوند»، نشر دانش، سال ۱۶، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۸، صص ۳۸-۳۲ اشاره کرد.

## حلقه حلقه حسین حسین گویان:

نگاهی به ابعاد مردم‌شناختی گزارش خواجه غلامحسین خان (م ۱۲۶۰ ق.)  
از سوگواری حسینی در شهر حیدرآباد هندوستان

و نفوذ فرهنگ ایرانی را در این شهر نشان می‌دهد؛ بنای چار منار که نماد شهر حیدرآباد به شمار می‌آید و توسط عالم بزرگ شیعی میرمحمد مؤمن استرآبادی طراحی شده، موزه سالار جنگ، مکه مسجد، قلعه گلکنده، هفت گنبدان، قصر چهار محله و صدها و صدها عاشورخانه از جمله پادشاهی عاشورخانه تنها بخشی از میراث مادی باقی‌مانده از دوران طلایی حضور سیاسی و فرهنگی شیعیان در این منطقه است. با این وجود یافتن میراث غیرمادی باقی‌مانده از آن دوران نیازمند پژوهشی درازدامن است. اما رویکرد مردم حوزه فرهنگی حیدرآباد<sup>۱</sup> به مناسک سوگواری سالار شهیدان حضرت امام حسین (ع) به خوبی می‌تواند تداوم تاریخی نفوذ فرهنگ شیعی-ایرانی را در این منطقه نشان دهد.<sup>۵</sup>

### سوگواری حسینی در حیدرآباد



اول محرم، روز نصب علم‌ها، عاشورخانه بی بی که آلاوه، سال ۱۲۸۷، حیدرآباد

منبع: <http://www.shiaindia.com/1430/Ashurkhanas/Bibi%20Ka%20Alawa/DSC00435.JPG>

سوگواری حسینی در شهر حیدرآباد سابقه‌ای حداقل چهارصد ساله دارد و به صورت نظام‌مند تحت ارشادات میرمحمد مؤمن استرآبادی سامان یافته است. سوگواری حسینی در این منطقه فرهنگی دارای عناصر مادی و غیر مادی فراوانی است که به عنوان نمونه از دسته اول می‌توان به عاشورخانه‌ها، علم‌های مقدس، تزیینات و تابوت‌ها<sup>۲</sup> و از دسته دوم، مناسک متنوع و گوناگون آن اشاره کرد. مورخ متخصص

یافته بود. به اعتقاد دکتر سید محی الدین قادری: «پس از آن که میرمؤمن به منصب پیشوایی رسید، دو رخداد مهم در سلطنت قطب شاهی به وقوع پیوست؛ یکی تأسیس شهر حیدرآباد و دیگری ترویج عمومی مذهب جعفری و برپایی علم‌های مبارک به نام شهدای کربلا که در هر دو جهت، علاقه شخصی میرمؤمن، دخالت تام و تمامی داشته است» (قادری ۱۳۸۶: ۱۱۵). گرچه سالیانی پس از سقوط سیاسی حیدرآباد، با تشکیل دولت شیعی اود (۱۱۴۵-۱۲۷۳ ق.) در شبه قاره هند آغاز شد، اما عظمت مناسک حسینی برگزار شده در این دوران و دخالت برخی عناصر فرهنگی ایران در آن فرهنگ امری است که کاملاً قابل بررسی و مطالعه است.

### حیدرآباد

شهر تاریخی حیدرآباد با وسعت ۶۲۵ کیلومتر مربع، ششمین شهر بزرگ کشور کنونی هند است. این شهر حدود ۷-۶ میلیون نفر جمعیت دارد و به دلایل سیاسی، فرهنگی، تاریخی، علمی و اقتصادی از شهرهای مهم هند و یکی از قطب‌های اقتصادی-سیاسی در جنوب این کشور است. سابقه ۵۰۰ ساله حضور ایرانیان در این منطقه، عامل مهمی در ایجاد تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در جنوب هند شده، به طوری که امروزه هیچ مورخ و باستان‌شناسی نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن نقش ایرانیان و پادشاهان مسلمان و شیعه مذهب ایرانی در این منطقه تصویر کامل و درستی از وضعیت گذشته و حال منطقه ارائه کند.

اهمیت امروزه شهر حیدرآباد در هندوستان بیشتر به دلیل وجود زیرساخت‌های علوم کامپیوتر و فن آوری اطلاعات، همچنین تکنولوژی‌های نوین است. تقریباً تمام شرکت‌های بزرگ کامپیوتری دنیا در حیدرآباد شعبه دارند. شرکت مایکروسافت هم بزرگ‌ترین شعبه خود در خارج از آمریکا را در این شهر بنا کرده است.<sup>۳</sup> شهر حیدرآباد هم‌اکنون دارای آثار و بقایای فرهنگی فراوانی است که به خوبی سابقه دیرین تشیع

پیمان اسحاقی



علم بر روی فیل، حیدرآباد

منبع: <http://smma59.files.wordpress.com/2007/01/212059-the-elephant-carrying-the-bibi-ka-alam-0.jpg>

در صورتی که اولین ورود مسلمانان به سرزمین‌های شمالی هند را از طریق فتح سند در سال ۹۲ ق. ۷۱۱ م. و اولین حضور شیعیان در شبه قاره هند را مهاجرت تعدادی از طرفداران خاندان بنی‌هاشم که به ظن قوی شیعه بودند و از طریق دریا از ظلم حجاج گریخته و به سواحل جنوب هند مهاجرت کرده بودند، بدانیم (قرائی ۱۳۸۶: ۱۶) و ظهور دولت‌های شیعی در گلکنده و بیجاپور و نیز نظام‌شاهیان، عادل‌شاهان و قطب‌شاهان را در نظر آوریم، شاهد حضور سیاسی و فرهنگی در حدود هزار ساله شیعیان در شبه قاره هند خواهیم بود.

با سقوط حیدرآباد دکن<sup>۱</sup> در سال ۱۰۹۸ ق. / ۱۶۸۶ م. به دست قوای اورنگ زیب عالمگیر یکی از غنی‌ترین فرهنگ‌های شیعی جهان رو به اضمحلال نهاد. سوگواری حسینی و مناسک مربوط به آن جزو اصلی فرهنگ شیعی حیدرآباد بود که با دخالت عالمان بزرگی چون میرمحمد مؤمن استرآبادی (قبل از ۹۶۰ ق. - شعبان ۱۰۳۴ ق.)<sup>۲</sup> عالم بزرگوار و مروج تشیع در جنوب هند و تحت تأثیر عمیق فرهنگ ایرانی شکل

بررسی مردم‌شناختی

تاکنون آثار فراوانی توسط پژوهشگران حوزه مختلف علمی دربارهٔ مراسم سوگواری حسینی در حیدرآباد انجام شده است. برخی از این آثار توسط بازدیدکنندگانی ارائه شده که لزوماً قصد به انجام رساندن پژوهشی مردم‌شناختی را نداشته‌اند. یکی از قابل قبول‌ترین این دست نوشته‌ها در دورهٔ معاصر، گزارش مورخ رسول جعفریان از مناسک سوگواری حسینی در حیدرآباد است. در ادامه بخشی از گزارش وی را می‌خوانیم:

«روبه‌رو هم عاشورخانه است که مردم دسته دسته به طرف آن رفته علم‌ها را می‌بوسند و گل آویزان می‌کنند. در اینجا نخ‌های این گل‌ها را زنان و مردان به دست می‌بندند... تعدادی علم در گوشه‌ای از خانه بود و مردی هم نشسته بود. دیگران هم گویی برای زیارت امام‌زاده‌ای می‌آیند و می‌روند و تبرک می‌کنند؛ یعنی علم‌ها را می‌بوسند یا گل آورده آویزان می‌کنند... در واقع بزرگ‌ترین مراسم عاشورا برداشتن علم بی‌بی از آلاوه بی‌بی است که آن را سوار فیل کرده به سمت یاقوت پوره می‌روند. از آنجا به گلزار حوض و سپس به طرف چارمنار حرکت می‌دهند. دوباره آن را به سمت گلزار حوض می‌آورند و از کنار پنجه شاه گذشته آن را وارد عاشورخانه ختم رسل می‌کنند.» (جعفریان ۱۳۸۵)

نمونه‌ای دیگر گزارشی دانشگاهی از این مناسک است: «در هند اجرا کنندگان مراسم عزاداری را «نوحه خوان» یا «روضه خوان» می‌نامند و خود اجراها را هم «زیارت» می‌خوانند. زیارت از یک سو ترکیبی از اجرای واقعه شهادت حسین (ع) و از سوی دیگر، روایت وقایع تاریخی -مذهبی از زبان یک روایتگر است... صحنهٔ این رخدادها خاص را از چوب بامبو می‌سازند و با شاخه‌های کوچک و برگ درختان تزئین می‌کنند. در قسمت جلوی صحنه، پرچم‌ها نمادی از علم لشکر حسین (ع) هستند. در انتهای صحنه یک گنبد طلایی با شکلی از کف دست تعبیه می‌شود که نمادی از دست قطع شده عباس برادر ناتنی حسین (ع) است.» (جمیلی ۱۳۸۵: ۶۵)

گزارشی تاریخی

یکی از گزارش‌های تاریخی و منحصر به فرد باقیمانده از برگزاری مناسک سوگواری حسینی در شهر حیدرآباد متعلق به دورهٔ حکومت آصف‌جاهیان در این شهر است. دوران حکومت آصف‌جاهیان پس از دوران حکومت

شایسته‌ای ارائه داده است. او قطعه زمین بزرگی از ملک شخصی خود را برای بنای «مقام کربلا» به انجمن محلی به نام «حیدریه» اعطاء کرد.» (نقوی ۱۳۸۵)

وی در ادامه دربارهٔ شماری از مناسک خاص این شهر می‌نویسد: «در شب هفتم محرم الحرام آیین ویژهٔ حنای حضرت قاسم بن حسن (ع)، از مراسم معروف حیدرآباد است. «قوم شیدی» در سند، مراسم حنا را با اعتقاد و شکوه خاصی برگزار می‌کنند و از «پرهای» مختلف عبور کرده در قدمگاه مولا علی (ع) پایان می‌پذیرد.

نکته‌ای که بر رونق و شکوه این مراسم می‌افزاید، آن است که مرد، زن و بچه‌های قوم شیدی همگی پارچهٔ سیاهی به پیشانی خود بسته، بر سرهای برهنه خاک ریخته، با اشک روان و نوحه بر لب راه می‌روند. چه منظرهٔ سوزناکی است! [!] زیرا دیگر عزاداران با دیدن این صحنه‌های غم‌انگیز نمی‌توانند جلوی گریه، ناله، شیون و آه و فغان خود را بگیرند. شیدی‌ها با ماتم و گریه وارد حسینیه می‌شوند و طبل مخصوصی می‌نوازند. قوم شیدی به حضرت عباس علمدار (ع)، اعتقاد ویژه‌ای دارند و بخش سندشناسی دانشگاه سند به این واقعیت، اعتراف

حوزهٔ فرهنگی سند، شاهد نقوی، دربارهٔ تداوم تاریخی مناسک سوگواری حسینی در این شهر می‌نویسد: «حیدرآباد، دومین شهر بزرگ سند است که مسلمانان تقریباً هزار و صد سال در این سرزمین حکومت داشته‌اند. اما این شهر عاری از کُروفَر و یادگارهای پادشاهان است؛ مگر یک قلعه یا مقابر فرمانروایان کلهور و تالپوران، ... و از قلعه هم فقط چهار دیواری آن به عنوان نشانی از عظمت گذشته شهر باقی مانده است. عزاداری در مناطق قدمگاه مولا



روز عاشورا، عزاداران در کنار عاشورخانه نعل مبارک سال ۱۳۸۷، حیدرآباد

منبع: <http://www.shiaindia.com/1430/Ashura/DSC00585.JPG>

علی (ع)، حسینیهٔ دادن‌شاه، محفل حسینی و شهرک سادات لطیف‌آباد از شهرستان حیدرآباد، دارای اهمیت ویژه‌ای است. دهم محرم یعنی در روز عاشورا، بزرگ‌ترین دستجات سینه‌زنی مرکزی تشکیل می‌شود که علم سستی، تابوت، ذوالجناح، تعزیه و غیره از نقاط مختلف شهر سرازیر شده، به هم پیوسته و با ایهت زیادی از مسیر سستی معینی عبور و به حسینیهٔ «دادن شاه» ختم می‌شود. در روزهای عزا در شهر حیدرآباد مجالس زیادی برپا می‌شوند. دسته‌جات عزادار راهپیمایی تشکیل می‌دهند. افراد محلی و مهاجرانی که بعد از استقلال پاکستان به این شهر آمده‌اند در ترویج و گسترش مجالس عزا و راهاندازی دسته‌جات عزاداری نقش به‌سزایی ایفا کرده‌اند. یکی از اینها عزاخانه‌ای واقع در نبش بازار شاهی است که منسوب به «دکتر منظور مهدی» است که در آن مجالس مختلفی منعقد می‌شود. دیگری در منزل «سید افضل حسین»، مغازه‌دار کفش فروشی است که از مدت‌ها قبل مجالس و محافل در آن برقرار می‌شود. به اهتمام جماعت خوجه<sup>۷</sup> در حسینیهٔ «محفل حسینی» نیز مجالس سوگواری برگزار می‌شود. «سید دادن‌شاه» مقام معروف و برجستهٔ شهر، جهت گسترش و ارتقای سطح عزاداری خدمات

با سقوط حیدرآباد دکن در سال ۱۰۹۸ ق. / ۱۶۸۶ م. به دست قوای اورنگ زیب عالمگیر یکی از غنی‌ترین فرهنگ‌های شیعی جهان روبه اضمحلال نهاد سوگواری حسینی و مناسک مربوط به آن جزو اصلی فرهنگ شیعی حیدرآباد بود که با دخالت عالمان بزرگی چون میرمحمد مؤمن استرآبادی (قبل از ۹۶۰ ق. - شعبان ۱۰۳۴ ق.) عالم بزرگوار و مروج تشیع در جنوب هند و تحت تأثیر عمیق فرهنگ ایرانی شکل یافته بود

و رسم نصب پرچم بر روی خانه‌های قوم شیدی را تأیید کرده است. هیچ شخصی، صرف نظر از نژاد، رنگ و مذهب، نمی‌تواند بدون تأثیرپذیری قلبی، از کنار مراسم عزاداری قوم شیدی عبور کند.» (نقوی ۱۳۸۵)<sup>۸</sup>





روز عاشورا، علم بر روی فیل، سال ۱۲۸۷، حیدرآباد

منبع: <http://www.shiaindia.com/1430/Ashura/Alam1.jpg>

مدولت شیعی قطب‌شاهیان قرار دارد. دولت قطب‌شاهیان در سال ۱۰۹۸ ق. / ۱۶۸۶ م. توسط امپراتوری گورکانیان سقوط کرد. امپراتوری گورکانی حاکم بر دکن در قرن دوازدهم هجری قمری دچار تزلزل شد و انگلیسی‌ها هرچه بیشتر بر شبه‌قاره هند مسلط شدند. از دهه سوم قرن دوازدهم قطب‌شاهیان که سنی‌هایی متعادل بودند، در حیدرآباد به قدرت رسیدند. برخی، از اهل تسننی که در این دوره در حیدرآباد حاکم بودند به «تسنن دوازده امامی» تعبیر کرده‌اند. (قرائی ۱۳۸۶: ۷۳) گزارش مورد نظر ما شامل برگزاری مناسک سوگواری حسینی در این دوره است.

این گزارش که مؤلفش آن را «ذکر عشره شریف محرم‌الحرام در بلده حیدرآباد فرخنده بنیاد» نام نهاده در حقیقت بخشی از کتاب او با عنوان «تاریخ آصفجاهیان» است.<sup>۱۰</sup> این کتاب که نام دیگرش «گلزار آصفیه» بوده، تألیف خواجه غلامحسین خان خانزمان خان (۱۱۹۹ - ۱۲۶۰ ق.) مورخ سنی مذهب است. محمدمهدی توسلی مصحح این کتاب درباره آن می‌نویسد: «تاریخ آصفجاهیان (یا گلزار آصفیه)، کتابی فارسی درباره دودمان آصفیه، آخرین سلسله شیعه حاکم بر هند (۱۳۶۸-۱۱۳۷) و رویدادهای دوره سلطنت آنان، تألیف غلامحسین خان زمان خان (متوفی ۱۲۶۰).

مؤلف، طیب دربار میراکبر علیخان بهادر سکندرجه (حکومت ۱۲۱۷ یا ۱۲۴۴-۱۲۱۸) بود و این کتاب را بین سال‌های ۱۲۵۷ تا ۱۲۶۰ (صص ۶۴۷-۶۴۶) در دوره سلطنت ناصرالدوله آصفجاه چهارم سکندرجه، هفتمین فرمانروای آصفیه، نوشت. تاریخ آصفجاهیان به سبب حضور مؤلف در دربار آصفیه، از موثق‌ترین مؤاخذ درباره آنان است. این کتاب شامل مقدمه، چهارباب و خاتمه است.

مؤلف در مقدمه، درباره زندگی خود مطالبی

آورده است (صص ۷-۸). باب اول درباره سلاطین قطب شاهیان، یکی از پنج سلسله مسلمان فرمانروا در دکن از ۹۱۸ تا ۱۰۹۸، است (صص ۵۵-۸).

باب دوم درباره سلاطین دولت آصفجاهیان است، مشتمل بر چگونگی به منصب رسیدن بنیانگذار آصفجاهیان، قمرالدین ملقب به نظام الملک آصفجاه (حکومت ۱۱۶۱-۱۱۳۷) و وقایع دوران جانشینان وی از میراحمدخان بهادر ناصر جنگ تا پایان دولت میراکبر علیخان بهادر سکندرجه (صص ۱۰۷-۵۵)، ذکر جنگ مبارزالدوله (در حدود ۱۲۲۴)، جانشین میراکبر علیخان بهادر سکندرجه، با سرداران انگلیسی و رویدادهای سالهای ۱۲۴۴ تا ۱۲۵۸، یعنی مهاراجه شدن راجه چندولعل (نخست وزیر آصفجاهیان) و شرح حال فرزندان وی، جلوس و شرح وقایع دوران نواب ناصرالدوله مظفرالممالک نظام‌الملک (۱۲۷۳-۱۲۴۴؛ صص ۱۵۷-۱۰۷).

مؤلف در باب سوم به دلیل اهمیت وزیران و امیران و صاحب منصبان دربار آصفجاهیان

یکی از گزارش‌های تاریخی و منحصر به فرد باقیمانده از برگزاری مناسک سوگواری حسینی در شهر حیدرآباد متعلق به دوره حکومت آصفجاهیان در این شهر است

و نقش آنان در شکوه و دوام آن خاندان، به شرح حال آنان و سهم هریک در تداوم دولت آصفجاهیان، پرداخته است. همچنین در این باب، نقش راجه‌های دربار آصفیه در استواری دولت بیان شده (صص ۳۳۲-۱۵۸) و درباره عارفان بزرگ، مشایخ، علما و فضایی آن زمان، حکمای دربار (۴۴۷-۳۳۳)، شعرای نامور، دانشمندان (در علم هیئت، هندسه، نجوم و رمل)، خوش‌نویسان، حافظان قرآن، سرداران اهل سنت و جماعت و جمعداران (منصبی در ارتش) قوم افغان و عرب و سند مطالبی آمده است (صص ۴۹۳-۴۴۷).

باب چهارم درباره شش ایالت در قلمرو دولت آصفجاهیان در دکن، مراسم سالگرد کوه شریف (کوهی در دکن) و ایام سوگواری محرم است (صص ۵۸۸-۵۱۰).

خاتمه کتاب شامل دو فصل است: فصل اول درباره آغاز ورود و کلای انگلیس به دکن در ۱۱۱۰ (صص ۶۲۲-۵۸۹) و فصل دوم (صص ۶۴۶-۶۲۲) درباره آبادی بیگم بازار و «ساهوان» (وام‌دهندگان پول) آنجا، موسیقی دانان، قوالان، نقاره‌چیان، شطرنج‌بازان و مراسم دسپهره/ دسپهرا (عید هندوان که روز دهم ماه آسوج، برابر با سپتامبر-اکتبر، برگزار می‌شود). دیوالی / دیوالی (از اعیاد بزرگ و مذهبی هندوها که در آن چراغانی می‌کنند و لچمی، الاهه ثروت، را می‌پرستند)، بسنت (جشن بهار در هندوستان) و هوولی (از اعیاد هندوها که در فصل بهار جشن گرفته می‌شود و در آن به همدیگر آب رنگدار می‌باشند). این کتاب، نخستین بار با نام گلزار آصفیه، در ۱۳۰۸ به اهتمام مولوی میراحمدعلی موسوی در حیدرآباد دکن منتشر شد. در ۱۳۷۷ش مؤلف مقاله حاضر آن را با نام تاریخ آصفجاهیان در اسلام‌آباد چاپ کرد.

این چاپ مقدمه‌ای دارد، مشتمل بر معرفی کتاب و نویسنده و حکومت‌های مسلمانان در جنوب هند تا پیش از شروع حکومت آصفجاهیان، مختصری درباره تاریخ آصفجاهیان، شرح کوتاهی درخصوص سهم حکومت‌های مسلمان جنوب هند در گسترش فرهنگ ایرانی-اسلامی در دکن، ذکر منابع تاریخی و فهرست نسخه‌های خطی و چاپ سنگی درباره آصفیه، در پایان کتاب نیز واژه نامه و فهرست اعلام درج شده است. (توسلی ۱۳۸۵)

گزارش خواجه غلامحسین خان از مناسک سوگواری حسینی در حیدرآباد مفصل و دارای نکات فراوان مردم‌شناختی است که توضیح دقیق نکات و فواید آن به نگارشی چند برابر حجم نیاز دارد. این گزارش به ابتکار و اهتمام آقای رسول جعفریان توسط ایشان به صورت دیجیتال درآمده و هم‌اکنون به صورت کامل در شبکه اینترنتی قابل مشاهده است.<sup>۱۱</sup>

زمینه آشنائی بنده با این اثر نیز کوشش آقای جعفریان در ارائه نسخه‌های دیجیتال از این بخش از کتاب تاریخ آصفجاهیان بوده است. وی درباره نثر این گزارش می‌نویسد: «روشن است که نثر آن فارسی قرن سیزدهم هجری هند است و بنابراین نباید انتظار روانی آن را به سبک فارسی ایرانی داشت. اما همین خود بر شیرینی آن افزوده است» (جعفریان ۱۳۸۶)

نتیجه‌گیری تاریخی درباره این را به استاد سیدعلی قرائی واگذار می‌کنم: «از این گزارش



مراسم اربعین حسینی، سال ۱۳۸۷، حیدرآباد

منبع: <http://www.shiaindia.com/1430/Arabyeen/DSC00668.JPG>

پا و دھوتی عمدہ یا فقط لنگوٹہ سفید می‌بندند و کمر از دوتہ‌های گلابتونی بنارسی و غیرہ بیش قیمت رنگارنگ و یا با دو شال ورومال شالی بستہ خودہا را بہ زیور نقرہ‌ای و طلائی می‌آریند...

معہذا مردم شہر تمام ہند و مسلمان و بعضی اہل دیہات مجموع تا دہ روز لباس سبز می‌پوشند و بعضی سیاہ و آنتی‌ہا کہ آن را سیلی گویند بہ قیمت از دو فلوس تا دہ روپیہ و بست بست روپیہ زن‌ہا و مردہای ذی‌مقدور در حمایل می‌اندازند رنگارنگ با کار ریشم و مقیش و سیلی‌ہا در حمایل می‌اندازند. (خواجہ غلامحسین خان ۱۳۸۶)

#### مناسک غلم

«ایشان از مس و برنج و نقرہ با ہم آمیختہ کانہ تعبیہ نمودہ، بالایش بطلائی احمر ملمع ساختند، چنانچہ بہمون طرز تا حال قائم است و عقب علم مذبور ہفت علم بزرگتر مرتفع بہ نام دوازده امام (ع) علم‌های قدیم فولادی کہ در عہد سلاطین قطب شاہیہ تیار شدہاند [۱] بہ فاصلہ بیست قدم پست از علم مبارک آوردہ، نیزہ‌های آنها بر زمین ایستاد کردہ، دفتاً بہ وقت دورتر رفتن علم مبارک دویدہ می‌برند و نزدیکتر بہ فاصلہ دہ قدم می‌رسانند و بر زمین قائم می‌نمایند و توقف می‌کنند کہ علم مبارک دور رود تا باز دویدہ ببرند.

از این حرکت دویدہ بردن علم‌های مذکور را عجب صورت غم و الم بہ نظر می‌آید کہ متعاقب علم‌های مسطور دوازده امام قریب پانصد عورات سر و پا برهنہ دستہا بر سینہ زنان و سرکوبان ہمراہ علم‌ها اینہا نیز کہ بہ گریہ و زاری دودیدہ می‌آیند صورت قیامت بر پا می‌شود کہ مردان و زنان ہزاران ہزار علی‌الخصوص مستورات محلات و غیرہ از ہر ہر بنگلہ و سقف و کوتہہ در چلون‌ہا و پردہ‌ہا می‌بینند و گریہ و زاری و سینہ زنی می‌نمایند. (خواجہ غلامحسین خان ۱۳۸۶)

از آفتابی‌ہا و مشعل‌ہا ہزارن ہزار کہ خارج از قیاس بشری است، برمی‌آرند و بہ طرزهای انواع و اقسام می‌سازند عقل در حیرت است و بی‌حساب ہزارہا مردم از پیر و جوان و اطفال ہمراہ می‌دوند واحدی را اذیت نمی‌رسد محض تأیید غیبی متصور چنانچہ بارہا بہ قلم آمد. (خواجہ غلامحسین خان ۱۳۸۶)

#### آغاز مناسک سوگواری

«چون ہلال ماہ محرم الحرام در بلدہ بہ نظر می‌آید [۱] اول حسینی علم و نعل مبارک و علم بی بی ایستاد می‌کنند و سہرہ گل بابت سلامتی ہزار سالہ عمر دولت حضور پر نور از سر کار می‌رسد و سہرہ گل از خانہ سروی آب شجر و غیرہ فروش، یعنی کلانی در حسینی علم نیز می‌آید. (خواجہ غلامحسین خان ۱۳۸۶)

#### روشن کردن چراغ در عاشورخانہ‌ها

«پس در خانہ‌های امیر و فقیر اندرون خانہ‌ها و بیرون در راستہ و بازار علم‌ہا و تعزیہ‌ہا و غیرہ ایستاد می‌نمایند و نوبت ماتمی ہمہ جا می‌نوازند چہ در خانہ‌ہا و تعزیہ‌خانہ‌های امیر و چہ در عاشورخانہ فقیر کہ درین ایام در نواختن نوبت در عاشورخانہ‌ہا از سر کار ممانعت نیست، اذن عام است کہ بہ مجرد شنیدن صدایش حالت غم مستولی می‌گردد و بر سر ہر ہر بشر صورت غم و الم ہویدا می‌شود و مردم ذی مقدور روشنی در عاشورخانہ‌های خودہا از شیشہ‌آلات گران بہا می‌کنند و در بعضی جاہا از شمع کافوری و در صحن مکان‌ہا روشنی تختہ‌بندی چراغان کہ بالایش پردہ‌های سرخ باریک می‌بندند و چراغ‌ہا بہ طور چلیپا و بہ نقش‌های انواع و اقسام دیگر روشن می‌سازند. (خواجہ غلامحسین خان ۱۳۸۶)

#### غذای مناسکی

«بعضی مردم بالکل ترک لذات می‌نمایند و سوای غذای بی‌روغن و نمک هیچ نمی‌خورند و اکثر این مقدمات پرهیز و تعزیہ‌داری در ستورات نجبا بسیار است... می‌اندازند اما درین ولا برای پیر و جوان و شیخ نودسالہ جاریست و شربت از قند و نبات و شکر سفید با گلاب جابہ جا نزد ذی مقدوران و نزد غربا از شکر سرخ و قند سرخ در ہر ہر مکان و عاشورخانہ و درسیلی‌های آبدارخانہ‌ہا تیار و حاضر کہ بہ آرزوی تمام می‌خورانند و طعام نیز بہ ہمین طور. (خواجہ غلامحسین خان ۱۳۸۶)

#### لباس‌های مناسکی

«و اکثر نیم مرد آدمیان نعلین‌هایی زرتار در

بہ وضوح آشکار است کہ تمام اقشار مردم، از مردم عادی گرفته تا امیران و درباریان و حتی خود پادشاہ و خانوادہ سلطنتی و ہمہ اقوام اعم از شیعہ و سنی و حتی ہندوہا، در عزاداری حضرت سیدالشہداء (ع) شرکت فعالانہ داشتہ‌اند کہ شاید در تاریخ کم‌نظیر باشد. (قرائی ۱۳۸۶: ۷۳)

### بخش‌هایی از گزارش خواجہ غلامحسین خان

در گزارش خواجہ غلامحسین خان از این مراسم بہ نکاتی اشارہ شدہ کہ آشکارا در پژوهش‌های مردم‌شناسی قابل استفادہ است. در اینجا بر اساس تقسیم‌بندی‌هایی سادہ، بخش‌های گزینش‌یافتہ از این گزارش را نقل می‌کنم. برای ہر بخش منتخب عنوانی انتخاب شدہ کہ تا اندازہ‌ای از محتوای آن بخش خبر می‌دہد.

**الغرض خاک حیدرآباد  
از ازل بہ محبت آل رسول (ص)  
مخلوط است...  
الغرض، تکلفات محرم الحرام  
قسمی کہ در بلدہ حیدر آباد می‌شود  
در هیچ اقلیم نیست  
این معاملہ بدون دیدن  
بہ چشم خود  
دل را تسکین نمی‌بخشد...**

#### بررسی‌های کلی

«الغرض خاک حیدرآباد از ازل بہ محبت آل رسول (ص) مخلوط است... تکلفات محرم الحرام قسمی کہ در بلدہ حیدر آباد می‌شود در هیچ اقلیم نیست.

این معاملہ بدون دیدن بہ چشم خود دل را تسکین نمی‌بخشد... عجایب سیر و تماشااست از غرہ محرم تا دہم ماہ روز شہادت مردمان اشراف و امرای سرکار بعض بعض لباس سبز و سیاہ خود ہم می‌پوشند و طفلان خود را نیز می‌پوشانند و تعزیہ‌داری بہ جای می‌آرند و طعام لذیذ می‌خورانند و واقعہ‌خوانی می‌کنانند و برخی خودہا می‌خوانند و غم و الم امام (ع) را بہ درجہ کمال می‌رسانند...

الغرض تمامی اہل بلدہ در عشرہ محرم مصروف اخراجات بی‌حساب‌اند و نقشہ‌های انواع و اقسام بہ جلوه تازہ می‌آرند و علی هذا القیاس در تیاری تکلفات سواری نعل صاحب

## مناسک لنگر

«از غرهٔ محرم تا نهم ماه مذکور لنگرهای بسیار خلقت خدا در حسینی علم می‌برند و نزد نعل صاحب و علم بی‌بی نیز اما در حسینی علم بی‌شمار که حساب و شمار نیست... و کیفیت احداث رسم لنگر که سابق در ذکر سلطان عبدا... قطب شاه به قلم آمده که عبارت از لنگر فیل است که لنگر چهل من طلائی خالص مادر سلطان به وقت نجات یافتن سلطان مذکور از هنگامه فیل که چند روز و شب بر پشت فیل به سر برده بود بر طبق نیت کردن خود با چهل من شربت مصری با گلاب در کمر سلطان بسته از قلعه محمد نگر گولکنده در حسینی علم آورده، به سادات و فقرا و علما تقسیم نمود و چنانچه گذشت الحال عبارت از لنگر در عمادین از طلا و نقره و در غربا از رشته سرخ

### چون هلال ماه محرم الحرام

در بلده به نظر می‌آید،

اول حسینی علم

و نعل مبارک و علم بی‌بی

ایستاد می‌کنند

و سهرهٔ گل

بابت سلامتی هزار ساله

عمر دولت حضور پر نور

از سر کار می‌رسد

و سهره گل از خانه سروی آب شجر

و غیره فروش

یعنی کلانی در حسینی علم نیز می‌آید

ایشان درین کمال روضه‌خوانی واقعه‌خوانی و بیان احوال امام شهید معصوم امام حسین علیه الصلوه و السلام به نظر احدی نه آمد. هر گاه بالای منبر برآمده فاتحه می‌خواند خلقت خدا از هند و مسلمان هزارها مردم را به غیر بیان احوال بسیار رقت عظیم دست می‌داد، می‌خواستند که خودها را از دست خویش هلاک کنند تا به بیان چه رسد. بیانش لا بیان طلاقت لسان و فصاحت بیان از هزاران هزار بلکه خارج از بیان و اظهار بوده قوت بیانیه و انداز کلام سلک در شاهوار فرد فرید منتخب روزگار بوده، تمامی خاصان بلده از امیر و فقیر، مسلمان و هندو و همه‌ها در عاشورخانه‌اش حاضر می‌بودند و در ایام دیگر غیر از عشره محرم در هر تعزیه معمولی مقرری مجمع کثیر خلایق می‌گردید چون خان موصوف به بهشت برین خرامید سه لک و شصت و شش هزار بیات از نوحه و واقعات و خطبه و رباعیات و قصاید غرا و منقبت‌ها طبع زاد خویش گذاشت» (خواجه غلامحسین خان ۱۳۸۶)

### تعطیلی زندگی روزانه

«به تاریخ ششم و هفتم لنگر مبارک مرشدزاده‌ها بلند اقبال نیز بتزک بر می‌آیند نه روز یک آن فرصت از هنگامه لنگرهای خرد و بزرگ خلایق نیست تماشاایان امیر و فقیر را سوای هندو و مسلمان جمیع اقوام را جز دیدن لنگرها کار دیگر نیست و نباشد در ده روز عشره محرم معاملات دنیوی یک قلم مسدود همه خلایق در تعزیه‌داری و تماشای لنگرها و غیره مصروف» (خواجه غلامحسین خان ۱۳۸۶)

### مشارکت زنان

«بعضی مردم بالکل ترک لذات می‌نمایند و سوای غذای بی‌روغن و نمک هیچ نمی‌خورند و اکثر این مقدمات پرهیز و تعزیه‌داری در ستورات نجبا بسیار است...»

از این حرکت دویده بردن علم‌های مذکور را عجب صورت غم و الم به نظر می‌آید که متعاقب علم‌های مسطور دوازده امام قریب پانصد عورت سر و پا برهنه دست‌ها بر سینه زنان و سرکوبان همراه علم‌ها اینها نیز که به گریه و زاری دودیه می‌آیند صورت قیامت بر پا می‌شود که مردان و زنان هزاران هزار علی‌الخصوص مستورات محلات و غیره از هرهر بنگله و سقف و کوته در چلون‌ها و پرده‌ها می‌بینند و گریه و زاری و سینه‌زنی می‌نمایند» (خواجه غلامحسین خان ۱۳۸۶)

## مشارکت غیرمسلمانان

«هندوان زن و مرد بجان اعتقاد تمام دارند و بر هر مکان عمادین سر راه نذر و نیاز و سپهرهای مقیشی و گل و دهنی‌های طاش و کار و سسمه و غیره معه نذر نقدی می‌گذارند و می‌بندند از دست خودها به اعتقاد تمام و طفلان شیرخواره را زیر سایه علم مبارک گوش‌ها و بینی‌ها را سوراخ می‌کنایند تا مقبرهٔ شاه ظهور... صاحب در چوک میدانخان که



روز عاشورا، علم مقدس بر دست مردم، سال ۱۳۸۷، حیدرآباد

منبع: <http://www.shiaindia.com/1430/>

Ashura/DSC00584.JPG

محاذی رفعت الملک است مجاوران علم مبارک را بر خود برداشته، می‌برند.» (خواجه غلامحسین خان ۱۳۸۶)

### شب و روز عاشورا

«به شب دهم محرم که شب شب گشت سواری‌های علم‌ها و تعزیه‌ها است از سرشام هنگامه عظیم با روشنی بی‌شمار است که هرهر علم و تعزیه و براق به جلوس و هجوم مردم برمی‌آید خصوص سواری نعل صاحب با جلوس و تزک و هجوم غیبی هزارها مردم و هزارها آفتابی‌های انواع و اقسام و دیوتی‌های بی‌شمار و حساب از قیاس بشر برمی‌آید چنان که سابق ذکر آن گذشت بروز دهم که روز شهادت است سواری علم مبارک بی‌بی یعنی علم مبارک خاتون محشر (ع) از عجایب و غرایب روزگار توان گفت یعنی به وقت یک پاس روز برآمده علم مذکور از مکان خود که بیرون بلده است از دروازه یاقوت پوره اندرون شهر می‌آید صورت جلوس سواری این که اول به دست طفلان محله بیرق‌های سبز و سرخ بست و پنج بیرق که از هرهر دوکان و راسته معمولی اهل بازار فلوسها می‌گیرند و عقب اینها نشان سبز فیل و نشان سبز بر سر شتر و پس آن دو صد نفر چاوارداران یعنی سائسان باله‌های چوبی بانسی که در دست‌های خود گرفته می‌روند و پس از

آن علم‌ها و تعزیه‌ها و براق‌ها و دو قبر سرخ کاغذی با هم پیوسته کاغذی محله و عقب اینها تابوت محله و پس اینها جوق جوق‌های نجیبان و امرزاده و منصبداران و هندوان و مسلمانان هزارها همه شرفا و غیره مجموع سروپا برهنه سینه زنان حلقه حلقه حسین حسین گویان در جلوداری علم مبارک تمامی مردم مذکور از مکان علم مسطور تا دریای موسی جانب چادر گهات حاضر می‌باشند و سعادت تمام سال در آن روز می‌دانند گویا روز قیامت است که به ظهور آمد و هزارها خلقت خدا خر مهره و فلوس‌ها و بادام‌ها و پسته‌ها بالای علم مبارک نثار می‌نمایند.»

در پایان امیدوارم این گزارش توانسته باشد تا اندازه‌ای عناصر فرهنگ مادی و غیرمادی حاکم بر مناسک سوگواری امام حسین (ع) در منطقه فرهنگی حیدرآباد را نمایانده باشد. ■

### پی‌نوشت:

- ۱- جنوب هندوستان دکن خوانده می‌شود.
- ۲- برای آگاهی از شرح حال و خدمات این عالم بزرگوار در جنوب هند، به قادری، سید محی‌الدین، ۱۳۸۷، میرمحمد مؤمن استرآبادی: مروج تشیع در شبه قاره هند، با مقدمه سیدعلی قرائی، ترجمه عون علی جاروی، قم، مورخ رجوع شود. این کتاب احتمالاً جامع‌ترین اثر درباره مرحوم میرمحمد مؤمن است. مقدمه عالمانه دکتر سیدعلی قرائی بر ارزش این کتاب افزوده است.
- ۳- اطلاعات این بخش به طور کامل از مدخل «حیدرآباد» دانشنامه آزاد ویکیپدیای فارسی اخذ شده است.
- ۴- منظور شهر حیدرآباد و مناطق پیرامونی آن همچون سیدآباد، میرپیت، ظل... گوره، مامرپلی و ... است.
- ۵- برای اطلاعات بیشتر درباره وضعیت فرهنگی شهر حیدرآباد، به حسینی، سید محسن، ۱۳۸۶، «نگاهی به وضعیت فرهنگی، مذهبی و اجتماعی حیدرآباد»، تهیه و تنظیم خانه فرهنگ سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران-حیدرآباد، به اهتمام مهدی ربانی، رجوع شود.
- http://hyderabad.icro.ir/?c=documentShow&documentId=19171&t=4>]
- ۶- مفهوم تعزیه در ادبیات مردم‌شناختی شبه‌قاره هند تفاوت اساسی با مفهوم این واژه در ایران دارد. در شبه‌قاره هند به ماکت‌هایی از حرم‌های مقدس امامان شیعه (ع) و به خصوص عتبات کربلا که بیشتر از چوب بامبو و نوعی کاغذ ساخته شده، تعزیه نامیده

- ۱۰- برای مشاهده توصیفی از این کتاب، به الهی، امیر سعید، ۱۳۸۱، «تاریخ آصف جاهیان (گلزار آصفیه)»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۴۶ بهمن ۱۳۸۱، صص ۱۱-۱۲ رجوع شود.
- ۱۱- خواجه غلامحسین خان، ۱۳۸۶، «محرم در حیدرآباد: ذکر عشره شریف محرم‌الحرام در بلده حیدرآباد فرخنده بنیاد»، به کوشش رسول جعفریان، <http://www.historylib.com/Site/PrintDocument.aspx?fs=&lh=>].

### منابع:

- ۱- توسلی، محمدمهدی، ۱۳۸۵، «تاریخ آصف‌جاهیان (یا گلزار آصفیه)»، دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۴، تهران، مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی <http://www.encyclopaediaislamica.com/madkhal2.php?sid=3061>
- ۲- جعفریان، رسول، ۱۳۸۵، «تحفه هند»، مقالات تاریخی، دفتر چهاردهم، قم، دلیل ما، صص ۳۲۵-۲۶۳
- ۳- جعفریان، رسول، ۱۳۸۶، «[مقدمه]»، محرم در حیدرآباد: ذکر عشره شریف محرم‌الحرام در بلده حیدرآباد فرخنده بنیاد، به کوشش رسول جعفریان، <http://www.historylib.com/Site/PrintDocument.aspx?fs=&lh=>
- ۴- جمیلی، عباس خدوم، ۱۳۸۵، تعزیه در عراق و چند کشور اسلامی: مطالعه‌ای در خصوص ارزش‌های ادبی، اجتماعی و سیاسی تعزیه، تهران، فرهنگستان هنر
- ۵- خواجه غلامحسین خان، ۱۳۸۶، «محرم در حیدرآباد: ذکر عشره شریف محرم‌الحرام در بلده حیدرآباد فرخنده بنیاد»، به کوشش رسول جعفریان، <http://www.historylib.com/Site/PrintDocument.aspx?fs=&lh=>
- ۶- قادری، سید محی‌الدین، ۱۳۸۷، میرمحمد مؤمن سید علی قرائی، ترجمه عون علی جاروی، قم، مورخ
- ۷- قرائی، سید علی، ۱۳۸۷، «مقدمه»، میرمحمد مؤمن استرآبادی: مروج تشیع در شبه قاره هند، نوشته سید محی‌الدین قادری، با مقدمه سیدعلی قرائی، ترجمه عون علی جاروی، قم، مورخ
- ۸- نقوی، شاهد، ۱۳۸۵، «عزاداری امام حسین (ع) در ایالت سند»، مترجم خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران-حیدرآباد، به اهتمام مهدی ربانی، <http://hyderabad.icro.ir/?c=documentShow&DocumentId=11232&t=4>
- ۹- احتمال آخرین اثر جدی در این باره کتاب «The tw-elwer Shi'a as a muslim minority in India: pul-pit of tears» «شیعه دوازده امامی به عنوان اقلیتی قومی در هند: منبر اشک‌ها» است. نویسنده کتاب که کشیشی انگلیکن است، اطلاعات جالبی از مناسک سوگواری حسینی در حیدرآباد ارائه داده است.



علم بی بی که آلاوه، سال ۱۳۸۷، حیدرآباد

منبع: <http://www.shiaindia.com/1430/Bibi-Ka-Alawa/Alam-e-Mubarak.jpg>

# خیمه

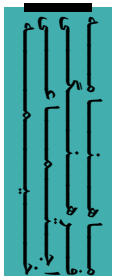
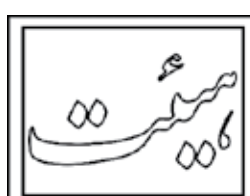
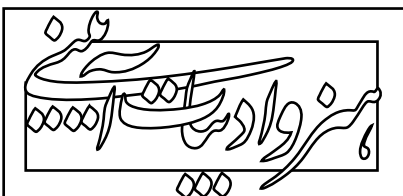
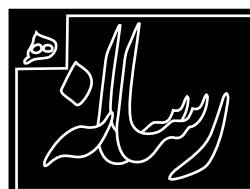
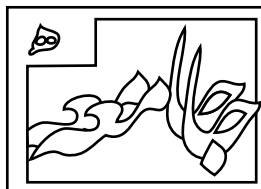
ماهنامه  
فرهنگی  
اجتماعی  
خیمه

KHEIMEH  
Cultural - Social  
M o n t h l y



جایگاه رسانه‌های دینی در جامعه امروزی ما در تعامل با نهاد خانواده و دولت کجاست؟ چه راهکارهایی برای ارائه پیام دینی تلویزیونی باید در نظر گرفت؟ تصویر چه رسالتی در انتقال پیام دینی ایفا می‌کند؟ اینها سؤالاتی است که در این بخش به آنها پاسخ می‌دهیم.

KHEIMEH  
Cultural - Social  
M o n t h l y



## امام حسین (ع) و عاشورا در ویکی‌پدیا

دیگر، منبع برخی مطالب و مقالات است.

### بررسی مدخل حسین بن علی (ع)

ویکی‌پدیا مدخل حسین بن علی (ع) را در هر سه زبان خود، با معرفی ایشان، سال‌های تولد و شهادت و همچنین مولد و مدفن حضرت آغاز می‌کند. سال تولد را هر سه زبان، در متن اصلی خود، ۳ شعبان ذکر کرده‌اند؛ هرچند که در ویکی‌پدیای فارسی در ستونی که به معرفی کوتاه امام حسین (ع) پرداخته، در مقابل سال تولد، دو عدد ۳ یا ۵ شعبان را ذکر کرده است. همچنین در ویکی‌پدیای فارسی بعد از ذکر نام پدر آن بزرگوار، توضیحی برای امام علی (ع) نیابوده است. ولی در دانشنامه‌های عربی و انگلیسی، علی بن ابیطالب (ع) را خلیفه چهارم از خلفای راشدین و امام اول شیعیان دانسته‌اند.

در بخش عربی، حدیثی از پیامبر (ص) آورده شده که کیفیت نامگذاری «حسین»، زمان میلاد و نظر ایشان درباره تراشیدن موی سر امام (ع) و هم‌وزن آن نقره صدقه دادن آورده که خود نویسنده نیز در آن تشکیک می‌کند. همچنین بخش عربی، شادی فراوان رسول... (ص) از تولد حضرت حسین (ع) و نقش و جایگاه ایشان در اسلام و تشیع را به اختصار بیان کرده که در دو

مقاله را ساماندهی کرده‌اند. ویکی‌پدیا به بسیاری از زبان‌های معتبر دنیا (۲۶۰ زبان) و صد البته زبان فارسی، پایگاه دارد. این رسانه فراگیر با این حجم انبوه اطلاعات و مخاطب، می‌تواند محملی برای نشر عقاید رفیع تشیع باشد. وبا توجه به منبع‌آزاد بودن آن، هرکسی (شاید حتی دشمنان تشیع) می‌تواند با افزودن مطالب

### برهان محمودی

ویکی‌پدیا نام معروف‌ترین و معتبرترین دانشنامه (الموسوعة / the encyclopedic) در محیط آزاد و مجازی وب است. این دایرةالمعارف علی‌رغم آنکه برای بسیاری از مدخل‌ها توضیحات کافی و حساب‌شده‌ای دارد، اما برای برخی از آنها (من جمله مدخل «حسین فرزند علی» در ویکی‌پدیای فارسی) به علت کم‌اطلاعی نویسندگان، توضیحات قانع‌کننده‌ای نمی‌توان یافت. این مشکل در اولین نگاه یک مخاطب محقق و مسلط قابل حل است؛ چراکه هرکسی می‌تواند به راحتی توضیحاتی که به نظرش به تقویت این دانشنامه در آن مدخل به خصوص می‌انجامد، اضافه کند. البته باید منابع آن در محیط وب موجود بوده و نویسنده، آنها را ذکر کند. در اساسنامه این دانشنامه آمده که تنها مطالبی که «بی‌طرفانه» و «بدون پایمال شدن حق نشر دیگران باشد»، توسط گروه گردانندگان سایت پذیرفته می‌شود.

همچنین دانشنامه ویکی‌پدیا، ساختار خود را همچون بدنی ارگانیک می‌داند که اگرچه همه اعضای آن از هم جدا عمل می‌کنند، ولی در واقع به صورت یکپارچه و مرتبط با هم که زیرمجموعه یک مدیریت است، فعالیت دارند. شعار اصلی ویکی‌پدیا این است: «ویکی‌پدیا محل تمرین دموکراسی نیست.»

ویکی‌پدیا تا پایان سال ۲۰۰۸، ۶۸۴ میلیون بیننده داشته است. همچنین در حال حاضر ۷۵ هزار عضو فعال دارد که بیش از ۱۰ میلیون



زبان فارسی و انگلیسی وجود ندارد. یک اشتباه بزرگ نیز در بخش انگلیسی این وبگاه وجود دارد که حتماً باید از سوی کاربران ویکی‌پدیا اصلاح شود. در بخش انگلیسی دانشنامه، در توضیح شخصیت اباعبدالله (ع) آورده که ایشان چهارمین معصوم از ۱۲ معصوم است که قطعاً باید ۱۲ به ۱۴ تغییر کند.

مورد نظر خود، آن را به یک «فرصت» یا یک «آسیب» تبدیل کند. بر آن شدیم تا به تحلیل و بررسی محتوای مدخل‌های «حسین بن علی (ع)» و «عاشورا» در سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی بپردازیم. قابل ذکر آنکه ماهنامه «خیمه» در این دانشنامه، مدخلی جدا برای خود دارد و پایگاه خبری «خیمه» نیز در چند مدخل

درخواست‌هایشان در نامه‌ها را به ایشان گزارش دهد. همین مورد به گونه‌ای دیگر در «موسوعه الحرة» نیز آمده است. در ویکی عربی بعد از ذکر شهادت اباعبدالله (ع) و یاران ایشان و نام بردن از تعدادی از شهدای والامقامی چون عون بن عبدالله، جعفر طیار، سایر برادران، فرزندان و برادرزادگان حضرت، به مبحث وقایع کربلا خاتمه می‌دهد.

بخش انتهایی آن (ویکی‌پدیای عربی) نیز مربوط به مطلبی درباره رأس الحسین (ع) و شش قول از اقوالی که درباره مدفن رأس مبارک وجود دارد، است؛ شام، عسقلان، قاهره، مدینه و کربلا شهرهایی هستند که ویکی‌پدیا آنها را موضع رأس الحسین (ع) می‌نامد. قول آخر به مجهول بودن مدفن اشاره دارد. این مقاله، معتبرترین مدفن را کربلا و در کنار پیگر مبارک ذکر کرده که سیده زینب (س) به همراه خود از شام به کربلا می‌آورد و در روز اربعین به خاک می‌سپارد. موضع عسقلان نیز بنا به قولی است که می‌گوید: «فاطمیون برای دور کردن مدفن رأس الحسین (ع) از حملات جنگ‌های صلیبی و تخریب آن به دست مسیحیان، آن را به عسقلان (شهری در فلسطین) برده و در آنجا به خاک می‌سپارند.» موضع قاهره نیز بر اساس روایتی از خود اهالی مصر انتخاب شده که در این روایت، از آورده شدن رأس الحسین (ع) از کربلا و توسط شهربانو همسر ایرانی امام (ع) و دختر یزدگرد سخن به میان آمده است. در حال حاضر این مکان در قاهره با نام مسجد امام حسین (ع) و به عنوان زیارتگاه شیعیان مصر شناخته می‌شود. موضع دیگر، قبرستان بقیع در مدینه ایست که تنها اهل سنت، قائل به مدفن بودن آن، در قبرستان بقیع هستند و هیچ‌کدام از روات و مورخین شیعه آن را تأیید نکرده‌اند.

ویکی انگلیسی هم مطالب کوتاهی درباره رسیدن امام (ع) به کربلا و جنگ ایشان با عبید... بن زیاد و عمر بن سعد و نحوه شهادت حضرت و یارانش در جهاد خود با کوفیان دارد؛ همچنین معرفی مرقد و بارگاه آن حضرت و نشان دادن ارادت شیعیان جهان به ایشان با انجام عمل «زیارت» از مرقد شریفش. خاتمه مقاله هم دیدگاه شیعیان و نحوه عزاداری اهالی کشورهای چون ایران، عراق، لبنان، بحرین، هند، پاکستان، ترینیداد و توباگو و جامائیکا است.

اما ویکی فارسی همانگونه که پیشتر هم گفته شد، بسیار کوتاه و مختصر است و تنها چند



مختصر زندگی‌نامه ایشان، بلافاصله از انگیزه امام (ع) از جنگ با یزید سخن رانده شده است. تنها در بخش پایانی صفحه مربوط به مدخل حسین بن علی (ع)، چهار حدیث از منزلت ایشان نزد حضرت رسول (ص)، آن هم به فارسی و به صورت چند کلمه محدود و بدون ذکر منبع و مرجع احادیث آورده شده است.

حضور امام حسین (ع) در جنگ‌های جمل و صفین و پیکارشان در رکاب پدر بزرگوارشان در دو بخش عربی و فارسی ذکر شده؛ ولی در دانشنامه انگلیسی تنها از گسیل امام حسین (ع) و امام حسن (ع) از سوی حضرت علی (ع) برای حمایت از عثمان، در زمانی که مصری‌ها به قیام علیه عثمان آمده بودند، اشاره شده است.

مطلب مشترک در هر سه بخش ویکی‌پدیا، درباره خلافت یزید، اعلام ولیعهدی او از سوی معاویه و سفارش وی به یزید مبنی بر عدم اصرار به بیعت گرفتن از حسین بن علی (ع) است. همچنین خروج امام (ع) از مدینه به مکه در هر سه آمده است. ولی در دو بخش عربی و انگلیسی، عبدالله بن زبیر هم در ردیف امام (ع) و از متمرذین از بیعت با یزید نام برده شده است.

همچنین داستان سفر مسلم بن عقیل به کوفه از سوی امام (ع) را در هر سه پایگاه می‌توانید بیابید؛ هرچند با اندکی حذف و اضافه در هر کدام. مثلاً در free encyclopedia نوشته شده که امام (ع) به مسلم مأموریت می‌دهد تا پای‌بندی کوفیان به تعهدات و

ایجادکنندگان مدخل حسین بن علی (ع) در بخش انگلیسی ویکی‌پدیا از شیعیان هند هستند که در بخشی از مقالات این مدخل، توضیحی درباره ادعای حضور هندوهای برهمن (برهمن‌ها بزرگ‌ترین طایفه هندوها هستند) در روز عاشورا و در صف یاران امام حسین (ع) و شهادت تعدادی از آنها آورده و از این رو امام حسین (ع) را یکی از محبوب‌ترین انسان‌ها نزد همه اقوام و طوایف و ادیان هند می‌دانند.

همچنین در این بخش (انگلیسی) چند حدیث هم درباره شأن و منزلت امام حسین (ع) و مادر گرمی‌شان نزد رسول الله (ص) به انضمام حدیث ثقلین که درباره جایگاه اهل بیت (ع) است، به اختصار آمده است. در ادامه نیز واقعه مباحله و حضور امام حسین (ع) در این روز و یکی از کسانی که پیامبر (ص) برای همراهی با خود در کنار داشته را به طور مختصر بیان کرده است.

در ویکی‌پدیای عربی نیز احادیثی که در آنها به شأن و منزلت امام حسین (ع) در دنیا و آخرت و نزد پیامبر اکرم (ص)، اشاره شده، با ذکر منابع (به‌خصوص منابع اهل سنت) آورده شده که تقریباً همگی همان‌هایی هستند که در ویکی‌پدیای انگلیسی وجود دارد. البته در ویکی‌پدیای عربی، توضیحی درباره فرماندهی لشکر اسلام توسط امام حسین (ع) در برخی از فتوحات سرزمین‌های اسلامی در زمان خلفای راشدین، وجود دارد.

گفتنی است که هیچ‌یک از این مطالب در ویکی‌پدیای فارسی ذکر نشده و پس از معرفی

سطری درباره زندگی و شهادت حضرت و چند جمله‌ای هم در مورد انگیزه ایشان از حرکت به سوی کربلا دارد که اتفاقاً مهم‌ترین بخش مقاله هم همین چند جمله پایانی است. در این مقاله نوشته شده که شیعیان در انگیزه امام از قیام، بر دو رأی‌اند: عده‌ای معتقدند؛ حرکت امام (ع) برای برپای حکومت اصیل اسلامی بود، ولی موفق نشد و با این حال به الگویی برای مبارزه تبدیل شد. این نظریه را ویکی‌پدیا بر اساس جملاتی از کتاب «پدر، مادر، ما متهمیم» دکتر علی شریعتی پذیرفته است. عده دیگری هم معتقدند؛ امام (ع) علم به شهید شدن داشته‌اند و انگیزه ایشان را با توجه به این مطلب، الگو شدن برای شیعیان، بخشایش گناهان ارادتمندان و سوگواری بر خود و خاندان برشمرده‌اند. دانشنامه، این مطالب را بر اساس کتاب شهید جاوید صالحی نجف‌آبادی برگزیده است. جالب‌تر اینکه منبع آن وب‌سایت «وب‌نوشته‌ها» (وبلاگ شخصی سید محمدعلی ابطحی) و نظر آیت‌ا... استادی درباره انگیزه قیام اباعبدا... (ع) از پایگاه خبری «خیمه» بوده است.

### نگاهی به مدخل عاشورا

در ویکی‌پدیای انگلیسی مدخلی با عنوان the day of ashura وجود دارد که اگرچه توضیح بسیار کوتاهی دارد، اما درباره عقاید شیعیان، اهل سنت و یهودیان در مورد این روز به خوبی پاسخگوست؛ مثلاً درباره عقاید یهودیان نوشته که آنها این روز را به تاسی از موسی (ع)، پیامبر خود، روزه می‌گیرند؛ چراکه معتقدند موسی (ع) این روز را روزه گرفت تا بتواند از خداوند طلب یاری برای نجات بنی اسرائیل از چنگال فرعون کند. اهل سنت نیز با توجه به اینکه پیامبر اکرم (ص) این روز را گرامی می‌داشتند و در آن روزه می‌گرفتند، روز عاشورا را روز شادی و فرح برای مؤمنان می‌دانند.

اما شیعیان کشورهای ایران، هند، پاکستان، عراق، بحرین و لبنان این روز را به خاطر واقع شدن شهادت امام حسین (ع) در آن، به عزاداری و نوحه‌سرای می‌پردازند.

در ویکی‌پدیای عربی نیز دقیقاً همین توضیحات دیده می‌شود و تنها دسته‌بندی توضیحات به «عاشورا از دیدگاه یهود»، «عاشورا از دیدگاه

اهل سنت» و «عاشورا از دیدگاه شیعیان»، به شکلی منظم‌تر و سازماندهی شده‌تر در مدخل «عاشورا» به چشم می‌خورد. اینکه یهودیان روز عاشورا را «روز کیبور» می‌نامند، توضیح اضافه‌تری است که در ویکی عربی آمده، و گرنه توضیحات آن درباره عقاید یهود نسبت به این روز تفاوتی با ویکی انگلیسی ندارد. همین‌طور درباره عقاید اهل سنت، تنها حدیثی از عایشه که از صحیح بخاری نقل شده، به آن افزوده شده است. اما در مورد عقاید شیعیان، این مطلب را هم اضافه کرده که اعتقاد آنها بر این است که در این روز امام حسین (ع) برای دفاع از حقوق انسان‌ها و و اعلان برابری آنها صرف نظر از دین و عقیده‌شان، به قیام برخاست.

اما در ویکی‌پدیای فارسی، توضیحی که در مدخل «عاشورا» وجود دارد، بسیار زیباتر و کامل‌تر از آنچه که در مدخل «حسین فرزند علی» وجود داشت، است. در این بخش بعد از مطالب مشترکی که در دو پایگاه عربی و انگلیسی درباره عقاید یهود و اهل سنت نسبت به این روز آمده، به سراغ مقالات جدیدی با عناوینی چون «ادبیات عاشورایی»، «سوگواری غیر مسلمانان»، «رسوم مردمی» و کارآمدتر از همه، «فهرست اسامی شهدای کربلا» رفته که تقریباً به نیاز علمی و فکری مخاطب پاسخ می‌دهد؛ مثلاً در بخشی که به معرفی دیدگاه اهل سنت می‌پردازد، نگاه فرقه‌های مختلف سنی‌ها در مورد امام حسین (ع) و عزاداری کردن یا نکردن بر ایشان را بیان داشته و به این ترتیب،



مطالب درخور توجهی به چشم می‌خورد. اینکه برخی او را از اهل بیت پیامبر (ص) می‌دانند یا برخی دیگر چون غزالی، قیام او را ناروا می‌دانند و یا بعضی چون سلفی‌ها عزاداری بر امام (ع) را بدعت می‌شمارند، همه نشان از تفاوت آراء ایشان در این زمینه خبر می‌دهد.

در مقاله رسوم مردمی، رسم «مقتل خوانی» را مختص شیعیان کشورهای عربی برشمرده که این مطلب صحت ندارد و باید اصلاح شود؛ چراکه ایرانیان نیز از دیرباز این رسم را در عزاداری‌های خود به جا آورده‌اند. همچنین از رسوم مردم یزد و انجام آیین «نخل برداری» هم سخن به میان رفته است. البته رسوم عزاداری ایرانیان به نخل برداری یزدی‌ها ختم نمی‌شود؛ چراکه هر بخش و شهر و حتی روستایی در ایران، آیین خاص خود را در ایام محرم دارند که بهتر است کاربران محترم این مسئله را نیز در جهت تقویت مدخل «عاشورا» در نظر بگیرند. سوگواری غیر مسلمانان بسیار ناقص است و تنها به عزاداری ارامنه ایران اشاره شده است؛ در حالی که همه می‌دانیم بسیاری از آزاداندیشان جهان، امام حسین (ع) را مظهر آزادی می‌دانند و در روز عاشورا بر مصایب او می‌گیرند. احتمالاً دست نویسنده در منبع بسته بوده است. حال که بحث منبع شد، باید گفت که در مورد عزاداری در ترینیداد و توباگو، در این مدخل اشاره‌ای رفته است، اما در مقابل آن نوشته شده «نیازمند منبع». پایگاه خبری «خیمه» در گزارش مبسوطی این کمبود منبع را جبران کرده و کاربر محترم می‌تواند به پشت‌گرمی این گزارش، به تکمیل این بخش بپردازد. در مقاله ادبیات عاشورایی تنها چند بیت از محتشم کاشانی آمده؛ در حالی که ادب عاشورایی بسیار گسترده‌تر از همین چند بیت معروف محتشم (باز این چه شورش است...) است. ■

### آدرس‌های سایت ویکی‌پدیا:

Wikipedia.org

فارسی: Fa.wikipedia.org

عربی: Ar.wikipedia.org

انگلیسی: En.wikipedia.org



طبق قانون اساسی  
که خط مشی و ترتیب  
اداره سازمان صدا و سیما را  
قانون معین می‌کند،  
شرایط اداره رسانه‌ای در کشور ما  
به عهده دولت بوده و از این رو  
تولیزیون اهداف خاص سیاسی را  
دنبال می‌کند

شبکه‌های سیما هر کدام به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در راستای بیان آموزه‌های دینی و استحکام این آموزه‌ها به مخاطبان به تولید برنامه می‌پردازند.

وجود شبکه قرآن سیما، به عنوان شبکه‌ای مستقل که در حوزه تبلیغ دینی فعالیت می‌کند، سؤالاتی را در اذهان متبادر می‌سازد. اولین سؤالی که مطرح می‌شود، آن است که آیا با توجه به مفهوم «قداست» که در دین ما وجود دارد، همچنین مفاهیم انتزاعی موجود در قرآن، آیا می‌توان پیام را به مخاطب عام به صورت کامل انتقال داد؟ آیا نشان دادن تصویر، از قداست آن امر مقدس نمی‌کاهد؟ شبکه مستقل دینی، با توجه به تعامل سه نهاد دین، رسانه و خانواده چه جایگاهی در خانواده دارد؟ با اختصاص دادن شبکه‌های مختلف رادیویی و تلویزیونی به عنوان شبکه‌های ایدئولوژیک دینی در جامعه ما، چقدر توانسته‌ایم خانواده‌ای دیندار پرورش دهیم؟

آیا رادیو در انتقال مفاهیم ماورایی بهتر از شبکه تلویزیونی عمل نمی‌کند؟ موسیقی پخش شده به صورت آوا و نوا و عدم استفاده از آلات موسیقی، تاکنون چه حد توانسته است با مخاطب ارتباط برقرار کند؟ شبکه قرآن سیما آیا همان کارکرد منبر سنتی را داراست؟ حلقه‌های مفقوده شبکه قرآن سیما، در مورد مخاطبان، کدام هستند؟ اینها و سؤالات دیگر، هر کدام می‌توانند راهگشای فهم بهتر از رسانه و جایگاه رسانه دینی در جامعه و خانواده باشد. ■

### منابع:

- ۱- آزاد ارمکی، تقی، (۱۳۸۶): *تلویزیون، رسانه دینی؛ آینه پیوندی میان خانواده دولت و دین در ایران*، منتشر شده در دین و رسانه، به کوشش محمدرضا جوادی‌یگانه و حمید عبدالهیان، طرح آینده، تهران، چاپ اول
- ۲- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

## انحصار رسانه‌ای در اختیار آموزه‌های دینی



در اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین، مقررات و برنامه‌ریزی‌های جامعه، باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.»، با توجه به این اصل، سه نهاد دین، خانواده و دولت در رابطه با هم طبق یافته‌های محققان به صورت خانواده، دین و دولت هستند که با توجه به دولتی بودن رادیو و تلویزیون، این رابطه نیز به شکل خانواده، دین و رسانه بر جامعه ما حاکم است.

تلویزیون با جهت‌گیری اسلامی و دینی به تهیه برنامه‌ها و مسائل مورد نظرشان می‌پردازد. به عبارت دیگر، تلویزیون نهاد و سازمان مستقلی نیست که در تعارض یا تعامل با دیگر نهادها قرار بگیرد. (آزاد ارمکی: ۱۱: ۱۳۸۶)



**سرویس رسانه:** زمانی بیکه‌تاز رسانه‌های جمعی، «مطبوعات» بودند. ادعای رکن چهارم دموکراسی برای مطبوعات به عنوان ناظر امور دولت را عملکرد رسانه‌ای به عنوان «نماینده مردم» به خوبی نشان می‌داد. استفاده از رادیو برای تبلیغات جنگ در زمان جنگ جهانی دوم توسط هیتلر و بسیج عمومی نیروها موج نظری نفوذ و تأثیر قوی رسانه‌ها را در اذهان جا انداخت. مخاطب، به عنوان قربانی بی‌دفاعی دیده می‌شد که هر پیامی که رسانه به او بدهد، باور می‌کند.

اما اینک دیگر نه شرایط انحصار رسانه‌ای و نه تیغی بر پشت پیام است که چنان اثری را در اذهان مخاطب بتوان طلب کرد. در جریان انحصاری بودن رسانه در کشور ما و طبق تعریف آمده در اصل چهل و چهارم قانون اساسی کشور که رادیو و تلویزیون در اختیار دولت هستند و طبق اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی که خط مشی و ترتیب اداره سازمان صدا و سیما و نظارت بر آن را قانون معین می‌کند، شرایط اداره رسانه‌ای در کشور ما به عهده دولت بوده و به همین دلیل، تلویزیون اهداف خاص سیاسی را دنبال کرده و ایدئولوژیک نیز هست. وجه فراموش شده در مورد این رسانه، نقش اجتماعی آن است. به نظر می‌آید که رسانه تلویزیون به تعامل بین سه نهاد اجتماعی می‌پردازد. برنامه‌ها و سیاست‌های رسانه در ایران به گونه‌ای است که در آن، دولت، خانواده و دین حاضرند. (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۱۲)

## تصویر، قالبی ناقص برای بیان مفاهیم قدسی

بررسی تصویر تلویزیونی، مزیت‌ها و نقایص در بیان مفاهیم انتزاعی و دینی به‌ویژه در شبکه قرآن سیما

عبدالله... رضایی\*

حدود و ثغور خود می‌توانند حامل پیام پیامبران باشند؟ در یک بحث پدیدارشناسانه، «تصویر» از سویی ساحتی زمینی بوده و دارای ظرفیتی محدود، برای بیان معارف آسمانی است. از سوی دیگر ده‌ها سال است، رسانه‌های تصویری برای هرچه بیشتر سکولار کردن جوامع، تمرین کرده‌اند. بنابراین امروز در حد اعلاى آموختگی در فرم و محتوای سکولار هستند و مخاطبان را در بازگشتی اسفانگیز به دوران دیده‌پرستی رهنمون ساخته‌اند. حتی در تلویزیون‌های

**تلویزیون نیز ناچار است  
برای ارائه مفاهیم  
هرچند آموزه‌های دینی  
از نشانه‌های سکولار خود  
استفاده کند و برای هم‌خوانی  
این مفاهیم با نشانه‌های غیر دینی  
دین را غیر قدسی کند**

به ظاهر دینی نیز پیامبران، روح و ملائک، ساحت‌های الهی و نشانه‌های آنان با تجسم ابعاد زمینی‌تر، در بیان تصویر کادربندی شده‌اند. محدودیت تصویر فقط به محدودیت انتخاب تهیه‌کنندگان آن بر نمی‌گردد، بلکه رابطه تصویر ارائه شده با حقیقت و آنچه که هست با آنچه که

نشان داده می‌شود، نیز باید مد نظر باشد. معارف دینی تمام و خالص حقیقتی تام است. همان است که باید بیان شود؛ کوتاه و گویا، نه بیشتر و نه کم‌تر. اما روش بیانی تلویزیون و تصویر برای انتقال مفاهیم، اگرچه گاه به شکلی هنرمندانه، کوتاه و گویاست، اما غالباً مفصل و پر شاخ و برگ است و رابطه صادقانه‌ای با حقیقت ندارد؛ زیرا تصویر ارائه شده، لاجرم باید جذاب باشد. اما نه از نوع جذابیت بیانی همچون قرآن که جذابیتی ذاتی است و منطبق با فطرت پاک، بلکه دارای جذابیتی افزودنی است که دارای دو سر است؛ یک سر در تفسیر و تأویل‌های هنری و زیبایی‌شناسانه انسان‌های مدعی هنر و سری در آنچه خوشایند مخاطبان و باعث رضایتمندی آنها از این تصاویر است تا ببینند و پس نزنند، در این فرمت رسانه‌ای تصویر تلویزیونی باید به هر قیمت مخاطب را جذب کند و جلوی گیرنده می‌خکوب کند.

این یک اصل است و تلویزیون دینی و غیر دینی را نمی‌شناسد. عناصر جذابیت در این رسانه بیشتر در انحصار عناصری است که جنبه نفسانی دارند تا الهی که بر اساس میل کانالیزه شده مخاطب امروز و بر اساس سرگرم‌کنندگی و برآیند سقوط در دره غفلت و غافل شدن از یاد خدا،

قبل از بررسی فعالیت شبکه قرآن و معارف سیما باید با نگاهی دقیق، به بازخوانی ماهیت رسانه تلویزیون پرداخت. در واقع باید بدانیم؛ آنچه را که می‌خواهیم بگوییم، چگونه و برای چه کسانی بگوییم؟ هارود لاسول، ارتباط جمعی را حاصل تعامل پنج عنصر می‌داند؛ «ارتباط‌گر یا فرستنده»، «رسانه»، «پیام»، «مخاطب» و «اثرات رسانه بر مخاطب».

اینکه در سیمای قرآن چه می‌خواهیم بگوییم، تا حد زیادی در حدود کلیات مبحث در قالب اهداف‌شناسی، گرایشی و رفتاری در اساس‌نامه شبکه قرآن روشن است و شما نیز می‌توانید این کلیات را با رجوع به سایت این شبکه، دریابید. ولی در بیانی دیگر، همین اهداف هنگامی که بر اساس راهبردهای کلان و علمی در حوزه‌های اعتقادات احکام و سایر معارف دینی و ... مورد مذاقه قرار گیرد، جای تأمل فراوان‌تری دارد که بررسی آن مجال دیگری را می‌طلبد.

آنچه مطمح نظر ماست، عدم قرابت ساحت تصویر با مضامین مورد نظر است. اگرچه می‌توان گفت؛ امروز رسانه‌ها تشنه پیام پیامبران‌اند، اما باید پرسید کدام رسانه‌ها؟ آیا رسانه‌های امروز با

از برنامه‌های این شبکه در حقیقت برنامه‌هایی رادیویی هستند که از تلویزیون پخش می‌شوند. باید توجه داشت؛ پخش برنامه‌های مکرر تلاوت قرآن از استادان مختلف، اگرچه کاری پسندیده و ممدوح است، اما با تصویر گاه ثابت قاری یا حتی تصاویر طبیعت، برای مخاطب تنوع طلب تلویزیون، محلی از اعراب ندارد. و گزینه بهتر است از رادیو قرآن یا رادیو معارف پخش شود. مگر آنکه با ایده‌هایی بدیع و جوه دیگری برای استفاده بیشتر مخاطبان از تصویر و برنامه فوق در نظر گرفت؛ مثلاً زیرنویس آن به زبان‌های دیگر و لحاظ مزایای آموزشی دیگر می‌تواند بر غنای آن بیفزاید.

مسئله دیگر ابعاد مختلف موضوعی و قالب‌های متفاوت معرفتی از زندگی دینی است که علاوه بر شیوه‌های متفاوت تلاوت و آموزش قرآن باید در همه ابعاد مطروحه در این شبکه بدان توجه شود. البته این امر با بالا رفتن هزینه‌های تولید همراه است که مدیران رسانه ملی باید این هزینه‌ها را با وقوف به اهمیت پیشسازی این شبکه در ارائه الگوهای دینی، بپذیرند. در غیر این صورت، ارائه سطحی برنامه‌های معارفی آن هم در گروه‌های مختلف برنامه‌سازی در حقیقت منجر به نقض غرض خواهد شد.

باید توجه داشت، شبکه‌های دیگر با استفاده از فضاها و امکاناتی که هم به لحاظ مالی و هم به لحاظ رعایت کمتر مسائل شرعی، افزایش مانور فرمی بیشتری پیدا کرده‌اند، در رقابت با شبکه قرآن سرعت بیشتری دارند. بنابراین پایین آمدن سطح محتوایی و ارائه ضعیف برنامه‌ها به لحاظ فرمی می‌تواند، ضربه‌ای سخت بر میزان جذب مخاطبان این شبکه وارد سازد. راه حل برون رفت از این مسئله، استفاده متخصصان دینی آشنا به رسانه و از متن حوزه‌های علمیه (با توجه به نزدیکی تهران و قم و وجود دانش‌آموختگان حوزوی دانشکده صدا و سیما در قم) است که می‌تواند مورد توجه مدیران این شبکه قرار گیرد.

آنچه مسلم است، شبکه قرآن و معارف سیما، مدلی در حال آزمون و خطا برای نیل به رسانه اسلامی است که هم تشنه معارف ناب اسلامی و هم مشتاق ارائه فرم‌های جدید رسانه‌ای و منطبق با آموزه‌های دینی است. ■

\* معاونت فرهنگی-هنری پژوهشکده مهدویت و تهیه‌کننده شبکه قرآن

را شامل شود. بنابراین همان وقت محدودی که برای تلویزیون می‌ماند نیز باید شامل طیف برنامه‌های مفید از جمله اطلاع یافتن از وقایع و بهره‌گیری از برنامه‌های علمی، علاوه بر برنامه‌های سرگرمی باشد.

برای ساختن عنصر جذابیت در رسانه اسلامی باید پژوهش‌های عمیقی انجام شود که حصول به آن زمینه‌های دستیابی به این رسانه است. امروزه سطح خواستن مخاطبان ناخواسته در حدود خواست‌های دانی تعریف شده است. پس

### برخورد شبکه قرآن با موسیقی

#### نباید به عنوان خط قرمزی

#### شرعی باشد

و منجر به افت کیفیت بعضی برنامه‌ها  
که با موسیقی عجین است، شود

جذابیت مطلوب آن نیز بر اساس سکس، خشونت و هیجان‌های کاذب ارزیابی می‌شود و این حد فاصلی میان اصالت‌های دینی با رسانه غیر دینی است که باید با عناصر منطبق با آموزه‌های دینی جایگزین شود؛ مثلاً رقابت در قالب گونه مسابقات تلویزیونی، عنصری جذاب و سالم برای رشد و تعالی بینندگان است که در صورت استفاده صحیح می‌تواند، به جذب مخاطبان عام و خاص بپردازد. در این میان رسانه‌هایی که در حوزه دین به صورت تخصصی فعال‌اند، کاری بس مشکل‌تر پیش روی دارند. مدیران این رسانه‌ها باید محدودیت‌های به ظاهر تهدید کننده را تبدیل به فرصت‌هایی برای ارائه فرم‌ها و قالب‌های جدید و مطابق طبیعت انسان در مقام بندگی کنند و با ارائه الگوهای مطبوع و روش‌های سالم زندگی اجتماعی مدل‌های زندگی دینی و موفق را به مخاطبان عرضه کنند.

البته نباید محدودیت‌ها خودساخته باشند؛ مثلاً برخورد شبکه قرآن با موسیقی نباید به عنوان خط قرمزی شرعی باشد و منجر به افت کیفیت بعضی برنامه‌ها که با موسیقی عجین است، شود. چنان که مسئولان این شبکه نیز سرپال‌ها و برنامه‌های نمایشی را بدون حذف موسیقی متن پخش می‌کنند. باید پذیرفت حذف موسیقی برای رسانه فعلی تلویزیون یک محدودیت است. سؤال اینجاست؛ آیا به حد کافی قالب‌های متنوع و بدیع تلویزیونی بدون دخالت موسیقی در شبکه قرآن طراحی شده است؟ در نگاهی دیگر بعضی

استوار شده است. امروزه سرگرمی، کارکردهای دیگر تلویزیون، همچون اطلاع‌رسانی و آموزش را تغییر داده و برنامه اخبار سراسری را نیز تبدیل به یک برنامه تریبی سرگرم‌کننده و جذاب کرده است. اما راه حل برون رفت از این مشکل چیست؟ چگونه می‌توانیم تلویزیون را با تمام مزایا و قدرتی که دارد، در مسیری غیر سکولار، رشد و جهت داده و از آن برای تبلیغ و ترویج آموزه‌های دینی استفاده کنیم؟ به نظر می‌رسد، فرآیند شکل‌گیری ساختار تلویزیون و نمادهایی که برای ارائه پیام تولید و مانا شده، بر اساس مطالبات و نیازهای غیر واقعی و منشعب از جریان‌های تاریخی قوام یافته بعد از رنسانس، شکل گرفته و به همین ترتیب بر اساس قالبی سکولاریسمی توسعه یافته است. از این رو بیان تصویر و تلویزیون نیز ناچار است، برای ارائه مفاهیم، هرچند آموزه‌های دینی، از نشانه‌های سکولار خود استفاده کند و برای هم‌خوانی این مفاهیم با نشانه‌های غیر دینی، دین را غیر قدسی کند. پس باید با مهندسی دوباره تلویزیون بر اساس نیازهای واقعی انسان امروز و حقیقتی که دین در اختیار ما نهاده، به بازتعریف نشانه‌ها و نشانه‌سازی در قالب‌ها، ژانرها و گونه‌های مختلف تلویزیونی پرداخت یا حتی برای این امر ضمن بازتولید گونه‌های جدید، فراتر از وضع موجود اندیشید و با شناخت ماهیت زیبایی‌شناختی تلویزیون در این ماهیت تصرف کرد.

پرسش ماهیتی برای دینی کردن تلویزیون و استفاده از آن به عنوان تبلیغ و ترویج دین، پرسش از کمیت و کیفیت ارتباط و تغذیه این رسانه از نسبت‌های دینی، فرهنگی و زیبایی‌شناختی ماست و اینکه این سنت‌ها چگونه و تا چه حد می‌تواند استمراردهنده آن باشد. خصوصیات ذاتی تلویزیون، همچون «کمیت زمانی»، «ساده‌سازی»، «صمیمیت»، «قرابت» و «تکرار» می‌تواند، دست‌مایه تلاش جهت ابداع تکنیک‌ها و ظرفیت‌های جدید برای ارائه و ترویج آموزه‌های دینی باشد؛ مثلاً عنصر زمان در تماشای تلویزیون بر اساس تقسیم صحیح زمان، برای یک مسلمان، بسیار محدودتر از آن است که امروز شاهد آن هستیم. سرگرمی مجازی تلویزیون حداکثر می‌تواند، قسمتی از مجموع سرگرمی‌های یک فرد مسلمان از جمله حضور در طبیعت و تفکر در آن، گذران وقت با ارحام و دوستان، ورزش و تربیت قوای بدنی

یک‌سویه دریافت کرده بودند، به راحتی تغییر عقیده دادند. در صورتی که کسانی که پیام دو طرفه دریافت کرده بودند، کمتر تغییر عقیده دادند. با توجه به این مثال، در شبکه مورد نظر، برای مخاطب کودک، تولیدات پویانمایی که از پرفردارترین قالب‌های برنامه‌ای محسوب می‌شود، بسیار کم‌رنگ دیده می‌شود. این تولیدات دارای قابلیت‌های بسیاری از لحاظ بصری است؛ برای مثال، می‌توان معناها را به صورت غیر مستقیم طوری در آن گنجانده که کودک با این پیام‌ها اجتماعی شود.

محور برنامه‌ها به سمت گوینده سوق دارد و شکل منبر و پامنبری را تداعی می‌کند؛ پخش سخنرانی‌ها و تلاوت‌ها از این قبیل‌اند. در این حالت، بدون درگیری فعال مخاطبان پیام‌های یک‌سویه ارسال می‌شود.

با آنکه می‌توان در این شبکه، برنامه‌های تولیدی دید، اما هنوز سریال یا برنامه خاصی که مخاطب وفادار داشته باشد، به طوری که بتواند مانند برنامه‌های شبکه‌های دیگر سیما بر ورد زبان بیفتد و دیگران را مشتاق دیدن چنین برنامه‌هایی کند، به چشم نمی‌خورد.

خوشبختانه شبکه به سمت ساخت سریال‌هایی رفته و با پخش مجدد سریال «یوسف پیامبر (ع)» توانسته، کمی عادات تماشاگر را منحصراً به هفت شبکه سیما را بشکند و مخاطب را به سمت خود بکشاند. اما برنامه‌های این شبکه، به‌ویژه در قسمت فیلم‌ها هنوز به پخش مجدد فیلم‌های انبیاء چون «ابراهیم خلیل ... (ع)»، «مریم مقدس (س)» و ... بسنده کرده است.

مفاهیم قرآنی آن قدر وسیع بوده و در زندگی روزمره آدمی تنیده‌اند که ما را تنها در یک قالب موضوعی که نمایش زندگانی انبیاء باشد، محدود نمی‌کند. خلاقیت، عدم مستقیم‌پردازی به مفاهیم، درگیر کردن مخاطب با برنامه‌ها، ساده کردن مفاهیم انتزاعی با برنامه‌های ملموس و قابل درک، برای مخاطب عام از راهکارهایی است که می‌تواند به برنامه‌سازان این شبکه کمک بیشتری کند. ■



## ابتکار، عنصر فراموش شده شبکه قرآن

**محور برنامه‌ها به سمت گوینده**

**سوق دارد**

**و شکل منبر و پامنبری را**

**تداعی می‌کند**

**پخش سخنرانی‌ها و تلاوت‌ها**

**از این قبیل‌اند**

**در این حالت**

**بدون درگیری فعال مخاطبان**

**پیام‌های یک‌سویه ارسال می‌شود**

اجتماعی پایین را مورد تأثیر قرار می‌دهد. اما یکی از وظیفه‌های رسانه، انتقال میراث فرهنگی و آموزش است. هنگامی که مخاطب را با چالش‌های یک پدیده و نحوه برخورد با آن آماده کنیم، آموزه و پیام ارسالی با تعقل مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

روان‌شناسان طی تحقیقات خود دریافتند که در هنگام تغییر عقیده، کسانی که پیام

سرویس رسانه: برنامه‌های ارائه شده در شبکه قرآن، نشان از سعی این شبکه برای ساخت برنامه در تمام حوزه‌های سنی مخاطبان دارد؛ به عنوان مثال، برای سنین کودکان، برنامه‌هایی همچون برنامه «خاله لیلا» که در آن شخصیت خاله لیلا برای کودکان قصه‌های قرآنی و ایرانی تعریف می‌کند یا «قصه‌های مادر بزرگ» را می‌توان نام برد. اما میزان خلاقیت در آنها پایین و مستقیم‌پردازی به شکلی تقریباً شعاری بالاست.

اصلی که باید هر برنامه‌سازی در ساخت برنامه‌های رسانه‌ای به آن مشرف باشد، آن است که از فرستادن پیام یک‌سویه جلوگیری کند. پیام یک‌سویه، پیامی است که به انتخاب برنامه‌ریز رسانه‌ای، صرفاً نکات مثبت یا منفی یک امر یا پدیده را بدون ایجاد چالش در آن حوزه به مخاطب انتقال می‌دهد. این نوع پیام، مخاطبان کم‌سن، کم‌سواد و دارای طبقه

# رادیو و برنامه‌های مذهبی قبل از انقلاب اسلامی ایران



گیتی کاوه

در شماره قبلی، بیان شد که رادیو در سال ۱۳۱۷ در ایران آغاز به فعالیت کرد و در ابتدا برنامه‌های مذهبی جایگاهی در تولید برنامه نداشتند تا اینکه سرانجام اولین سخنرانی مذهبی در رادیو در تاریخ ۶ بهمن/۱۳۲۰ در شب تاسوعای ۱۳۶۱ قمری توسط دانشمند و خطیب بزرگ «حسینعلی راشد» ایراد شد.

از آن به بعد به مدت بیست و پنج سال هر هفته روزهای پنجشنبه (شب جمعه) سخنرانی‌های مذهبی استاد راشد از رادیو ادامه داشت. مدت زمان این سخنرانی‌ها در سال‌های نخستین، حدود سی دقیقه<sup>۱</sup> و پس از گذشت چند سال به مدت یک ساعت بود. لازم به توضیح است که ضبط این سخنرانی‌ها در منزل استاد، انجام می‌پذیرفت و ایشان به محل استودیوی رادیو واقع در بیسیم پهلوی نمی‌رفتند. این یکی از شروط ایشان برای ایراد سخنرانی از رادیو بود. علاوه بر این ایشان شرط کرده بودند که در رادیو، از به کار بردن لقب استاد درباره‌ی ایشان خودداری شود.

استاد راشد، درباره‌ی روش تبلیغی خود در سخنرانی‌های رادیو و منبر، در سرگذشتنامه‌ای که خود نوشته‌اند، می‌نویسد:

«در سخنرانی‌ها از هیچ کس تقلید نکردم و فقط با نهایت سادگی و صراحت بیان، بدون پیرایه سعی می‌کردم آنچه به نظرم برای مردم مفید می‌آید، بگویم. منبر خود را آلت دست هیچ کس و وسیله‌ی اجرای هیچ غرضی جز ارشاد و نصیحت مردم قرار ندادم. در منبر هرگز وارد مسائل خلاف یا مناقشات مذهبی و مطالبی

که صحت آنها معلوم نیست یا به کار مردم نمی‌خورد، نمی‌شوم و فقط مطالبی را می‌گویم که در بیدار کردن فکر و نیرو دادن به عقل مردم و تهذیب اخلاق و اصلاح اعمال آنها، مفید باشد.»<sup>۲</sup>

استاد شهید «مرتضی مطهری»، که خود از گویندگان برنامه‌های مذهبی رادیو بودند؛ درباره‌ی انعکاس سخنان مذهبی راشد در رادیو فرموده‌اند: «سخنرانی‌های رادیویی راشد، از همان اول با استقبال عمومی مواجه شد و چون پخته و سنجیده و در عین حال ساده ادا می‌شود، تمام طبقات از اداری و بازاری، قدیمی و متجدد، تحصیل کرده و بی‌سواد، از آن استفاده کرده و با میل و علاقه به آن گوش می‌کنند...»<sup>۳</sup>

تنها در سه نوبت، سخنرانی استاد راشد از رادیو قطع شد؛ یک نوبت در سال ۱۳۲۹ زمانی که برای معالجه به خارج از کشور رفته بودند و نوبت دوم در زمان ریاست «اسفندیار بزرگمهر» بر اداره‌ی کل انتشارات و رادیو که در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۳۲ به دلایل واهی از سخنرانی آقای راشد جلوگیری می‌کرد و نوبت سوم در زمان تصدی «جهانگیر تفضلی» بر اداره‌ی کل انتشارات و تبلیغات بود که او سیاست مذهب‌زدایی را در رادیو پیش گرفته بود.

حجت‌الاسلام «صدرالدین بلاغی» که از استادان مدرسه‌ی عالی سپهسالار (مدرسه‌ی شهید مطهری فعلی) بود، پس از استاد راشد از سال ۱۳۲۱ به ایراد سخنرانی مذهبی در رادیو پرداخت.<sup>۴</sup>

دیگر سخنران مذهبی رادیو در همین سال آقای «مصطفی سرابی» بود.

اولین اطلاعیه‌ی قطع موسیقی از رادیو، مربوط به ایام سوگواری است و در تاریخ ۱۲ دی ۱۳۲۲ در اولین صفحه‌ی روزنامه‌ی اطلاعات به چاپ رسید. متن این اطلاعیه به این شرح است:

## اطلاعیه

### ایراد گفتارهای مذهبی

به مناسبت ایام سوگواری از تاریخ دوشنبه ۱۲ آبان، تا آخر روز یکشنبه ۱۸ دی ماه موسیقی در رادیو تهران نواخته نخواهد شد و به جای آن گفتارها و سخنرانی‌های مذهبی ایراد و قرآن مجید تلاوت خواهد شد.<sup>۵</sup>

از سال ۱۳۲۱ برخی از روزنامه‌ها مثل روزنامه

«ناهید» و برخی از مردم و مسئولین مجامع فرهنگی و مذهبی آن زمان، مکرر تقاضای خواندن قرآن از رادیو را از اداره کل انتشارات و تبلیغات درخواست می‌کردند.<sup>۶</sup>

رفته‌رفته تقاضاهای مردم و مجامع مذهبی برای پخش قرآن، اذان و برنامه‌های مذهبی از رادیو، تبدیل به یک فشار جدی برای دولت وقت شد و سرانجام به دستور وزیر فرهنگ وقت «سید محمد تدین»، در سال ۱۳۲۳ که «زین العابدین رهنما» مدیرکل انتشارات و تبلیغات بود، اولین قرآن و اذان صبحگاهی از رادیو پخش شد و به عنوان یک آیتم ثابت در جدول پخش رادیو قرار گرفت.<sup>۷</sup>

لازم به توضیح است که زین العابدین رهنما در سال‌های جوانی در نجف اشرف به سر برده بود و در حوزه‌های دینی آن دیار، درس طلبگی خوانده و تا قبل از عزیمت به ایران ملبس به لباس روحانیت بود.<sup>۸</sup>

اولین مؤذن رادیو، پدر «رحیم مؤذن زاده اردبیلی» است که اوایل سال ۱۳۲۳ برای نخستین بار در رادیو اذان گفت. اذان گفتن در خانواده آنها مؤروثی بود، به این دلیل، نام خانوادگی مؤذن زاده اردبیلی را به آنها داده بودند. مؤذن زاده اردبیلی پدر، در سال ۱۳۲۹ سکنه کرد و فوت شد و پسرش رحیم توانست کار او را در رادیو ادامه دهد.<sup>۹</sup>

## منابع:

- ۱- قنبری، امید. زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی حسینعلی راشد، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹، ص ۲۸
- ۲- مختاری اصفهانی. اسناد تاریخ رادیو. تهران، ۱۳۸۱، ص ۶۹
- ۳- اطلاعات، ۱۳۲۱/۳/۲۸، ص ۲
- ۴- اطلاعات، ۱۳۲۳/۲/۲۰، ص ۲
- ۵- اطلاعات، ۱۳۲۲/۱۰/۱۲، ص ۱
- ۶- اسنادی از تاریخچه رادیو در ایران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۲
- ۷- پخش اولین اذان و قرآن صبحگاهی. تماشا، ۱۳۵۲/۱۱، ص ۵۵
- ۸- مشار، خانابان، مؤلفین کتاب‌های فارسی چاپی، ۱۳۴۱، ج ۳، ص ۲۶۵
- ۹- یادداشت. ش ۱۱، خرداد ۱۳۸۴. تهران: اداره کل پژوهش معاونت صدا، ۱۳۸۵، ص ۲

🔴 کتابخانه تخصصی صاحب‌الزمان (عج) وابسته به مسجد مقدس جمکران در قم افتتاح شد



کتابخانه تخصصی صاحب‌الزمان (عج) وابسته به مسجد مقدس جمکران، با حضور «آیت‌الله سبحانی» در دبیرخانه شورای عالی فرهنگی و برنامه‌ریزی مسجد مقدس جمکران قم افتتاح شد.

مسئول دبیرخانه شورای عالی فرهنگی و برنامه‌ریزی مسجد مقدس جمکران در این مراسم که در محل این دبیرخانه برگزار شد، با تشریح کتابخانه تخصصی گفت: «این کتابخانه مشتمل بر دو بخش کتاب‌های مکتوب و دیجیتال است که به دو صورت قفسه‌باز و مخزن در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.»

حجت‌الاسلام «مرتضی وافی» افزود: «کتابخانه دارای ۲۰ هزار عنوان کتاب به صورت دیجیتالی و ۱۲ هزار و ۶۰۰ جلد کتاب مکتوب به دو زبان عربی و فارسی است.» وی تصریح کرد: «کتاب‌ها با محوریت مهدویت و امام‌زمان (عج) در زمینه‌های گوناگونی چون منابع اهل تسنن، فرق، مهدویت، امامت، حکومت، ادبیات و اشعار، اماکن، آینده جهان و پیشگویی و فقه و حقوق است.»

حجت‌الاسلام وافی تصریح کرد: «مهدویت و امامت با هفت هزار و ۴۰۰ جلد و احادیث و تفاسیر نیز در پنج هزار و ۲۰۰ جلد در این کتابخانه گردآوری شده است.»

وی از وجود نسخ خطی نیز در این کتابخانه خبر داد و گفت: «نسخ خطی نیز به تعداد ۱۴۴ عنوان در قالب ۳۵۰ جلد از قرن سوم هجری تاکنون در کتابخانه تخصصی صاحب‌الزمان (عج) وجود دارد که به طور عمده از کتب کمیاب و نایاب در زمینه فرهنگ مهدوی است.»

مدیر مرکز مطالعاتی راهبردی خیمه

کتاب‌های تخصصی مهدویت را شش هزار و ۵۰۰ عنوان دانست و افزود: «این کتابخانه از ۱۳ سال قبل فعالیت خود را آغاز کرده که پس از بازسازی و تجهیز در اختیار محققان و پژوهشگران دینی و عرصه مهدویت قرار گرفته است.»

مسئول دبیرخانه شورای عالی فرهنگی و برنامه‌ریزی مسجد مقدس جمکران بیان کرد: «این کتابخانه، دارای مدارک و منابع غیر مکتوب از جمله تابلو، سکه، صنایع دستی و پوستر در زمینه مهدویت است که در آینده می‌توان این اشیاء را در موزه‌های تخصصی به نمایش گذاشت.»

حجت‌الاسلام وافی با اشاره به افتتاح کتابخانه عمومی مهدوی در آینده نزدیک خاطرنشان کرد: «این کتابخانه با تعداد ۶۰ هزار عنوان کتاب در مسجد مقدس جمکران افتتاح می‌شود تا زائران علاوه بر نماز و نیایش به ارتقای سطح علمی و آگاهی خود از حضرت ولی عصر (عج) بپردازند.»

وی در پایان با مثبت ارزیابی کردن راه‌اندازی کتابخانه تخصصی مهدویت گفت: «این حرکت می‌تواند گام مهمی در توسعه علمی و تمیق فرهنگ مهدوی مردم و مسئولان داشته باشد.»

🔴 خواهران مبلغ با خرافات در مجالس خانگی مقابله کنند



مسئول فرهنگی-تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم گفت: «خواهران مبلغ در مقابل انحرافات که از مجالس خانگی زنانه پیدا می‌شود، بایستند.»

حجت‌الاسلام سید محمود مدنی در جمع بانوان مبلغ دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه اصفهان، با اشاره به ظرفیت بالای موجود در بانوان در امر تبلیغات اسلامی بیان کرد: «قرآن مجید با معرفی زنانی چون آسیه به صراحت بر نقش زن در الگوسازی برای کل زنان و مردان جامعه اسلامی تأکید می‌کند که می‌تواند نقش تأثیرگذارتری را در جامعه بر

عهده گیرد.»

وی به نقش مبلغان خواهر در جلوگیری از خرافات اشاره کرد و افزود: «غفلت از نقش زنان در جامعه اسلامی به معنای غفلت از یک سرمایه سرنوشت‌ساز عظیم است.»

معاون فرهنگی تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم با اشاره به سرمایه‌گذاری استکبار بر سوءاستفاده از زن تصریح کرد: «الآن با وجود دو هزار شبکه ماهواره‌ای که سیصد شبکه آن با پراکندن شبهات عقیدتی، فرهنگ و تمدن اسلامی را مورد هدف قرار داده، هنوز مقابله‌ای با این مسئله صورت نگرفته و هر روز این فن‌آوری رو به پیشرفت است و این مستلزم احساس مسئولیت مبلغان دینی در جامعه است.»

مدنی خاطرنشان کرد: «ما باید باور کنیم که اسلام ظرفیت‌های فراوانی دارد که ما سراغ آن نرفته‌ایم و این کار جز با مطالعه میسر نخواهد شد.»

وی گفت: «باید با آشنایی با شبهات، بدانیم مشکل فکری و عقیدتی جامعه چیست و داروی مناسب را تجویز کنیم و با استفاده از روش‌های جدید در عرصه تبلیغ در کنار تبلیغات سنتی، فعالیت تبلیغی را پیگیری کنیم.»

این مسئول فرهنگی بر نقش سامان‌دهی امر تبلیغ تأکید کرد و افزود: «مبلغان با عمل خود در جامعه می‌توانند بهترین الگو و موفق‌ترین مبلغ باشند.»

🔴 رئیس گروه سازماندهی و نظارت بر هیئات دانش‌آموزی:

«از هیئات مذهبی دانش‌آموزان باید حمایت کرد»

رئیس گروه سازماندهی و نظارت بر هیئات دانش‌آموزی بر حمایت از هیئات مذهبی دانش‌آموزی تأکید کرد.

به گفته «حسام سیروس»، رئیس گروه سازماندهی و نظارت بر هیئات مذهبی، معاونت امور فرهنگی و تبلیغ سازمان تبلیغات اسلامی، طرح حمایت از هیئات مذهبی دانش‌آموزی بعد از امضای تفاهم‌نامه با آموزش و پرورش در سال ۸۵ به صورت پایلوت توسط اداره کل تبلیغات اسلامی استان تهران برگزار شد که طی آن ۵۰۰ هیئت مذهبی دانش‌آموزی در تهران مورد حمایت قرار گرفت.



## پست جواب قبول

نیازی به چسباندن تمبر ندارد

هزینه پست بر اساس قرارداد شماره ۳۷-۳۷۱۸۴ پرداخت شده است.

صندوق پستی: تهران، ۱۹۴۱-۱۵۸۱۵

تلفن دفتر تهران: ۰۲۱-۸۸۹۳۴۹۷۰

تلفن دفتر قم: ۰۲۵۱-۷۷۵۱۴۲۳-۴

ما به عاشقان سیدالشهدا اعتماد داریم

مشخصات فرستنده: نام و نام خانوادگی: .....

استان: ..... شهرستان: .....

آدرس دقیق پستی: .....

.....

.....

تلفن: ..... کد / صندوق پستی: .....

شماره و تاریخ فیش واریزی: .....

## فرم اشتراک

هزینه اشتراک ماهیانه خیمه

پست سفارشی

پست عادی

شش شماره ۷۵۰۰۰

شش شماره ۵۱۰۰۰

دوازده شماره ۱۵۶۰۰۰ ریال

دوازده شماره ۱۰۲۰۰۰ ریال

مبلغ اشتراک را مطابق جدول بالا به شماره حساب سیبا (بانک ملی)

۰۱۰۱۲۸۹۵۵۴۰۰۱ به نام مرتضی وافی، قابل پرداخت در کلیه شعب

سراسر کشور واریز نمایید. فرم اشتراک را دقیقاً تکمیل نموده، و

به همراه اصل رسید بانکی برای ما ارسال نمایید.

تلفن دفتر تهران: ۰۲۱-۸۸۹۳۴۹۷۰

تلفن دفتر قم: ۰۲۵۱-۷۷۵۱۴۲۳-۴

همچنین این طرح در سال ۸۶ در دستور کار معاونت امور فرهنگی و تبلیغ قرار گرفت که در قالب آن ۳۰۰ هیئت مذهبی دانش‌آموزی در سراسر کشور حمایت مالی و برنامه‌ای شدند.

سیروس، اهداف طرح حمایت از هیئات دانش‌آموزی را جلوگیری از افزایش روزافزون ابتدال در میان نسل جوان با توجه به تهاجمات فرهنگی موجود در جامعه دانست. وی ارتقای سطح آگاهی و معارف الهی دانش‌آموزان و آشنایی هر چه بیشتر با اهل بیت (ع) اهتمام در نشر و گسترش فرهنگ غنی و پویایی اسلامی و آماده‌سازی جوانان برای مشارکت در توسعه فرهنگ دینی و مقابله با تهاجمات فرهنگی و مانوس شدن نوجوانان و جوانان با مراسم مذهبی را از دیگر اهداف اجرای این معرفی کرد و گفت: «گسترش هر چه بیشتر مراسم مذهبی و ملی در قالب هیئات مذهبی دانش‌آموزی گام بزرگی در جهت نهادینه کردن فرهنگ دینی و مذهبی در جامعه است.»

وی ارتقای سطح آگاهی و معارف الهی دانش‌آموزان و آشنایی هر چه بیشتر با اهل بیت (ع)، اهتمام در نشر و گسترش فرهنگ غنی و پویایی اسلامی، آماده‌سازی جوانان برای مشارکت در توسعه فرهنگ دینی، مقابله با تهاجمات فرهنگی، مانوس شدن نوجوانان و جوانان با مراسم مذهبی و ملی در قالب هیئات مذهبی دانش‌آموزی را گام بزرگی در جهت نهادینه کردن فرهنگ دینی و مذهبی در جامعه برشمرد.

طبق آمار به غیر از استان تهران بیش از ۸۰۰ هیئت مذهبی دانش‌آموزی در سراسر کشور در حال فعالیت هستند که این میزان با لحاظ قرار دادن هیئات استان تهران به ۱۳۰۰ هیئت می‌رسد.

### ۱۴۵ هیئت مذهبی بانوان در قزوین فعالیت می‌کند

کارشناس فرهنگ بانوان و مسئول واحد خواهران سازمان تبلیغات اسلامی استان قزوین از فعالیت ۱۴۵ هیئت مذهبی ویژه بانوان در این استان خبر داد.

«معصومه جاویدنیا» گفت: «واحد خواهران سازمان تبلیغات اسلامی در راستای تبلیغ دین و تحقق آرمان‌های امام راحل (ره) و رهبر معظم انقلاب به عنوان یک نهاد عمومی وابسته به رهبری در خدمت بانوان اسلام و جوانان انجام وظیفه می‌کند و در حال حاضر نیز ۱۴۵ هیئت مذهبی بانوان در استان قزوین فعالیت می‌کنند.»

وی از جذب، گزینش و اعزام ۱۵۰ مبلغ خانم با مدرک سطح دو حوزه به شهرستان‌ها و روستاهای بوئین زهرا، آبیک، البرز و تاکستان خبر داد و افزود: «برگزاری آموزش مسئولان هیئت‌های بانوان و آموزش مبلغان در قالب ۲۵ جلسه، برگزاری ۳ جلسه گفت‌وگو دینی دانشجویی، بازدید و ارزیابی مراسم اعتکاف در سال ۸۷، برگزاری مراسم سوگواری و جشن‌های مختلف و آموزش بانوان منطقه همزمان با میلاد حضرت فاطمه زهرا (س) در مورد قرار دادن الگوی تربیتی و همسرمداری آن حضرت از مهم‌ترین برنامه‌های واحد خواهران سازمان تبلیغات اسلامی استان قزوین در سال جاری بود.»

این مسئول فرهنگی، ساماندهی ۴۵۰ نفر از زنان نخبه استان، فعالیت کارگروه‌های اندیشه و مهارت‌های اجتماعی و کارگروه معارف و سنن مذهبی و برگزاری مسابقات قرائت قرآن، آموزش احکام و اخلاق در بین بانوان شرکت‌کننده در هیئت‌های مذهبی را از دیگر برنامه‌های واحد خواهران سازمان تبلیغات استان ذکر کرد.

## ○ آسیب‌های مختلفی در عصر حاضر، مرثیه‌سرایی را تهدید می‌کند



نماینده ولی فقیه در بعثه مقام معظم رهبری گفت: «در عصر حاضر آسیب‌های مختلفی مرثیه‌سرایی را تهدید می‌کند.»

آیت‌الله محمد محمدی ری‌شهری «در نخستین گردهمایی روحانیان اعزامی به عتبات عالیات در قم بیان کرد: «یکی از مهم‌ترین امتیازات مکتب تشیع بر خورداری از چشمه جوشان و پر فیض عاشورا و ذکر مصایب سیدالشهداء (ع) و یاران آن حضرت است.»

وی با بیان اینکه «بهره‌گیری از این حرکت زمینه‌ساز نظام مقدس جمهوری اسلامی شد و در آینده نیز زمینه‌ساز حکومت امام عصر (عج) است»، افزود: «این چشمه جوشان از همان روز نخست جاری شده و تا امروز هم این جریان ادامه دارد تا به حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) متصل شود.»

وی با تأکید بر ساماندهی حرکت مداحان تصریح کرد: «ذاکران اهل بیت (ع) به همان سمتی حرکت می‌کنند که فلسفه قیام سیدالشهداء (ع) است. از این رو باید این حرکت درست نظام داده شود.»

ری‌شهری با اشاره به اینکه «در عصر حاضر آسیب‌های مختلفی مرثیه‌سرایی را تهدید می‌کند»، خاطرنشان کرد: «شناسایی آسیب‌های عرصه مرثیه‌سرایی نخستین مرحله برای تحقق اهداف این حرکت الهی است.»

نماینده ولی فقیه در بعثه مقام معظم رهبری تصریح کرد: «تحریف هدف مرثیه‌سرایی یکی از مهم‌ترین آسیب‌هایی است که عرصه مرثیه‌سرایی امام حسین (ع) را تهدید می‌کند.»

وی گم شدن خدا در مرثیه‌سرایی امام حسین (ع) را تحریف هدف مرثیه‌سرایی عنوان کرد و گفت: «یکی از آسیب‌هایی که مرثیه‌سرایی را تهدید می‌کند، این است که مردم در مرثیه‌سرایی به جای آنکه با اهداف ارزشی قیام امام حسین (ع) آشنا شوند، تصور کنند ذکر مصیبت تنها برای پاک شدن گناهان است.»

ری‌شهری افزود: «برخی مداحان متأسفانه به جای تأکید بر بعد حماسی تنها به جنایت یزیدیان می‌پردازند، این در صورتی است که واقعه امام حسین (ع) دارای دو بعد جنایت یزیدیان و حماسه ارزشمند امام حسین (ع) و یارانش است.»

نماینده ولی فقیه در بعثه مقام معظم رهبری با انتقاد از استناد برخی مداحان به منابع غیرمعتبر افزود: «استناد به منابع غیر معتبر و غیر اساسی، آفت منبر و مرثیه‌سرایی است، اما برخی فکر می‌کنند هر چه در کتاب‌ها چاپ شد، معتبر و قابل استناد است.»

وی بیان کرد: «تاریخ عاشورا بیش از هر موضوع دیگری منابع معتبر دارد و مداحانی که قصد دارند روضه نشنیده را برای مردم بخوانند باید به اسناد معتبر فراوانی مراجعه کنند که هیچ‌ا حدی تاکنون آن را نشنیده باشد و چنین مطالبی در منابع معتبر فراوان دیده می‌شود.»

ری‌شهری همچنین با تأکید بر افزایش اطلاعات مرثیه‌سرایان خاطرنشان کرد: «ریشه بسیاری از آسیب‌ها جهل است، از این‌رو اگر مداحان آگاه باشند، مطالب غیر

معتبر را در منبرها و مرثیه‌ها بیان نمی‌کنند.» ■

# خیامنا

## ماهنامه فرهنگی و اجتماعی خیمه

ماهنامه خیمه با حمایت مرکز مطالعات راهبردی خیمه با رویکرد مذهبی، علمی، توصیفی، ترویجی، فرهنگی و با موضوع تخصصی امام حسین (ع)، عاشورا و مناسک آیینی و کلیه موضوعات مرتبط انتشار می‌یابد.

**مخاطبان:** تمام علاقمندان به مباحث عاشورایی به‌ویژه: محققان، پژوهشگران، نویسندگان عرصه عاشورا، مدیران و مسئولان تشکل‌های دینی، واعظ، منبری‌ها، مداحان، مدیران و مسئولان فرهنگی کشور؛

آدرس:  
تهران، صندوق پستی: ۱۹۴۱-۱۵۸۱۵، تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۳۳۴۹۷  
قم، صندوق پستی: ۴۴۹-۳۷۱۸۵، تلفن: ۰۴-۳۷۵۱۴۲۳-۲۵۱

